

# کتاب مقدس ترسایان

(ترجمه خاص)

مقدمه و توضیحات طبق

ترجمه بین‌الکلیسائی کتاب مقدس

## نامه های جامع

( یعقوب ، پطرس ، یوحنا ، یهودا )

و

مکاشفه یوحنا

# کتاب مقدس ترسایان (ترجمه خاص)

مقدمه و توضیحات طبق  
ترجمه بین‌الکلیسائی کتاب مقدس

## نامه های جامع

( یعقوب ، پطرس ، یوحنا ، یهودا )

و

مکاشفه یوحنا

## فهرست

۵	.....	پیشگفتار ناشر
۷	.....	پیشگفتار
۱۱	.....	متن
۲۵	.....	پیشگفتار
۳۳	.....	متن
۴۴	.....	پیشگفتار
۴۸	.....	متن
۵۴	.....	پیشگفتار
۶۳	.....	نامه اول
۷۷	.....	نامه دوم
۸۱	.....	پیشگفتار
۸۳	.....	متن
۸۶	.....	پیشگفتار
۹۵	.....	متن

# پیشگفتار ناشر

## در مورد این ترجمه

که عهده دار تعلیم و تفسیر می باشند .  
ب) این ترجمه با در نظر گرفتن متن اصلی کتاب و نوشته های متخصصین کتاب مقدس انجام شده ، بنابراین ممکن است از جهت نثر فارسی زیاد سلیس و روان نباشد و این صرفا به علت قوانین خاص دستور زبان عبری و یونانی است که به سختی می توان آن را به فارسی روان ترجمه نمود .

ج) در این ترجمه کوشش شده حتی الامکان ، اصطلاحات متن اصلی ( عبری ، یونانی ) به صورت یکدست به فارسی برگردانده شود تا خواننده بتواند موضوعات خاص کتاب مقدس را بهتر درک کند .

۴ - تفاسیر و پانوشت ها ، ترجمه و اقتباسی از کارهای بین الکلیمائی است که توسط گروه متخصص کلیساهای کاتولیک ، ارتودوکس و پروتستان در سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۸۰ کوشش نمودند ، هم ترجمه و هم تفسیر را به اتفاق آرا بنویسند . این ابتکار بی نظیر و مهم با عنوان Tradition Oecumenique de la Bible فرانسه چاپ گردیده است . ما از چاپ سوم این کتاب که در سال ۱۹۷۷ تجدید چاپ گردید ، استفاده نموده ایم ، مگر در مورد اسفار خمسه ( تورات ) که از تفسیر سال ۲۰۰۳ بهره جسته ایم .

۵ - ارجاعات حاشیه متن ، این فرصت را

اینک بخشی از کتاب مقدس ترسایان ، ترجمه سال دو هزار ، همراه با تفسیر بین الکلیمائی ارائه می شود ؛ اما توضیحات زیر لازم به نظر می رسد :

۱- بدین علت ، ترجمه به نام سال دو هزار نامیده شده که انجام آن بحبوحه هزاره نوین صورت گرفته است .

۲- چرا نام ترسایان ؟

طبق کتاب مقدس ، در زمان عیسی مسیح ، ترسندگان خدا به افرادی اطلاق می شد که از بت پرستی به دین یکتا پرستی یهودیان روی می آورند و در بین النهرین و از جماعت یهودیان ، مسیحیان تازه ایمان آورده را به این نام می نامیدند ( اع ۱۰ : ۲ ، ۲۲ ، ۳۵ : ۱۶ : ۳۶ ) و پرستندگان خدا ( اع ۱۳ : ۴۳ ، ۵۰ : ۱۴ : ۱۶ : ۱۷ : ۴ : ۱۸ : ۱۷ ، ۷ ) اصطلاحات خاص که به غیر یهودیانی اشاره می کند که به یهودیت علاقه داشتند و بدون اینکه ختنه شوند ، به یهودیت می پیوستند و جز و این قوم محسوب می شدند .

( ترسا در لغت به معنی ) ( ترسنده و خائف از خدا ) ) ، فرهنگ دهخدا جلد ۱۴ ) .

۳- این ترجمه نوین دارای مشخصات زیر می باشد :

الف) این ترجمه خاص ، مختص مسیحانی است که از قبیل اطلاعات کافی درباره کتاب مقدس دارند و مخصوصا شبانی

و اختصاص به کسانی دارد که برای اولین بار مطالعه کتاب مقدس را شروع می کنند . این کار نیز همراه با تفسیر ساده تری از کتاب **The New Oxford Annotated Bible** می باشد .

انتشار این کتاب مایه افتخار و خشنودی تمام کسانی است که تنها هدفشان از سال های همکاری ، جلال خدا و خدمت به جویندگان راز الهی است که می خواهند در نور روح القدس ، کلام خدا را بهتر درک نمایند .

برای محقق فراهم می آورد تا در ارتباط با تمام متون کتاب مقدس ، معنی کامل یک جمله یا یک اصطلاح خاص را درک کند . علاوه بر این ، توصیه می شود از ابتکار این گروه بین الکلیسایی به مدیریت کشیش **Xavier Leon-Dufour** که اقدام به تهیه الف ) فرهنگ الهیات کتاب مقدس

ب ) فرهنگ عهد جدید نموده و به زبان های مختلف از جمله زبان فارسی برگردانده شده اند استفاده شود . علاوه بر این ، ترجمه دیگری در شرف انجام است که ساده تر از ترجمه فوق می باشد

# نامه یعقوب رسول<sup>۶۸</sup>

## پیشگفتار

(سالهای ۶۶-۷۰ میلادی) و ده سال بعد از آن نبوده است. بالاخره در نامه یعقوب، تشریح نظریات عقیدتی، به نظر آنچه در نامه های پولس یا یوحنا آمده و موجب جذابیت و همچنین دشواریهای آنها شده است وجود ندارد و فقط شامل یک رشته آموزشهای اخلاقی است که گاهی متعارف و معمولی هستند و به هر صورت از اصول اخلاقی یهودیان یونانی گرای آن دوران گرفته شده است.

### چند مسئله

با این همه ورای این وضوح ظاهری، مسئله های دشواری پنهان شده است و بطوری که از احادیث و روایات دورانهای بعدی برمی آید کلیسای این مسائل را درک کرده و بدین سبب تردید داشتند نامه یعقوب را به همان اهمیت نامه های پولس بپذیرند در حالی که نخستین نامه پطرس و نخستین نامه یوحنا از قرن دوم میلادی بعنوان نوشته برحق پذیرفته شده بود، نامه یعقوب تدریجاً و از اوایل قرن سوم میلادی جزو نوشته های عهد جدید منظور گردید و فقط در پایان قرن چهارم میلادی، پس از مذاکرات و مباحثه های طولانی در کلیسای غربی بعنوان نوشته برحق پذیرفته شد. در صورتی که کلیسای شرقی قبلاً و به اتفاق آراء آن را پذیرفته بودند.

نامه یعقوب در نظر اول نکته مرموزی ندارد زیرا با عبارات مکاتبه ای آغاز می شود که در آنها نویسنده نام خود را ذکر کرده و نشان می دهد که فرد مسیحی نسبتاً مهمی است. این نامه به زبان یونانی فصیحی نگاشته شده است، مطالب کوتاهی در فصلهای ۲ و ۳ به روش «هجایی» ذکر شده که اکثراً فلاسفه عامی بکار می بردند و نویسنده موقعی که از کتاب مقدس نقل می نماید، نه از متن عبری بلکه از ترجمه یونانی (هفتادتنان) است. همه این نشانه ها دلیل بر آن است که این نامه از منبع یهودیانی است که در دنیای یونانی زبان پراکنده بوده و به زبان یونانی سخن می گفتند و آنان را «یهودیان یونانی گرا» می خوانیم. در فصل ۲ نامه بحث و مشاجره پرشوری آمده (بندهای ۱۴-۲۶) و در مخالفت با تعبیر نابجای نظریات پولس است که گفته بود نجات به وسیله ایمان و بدون توجه به اعمال است. بدین سبب به اطمینان می توان گفت که نامه مدتی پس از اواسط قرن اول میلادی نگارش یافته، در دورانی که هم زمان با موفقیت های بزرگ پولس در اجرای مأموریت رسالت بوده است. از سوی دیگر، در این نامه هیچ گونه اشاره ای به وضعیت سیاسی نشده و از معبد اورشلیم ذکری به میان نیامده است، بنابراین نگارش نامه هم زمان با شورش یهودیان

می‌شوند و این روش نگارش با قواعد نویسندگی یونانی‌گرایان چندان تطبیق می‌کند؛ ضمناً از تشابهی که با کتاب بن سیراخ وجود دارد می‌توان استنباط کرد که تماسهایی با کتابهای حکمت یهودیان وجود داشته است بالاخره اهمیتی که به موضوع‌های پایان روزگار و مخصوصاً داوری نهایی داده شده است (۲: ۱۲-۱۳؛ ۴: ۱۲؛ ۵: ۹-۱۲) افکار و عقاید یهودیان فلسطینی و آموزشهای عیسی را به یاد می‌آورد. بنابراین ممکن است یعقوب، برادر خداوند، اثر خود را بر این نامه گذاشته باشد، بعضی از مفسران تصور می‌کنند که منشی یونانی‌زبانی را مأمور کرده است این نامه را بر طبق آموزشهای او و به نام او بنویسد، مفسران دیگری معتقدند که بیشتر محتمل است احادیثی از سخنان یعقوب، نظیر احادیث انجیلیهای همگونه، البته به مقیاس کوچکتری وجود داشته و نویسنده‌ای بر طبق مرسوم نویسندگی آن دوران خواسته است اثر خود را به نام شخصیت معروفی نوشته باشد. در این صورت تاریخ نگارش نامه بین سالهای ۸۰ الی ۹۰ میلادی خواهد بود.

مفسران جدید به نکته دیگری در نامه یعقوب توجه کرده‌اند: نامه به «دوازده قبیله‌ای که در پراکندگی هستند» خطاب شده و اگر به مفهوم تحت‌اللفظی این عنوان گرفته شود، خطاب به یهودیان است و ضمناً فقط دوبار نام عیسی مسیح ذکر شده است. (۱: ۱، ۱: ۲) و این تذکرها به اندازه‌ای مختصر و گذرا هستند که بعضی از منتقدان فکر می‌کنند بعداً به نامه اضافه شده تا یک نوشته کاملاً یهودی را به صورت مسیحی درآورند. البته این فرضیه را نمی‌توان پذیرفت زیرا در بندهای ۲: ۱۴-۲۶ بحث درباره نظریات پولس است و بنابراین مربوط

می‌دانیم که لوتر بحث درباره این نامه را مجدداً مطرح کرده بود، زیرا به نظر او جنبه «رسالتی» این نامه اندک بود، تا به جایی که گاهی آن را نوشته‌ای یهودی می‌دانست که بایستی از نوشته‌های برحق به کنار گذاشته شود. با اینکه از نظریه او پیروی نشد، اشکالی که در پذیرش نامه یعقوب در طی قرن‌ها وجود داشته قابل توجه است: زیرا این اثر خارج از جریانهای بزرگ خدانشناسی مسیحیت قرن اول میلادی قرار دارد.

انتساب نامه به یعقوب، برادر خداوند هم مسئله‌ای ایجاد می‌کند. حتی اگر این یعقوب را غیر از یعقوب پسر الفه که یکی از دوازده رسول بوده است بدانیم (ر. ک مر ۳: ۱۸ و موارد مشابه در انجیلیهای دیگر). به طوری که از مفادنامه بر می‌آید نویسنده نامه شخصیت مهمی در کلیسای اورشلیم (ر. ک غلا ۱: ۱۹؛ ۲: ۹؛ اع ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳-۲۱؛ ۲۱: ۱۸-۲۵) یک فرد فلسطینی تمام‌عیار است که با فرهنگ یونانی آشنا نیست (ر. ک مخصوصاً اوسیبیوس تاریخ مذهبی جلد ۲، ۲۳: ۴-۱۸). اکنون چگونه می‌توان تصور کرد که اثری بنویسد که به این اندازه یونانی است؟ بنابراین اگر انتساب نامه را به یعقوب به معنی تحت‌اللفظی کلمه بگیریم ظاهراً صحیح نیست ولی این انتساب به اندازه‌ای قدیمی و مورد قبول عموم بوده که نمی‌توان آن را انکار کرد؛ ضمناً باید توجه نمود که در نامه یعقوب همه چیز جنبه یونانی ندارد؛ مثلاً در بین کلمات و ترکیب عبارات آثاری از کلمات و اصطلاحات زبان سامی هست و نمی‌توان گفت که همه این موارد تأثیر ترجمه یونانی هفتادتنان باشد؛ در فصلهای ۱ و ۴-۵ منحصراً اندرزهای کوتاهی در کنار یکدیگر آمده و به وسیله کلمات کوتاهی (واژه‌های اتصال) به یکدیگر متصل

برگزاری آیین پرستش (۱۳-۱:۳) آثار و نتایج عملی نیایش برادرانه (۲۶-۱۴:۲). در این سه قسمت علیه عادات بدی بحث و استدلال می‌شود که احتمالاً در بعضی از کلیساهای وابسته به پولس و همانهایی که به کلی با یهودی‌گری قطع رابطه کرده بودند وجود داشته است. نکته عجیب دیگری از اصول اخلاقی که یعقوب ذکر می‌کند حملات بی‌نهایت شدید علیه ثروتمندان است (۹:۱-۱۱:۲؛ ۵:۲-۷:۴؛ ۱۳-۱۷:۵؛ ۱-۶).

و این حملات به اندازه‌ای شدید و صریح است که نمی‌توان فقط به گفتار تعبیر کرد. از دو یا سه نکته از این قسمت‌ها چنین استنباط می‌شود که انتقادهای شدید یا قسمتی از آنها برضد افراد معتبر و سرشناس یهودی است (۲:۶-۷:۵؛ ۶:۵). بنابراین نویسنده نامه یعقوب مبارزه‌ای در دو جبهه انجام می‌دهد، از یک طرف علیه کلیساهایی که کاملاً وابسته و در تبعیت از یادگار پولس بودند و از طرف دیگر علیه ثروتمندان یهودی. و امیدوار است که با این عمل مسیحیان دیگر را با یهودیان کم‌بضاعت متحد سازد که بنظر او مجموعه «دوازده قبیله پراکنده» را تشکیل می‌دهند. البته امکان چنین اقدامی در سالهای ۶۰-۶۵ میلادی قابل ادراک بود در صورتی که این اقدام متأخر بر سال ۸۰ میلادی است و پیش از آنکه کنش‌های پراکنده قاطعانه به عقاید فرقه فریسیان بپیوندند. این موضوع مربوط به تمام یهودیان پراکنده یونانی زبان است، با این همه ممکن است نامه در یکی از شهرهای یونانی زبان فلسطین مثل قیصریه یا طبریه نگاشته شده باشد. خواننده امروزی که عادتاً یهودی‌گری و مسیحیت را از یکدیگر جدا و متمایز می‌داند به دشواری این فکر و روحیه را درک می‌کند که اقدام به نزدیک کردن و

به دورانی متأخر برنامه‌های او است. ولی مسئله واقعی این است که نویسنده نامه به چه کسی خطاب می‌نماید که برای او شخصیت مسیح چنین نقش مبهم و بی‌اهمیتی دارد؟ بدون شک به مسیحیانی خطاب می‌کند که فرهنگ یونانی دارند و روابط خود را با کنشهایی که قبلاً به آنها تعلق داشتند حفظ کرده‌اند ولی خیلی محتمل است که نامه را به یهودیانی خطاب می‌نماید که فرهنگ یونانی داشته و شاید علاقمند به عقاید و نظریات فرقه اسنیاں بوده‌اند و نویسنده امیدوار است ایشان را به آیین مسیحیت جلب نماید و بدین سبب بر مواردی که با مواردی که با مسیحیان مشترک دارند تأکید می‌نماید: مثل علاقه به قوانین اخلاقی، آرمان فقر، تشدید انتظار پایان روزگار و ایمان به خدای یکتا که در عهد عتیق اظهار شده است.

#### وضعیت نامه

عاملی که بیش از هر چیز دیگر مسیحیان و یهودیان آن دوران را به یکدیگر نزدیک می‌کرد رعایت اصول اخلاقی بود بدین سبب در این نامه اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسائل اخلاقی داده شده است و همچنین موعظه‌های یعقوب که مخلوطی از موضوع‌های یهودی و موضوع‌های یونانی است شبیه نصایح و اندرز یهودیان یونانی‌گرا شده است؛ ولی اصول اخلاقی را که نویسنده می‌آموزد منحصر به تکرار نکات معمولی نیست که مورد قبول همه باشد بلکه جنبه‌های مخصوص و بی‌سابقه‌ای دارد که به وسیله آنها بهتر می‌توان وضعیت نامه را تعیین نمود، مثلاً سه مورد توضیحاتی که از ۱:۲ تا ۱۳:۳ در مورد طرز برگزاری آیین پرستش داده شده و شامل: تعیین جای ایمانداران در کلیسا (۱۳-۱:۲). ترتیب

فصل اول نامه فقط یک رشته اندرزه‌های کوتاه است که ظاهراً ارتباطی با یکدیگر ندارند و اکثراً یک «واژه اتصال» پایان عبارتی را به آغاز عبارت بعدی پیوند می‌دهد مثلاً کلمه «پایداری» بین بندهای ۳-۴؛ «خطا» بین بندهای ۴-۵؛ «آزمون» و «وسوسه» (که در زبان یونانی از یک ریشه‌اند) بین بندهای ۱۲-۱۳؛ «دین» بین بندهای ۲۶-۲۷ و غیره. قسمت سوم نامه که از بند ۳:۱۴ آغاز می‌شود خیلی بیشتر ناموزون است و توضیحات نسبتاً مفصلی را با اندرزه‌های مجزی به هم می‌آمیزد. (۴:۱-۱۰، ۱۳-۱۷؛ ۵:۱-۶، ۷-۱۱). این بی‌ترتیب بودن ارائه مطالب در موعظه، معمولی است و مانع از آن نیست که نویسنده با مهارت، فنون مختلف نگارش ادبی از قبیل تکرار کلمات مشابه، رعایت قافیه و کلمات و عبارات موزون و غیره را بکار برد. وانگهی ممکن است که این بی‌ترتیبی در اثر و انعکاس احادیثی باشد که نویسنده در قسمتی از نامه خود از آنها استفاده کرده است. اعم از اینکه این احادیث از سخنان عیسی بوده، (زیرا در موارد بسیاری شباهت بین گفتار عیسی بر روی کوه با نامه یعقوب وجود دارد). یا اینکه احادیث مزبور از سخنان یعقوب باشد. زیرا این احادیث ساختمان ادبی نداشتند و نویسنده ضرورتی ندیده است به آنها چنین ترکیب و ساختمانی بدهد: ضمناً فکر کرده برای چنین نوشته‌ای که فقط تأثیر مجموعه کلی و چگونگی جزئیات اهمیت دارد، تهیه طرح منظمی زاید خواهد بود، مضافاً بر اینکه همین بی‌ترتیبی نامه، بی‌قاطعی و بدون جاذبه نیست.

اتحاد مسیحیت با یهودی‌گری کرده باشند. با این همه در دورانی که مذاکره برای وحدت کلیساها یا رفع اختلافات بین یهودی‌گری و مسیحیت در جریان است، در دورانی که بعضی ملتها در فراوانی و نعمت و بعضی دیگر در فقر و محرومیت بسر می‌برند، مسلماً نامه یعقوب می‌تواند به ما درسی بیاموزد. جای خوشوقتی است که از یک طرف پروتستانها دیگر این نامه را بعنوان «رساله کاهی» (لوتر) و اثری بی‌اهمیت نمی‌شمارند و ایراد نمی‌گیرند به چه سبب درباره شناخت مسیح یا نجات بوسیله بازخرید در این نامه بحث کافی نشده است، از طرف دیگر کاتولیکها متوجه شده‌اند بهتر می‌توان از آن استفاده کرد تا اینکه فقط برای توجیه تقدیس بیماران باشد (ر.ک ۵:۱۴-۱۵) یا اینکه در استدلال علیه نظریه پروتستانها در مورد نجات به وسیله ایمان به کار برده شود.

#### تقسیمات نامه

بیهوده نباید در جستجوی طرح دقیق و معینی باشیم که نامه بر طبق آن تنظیم شده باشد زیرا بجز تغییرات شیوه نگارش که در بندهای ۲:۱ و ۳:۱۳ مشاهده می‌شود طرح دیگری وجود ندارد. قسمت مرکزی نامه که بین این دو بند قرار دارد شامل سه شرح و توضیح نسبتاً به هم پیوسته است و این توضیحات با موضوع انتقادی مشترک: یعنی طرز برگزاری آیین پرستش در بعضی از کلیساهای وابسته به پولس ارتباط دارند و مرتباً شیوه‌های مختلف علم بیان را در «هجو کردن» بکار می‌برند: مثلاً سؤالهایی که به خوانندگان خطاب شده یا بحثهایی که با مخاطب فرضی انجام می‌گردد و غیره. ولی

# نامه یعقوب رسول

## عنوان نامه و سلام

آزمون<sup>e</sup> ایمان شما<sup>f</sup>، پایداری تولید  
می کند. <sup>4</sup> اما پایداری باید عمل کاملی  
باشد تا شما کامل<sup>g</sup> و به تمامی باشید و  
چیزی کم نداشته باشید.

۱ از یعقوب، که برده خدا<sup>a</sup> و  
خداوند<sup>b</sup> عیسی مسیح است، به  
دوازده قبیله ای که در پراکندگی هستند<sup>c</sup>،  
یوحنا: ۳۵:۷  
اع: ۲۳:۱۵ سلام!

## نیایش ایمان

<sup>5</sup> با این همه اگر کسی از شما فاقد امت<sup>3:۲-۶</sup>  
حکمت است<sup>h</sup> از خدا که بی حساب<sup>j</sup> و  
بدون سرزنش به همه می دهد درخواست مت: ۷:۷  
نماید<sup>i</sup> و به او داده خواهد شد. <sup>6</sup> اما با

## تکامل به وسیله آزمون

<sup>2</sup> ای برادران من، هنگامی که در  
آزمون های<sup>d</sup> مختلف می افتید، آنها را  
شادی به تمام بدانید. <sup>3</sup> چون که می دانید

a- یعقوب به مانند پولس (روم ۱:۱؛ فی ۱:۱) و سایر نویسندگان عهد جدید (۲- پتر ۱:۱؛ یهو ۱:۱) خود را برده عیسی مسیح می خواند بدون اینکه خود را با عنوان رسول ذکر نماید (ر. ک ۱- قرن ۱۵:۷). ضمناً برخلاف یهودا هویت خود را دقیقاً تصریح نمی کند زیرا شخصیت معروف و سرشناسی است.

b- از آغاز نامه که به عیسی عنوان خداوند داده شده نشان می دهد که منشأ نامه مسیحی است. ولی این عنوان فقط در یک قسمت دیگر صریحاً به عیسی داده شده است (۱:۲؛ ر. ک ۵:۱۴-۱۵)؛ و در جاهای دیگری که عنوان خداوند آمده است (۱:۷؛ ۳:۹؛ ۴:۱۰، ۱۵؛ ۵:۴، ۱۰، ۱۱) منظور خدای پدر است.

c- این اصطلاح در ۱- پتر ۱:۱ نیز بکار برده شده ولی در اینجا مفهوم وسیع تری دارد: بدین معنی که منظور مسیحیانی هستند که قبلاً جزو کنشتهای یهودی خارج از فلسطین بوده و حتی شاید به بعضی از یهودیان این مناطق اطلاق می شود. نویسنده در دنباله نامه به مخاطبان عنوان برادرانی داده که در کنشت ها جمع می شوند (۲:۲) و کلیساها را تشکیل می دهند (۵:۱۴).

d- در بندهای ۲ و ۱۲ منظور از آزمونها برخوردها و مخالفتهایی است که از خارج می آیند در صورتی که در بندهای ۱۳-۱۴ کلماتی که از همین ریشه آمده به معنی طمع و وسوسه ای است که از درون خود انسان ناشی می گردد. آزمون ها وسیله آموزشی الهی هستند که نسبت به مسیحیان اعمال می شوند (ر. ک پید ۴:۲۱؛ ۵:۱۱) در صورتی که خدا آدمی را به وسوسه نمی کشاند (ر. ک مت ۱۳:۶).

e- پیوستگی و تسلسل مطالب با آنچه در روم ۳:۵-۴ (ر. ک ۲- پتر ۱:۵-۷) شباهت و ضمناً اختلافاتی دارد. شکی نیست که یعقوب نکته ای از موعظه های مشترک یهودی و مسیحی را ذکر می کند. آزمون وسیله ای است که نمودار ایمان می باشد و فرد مسیحی در برخورد با دشواریها و مخالفتها با پایداری ثمره ای کامل به یاد می آورد (ر. ک بند ۱۲؛ ۵:۱۱؛ لو ۸:۱۳-۱۵).

f- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده: اصالت ایمان شما.

g- ر. ک ۲:۳.

h- ر. ک ۱۳:۳.

i- ر. ک ۲:۴-۳.

j- ترجمه دیگر: با سادگی. ترجمه دیگر: با بخشندگی. خدا که بی حساب و با سادگی می دهد بدان معنی است که شرطی قائل نمی شود (ر. ک روم ۱۲:۸؛ ۲- قرن ۱۱:۳؛ کول ۳:۲۲). این نکته که خدا با سادگی می دهد برخلاف و در مقابل وضعیت انسانی است که روح دوگانه دارد و مردد و ناپایدار است (ر. ک بند ۸؛ بنسی ۲۰:۱۴-۱۵).

افسرده می شود.

### زندگی یافتن به وسیله آزمون

<sup>۱۲</sup> خوشا مردی که آزمون را تحمل  
می کند<sup>m</sup>! زیرا آنکه آزموده شده است تاج  
زندگی را دریافت خواهد کرد که  
[خداوند] به آنان که او را دوست دارند  
و عده کرده است<sup>n</sup>.

دان ۱۲:۱۲؛  
۱- قرن ۹: ۲۵؛  
۲- تیمو ۴: ۸؛  
۱- پطر ۵: ۴؛  
مکا ۳: ۱۰؛  
۲: ۵؛  
روم ۸: ۲۸

مر ۲۴: ۱۱ ایمان درخواست کند و در هیچ چیز  
تردید ننماید زیرا تردید کننده به مانند  
افس ۱۴: ۴ موج دریا است، به وسیله باد به جنبش  
درآمده و بلند می شود. <sup>۷</sup> پس چنین کسی  
تصور نکند که چیزی از طرف خداوند  
دریافت خواهد کرد؛ <sup>۸</sup> انسانی که روح  
دوگانه دارد<sup>k</sup> و در همه رفتارهای خود  
ناپایدار است.

### وسوسه انسان و عطیه خدا

<sup>۱۳</sup> هیچکس که به آزمون گذاشته شده،  
نگوید: «از طرف خدا به آزمون گذاشته  
شده ام»؛ زیرا خدا به دور از آزمونهای بد  
است<sup>o</sup> و خودش کسی را به آزمون  
نمی گذارد. <sup>۱۴</sup> بلکه هر کس بر اثر طمع  
خود به آزمون در می آید<sup>p</sup> که او را کشیده و

روم ۷: ۱۱-۷

### فقیر و ثروتمند

<sup>۹</sup> برادر حقیر<sup>۱</sup> به تعالی خود افتخار کند،  
<sup>۱۰</sup> بر عکس ثروتمند از پایین آمدن خود،  
زیرا به مانند گل خودرو در گذر است.  
<sup>۱۱</sup> چونکه آفتاب طلوع می کند و با باد  
سوزان گیاه خشک می شود؛ و گل او  
می افتد و زیبایی ظاهر او از بین می رود؛

مز ۱۰۷: ۵، ۱۱؛  
اش ۴۰: ۶-۷؛  
۱- پطر ۱: ۲۴؛  
مر ۴: ۶

h- ر. ک ۸: ۴.

l- در بندهای ۹-۱۰ موقعیت اجتماعی افراد مختلف جمعیت های مسیحیان ذکر شده که وضعیتهای نامساوی داشتند (ر. ک ۱-۷: ۵؛ ۱-۵: ۶؛ ۱-۱: ۲۹-۲۶؛ ۱۱: ۲۱-۲۲). ممکن است پایین آمدن موقعیت فرد ثروتمند بدین سبب بوده که بر اثر گرویدن به مسیحیت دیگر از مراعات و احترامی که در محافل مربوط قبلی خود داشته برخوردار نیست، ضمناً با ورود در جمعیت قسمتی از دارایی خود را در این راه صرف و فدا کرده است. تناقض بین تعالی و تنزلی که در این بندها در مقابل هم آمده بایستی از نظر زندگی پس از پایان روزگار ملاحظه شود: بدین معنی که فرد مسیحی بینوا به میراثی که به او وعده داده شده افتخار می کند در صورتی که فرد ثروتمند دیگر نمی تواند به ثروت های ناپایدار افتخار نماید (ر. ک ۱: ۵-۳).

m- این اظهار که درباره خوشبختی جاودانی است دنباله عبارات متداول و معمولی موعظه های اخلاقی عهد عتیق است و به کسی که راه خدا را پیروی می کند سعادت جاودانی وعده می دهد (ر. ک بند ۲۵). بر طبق نوشته های عهد جدید این سعادت جاودانی زندگی اخروی در پایان روزگار است و مخصوصاً به کسانی وعده داده شده است که آزمونها را تحمل می نمایند (ر. ک ۱۱: ۵؛ مت ۵: ۱۰-۱۲؛ لو ۱۲: ۳۷-۳۸؛ ۱- پطر ۳: ۱۴؛ ۱۴: ۴؛ ۱۴: ۳؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱۵: ۱).

n- در تعداد زیادی از نسخه های خطی کلمه [خداوند] در متن نامه نوشته شده است.

o- ترجمه تحت اللفظی: زیرا خدا آزمون نشده از بدی ها است. در این جمله فعل به صورت مجهول بکار رفته و منظور این است که: بدی را به خدا دسترسی نیست؛ در صورتی که در عبارت: خدا نمی تواند برای بدی وسوسه کند (ر. ک ولگات) فعل به صورت معلوم است. به هر صورت نویسنده بلافاصله می گوید: و خودش کسی را به آزمون نمی گذارد.

p- خدا نمی تواند وسوسه کند: زیرا نسبت به بدی بیگانه است و لذا کسی را به بدی کردن وادار نمی نماید (ر. ک بنسی ۱۱: ۱۳-۱۱). انسان مجذوب و فریفته «ربه النوع» طمع می شود، طمع بمانند سایر هوی و هوسهای نفسانی است که در درون اعضای آدمی با یکدیگر در کشمکش هستند (۴: ۱۲) و همان نقشی را دارد که یهودیان آن دوران «تمایلات بد» می نامیدند و در نوشته مکشوفه در قمران «روح فساد و ظلمات» خوانده شده است (مقررات ۳: ۱۸-۲۶؛ ر. ک روم ۷: ۷-۸؛ ۱- یو ۱۶: ۲-۱۷). این طرز ادراک و ملاحظه که کاملاً با موضوع آزمون وسوسه تفاوت دارد و آزمون وسوسه را از عمل خدا به دور و بر کنار می شمارد تا اندازه ای از نوشته های عهد عتیق متفاوت است (مثلاً تث ۱۳: ۴). و کاملاً مربوط به موضوع انسان گناهکاری است که بین قدرتهای نامریی تقسیم شده است (خدا و دنیا، ۴: ۴؛ خدا و ابلیس ۷: ۴).

آفریدگان او باشیم.

گوش دادن به سخن و بکار بستن آن

<sup>۹</sup> ای برادران محبوب من، بدانید که<sup>۷</sup>

هر انسان باید در گوش دادن شتابان، در ۱:۳-۲؛  
جا ۱:۱:۵؛ ۷:۹؛  
بنسی ۵:۱۳؛  
مت ۵:۲۲؛  
افس ۴:۲۶؛  
روم ۱:۱۷؛

سخن گفتن کند، در خشم کند باشد؛

<sup>۲۰</sup> زیرا خشم مرد، عدالت خدا را انجام

نمی دهد<sup>۷</sup>. <sup>۲۱</sup> بدین سبب، شما که از هر

به طعمه جلب می نماید؛<sup>۱۵</sup> سپس طمع

که ایجاد شده، گناه به بار می آورد، و گناه

که به پایان خود رسید، مرگ ایجاد

می کند<sup>۹</sup>. <sup>۱۶</sup> ای برادران محبوب من،

گمراه نشوید: <sup>۱۷</sup> هر عطیه زیبا و هر هدیه

کامل<sup>۲</sup> از بالا و از پدر روشنایی ها<sup>۵</sup> نازل

می شود که در نزد او تغییری و سایه ای از

تحولها نیست<sup>۴</sup>. <sup>۱۸</sup> به اراده خود ما را به

وسیله یک سخن حقیقت<sup>۱۱</sup> آفریده است، تا

q- با اینکه در مورد ارتباط گناه و مرگ نوعی شباهت با نامه به رومیان وجود دارد (روم ۵:۱۲؛ ۶:۲۳؛ ۷:۱۳)، در اینجا گناه قدرتی نیست که خارج از وجود انسان باشد بلکه همان عمل خطایی است که انجام می شود (ر. ک ۲:۹؛ ۴:۱۷؛ ۵:۱۵-۱۶، ۲۰). و هنگامی که گناه به تمامیت می رسد مرگ ایجاد می نماید. همین ارتباط بین گناه و مرگ در ۲۰ ذکر شده است. ضمناً منظور فقط مرگ جسمانی نیست بلکه مرگ نهایی و نیستی ابدی است که در مقابل زندگی جاودانی می باشد. این زندگی هم اکنون به وسیله سخن حقیقت در خود ایماندار ایجاد شده (بند ۱۸) و خدا به آنانی که او را دوست دارند وعده کرده است (بند ۱۲).

f- نخستین کلمات این بند در متن یونانی به صورت منظوم و با قافیه (شش هجایی) است. شاید نویسنده اصطلاحی به صورت ضرب المثل را درباره ارزش عطیه نقل کرده ولی افزوده که عطیه کامل فقط از سوی خدا می آید.

s- خدا، خداوند است (ر. ک ۱:۱)، پدر است (۱:۲۷؛ ۳:۹)، خدای یکتا که در بیان ایمان یهود ذکر می شود (۲:۱۹؛ ر. ک ۱۲:۴). پدر روشنایی ها است زیرا ستارگان را آفریده است (ر. ک پید ۱:۱۴-۱۸؛ ولی این عنوان در مورد خدا فقط در ترجمه ارمنی مکاشفه موسی آمده است ۳۶:۳۸؛ در نوشته های قمران، تصورات جمعیت ۲۰:۳، سلطان روشنی بر ضد فرشته ظلمات است). اگر خدا پدر روشنایی ها است، خودش روشنایی است (ر. ک ۱-۱ یو ۵:۱)؛ نویسنده هرگونه دوگانگی را در مورد خدا و عمل او نفی می کند (ر. ک بند ۱۳) و او را از تفرقه و دورویی که مختص مرد گناهکار است بر کنار می دارد (ر. ک ۴:۴). همچنین خدا به هر کس که درخواست کند می دهد (ر. ک بند ۵:۵؛ ۵:۱۵). همواره آماده برای بخشیدن است (۵:۱۱). اما داور هم هست (۵:۸-۱۰؛ ر. ک ۴:۱۲)، به فقیرانی که در معرض آزمون ها هستند سلطنت می دهد و از ثروتمندانی که از قانون او سرپیچی کرده اند حساب می گیرد.

t- عبارت آخری این بند در نسخه های خطی به چهار صورت مختلف نوشته شده که هیچ یک از آنها کاملاً قانع کننده نیست و ممکن است این متن مختصری تحریف شده و تغییر یافته باشد.

u- منظور از سخن حقیقت بیش از آن که سخنی خلافه باشد احتمالاً آموزشی است که ایمانداران دریافت می کنند و ایشان را به نجات رهبری می کند. شکی نیست که منظور از این سخن حقیقت که به ابتکار و اراده خدا است یادآوری انجیل است (ر. ک ۱-۱ پطر ۲۳:۲۵؛ کول ۱:۵؛ افس ۱:۱۳؛ ۲-تیمو ۲:۱۵)، ولی یک حکمت زندگی هم هست (ر. ک ۳:۱۴؛ ۵:۱۹) که نویسنده آن را قانون آزادی می نامد (بند ۲۵؛ ۲:۱۲). در حالی که طمع مرگ به بار می آورد این سخن به مسیحیان موجودیت می بخشد تا همچون نوبرهای آفرینش جدید باشند.

v- آغاز این بند در نسخه های خطی به صورتهای مختلف است و آنچه بهتر گواهی و پذیرفته شده چنین است: در نتیجه، ای برادران محبوب من، فراموش نکنید که ...

w- در اینجا عدالت خدا همان معنایی نیست که پولس در مورد نجات اظهار نموده است (ر. ک روم ۱:۱۷؛ ۳:۲۴). بلکه شامل مجموعه الزامات سخن یا حکمت الهی (ر. ک ۳:۱۸) و مخصوصاً قانون متعالی محبت است (ر. ک ۲:۸) که خشم تجاوز به آن محسوب می شود. با پذیرفتن این الزامات، آدمی عادل بشمار می آید (ر. ک ۲:۲۱-۲۵) و به نیایش خود نیرو می بخشد (ر. ک ۵:۱۶). در مورد این طرز ادراک عدالت و همچنین رفتار برطبق ایمان، مطالب مشابهی در انجیل متی آمده است (مت ۵:۶، ۱۰، ۲۰؛ ۶:۳۳؛ ۱۲:۳۶-۳۷).

بی‌آلایش به نزد خدا و پدر چنین است: مت ۲۵:۳۵-۳۶  
مر ۱۲:۴۰  
یتیمان و بیوگان را، به هنگام سختی ایشان دیدار کردن و خود را بدون آلودگی<sup>f</sup> به دور از دنیا<sup>e</sup> نگهداشتن.

### جانبداری از ثروتمندان تجاوز به قانون است

۲ ای برادران من، تبعیض<sup>g</sup> را با ۹:۲  
ایوب ۳۳:۱۹  
اع ۱۰:۳۴  
ایمان خداوند شکوه ما، عیسی مسیح نیامیزید. ۲ زیرا اگر در اجتماع شما<sup>h</sup> مردی با انگشتی طلا و لباس درخشان وارد شود و همچنین فقیری با لباس کتیف وارد شود. ۳ اگر به آنکه لباس درخشان پوشیده نگاه کرده و بگویید: «تو، در اینجا در جای خود بنشین» و به فقیر بگویید: «تو در آنجا بایست» یا اینکه: «بنشین پایین زیر پای من»<sup>i</sup>، ۴ آیا در بین خودتان تبعیض

پلیدی و بقیه شرارت رها شده اید<sup>x</sup>، با فروتنی سخنی را که در شما گذاشته شده و می‌تواند روح‌های شما را نجات دهد بپذیرید. ۲۲ سخن را بکار بندید و نه اینکه فقط گوش کنید و خود را فریب دهید. ۲۳ زیرا<sup>۱</sup> اگر کسی سخن را بشنود و بکار نیندد، به مانند کسی است که چهره طبیعی<sup>۲</sup> خود را در آینه می‌نگرد؛ ۲۴ زیرا خودش را نگر بسته و می‌رود، و بلافاصله فراموش می‌کند چگونه بوده است. ۲۵ اما آنکه به قانونی کامل که آزادی است<sup>۳</sup> متمایل شود. فقط شنونده فراموشکار نباشد بلکه بکار بندد<sup>a</sup>، در بکار بستن آن خوشبخت خواهد بود. ۲۶ اگر کسی تصور می‌کند متدین<sup>b</sup> است، اما زبان خود را نگه نمی‌دارد، دل خود را فریب می‌دهد<sup>c</sup> دین چنین کسی باطل است. ۲۷ دین<sup>d</sup> پاک و

لو ۱۳:۸  
عبر ۱۳:۲۲  
مت ۷:۲۱، ۲۶؛ ۱۱:۴  
لو ۱۱:۲۸؛ ۱۲:۴۷  
روم ۲:۱۳  
یو ۱۸:۳-۱  
قرن ۱۳:۱۲  
روم ۸:۲  
۱- پتر ۲:۱۶  
مت ۷:۲۴-۲۷  
لو ۱۰:۳۷  
یو ۱۳:۱۷  
۱- پتر ۲:۳، ۴، ۶، ۸  
مز ۳۴:۱۴  
۱- پتر ۳:۲، ۳، ۴، ۱۴  
۱- پتر ۳:۱۰

x- این عبارت جزو موعظه و اندرزهای به تعمیم یافتگان است (ر. ک ۱- پتر ۲:۲؛ روم ۱۲:۱۳؛ افس ۴:۲۲، ۲۵؛ کول ۳:۸؛ عبر ۱:۱۲).

y- در بعضی از نسخه‌های خطی کلمه زیرا حذف شده است.

y2- ترجمه تحت اللفظی: چهره تولد خود را ...

z- ر. ک ۱۲:۱۲.

a- ر. ک ۲:۱۴.

b- در چند نسخه خطی افزوده شده است: در بین شما.

c- ترجمه دیگر: خود را فریب می‌دهد.

d- در اینجا مجدداً سخنانی با لحن پیامبرانی آمده است که پرستش واقعی را از عدالت نسبت به افراد حقیر منفک و جدا نمی‌دانستند (ر. ک اش ۱:۱۱-۱۷، ۲۳؛ ار ۵:۲۸؛ حزق ۲۲:۷؛ زک ۷:۱۰). پاکی که در این پرستش ضروری است محبت می‌باشد (ر. ک ۴:۸؛ مر ۷:۱-۲۵).

e- ر. ک ۴:۴.

f- بجای بدون آلودگی ... و نگهداشتن در یکی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: ایشان را از دنیا حفظ کردن.

g- کلمه یونانی که تبعیض ترجمه شده است به معنی رعایت و جانبداری از اشخاصی است که برخلاف ایمان در خداوند عیسی مسیح می‌باشد، زیرا تنها شکوهی که برای فرد ایماندار مهم است شکوه خداوند است. خدا هیچ گونه تبعیضی مخصوصاً در اجرای داوری قائل نمی‌شود (ر. ک روم ۲:۱۱؛ افس ۶:۹؛ کول ۳:۲۵؛ ۱- پتر ۱:۱۷) و فرد ایماندار هم نمی‌تواند بنحو دیگری رفتار نماید.

h- ترجمه تحت اللفظی: در کنشت شما.

i- در تعدادی از نسخه‌های خطی بر طبق متن بالا است، در نسخه‌های متعدد دیگری: «تو در آنجا بایست یا در اینجا بنشین در پایین زیر پای من». منظور از زیرپایی، چهارپایه یا کرسی کوچک است که بر روی آن می‌نشینند.

نمی‌کنید و داورانی با استدلالهای غلط<sup>ii</sup> هم نوع خود به مانند خودت محبت نمی‌شوید؟<sup>۵</sup> گوش کنید، ای برادران محبوب من: مگر خدا آنان را که از نظر دنیا فقیرند انتخاب نکرده است؟ تا در ایمان ثروتمند و وارث آن ملکوتی باشند که به دوستداران خود وعده کرده است؟<sup>۱</sup> اما شما فقیر را تحقیر می‌کنید! آیا ثروتمندان نیستند<sup>k</sup> که به شما ستم می‌کنند؟ و شما را به محاکم می‌کشند؟<sup>۱</sup> آیا ایشان نیستند که نام زیبایی<sup>m</sup> را که بر شما گذاشته شده بی حرمت می‌کنند؟<sup>۱</sup> البته اگر شما آن قانون سلطنتی را<sup>n</sup> بر طبق نوشته مقدس<sup>o</sup> انجام می‌دهید که: به

۹:۱ مت: ۳:۵  
لو: ۲۰:۶  
۱-قرن: ۲۶-۲۸  
مکا: ۹:۲  
۱:۱۲  
۱-قرن: ۹:۲  
۱-قرن: ۱۱:۲۲  
۱-بطر: ۴:۱۴  
لاو: ۱۹:۱۸  
مت: ۲۲:۳۹  
مر: ۱۲:۳۱  
لو: ۱۰:۲۷

هم نوع خود به مانند خودت محبت خواهی کرد، خوب عمل می‌کنید: اما اگر تبعیض می‌کنید، گناهی انجام می‌دهید و لاو: ۱۹:۱۵؛ تث: ۱۷:۱۹؛ مت: ۱۹:۵؛  
۱۰ اگر کسی تمامی قانون را نگاه می‌دارد، اما فقط در یک مورد لغزش می‌کند، در مورد تمامی آن مجرم است<sup>p</sup>.<sup>۱۱</sup> زیرا آنکه گفته است: زنا مکن، همچنین گفته است: قتل مکن، پس اگر زنا نمی‌کنی اما قتل می‌کنی، متجاوز به قانون شده‌ای<sup>q</sup>.<sup>۱۲</sup> پس طوری سخن بگویند و طوری عمل کنید چنانکه بر طبق یک قانون آزادی باید ۲۵:۱ داور شوید<sup>r</sup>.<sup>۱۳</sup> زیرا داور در مورد کسی

ii- ترجمه تحت اللفظی: استدلال‌های شریر.

j- از هم اکنون عمل خدا عبارت از انتخاب فقر دنیایی، همچون ثروت در ایمان است، در حالی که ثروتمندان گنجینه‌ای می‌اندوزند که کاملاً تهدید می‌شود (ر.ک ۱:۱۱:۵:۳-۱). این انتخاب متضمن تعهد میراثی در پایان روزگار است. (ر.ک ۱:۱۲:۱ مت: ۲۵:۳۴-۱-قرن: ۶:۹-۱۰:۱۵:۵۰؛ غلا: ۵:۲۱).

k- منظور ثروتمندانی هستند که جای خود را در کنش مسیحیان دارند و یعقوب بطور کلی ثروتمندان را جدا نمی‌کند. وی درباره این نوع افراد نظریات یکسان و یکنواختی دارد.

l- ترجمه‌های دیگر: بدانم می‌کنند، هتاک می‌کنند.

m- منظور نام خداوند عیسی مسیح است (ر.ک بند ۱)، نامی که در هنگام تعمید فرد ایماندار یاد می‌شود (ر.ک اع ۲:۳۸؛ ۱۰:۴۸)، و ثروتمندان با تعقیب شکنجه فرد عادل که به مسیح تعلق دارد این نام را بی حرمت می‌نمایند (ر.ک ۶:۵ مت: ۱۰:۲۲؛ ۲۲:۹).

n- در بندهای ۸-۱۲ قانون سلطنتی، قانون (ر.ک ۴:۱۱) و قانون آزادی (ر.ک ۱:۲۵) مساوی و به یک ارزش ذکر شده‌اند. ذکر قانون آزادی در آیین یهود سابقه دارد: زیرا قانون یهود به اشخاصی که از آن تبعیت می‌کردند آزادی می‌داد (ر.ک یو ۸:۳۱-۳۵). ولی منظور یعقوب تفسیر مسیحی قانون است: این قانون از یک طرف نزدیک و شبیه به سخن حقیقت است (ر.ک ۱:۱۲-۲۴) و از سوی دیگر مهمترین عمل این قانون محبت به دیگران است (ر.ک ۱:۲۶-۲۷)، و در بین فرمانها، مقام و ارزش سلطنتی و والا تر دارد (چنین بنظر می‌رسد که این طرز استنباط بهتر از تفسیر است که قانون سلطنتی را قانون ملکوت تعبیر می‌نماید). ضمناً همان نظریه مت ۱۹:۱۸-۱۹ (ر.ک ۵:۲۱-۴۸) است و می‌توان آن را نزدیک به موضوع تمامیت قانون دانست که در غلا ۵:۱۴؛ روم ۹:۱۳-۱۰ آمده و یا فرمان جدیدی که در یو ۱۳:۳۴-۳۵ ذکر شده است. این قانون کامل است (ر.ک ار ۲۵) زیرا اظهار کامل اراده خدا است و قبلاً هم منظور و هدف قانون موسی بود: کسی که آن را اجرا می‌کند حتی اگر باز هم بلغزد (ر.ک ۳:۲) می‌تواند از داور باکی نداشته باشد. (ر.ک بند ۱۳: ۱-یو ۳:۱۴-۲۰؛ مت ۶:۱۴-۱۵؛ ۱۸:۲۳-۲۵).

o- ترجمه تحت اللفظی: بر طبق نوشته. ترجمه دیگر: بر طبق متن.

p- در اینجا یکی از اصول آیین یهود را ذکر می‌کند (ر.ک غلا ۳:۱۰ که در آن تث ۲۶:۲۷ نقل شده است). بدین معنی که سرپیچی از یکی از دستورات به مفهوم تجاوز و تخطی از اراده کسی است که عامل و آفریننده تمام قوانین است. به هر صورت بطوری که از فحواي عبارت برمی‌آید در اینجا منظور دستوراتی است که محبت نسبت به همنوع را بیان می‌کنند.

q- در دو نسخه خطی قدیمی نوشته شده: تو قانون را نفی کرده‌ای. ترجمه دیگر: از قانون تخلف کرده‌ای.

r- ر.ک ۵:۹.

که ترجم نکرده است بدون ترجم است؛  
ترجم داوری را به هیچ می شمارد<sup>۵</sup>.

مت: ۷:۵  
۱۸: ۲۹، ۳۴-۳۵  
۲۵: ۴۵-۴۶

ندهد؛ چه فایده ای دارد؟<sup>۱۷</sup> ایمان هم به ۱-۳: ۱۷  
همین گونه است: اگر اعمال ندارد،  
[ایمان] در خود<sup>۱۸</sup> مرده است. اما کسی ۲: ۲۰، ۲۶  
خواهد گفت<sup>۱۷</sup>: «تو ایمان داری و من اعمال  
دارم! ... ایمان خود را بدون اعمال به من  
نشان بده؛ و من به وسیله اعمال، ایمانم را  
به تو نشان خواهم داد».<sup>۱۹</sup> تو ایمان داری  
که خدا یکتاست. و خوب می کنی. دیوان  
هم همان ایمان را دارند ... اما می لرزند.  
<sup>۲۰</sup> آیا می خواهی بفهمی، ای انسان تهی  
مغز، که ایمان بدون اعمال بی فایده  
است<sup>۲۱</sup>؟<sup>۲۱</sup> ابراهیم، پدر ما<sup>x</sup> مگر به وسیله

مت: ۸: ۲۹  
مر: ۱: ۲۴، ۵: ۷  
لو: ۴: ۳۴

بدون اعمال نیک، ایمان مرده است  
<sup>۱۴</sup> ای برادران من، چه فایده ای دارد اگر  
کسی می گوید ایمان دارد ولی اعمالی  
ندارد<sup>۲۲</sup>؟ آیا ایمان می تواند او را نجات  
دهد؟<sup>۱۵</sup> اگر برادری یا خواهری برهنه است  
و فاقد غذای روزانه است،<sup>۱۶</sup> و کسی از  
بین شما به ایشان بگوید: «به سلامت  
بروید، خود را گرم کنید، خود را سیر  
کنید» اما نیازمندیهای جسم را به ایشان

S- در چند نسخه خطی نوشته شده: باشد که ترجم داوری را به هیچ شمارد!

T- بندهای ۱۴-۲۶ درباره موضوع اساسی این نامه یعنی اعمال و ایمان است، موضوعی که زمینه و پایه زیرین تمام نامه به شمار می رود (ر. ک ۱: ۳-۶، ۲۵: ۳-۱۳). چنین بنظر می رسد که نویسنده مخالف با نظریه پولس است که اظهار می کند فقط به وسیله ایمان می توان به عدالت شناخته شد (ر. ک روم ۳: ۲۸؛ غلا ۲: ۱۶)، زیرا می گوید ایمان نمی تواند بدون اعمالی نجات دهد و ایمان بدون اعمال مرده است (ر. ک بندهای ۱۷، ۲۶). ولی اعمالی را که یعقوب از آنها سخن می گوید همان «اعمال قانون» نیستند که در نامه های به غلاطیان و به رومیان اظهار شده است بلکه اعمالی ثمره ایمان هستند که به نظر خود پولس هم ایمان باید آنها را به وجود بیاورد (ر. ک روم ۲: ۶-۱۵؛ غلا ۵: ۶؛ افس ۲: ۸-۱۰؛ کول ۱: ۱۰؛ ۱-۲؛ تسال ۱: ۳-۲؛ تسال ۱: ۱۱). یعقوب بدون اینکه ایمان و اعمال را یکی بداند درباره ایمانی اصرار و تأکید می نماید که در اعمال و بوسیله اعمال به تمامیت می رسد و مخصوصاً در محبت به همنوع و در نیایش انجام می یابد. اعتماد کردن به سخن حقیقت که تنها وسیله نجات فرد گناهکار است، همچنین اطاعت از اراده الهی در امور مربوط به زندگی است. در این نامه درباره طرز رفتار و عمل فرد ایماندار به طوری تأکید شده که نشان می دهد با محافل مسیحی یهودی الاصل ارتباط دارد و نظیر مواردی در انجیل متی است (۵: ۱۶، ۲۰: ۱۷-۱۲: ۲۷؛ ۱۲: ۵۰؛ ۱۸: ۲۳-۳۵؛ ۲۵: ۳۱-۴۶). ولی نباید فراموش کرد که فرد عادل را خدا ایجاد کرده و مفتخر می کند: و در بند ۲۲ که اظهار شده است ایمان به وسیله اعمال کامل شده و به تمامیت می رسد مستقیماً اختلافی به نظریات و موقعیت پولس ندارد.

نظریه ای که در این نامه ارائه می شود خیلی بعد از اظهار نظریات مبهم و متغیر پولس ابراز گردیده است. پولس در مقابله با طرفداران یهودی گری که می خواستند ایمان را در میان اعمال تحلیل و محو نمایند از تقدم ایمان دفاع می کرد و ایمان را از ثمرات آن که اعمال می باشد مجزی و منفک می نمود: در صورتی که یعقوب ارزش و موقعیت ایمان و اعمال ایمانی را با در نظر گرفتن نکات انتقادی پولس، با یکدیگر تطبیق داده و ظاهراً با تفسیر مبالغه آمیز آموزش پولس مخالفت کرده است.

U- همچنین می توان ترجمه کرد: کاملاً مرده است.

V- تفسیر بندهای ۱۸-۱۹ مشکل است و مفسران در مورد طرز تفکر و استدلال نویسنده عقاید مختلفی دارند، به نظر بعضی از مفسران در اینجا سخنگویی نظر نویسنده را ابراز می کند و در نظر مفسران دیگری فرد مخالفی است که سخن می گوید و بحث و استدلال به عقاب و خطاب در بند ۲۰ منتهی می شود (روش نگارش در تأیید این تفسیر است). مخالف گوی فرضی با این اظهارات نویسنده را وادار می کند بپذیرد با اینکه مرد عمل است ایمان هم دارد و در نتیجه تصدیق کند که به سبب همان ایمان، وجدان خویش مطرح و مورد بحث است نویسنده این بحث را قطع کرده و نشان می دهد که در هیچ موردی نمی توان ایمان را از اعمال تفکیک و مجزی نمود چنانکه نوشته های مقدس آن را تأیید می کنند.

فرستادگان<sup>e</sup> را پذيرفته و از راه ديگري ايشان را به بيرون فرستاد؟<sup>۲۶</sup> به همان گونه که جسم بدون نفس مرده است، همچنين ايمان بدون اعمال مرده است.

۲۰، ۱۷:۲

شما که آموزش مي دهيد زبان خود را نگاهداريد

۳<sup>۱</sup> به تعداد زيادي<sup>f</sup> معلم نباشيد<sup>g</sup>، ۱۹:۱؛ ۱۳:۳

اي برادران من، زيرا مي دانيد که

ما داوري سخت تری خواهيم داشت<sup>۲</sup> چونکه

همگي خيلى دچار لغزش مي شويم. اگر

کسي در گفتار لغزش نمي کند مردی کامل بنسي<sup>۱۴</sup> ۱:

اعمال به عدالت شناخته نشد<sup>۱</sup>، وقتي که پسر خود اسحق را بر روی قربانگاه تقديم کرد؟<sup>۲۲</sup> مي بيني که ايمان به همراه اعمال او فعاليت مي کرد، و به وسيله اعمال، ايمان به تماميت رسيد،<sup>۲۳</sup> و نوشته مقدس<sup>z</sup> به تماميت رسيد که مي گويد: ابراهيم به خدا ايمان آورد<sup>۲</sup> و اين بعنوان عدالت به حساب او گذاشته شد و دوست خدا ناميده گرديد. <sup>۲۴</sup> مي بينيد که انسان، به وسيله اعمال به عدالت شناخته مي شود<sup>b</sup> و نه تنها به وسيله ايمان.<sup>۲۵</sup> همچنين در مورد راحب فاحشه<sup>c</sup>، آيا نه اين است که به وسيله اعمال به عدالت شناخته شد<sup>d</sup>؟ زيرا يوشع<sup>۲</sup>، ۱۵:۴؛ ۱۷:۶

W- در تعدادی از نسخه های خطی: مرده است.

X- همچنان که پولس در همين مسئله ايمان و اعمال مورد ابراهيم را ذکر کرده بود (روم ۴: ۳-۶) يعقوب هم او را که چهره معمولی احاديث يهود است بعنوان شاهد مي آورد و به او عنوانهای پدر (مت ۳: ۹؛ لو ۱۶: ۲۴، ۲۷، ۳۰؛ يو ۸: ۳۹، ۵۳؛ ر.ک. روم ۴: ۱۶-۱۸) و دوست خدا مي دهد (۲-توا ۷: ۲۰؛ اش ۴۱: ۸؛ ۵۱: ۲ ترجمه يونانی؛ دان ۳: ۳۵ ترجمه يونانی). در روش استدلال خود بر موضوع قربانی ابراهيم تکیه کرده و آن را عمل ايمان تفسير مي کند و ضمناً در نقل قول خود مفاد پید ۶: ۱۵ و فصل ۱: ۲۲ به يکديگر ارتباط مي دهد: در صورتی که پولس از نخستين متن خود ثابت مي کند که ايمان آوردن ابراهيم قبل از ختنه و اعمال ديگر قانون بوده است (ر.ک. پید ۱۷). بدین ترتيب يعقوب از روش تفسير يهود استفاده کرده (ر.ک. بنسي ۲۰: ۴۴؛ ۱- مک ۲: ۵۲؛ عبر ۱۱: ۱۷) تا کسانی را که از تفسير پولس استفاده مفرط مي کردند مجاب نمايد.

Y- ترجمه ديگر: ... مگر عدالت خود را به اعمال مديون نبود ...

Z- ترجمه ديگر: متن. ترجمه تحت اللفظی: نوشته.

a- ترجمه ديگر: در خدا ايمان داشت ...

b- ترجمه ديگر: عدالت خود را مديون به اعمال است.

c- در حالی که عبر ۳۱: ۱۱ راحب را به سبب ايماننش ستايش مي نمايد يعقوب در مورد مهمان نوازی او از اسرأیلیان اصرار و تاکيد کرده است (ر.ک. نخستين نامه کلمنت به قرنثيان ۱۲ و شايد مت ۳۱: ۲۱). با توجه به اينکه يهودی گری راحب را به عنوان کسی که تازه به آيين يهود گرویده است مي شناسد تشبيه و مقايسه او با ابراهيم تا اندازه ای حيرت آور است شايد بدین گونه مي توان توضيح داد که مخالفان استدلال کرده و بر مبنای يوشع ۹: ۲-۱۳ می گفتند که راحب تنها به وسيله ايمان نجات يافته است.

d- ترجمه ديگر: آيا نه اينست که عدالت خود را مديون اعمال بود؟

e- در بسياری از نسخه های خطی: جاسوسان را.

f- ترجمه ديگر: همگي معلم نباشيد.

g- بطوری که از محتوای نامه بر می آيد در ميان جمعيت مسيحيان معلمانی هستند و نويسنده نامه هم یکی از آنان است و قديمی ها بر معلمان سمت رياست و رهبری دارند (ر.ک. ۱۴: ۵). عنوان قديمی ها دوران نگارش نامه های شبانی و اعمال رسولان را به ياد مي آورد در صورتی که معلمان نخستين بار در جزو نامه های پولس ظاهر می شوند (روم ۷: ۱۲؛ ۱- قرن ۲۸: ۲۸-۲۹؛ افس ۴: ۱۱). اين اخطار که به معلمان خطاب شده در ادامه هشدار شديد درباره زبان است: زيرا معلمان به سبب وظيفه ای که بر عهده دارند دارای مسئوليت مهمی هستند (ر.ک. لو ۲۰: ۲۷ درباره کاتبان). کسانی که آموزش می دهند بايستی زبان خود را در اختيار و تسلط خود داشته باشند.

۲۶:۱ است<sup>h</sup> و می تواند تمامی جسم را مهار  
 ۹:۳۲ مز نماید. <sup>۳</sup> اگر<sup>i</sup> مهاری در دهان اسبان  
 می گذاریم تا از ما اطاعت کنند تمام جسم  
 آنها را به راه می بریم. <sup>۴</sup> همچنین کشتی ها  
 را ببینید، هر چقدر بزرگ باشند و بادهای  
 سخت آنها را براند به وسیله سکان کوچک  
 به دلیل کشتیبان هدایت می شوند، <sup>۵</sup> زبان  
 هم عضو کوچکی است اما به چیزهای  
 بزرگ مباحث می کند. ببینید چگونه آتش  
 کوچکی جنگل بزرگی را می سوزاند. <sup>۶</sup> و  
 زبان آتشی است، جهان بی عدالتی است،  
 زبان <sup>k</sup> در بین اعضای ما قرار گرفته، تمامی  
 جسم را آلوده می کند و جریان هستی را  
 شعله ور می سازد<sup>۱</sup> و از جهنم شعله ور شده  
 است. <sup>۷</sup> زیرا هر نوع حیوانهای وحشی و  
 همچنین پرندگان و خزندگان و همچنین  
 پید: ۲:۹ حیوانهای دریایی به وسیله نوع انسان رام  
 شده اند. <sup>۸</sup> اما زبان را هیچ کسی از آدمیان

مت ۲۷:۱۶؛ امث ۲۷:۱۶؛ بنسی ۱۳:۵ یونانی  
 مت ۳۷-۳۶:۱۲؛ ۱۹:۱۸، ۱۱:۱۵  
 مت ۷:۱۶-۱۹؛ ۳۳:۱۲  
 مت ۱۴:۳؛ روم ۲۹:۴؛ افس ۱۰:۲  
 مت ۱۰:۱۱-۱۵؛ ۲۰:۲۳؛ بر طبق مت ۴۸:۵؛ ۴۸:۱۹؛ ۲۱:۱۹ فرد ایماندار به وسیله اجرای قوانینی به کامل می رسد که عیبی آنها را به  
 تمامیت رسانده است.  
 i- در تضادی از نسخه های خطی این بند با کلمه اینک آغاز می شود.  
 j- ر. ک ۴:۴.  
 k- در تعدادی از نسخه های خطی در اینجا کلمه همچنین آمده است.  
 l- این عبارت مبهم است. نویسنده کلمه های بسیاری می آورد تا نشان دهد که زبان چه خسارتهای فراوانی می تواند به بار آورد.  
 تصویر جهنم در این بند از احادیث یهود گرفته شده و اصطلاح جریان هستی از فرهنگ یهودیان یونانی زبان است (بعدها آن را  
 رواقیان یونانی خواهند گرفت).  
 m- در تعدادی از نسخه های خطی: بلایی بدون لجام.  
 n- مسلماً منظور نویسنده معلمان هستند که با زبان خود خدا را ستایش کرده و آدمیانی را که به صورت او آفریده شده اند لعنت  
 می نمایند و بدینسان صلح و آرامش جمعیت را مختل می نمایند.  
 o- در تعدادی از نسخه های خطی، در ابتدای این بند کلمه همچنین افزوده شده و در تعدادی از آنها بلافاصله نوشته شده است:  
 هیچ چشمه ای نمی تواند آب شیرین و آب شور بدهد.  
 p- عقاب و خطاب به معلمان با ستایش از حکمت ادامه می یابد (بندهای ۱۳-۱۷)، حکمت که منبع هر آموزشی است یعقوب  
 علاقمند است دو نوع حکمت را در برابر یکدیگر آورده و مقایسه نماید: حکمت معلمان دروغی که حکمتی زمینی، حیوانی و  
 دیومنتش (شیطانی) است و مربوط به دنیای دروغ و بر ضد حقیقت است، حکمت انسان کامل که به مانند سخن حقیقت از  
 عالم بالا می آمد و ثمره های صلح به بار می آورد. (ر. ک مت ۹:۵؛ عبر ۱۱:۲؛ ۱-۱ پطرس ۳:۱۰-۱۱)، همچنین رحمت  
 (ر. ک ۱۳:۲)، و مهربانی (ر. ک ۲۱:۱؛ مت ۴:۵؛ ۱-۱ پطرس ۳:۴، ۱۶) ببار می آورد. این فهرست ثمره های حکمت واقعی،  
 روش موعظه اخلاقی را به یاد می آورد (ر. ک غلا ۵:۲۲-۲۵).

## حکمت زمینی و حکمت عالم بالا

۱- قرن ۳: ۳؛ اما اگر در دل حسادت تلخ و حس مجادله دارید به خود مباهات نکنید و بر ضد حقیقت دروغ نگوئید. <sup>۱۵</sup> این حکمتی نیست که از عالم بالا فرود می آید بلکه زمینی، حیوانی، دیو منشی است <sup>۱۶</sup> زیرا هر جا که حسادت و مجادله هست بی نظمی و هر عمل بد است <sup>۱۷</sup> اما حکمت [عالم] بالا بدو پاک است سپس صلح آمیز با گذشت آشتی پذیر پر از رحمت و ثمره های نیکو بدون تبعیض و بی ربا است. <sup>۱۸</sup> میوه عدالت در صلح کاشته شده برای آنان که عمل صلح انجام می دهند.

## دوست جهان، دشمن خدا است

۴ از کجا جنگها و از کجا است مشاجره هایی که در بین شما است؟ <sup>۹</sup> آیا از آن نیست که کامجویی ها در اعضای شما مبارزه می کنند؟ <sup>۲</sup> شما هوس می کنید، و ندارید؛ طمع می کنید و حسد می ورزید، و نمی توانید بدست آورید، مشاجره می کنید و جنگ می نمایید. بدست نمی آید، زیرا درخواست نمی کنید. <sup>۳</sup> درخواست می کنید <sup>۲</sup> و دریافت نمی نمایید، زیرا بد درخواست می کنید، تا برای کامجویی های خود خرج کنید، <sup>۴</sup> ای زناکاران <sup>۵</sup>، آیا نمی دانید که دوستی جهان دشمنی به خدا است؟ آنکه می خواهد دوست جهان باشد خود را دشمن خدا می کند. <sup>۵</sup> یا اینکه فکر می کنید نوشته

روم: ۷: ۲۳؛  
۱- پطرس: ۱۱؛  
مت: ۵: ۲۱-۲۲؛  
۱- یوحنا: ۱۵

مت: ۷: ۷

مت: ۶: ۲۴؛

لوقا: ۶: ۲۶؛

۱- یوحنا: ۱۵: ۲

روم: ۸: ۷

- q- مشاجره ها و تفرقه های افراد جمعیت مسیحیان مستقیماً نتیجه زیانهای زبان و معلمان دروغی است. بهر صورت اشاره بر کامجویی هایی که در درون اعضا مبارزه می کنند (ر. ک ۴: ۱) و به دنیا و ابلیس فرصت می دهند آدمی را تحت تسلط بگیرند نشانه آن است که حکم و کیفر جدید مطرح شده که منبع آن احادیث است.
- r- در این نامه دو کلمه مختلف برای مفهوم شفاعت بکار برده شده است: یکی فعل درخواست کردن (ر. ک ۱: ۵) و دیگری نیایش کردن (۵: ۱۳-۱۸) و هر دو کلمه به یک معنی در نوشته های عهد جدید بکار برده شده است؛ و شاید تفاوت کلمه نشانه آن است که این احکام از احادیث مختلفی گرفته شده است.
- s- در تعداد زیادی از نسخه های خطی این بند با خطاب مضاعفی آغاز می شود: ای مردان و ای زنان زناکار، از اینجا، نویسنده شدیدی بکار برده و بجای کلمه: ای برادران، مشاجره کنندگان را زناکار. گناهکار و آدمیانی با روح مضاعف می خواند (بندهای ۸-۹). صفت: زنان زناکار، سخنان پیامبران را بیاد می آورد که علیه قوم بی وفا به پیمان به اسرائیل پرخاش می کردند زیرا به عهد و پیمان وفادار نبود (ر. ک هو ۳: ۱) یا سخنان عیسی که به نسلی خطاب می شد که پیام او را نمی پذیرفتند (ر. ک مت ۱۲: ۳۹؛ ۱۶: ۴). این کلمات ممکن خطاب به جمعیتها و یا خطاب به افراد باشد.
- t- همانطور که مضرات زبان در مقایسه و تناقض دو نوع حکمت درک می گردید. تفرقه در بین جمعیت با مقابله و اختلاف بین دوستی دنیا و محبت به خدا توضیح داده می شود. این مقابله و ارائه اختلاف در نوشته های یهود سنتی است (مثلاً در دستورها و قواعد قمران ۳: ۱۸-۲۶؛ ۱۱: ۶-۱۰ دو روح در برابر یکدیگر آورده شده که یکی پسران روشنایی و دیگری پسران ظلمت را رهبری می کند). همین طرز ارائه و بیان به اشکال مختلف در نوشته های عهد جدید هم آمده است: (در نوشته های پولس مقابله جسم و روح: در نوشته های یوحنا تناقض و اختلاف ظلمات و روشنایی) ولی بدان معنی نیست که تنوینی باشد و بر طبق آن اساساً دنیای شر و بدی را قرار دهد. بلکه انتخاب قاطعی را بیان و پیشنهاد می کند که بین اطاعت از خدا و بردگی تحت قدرت مخالف وجود دارد. در این وضعیت دوستی به دنیا نشانه یک قلب مردد و بلا تکلیف است (ر. ک ۱: ۸؛ ۳: ۶).

خواهد کرد.

تو که هستی که همنوع را داوری می کنی؟

۱۱ ای برادران، از یکدیگر بدگویی لاو ۱۹:۱۶؛ مت ۷:۱-۵  
 مکنید.<sup>a</sup> آنکه از برادری بد می گوید یا<sup>b</sup>  
 برادر خود را محکوم می کند، از قوانین بد  
 می گوید و قوانین را محکوم می کند.<sup>c</sup>  
 باری، اگر تو قوانین را محکوم می کنی.  
 قوانین را بجا نمی آوری<sup>d</sup>، بلکه داور آن ۲۲:۱  
 هستی. ۱۲ قانونگذار و داور<sup>e</sup> فقط یکی  
 است، آنکه می تواند نجات دهد و تباه  
 سازد. اما تو که هستی که همنوع<sup>f</sup> را داوری  
 کنی؟

خروج ۵:۲۰ مقدس بیهوده می گوید: [خدا] به روحی  
 که در ما نهاده است<sup>v</sup> شدیداً علاقمند  
 است<sup>u</sup>؟<sup>۶</sup> اما فیضی که می دهد بزرگتر  
 است؛ بدین سبب می گوید: خدا مخالف  
 مغروران است، اما به فروتنان فیض  
 می دهد<sup>w</sup>.<sup>۷</sup> پی از خدا فرمانبرداری کنید؛  
 در برابر ابلیس مقاومت نمایید، به دور از  
 شما فرار خواهد کرد.<sup>۸</sup> به خدا نزدیک  
 شوید، و او به شما نزدیک خواهد شد، ای  
 گناهکاران، دستهای خود را پاک کنید، و  
 ای روحهای مضاعف<sup>۹</sup>، دلها را منزه  
 سازید<sup>x</sup>.<sup>۹</sup> بدبختی خود را درک کنید، ماتم  
 بگیرید و گریه کنید<sup>z</sup>، خنده شما به ماتم و  
 شادی به غمگینی متبدل شود.<sup>۱۰</sup> در برابر  
 خداوند فروتنی کنید و او شما را سرافراز  
 ایوب ۲۲:۲۹؛ ۱-بطر ۵:۶  
 افس ۱۲:۶؛ ۱-بطر ۵:۸-۹  
 زک ۱:۳؛ ملا ۷:۳  
 اش ۱:۱۶  
 ایوب ۵:۱۱؛ لو ۱۱:۱۴؛ ۱-بطر ۵:۶  
 خروج ۵:۲۰؛ ۱-بطر ۵:۱۴؛ ۱۵:۴

- u- ترجمه تحت اللفظی: با حسادت خواهان روحی است ... کسان دیگری ترجمه کرده اند: روحی که خدا در ما قرار داده است با حسادت خواهان است. ولی بطوری که از فحوی عبارت برمی آید در این عبارت خدا فاعل این حسادت است و پایه و مبنای دعوت به گرایش است که به بی ایمانان خطاب می شود (بندهای ۷-۹). برابر تفسیر بعضی از نسخه های خطی: روحی را که خدا با حسادت می جوید روح القدس نیست بلکه روحی است که در آدمیان نهاده است.
- v- در تعدادی زیادی از نوشته های عهد عتیق اکثراً سخن از حسادت خدایی (یا غیرت خدایی) است ولی عین این عبادت را در هیچ جا نمی توان یافت. آیا نقل قول از کتابی ساختگی است؟ (مکاشفه موسی ۳۱:۴۲) یا تعبیری از نوشته های تفسیری یهودیان از تورات است. پید ۳:۶؛ خروج ۵:۲۰؛ و یا ایوب ۱۴:۱۵؛
- w- مز ۳:۳۴.
- x- ر. ک ۱:۲۰-۲۷.
- y- کلمه یونانی که در اینجا آمده و به معنی دو رویی نسبت به خدا و یا نسبت به آدمیان است قبل از نامه یعقوب در جای دیگری به چشم نمی خورد ولی بعداً در خطابه ها و موعظه های تشویقی مسیحیت بکار برده شده است (مثلاً هرماس، شبان، دستور ۹، که در آن موضوع دورویی وابسته به دو خواهش نفسانی است). ولی تصویر قلب دوگانه (تحت اللفظی: روحهای مضاعف) از احادیث یهود گرفته شده است (مثلاً نوشته های قمران: دستورها و قواعد ۴:۱۳-۱۶) و با ریاکاری مربوط می شود که در انجیل متی اعلام و افشاء شده است (ر. ک ۶:۲، ۵، ۱۶؛ ۷:۱۵؛ ۱۳:۲۵-۱۳؛ ۱۵) و منظور کسی است که دلش می خواهد بین محبت به خدا و دوستی با دنیا سازشی برقرار کند و بدین سان در ایمان خود، در نیایش و در رفتار خود در نوسان است. این شخص متضاد انسان کامل است که سعی می کند سادگی خدا در وجودش منعکس گردد. (ر. ک ۱:۸-۵؛ ۵:۱۲).
- z- فروتنی و سرشکستگی فرد گناهکار در اینجا موجب ندامت و پشیمانی است و منجر به تغییر وضعیتی در پایان روزگار می شود (ر. ک ۱:۹-۱۰؛ لو ۶:۲۱، ۲۵)، در صورتی که خطاب و عتابی که در بند ۵ را می آید به هیچگونه ندامتی منتهی نمی شود.
- a- ر. ک ۱:۲۶؛ ۳:۹-۱۰.
- b- در تعدادی از نسخه های خطی: آنکه از برادری بد می گوید و برادر خود را محکوم می کند.
- c- ر. ک ۲:۱۰-۱۱ در اینجا که نویسنده مقام یک برادر را با قوانین یکی کرده با کلمات گیرایی مقام والای محبت را بیان می نماید.
- d- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: و دیگر قوانین را بجا نمی آوری.
- e- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات قانونگذار و داور حذف شده است.
- f- در تعدادی از نسخه های خطی: اما تو که هستی که دیگری را داوری کنی؟



### شکيبا باشيد، خداوند نزديك می شود

لو:۲۱:۱۹؛ عبر:۱۰:۳۶-۳۹  
 ۷ پس، ای برادران<sup>۵</sup>، تا فرا آمدن  
 خداوند<sup>۶</sup> شکيبایی کنید ببینید، که  
 کشاورز میوه گرانبهای زمین را انتظار  
 می کشد و در انتظار است تا باران پیشرس  
 و بارش آخر فصل فرا رسد<sup>۹</sup>. شما هم  
 ۲۹-۲۶:۴ مر  
 ۱۴:۱۱؛ ۲۴:۵؛ ۲۳:۲ یول  
 ۱-تسا:۳:۱۳ شکيبایی کنید؛ دلهايتان را استوار سازید،  
 ۵:۴ فی زیرا آمدن خداوند نزديك شده است. ای  
 برادران، نسبت به يکديگر شکوه مکنید،  
 ۲۹:۱۳؛ ۲۰:۳ مر تا محکوم نگردید؛ ببینید که داور جلو  
 دروازه ها است<sup>۱۰</sup> ای برادران، از رنج و

شکيبایی پیامبران<sup>۱</sup> سرمشق بگیریید، که  
 به نام خداوند سخن گفته اند.<sup>۱۱</sup> ببینید، ما  
 می گوئیم خوشا بر آنانکه مقاومت کردند. دان:۱۲:۱۲  
 شما مقاومت ایوب<sup>۸</sup> را شنیده اید، و به ایوب:۲۱-۲۲  
 سرانجام رساندن خداوند<sup>۴</sup> را دیده اید، زیرا  
 خداوند<sup>۱۱</sup> مهربان و مشفق است.<sup>۷</sup>

### آری شما، آری باشد

۱۲ ای برادران من، قبل از هر چیزی،  
 سوگند<sup>۷</sup> یاد می کنید، نه به آسمان، نه به  
 زمین، نه هر سوگند دیگری که باشد، آری  
 شما، آری، و نه شما، نه باشد، تا تحت

۵- در این قسمت آخر نامه که پایان روزگار در افق ترسیم می شود، نویسنده مجدداً به ایمانداران خطاب می کند تا آنان را به  
 شکيبایی (بندهای ۷-۱۱) و نیایش (بندهای ۱۳-۱۸) تشویق نماید. شکيبایی و نیایش دو اندرز سنتی هستند که در  
 خطابه های مسیحی منظور می شوند (ر. ک ۱-تسا:۵:۱۱، ۱۱-۱۷:۱۸؛ مت ۲۶:۴۱). شکيبایی به مانند پایداری و مقاومت  
 (ر. ک ار ۳-۴؛ کول ۱:۱۱) و استحکام قلب (ر. ک ۱-تسا:۳:۱۳) وضعیت و حالت مناسب دوران مشکلات و تجربه های  
 ناگواری است که پیش از باز آمدن مسیح روی خواهد داد. به این موضوع های مهم، موضوع های دیگری افزوده می شود  
 (بندهای ۱۲: ۱۹-۲۰). نوع انشاء که ظاهراً به صورت دستور قاطعی بیان می شود در موعظه های تشویقی رایج است.

p- برخلاف عادت پولس (ر. ک ۱-قرن ۱:۲۳؛ ۱-تسا:۲:۱۹؛ ۱۳:۳؛ ۱۵:۴؛ ۲۳:۵؛ ۲-تسا:۲:۸) و سایر نوشته های عهد  
 جدید (مت ۲۴:۳، ۲۷، ۳۷، ۳۹؛ ۲-پطر ۱:۱۶؛ ۳:۴؛ ۱-یو ۲:۲۸) در اینجا فرا رسیدن پایان روزگار مربوط به آمدن خدا  
 و نه باز آمدن مسیح است (ر. ک ۲-پطر ۳:۱۲) زیرا از فحوای عبارت برمی آید که منظور از کلمه خداوند، خدا است  
 (بندهای ۹، ۱۱) و در این مورد نظر یعقوب نزديك تر به محافل یهودی است. ضمناً آف و منظره پایان روزگار با کلمات و  
 اصطلاحات متعددی بیان شده است (روزهای واپسین ۵:۳؛ نجات ۱:۲۱؛ ۲:۱۴؛ ۴:۱۲؛ ۵:۲۰؛ تاج زندگی ۱:۱۲؛ ملکوت  
 ۲:۵؛ داوری ۲:۱۲-۱۳؛ ۱۲:۱۵؛ جهنم ۳:۶). این نامه در زمانی یا در محیطی نوشته شده است که موضوع تأخیر بازگشت  
 مسیح شکل حادی ایجاد نمی کرده است (به مانند مت ۲۵:۵، ۱۹ یا ۲-پطر ۳:۸-۹).

q- در تعداد زیادی از نسخه های خطی نوشته شده است: تا بارانهای پیشرس و دیررس را دریافت نکرده است و در نسخه های  
 دیگری: تا محصولات پیشرس و دیررس را دریافت نکرده است.

f- نشان دادن سرمشق پیامبران بر طبق روش و سنتهای یهودی است که آنان را بعنوان شهید به شمار می آورند (ر. ک مت ۵:۱۲؛  
 ۲۳:۲۹-۳۱؛ اع ۷:۵۲؛ روم ۱۱:۳؛ ۱-تسا:۲:۱۵؛ عبر ۱۱:۳۶-۳۸).

s- جای شگفتی است که یعقوب، ایوب و نه عیسی را بعنوان نمونه و سرمشق پایداری ارائه می کند (ر. ک عبر ۱۲:۱-۴)  
 وانگهی تنها موردی در تمام نوشته های عهد جدید است که نام ایوب ذکر می شود. این تذکر بیشتر بدان سبب است که در  
 آیین یهود، ایوب بعنوان نمونه شکيبایی شناخته شده و نه اینکه بخواهد صبر ایوب را با رنجها و مصائب عیسی مقایسه و تطبیق  
 دهد.

t- این «هدف» یا سرانجام که خدا برای ایوب در نظر داشته اشاره به برکت یافتن نهایی ایوب است ایوب ۴۲:۱۰-۱۷.

u- در تعدادی از نسخه های خطی کلمه خداوند حذف شده است.

v- خروج ۳۴:۶؛ مز ۱۰۳:۸؛ ۱۱۱:۴.

w- چنین به نظر می رسد که این دستور درباره سوگند یاد نکردن نظیر آنچه در مت ۳۴:۵-۳۷ آمده، از احادیثی الهام گرفته باشد  
 که سابقه آن را در بعضی جریانهای فکری آیین یهود می توان یافت (بنسی ۲۳:۹-۱۱؛ فیلون، حکام دهگانه، ۸۴؛ نوشته  
 داماس ۱:۱۵-۵).

محکومیت<sup>x</sup> نیفتید.

گناهان را به یکدیگر اعتراف کنید<sup>d</sup> و اع ۱۲:۵  
برای یکدیگر نیایش نمایید تا شفا یابید.

نیایش یک عادل فعال نیروی زیادی دارد. ۱-پاد۱۷:۱؛  
بنسی ۱:۴۸

نیایش کرد تا باران نبارد و سه سال و شش مکا ۶:۱۱؛  
۱-پاد۱۸:۴۲  
نیایش کرد، و آسمان باران داد، و زمین  
ثمره خود را آورد.

### گمراه شدگان را باز گردانید

ای برادران من، اگر کسی در بین  
شما، به دور از حقیقت گم شود<sup>f</sup> و یکی غلا ۱:۶؛

### نیایش کنید

۱۳ اگر یکی از شما رنج می کشد، نیایش  
کنید<sup>l</sup>، اگر کسی شادی دارد، مزموهرایی  
ترنم کند<sup>z</sup>. ۱۴ اگر کسی در بین شما بیمار  
است، قدیمی های کلیسا را بخواند تا  
برایش نیایش کنند<sup>a</sup> و بر او به نام خداوند  
با روغن<sup>b</sup> مسح نمایند: ۱۵ و نیایش ایمان،  
دردمند را نجات خواهد داد خداوند او را  
بلند خواهد کرد<sup>c</sup>؛ و اگر گناهانی کرده  
باشد، بر او بخشیده خواهد شد. ۱۶ پس

مز: ۵:۱۵  
اع: ۱۶:۲۵

x- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: در ریاکاری.

y- در اینجا منظور نیایشی انفرادی و شخصی است در صورتی که در بند ۱۴، نیایش در کلیسا است.

z- ر. ک. روم ۱:۹؛ ۱- قرن ۱۴:۱۵؛ افس ۵:۱۹-۲۰؛ کول ۳:۱۶-۱۷.

a- در تعدادی از نسخه های خطی: بر روی او نیایش کنند، پس از اینکه مسحی روغن کرده اند ...

b- مینا و ریشه تدهین کردن قبل از نیایش هم پزشکی (ر. ک. لو ۳۴:۱۰) و هم مذهبی است. مرقس اجرای آن را در شفا دادنهای  
دوازده رسول ذکر می کند (مر ۱۳:۶). چون این عمل، نظیر تعمید به نام خداوند انجام می شود. نشانه ایمان کلیسا بر خداوند  
برخاسته از میان مردگان است و جنبه آداب مذهبی دارد. در چهاردهمین جلسه مجمع اسقفان تاران، وابستگی این متن به راز  
تدهین بیماران اظهار شده است ولی این نکته را بطور کلی سنت پرتستانها نپذیرفته است.

c- فعلهای نجات دادن و بلند کردن ممکن است یا به مفهوم بهبودی بیمار باشد و یا اینکه بدون شفا یافتن در پایان روزگار نجات  
یابد. با این همه اگر بعضی از روایتها معجزه های انجیل در نظر گرفته شود (ر. ک. مر ۵:۳۴، ۴۱ «ایمانت تو را نجات داده  
است ... بپاخیز!»؛ لو ۱۷:۱۹ «برخیز! ... ایمانت تو را نجات داده است!») می توان تصور کرد که در اینجا منظور قدرت  
خداوند در شفا دادن بیمار و نجات یافتن فرد گناهکار است. ارتباط بین بیماری و گناه در طرز تفکر کتاب مقدس عمیقاً ثبت  
شده است و بدین گونه می توان توضیح داد چرا عهد جدید بخشایش گناهان و شفای جسم را همچون نشانه رستاخیز مربوط  
می داند که هم اکنون در اعمال مسیح در فعالیت است.

d- در این بند سه موضوعی که در بند قبلی است یعنی بخشایش گناهان، نیایش و شفا یافتن مجدداً ذکر شده است. بنا به عقیده  
بعضی از مفسران ممکن است اعتراف به گناهان مربوط به تدهین باشد ولی بیشتر چنین بنظر می رسد که موضوع بخشایش  
گناهان یادآوری موعظه و تشویق به اعتراف گناهان را موجب شده باشد (ر. ک. دان ۹:۴-۲۰؛ بار ۱-۱۴:۲-۱۰؛ مت ۳:۶؛ اع  
۱۸:۱۹؛ قواعد و دستورهای قمران ۱:۲۳-۲:۱).

e- موضوع نیایش، با یادآوری نام الیاس به منتهی درجه اهمیت می رسد. لازم به یادآوری است که در احادیث یهود نمونه های  
زیادی از پیامبران وجود دارد که به خاطر قوم وساطت می نمایند (ر. ک. پید ۱۸:۲۲-۲۳؛ خروج ۳۲:۱۱-۱۴، ۳۰-۳۹)  
یعقوب یادآوری و تأکید می کند که نیایش فرد عادل که با چنین قدرتی عمل می نماید نظیر نیایش یک انسان برای برادرانش  
می باشد (ر. ک. حک ۷:۳؛ اع ۱۴:۱۵). شخصیت الیاس هم در احادیث و سنن یهود (ر. ک. لا ۳:۳؛ بنسی ۱-۴۸؛ مر  
۹:۱۱-۱۳) و هم در بین مسیحیان اولیه مورد توجه و علاقه بوده است (چنانکه الیاس را که باید بیاید با یحیی تعمید دهنده  
یکی می گرفتند) ضمناً موضوع سه سال و شش ماه احادیث یهود که در نوشته های عهد عتیق وجود ندارد، در لو ۴:۲۵ ذکر شده  
است.

f- در یک نسخه خطی کهن نوشته شده: اگر یکی از شما از راه دور شده است. در نسخه های دیگری ... از راه حقیقت دور شده  
است.

دیگر او را باز گرداند، ۲۰ بدانید<sup>g</sup>، زندگی او را از مرگ نجات داده<sup>h</sup> و مز ۱۵:۵۱  
کسی که گناهکاری را از گمراهی گناهان افزونی را خواهد پوشاند<sup>i</sup>. مز ۱:۳۴

<sup>g</sup>- در تعدادی از نسخه های خطی: بدانند. در یک نسخه قدیمی کلمه بدانید حذف شده است.  
<sup>h</sup>- در تعدادی از نسخه های خطی: زندگی را نجات خواهد داد، در نسخه های دیگری: یک زندگی را از مرگ گناهکار برخواهد کند.

<sup>i</sup>- بنظر یعقوب بازگشت برادر گمراه شده به حقیقت، همچون یک نجات واقعی از مرگ به شمار می رود (ر.ک مت ۱۸:۱۲-۱۳:۱-۱۰؛ یو ۱۵:۱۶). ظاهراً گناهان پوشانده شده، یعنی بخشیده شده گناهان برادری است که گمراه شده بود (ر.ک ۱- پطر ۴:۸ که بین نقل قول امث ۱۰:۱۲ را دارد) و نه اینکه گناهان برادری که او را به حقیقت بر می گرداند (ر.ک حزق ۳:۲۰-۲۱:۱- تیمو ۴:۱۶)، یعقوب با بکار بردن کلمه گناهان افزون، شاید گناهان هر دو را تعیین می کند (ر.ک ۱۲:۳).

# اولین نامه پطرس

## پیشگفتار

(در زبان یونانی: دیاسپورا) اصلاً به یهودیانی اطلاق می‌شود که در خارج از فلسطین بسر می‌برند و در نظر اول چنین می‌نماید که در اینجا منظور مسیحیانی هستند که قبلاً یهودی بوده‌اند. ولی در حقیقت خیلی محتمل است که این اصطلاح به صورت رمز و اشاره در مورد مسیحیانی بکار برده شده باشد که در دنیا پراکنده‌اند (ر.ک ۱۱:۲) و اکثریت آنان قبلاً مشرک بوده‌اند. زیرا طرز زندگی سابق ایشان که در نامه ذکر شده بیشتر با زندگی مشرکان تطبیق می‌نماید تا اینکه مربوط به یهودیان باشد (۱:۱، ۱۸؛ ۳:۴)، با این همه این مسیحیان با نوشته‌های مقدس آشنا بوده‌اند و اطلاعات زیادی که در نامه دربارهٔ مطالب عهد عتیق داده شده است این امر را ثابت می‌کند.

جمعیت‌های مسیحی که نامه به آنان خطاب شده است اکثراً در نتیجه رسالت پولس تأسیس شده بودند یعنی یا مستقیماً خود پولس و یا همکاران او که از مراکز اصلی به ایالات مختلف آسیای صغیر رفته بودند (مثلاً افراس که انجیل را به کولسی برده بود. کول ۱:۷). به طوری که از مفاد نامه برمی‌آید سازمان خدمات کلیسا نسبت به زمان نگارش نامه‌های شبانی کمتر متشکل و آماده بوده است و بنابراین با دوران قدیم تری از زندگی

نخستین نامه پطرس چندان مورد توجه علمای خداشناسی نیست زیرا با مقایسه با مجموعه نوشته‌های عهد جدید در توضیح و تشریح مسائل عقیدتی آموزش بخصوصی ندارد. قسمتی از این نامه که مخصوصاً جلب توجه می‌کند موضوع «مقام کهنات سلطنتی» و ذکر موعظهٔ مسیح در جهنم است. اما در مورد بقیه نامه به سهولت می‌توان نشان داد که نزدیک و شبیه به مطالب انجیل‌های همگانه، سخنرانی‌های اعمال رسولان و موعظه و اندرزهای پولس قدیس است. با این همه همین امر که نامهٔ ما با نوشته‌های مختلف عهد جدید موضوعهای مشابهی را مطرح می‌کنند نشان می‌دهد که در دوران رسولان آموزش مذهبی و امور اساسی زندگی مسیحی چگونه بوده است. مفسران زیادی به این نکته توجه کرده و بدین سبب از چندین سال پیش بررسی این نامه نظر متخصصان را جلب کرده است.

## مخاطبان نامه

برای تعیین هویت دقیق مخاطبان نامه، در این نامه اشاره‌های کمی وجود دارد. نامه خطاب به مسیحیانی است که در پنج ایالت رومی آسیای صغیر بسر می‌برند «برگزیدگانی غریب که در پراکندگی هستند» (۱:۱). کلمهٔ پراکندگی که در این مورد بکار برده شده

مسیح» (۱:۵) است که نامه خود را بوسیله سیلوانس» نوشته (۱۲:۵)، درحالی که «پسرش» مرقس در کنار او بوده است (۱۳:۵). انتساب نامه را به پطرس احادیث مختلفی تأیید کرده اند: مثلاً دومین نامه پطرس که یکی از متأخرترین نوشته های عهد جدید است بر این امر گواهی می کند (۲-پطرس ۱:۳) و بعدها ایرنه، ترتولیان و کلمنت اسکندریه، پطرس را به عنوان نویسنده این نامه تعیین کرده اند. مضافاً بر اینکه برطبق نوشته اوسیپیوس، مورخ مذهبی، پایاس ثابت کرده بود که بین پطرس و مرقس، دومین انجیل نگار ارتباط نزدیکی وجود داشته است (همچنین ر. ک اع ۱۲:۱۲).

با این همه تعدادی از متخصصان در انتساب نامه به پطرس تردید کرده اند. دلایل مهمی که ارائه شده و پاسخهایی که می توان داد عبارتند از:

**الف) کیفیت زبان یونانی** که در این نامه بکار برده شده به طوری است که بدشواری می توان پذیرفت، پطرس، ماهیگیر اهل جلیل آن را نوشته باشد و اگر بگوییم که پطرس نامه خود را به زبان آرامی نوشته و کسی آن را به زبان یونانی ترجمه کرده است (سیلوانس ۱۲:۵) این دشواری حل نمی شود زیرا نمی توان توضیح داد به چه سبب نقل قولهای عهد عتیق که در نامه آمده است بدون استثنا از متن یونانی عهد عتیق گرفته شده است. ولی استدلال قاطعیت ندارد زیرا از یک طرف در زمان عیسی، زبان یونانی در فلسطین متداول بوده و مدارکی که جدیداً بدست آمده این نکته را ثابت می کند و بنابراین ممکن است

مسیحیت اولیه تطبیق می نماید: مثلاً فقط سخن از قدیمی ها (۴-۱:۵) و به طور مستقیم از شماسان است (ر. ک ۱۱:۴ n). و اما اعضای این جمعیت ها، به طور کلی از طبقات پایین جامعه و مردمی ساده و حقیر بودند و قسمتی از نامه که در مورد رفتار خدمتگزاران و بردگان است این امر را تأیید می نماید (۲-۱۸:۲۵).

### نویسنده نامه، تاریخ نگارش و محل انشای نامه

برابر اطلاعاتی که در نامه داده شده، نویسنده نامه پطرس «رسول عیسی مسیح» (۱:۱)، «قدیمی»، «شاهد رنجهای مسیح» (۱:۵) است که نامه خود را «بوسیله سیلوانس» نوشته (۱۲:۵). درحالی که «پسرش» مرقس در کنار او بوده است. (۱۳:۵). انتساب نامه را به پطرس احادیث مختلفی تأیید کرده اند: مثلاً دومین نامه پطرس که یکی از متأخرترین نوشته های عهد جدید است بر این امر گواهی می کند (۲-پطرس ۱:۳) و بعدها ایرنه، ترتولیان و کلمنت اسکندریه، پطرس را به عنوان نویسنده اسن نامه تعیین کرده اند. مضافاً بر اینکه برطبق نوشته اوسیپیوس، مورخ مذهبی، پایاس ثابت کرده بود که بین پطرس و مرقس، دومین انجیل نگار ارتباط نزدیکی وجود داشته است (همچنین ر. ک اع ۱۲:۱۲).

با این همه تعدادی از متخصصان در انتساب نامه برابر اطلاعاتی که در نامه داده شده، نویسنده نامه به پطرس «رسول عیسی مسیح» (۱:۱)، «قدیمی»، «شاید رنجهای

پطرس که شاگرد نزدیک عیسی بوده نمی‌بایستی به طرز دیگری اظهار کرده باشد؟ آیا نمی‌بایستی به طرز دقیق‌تری تجربه واقعی خود را در کنار استادش ذکر نماید؟ در پاسخ این سؤالها قسمتهایی از نامه را نقل می‌کنند که انعکاسی از سخنان عیسی هستند (۸:۱) و یو ۲۰:۲۹؛ ۲:۲ و مر ۱۵:۱۰ و در انجیل‌های دیگر؛ ۱۲:۲ و مت ۱۶:۵؛ ۲۳:۲ و مت ۵:۳۹؛ ۹:۳ و لو ۶:۲۸؛ ۳:۱۴ و مت ۵:۱۰؛ ۵:۳ و یو ۱۳-۱۵-۱۷، ر. ک ۲:۲۵ و مت ۹:۳۶)، مضافاً بر اینکه تعداد زیادی از این سخنان از ماردی است که مستقیماً مربوط به پطرس است. (مثلاً ۵:۲ و یو ۲۱:۱۵-۱۷؛ ۱:۴، ۱۳ و لو ۱۲:۳۳، ۳۵، ۴۱). شایسته است مقایسه و برابری مخصوصاً در مورد خدمتگزار رنجور که در نامه ذکر شده است انجام گردد. این موضوع که منبع آن کتاب اشعیا است (۱۲:۵۳-۱۳:۵۲) هم در انجیلها (لـ و ۲۲:۳۷ و اش ۵۳:۱۲)، هم در سخنرانیهای پطرس (اع ۳:۱۳، ۲۶، ر. ک ۴:۲۷، ۳۰) و هم در این نامه ذکر شده است (۲:۲۱-۲۵). البته نبایستی در ارزیابی واقعی این شباهت‌ها مبالغه کرد زیرا از همان اوان تشکیل کلیسا مجموعه‌هایی از سخنان عیسی انتشار یافته بود ولی ثابت می‌کند که استدلال بر مبنای «فقدان خاطره‌های مستقیم از زندگی عیسی بر روی زمین» چندان مسلم و قطعی نیست.

(د) ظاهراً در این نامه اشاره به نخستین تعقیب و شکنجه‌های مقامات دولتی درباره مسیحیان شده است (که فقط جنبه محلی نداشته) و این وقایع را نمی‌توان به دوران قبل از امپراتوری دومیسین (۸۱-۹۶ پس از میلاد) یعنی مدتها

که پطرس به زبان یونانی آشنا بوده است. از سوی دیگر ممکن است که پطرس در تنظیم و انشاء نامه خود از همکاری سیلوانس استفاده کرده باشد و بدین‌گونه کیفیت شیوه نگارش نامه را می‌توان توضیح داد.

(ب) همچنین یادآوری کرده‌اند که بعضی از افکار و نظریاتی که در این نامه آمده است با عقاید خداشناسی پولس شباهت دارند و چند مورد را به عنوان نمونه می‌توان ذکر نمود: بکار بردن تصویر سنگ تصادم که از عهد عتیق گرفته شده است (۱-پطرس ۲:۴-۸؛ روم ۹:۳۲-۳۳)، پند و موعظه بر اینکه باید از اولیای امور اطاعت نمود (۱-پطرس ۲:۱۳-۱۷؛ روم ۱۳:۷) و یا بکار بردن اصطلاح «در مسیح» (۳:۱۶؛ ۵:۱۰، ۱۴). باری با توجه به مفاد غلا ۲:۱۱-۱۴ نفوذ عقاید پولس را به آسانی می‌توان توضیح داد: زیرا مجموعه مشترکی از آموزشهای مذهبی برای تمام کلیساهای اولیه وجود داشته و پطرس و پولس از آن مجموعه استفاده کرده‌اند. اما در مورد آنچه در انطاکیه رخ داده و در غلا ۲:۱۱-۱۴ ذکر شده است نبایستی آن را مخالف اصولی دو رسول در علم الهی بشمار آورد بلکه پولس طرز رفتار پطرس را در موقعیت مخصوصی سرزنش می‌کند و ارتباطی با نظریات علم خداشناسی ندارد.

(ج) در نخستین نامه پطرس اظهاراتی درباره آشنایی و شناختن مستقیم عیسی نظیر آنچه در انجیلها ذکر شده وجود ندارد. نویسنده نامه به طور کلی از رنجها و مرگ مسیح سخن می‌گوید و نکات اصلی آموزش عیسی را کاملاً به سکوت برگزار می‌نماید (مثلاً «ملکوت خدا» و «پسر انسان») و می‌توان پرسید آیا

## پیشگفتار اولین نامه پطرس

نامه ای برای تشویق و دلگرمی مسیحیان نوشته و برای همه جمعیت‌ها ارسال دارد. ولی با بررسی وضعیت تاریخی و جریان توسعه مسیحیت محتمل است که نامه در دورانی نزدیک به شهادت پطرس یعنی حدود سالهای ۷۰-۸۰ میلادی نوشته شده باشد و ممکن است یکی از شاگردان او که در روم اقامت داشته این پیام تشویق و دلگرمی را تنظیم و انشاء کرده باشد تا سنت و روش رسول را زنده نگهداشته و جمعیت‌های پراکنده مسیحی را به پایداری و استقامت تشویق نماید.

### نامه از نظر ادبی، وحدت و هدف

تعدادی از محققان و منتقدان متوجه شده‌اند که مخصوصاً در سه فصل اول نامه، اشاره‌ای به تعمیم وجود دارد. ضمناً بعضی از مفسران تصور کرده‌اند از بند ۱۲:۴ به بعد محیط و جو نامه تغییر می‌یابد و دیگر مصائب و رنجها به صورت پدیده‌ای محتمل بشمار نمی‌آیند بلکه واقعیتی فعلی هستند (۱۲:۴؛ ۱۲:۵؛ ۹:۵؛ ر.ک ۲۰:۲؛ ۱۴:۳؛ ۱۷).

بر مبنای این ملاحظات فرضیه‌های مختلفی در مورد نوع نگارش و وحدت نامه مطرح گردیده است و مخصوصاً برای منبع آیین نیایشی نامه اهمیت قایل شده‌اند. بعضی تصور می‌کنند که این نامه حاوی آیین مذهبی تعمیم است (۱۱:۳-۱۱:۴) و بعداً به آن نوشته‌ای افزوده شده است تا تعمیم شدگان را در ایمان تقویت نماید (۱۲:۴-۱۴:۵)، مفسران دیگری برای تفاوت بین ۱۱:۳-۱۱:۴ و ۱۲:۴-۱۱:۵ اهمیت قایل شده و قسمت ۱-۳:۱-۱۱:۵ را همچون یک سخنرانی برای تعمیم می‌دانند

پس از مرگ پطرس منسوب نمود (۱۲:۴؛ ۹:۵). این نظریه نیز قابل اعتراض و تردید است. بدو باید توجه نمود طرز تفکر و روحیه‌ای که در این نامه احساس می‌شود با آنچه در مکاشفه یوحنا بیان گردیده کاملاً متفاوت است؛ زیرا در مکاشفه، مقامات دولتی به عنوان عوامل تعقیب و شکنجه معرفی شده‌اند در صورتی که در نخستین نامه پطرس چنین نیست و هنوز به مسیحیان تعلیم می‌دهد برای اولیای امور احترام قایل شوند چنانکه در نامه به رومیان نیز چنین است (۱- پتر ۲:۱۳-۱۷ و روم ۱:۱۳-۷) و مخصوصاً نقش مثبت مقامات دولتی را یادآوری می‌نماید (۱۴:۲).

مضافاً بر اینکه اصطلاحات فنی مربوط به «تعقیب و شکنجه» یا دادرسی، دادگاه و اتمام بکار برده نشده و فقط کلماتی از نظر علم خداشناسی مانند وسوسه، آزمون و «رنجهایی که به خاطر عدالت متحمل می‌شوند» ذکر می‌شود و «مسلماً تعقیب و شکنجه‌ای که در این نامه ذکر شده عبارتند از: آزار و اذیت، انتقادات، ریشخندها، اقدامات نامطلوب و طرد مسیحیان بوده که بدو از طرف همشهریان مشرک یا همدینان سابق ایشان اعمال می‌شده است» (به قلم س. اسپیک)، و به این ترتیب می‌توان گفت نامه در زمانی نسبتاً قدیمی نوشته شده باشد که هنوز پطرس زنده بوده است.

خلاصه دلایلی که علیه انتساب نامه به پطرس ارایه می‌شود قطعی نیست و می‌توان تاریخی را که تاکنون برای نگارش نامه تعیین شده است پذیرفت: بدین معنی که پطرس اندکی قبل از تعقیب و شکنجه‌های نرون (سال ۶۴ میلادی) از سیلوانس خواسته است

که به آن قطعات ۱:۱-۲ و ۵:۱۲-۱۴ افزوده شده باشد تا به صورت نامه درآید. بالاخره کسان دیگری آن را یک آیین نیایشی برای هفته عید گذر تصور کرده اند. ولی این فرضیه‌ها با ایرادهایی برخورد می‌کنند: با توجه به وحدت روش نگارش و نوع کلماتی که در نامه بکار رفته است احتمال نمی‌رود که نامه از دو قطعه تشکیل شده و از دو منبع مختلف گرفته شده باشد. عنوان نامه و نتیجه‌گیری آن کاملاً با مفاد و متن نامه ارتباط دارند («غریبان» ۱:۱ و ۱۱:۲؛ ر.ک ۱۷:۱؛ اندرز و موعظه، موضوع نامه ۵:۱۲ و ۱۱:۲). مضافاً بر اینکه با سخنان سپاسگزاری (۱:۳-۹) و «قواعد و دستورهای» اخلاق مسیحی (۲:۱۳-۷) که در نامه یاد شده، یقیناً این نوشته به صورت یک نامه تنظیم و انشاء شده است. البته جای شگفتی است که در این نامه نکاتی شخصی درباره نویسنده نامه و مخاطبان آن وجود ندارد ولی باید دانست که نامه از طرف کسی است که بدون اینکه بنیانگذار جمعیت‌هایی باشد که به آن خطاب می‌نماید، در کلیسا اقتدار و مقام مهمی دارد. و اما در اینکه جو و محیط نامه از بند ۴:۱۲ به بعد تغییر می‌نماید، نبایستی در اهمیت این نکته مبالغه شود زیرا تحمل رنجه‌ها و مصائب از بند ۱:۶ به صورت فعلی و کنونی منظور شده اند. از سوی دیگر اقدامات مهم و مختلفی که می‌شود تا متن این نامه را یک آیین نیایشی یا موعظه تعمیدی ارائه کنند فرضیه‌ای نامعلوم و مبهم است. در این مورد دو نکته را می‌توان افزوده و یادآوری نمود: یکی اینکه در متن نامه دقیقاً چیزی درباره مراسم تعمید گفته نشده

(برعکس آنچه در روم ۶:۲-۴؛ کول ۲:۱۲ و تیط ۳:۵ وجود دارد)، مگر یک بار، در قسمتی که تصویر تعمید را به عنوان تعهد نسبت به خدا ذکر می‌نماید؛ مضافاً بر اینکه در متن نامه اثری وجود ندارد که مراحل تدریجی آیین تعمید را نشان دهد (فعل یونانی که در ۱:۲۳ اشاره به تولد جدید است قبلاً در ۱:۳ بکار برده شده است؛ ر.ک ۱:۳f). بنابراین جای تردید نیست که ۱-پطر به صورت یک نامه و به همین صورت تهیه و تنظیم شده است و کاملاً در احادیث و سنت‌های آموزش مذهبی مشترک کلیسای اولیه ریشه دارد. پایان نامه (۵:۱۲) هدف نامه را دقیقاً تعیین می‌نماید: موعظه و تقویت ایمان مسیحیان که همت و شجاعت ایشان بوسیله سختی‌ها و مصائب مختلف به آزمون درآمده و ممکن بود شور و حرارت ایشان به سستی گراید. بدین سبب نویسنده به آموزشهایی مراجعه می‌کند که این مسیحیان به هنگام گرایش و تعمید خود شنیده بودند.

### محتوای نامه

ممکن نیست که بتوان برای این نامه یک طرح منطقی قابل گردید زیرا کیفیت ویژه این نوشته به طوری است که در بین موعظه‌ها مرتباً مطالب عقیدتی ذکر می‌شود تا آنها را توجیه و تأیید نماید و به طور کلی قبل از دستورات آمرانه موعظه و تشویق مطالب عقیدتی بیان می‌شود که در تأیید و پشتیبانی موعظه‌ها است (در صورتی که در نامه‌های اصلی پولس بدواً قسمتی از مطالب عقیدتی ذکر می‌شود و آنچه را مسیحیان در عیسی مسیح بدست آورده اند یادآوری می‌نماید سپس در قسمت دوم با

## بیشگفتار اولین نامه پطرس

موعظه های آمرانه ای از ایشان دعوت می کند به روشی شایسته آنچه را دریافت کرده اند بکار بندند و برطبق آن زندگی نمایند). اگر ملاحظه می شود که از بند ۱۲:۴ به بعد تهدید به صورت فعلیت در آمده است می توان پذیرفت که بدین سبب تعداد موعظه و اندرزها بیشتر است.

محتوای نامه را می توان به روش زیر ارائه نمود:

عنوان نامه و سلام: ۱:۱-۲.

سپاسگزاری (به روش دعای برکت یهودیان. ر. ک افس ۱:۳-۱۴) که با تفکر درباره مکاشفه طرح نجات ادامه می یابد: ۱:۳-۱۲.

نخستین موعظه به مسیحیانی خطاب می شود که قبلاً مشرک بوده اند و از آنان دعوت می شود روش زندگی سابق خود را به کلی ترک نمایند: ۱:۱۳-۲:۱۰.

دعوت به زندگی در تقدس به همان دلیل امیدی که مسیح برای ما کسب کرده است: ۱:۱۳-۲:۱.

چند اندرز در مورد زندگی مشترک با یکدیگر: ۱:۲۲-۲:۳.

بنیاد عقیدتی: اگر خدا مسیحیان را برگزیده است تا جزو معبدی روحانی باشند که مسیح پایه و بنیاد آن است باید اعمال مهم و شگفت آنکه ایشان را به روشنایی خوانده است به صدای بلند اعلام کنند: ۲:۴-۱۰.

دومین موعظه: ۲:۱۱-۳:۱۲.

اظهارات کلی در مورد طرز رفتار در بین مشرکان: ۲:۱۱-۱۲.

وظایف مسیحیان برطبق اوضاع و موقعیت ایشان: وظایف نسبت به اولیای امور، وظایف خدمتگزاران نسبت به اربابان خود، وظایف متقابل همسران نسبت به یکدیگر: ۲:۱۳-۳:۷.

دعوت مجدد به محبت برادرانه: ۳:۸-۱۲.

سومین موعظه و تشویق: ۳:۱۳-۴:۱۱.

دعوت به اطمینان در برابر مخالفت دنیا: ۳:۱۳-۱۷.

پایه و مبنای این اطمینان: پیروزی کامل مسیح: ۳:۱۸-۲۲.

نتیجه عملی سرمشق مسیح: گسیختن از گناه: ۴:۱-۶.

مراقبت و هوشیاری در زندگی مشترک با افراد جمعیت مسیحیان: ۴:۷-۱۱.

چهارمین موعظه و تشویق که با نزدیک شدن تعقیب و شکنجه ها مشخص شده است: ۴:۱۲-۱۹.

موعظه های مخصوص: ۵:۱-۱۱.

یادآوری وظایف رؤسای جمعیت های مسیحیان: ۵:۱-۴.

فروتنی و هوشیاری: ۵:۵-۱۱.

نتیجه: ۵:۱۲-۱۴.

**زندگی مسیحیان برطبق نخستین نامه پطرس**

ارزش ویژه پیام نخستین نامه پطرس اکثراً به خوبی شناخته نشده است. باری اگر به وضعیتی که منظور نامه است توجه شود این ارزش معلوم می گردد. نویسنده نمی خواهد ایمانی را که قبلاً به خوانندگان آموخته شده پایه گزارى نماید (۱:۱۲). بلکه منظور او بیشتر آن است که در برابر دشواریهای روزافزونی که جمعیت ها با آنها روبرو

همچنین در این نامه انعکاسی از بیان اصول ایمان یا سرودهای مذهبی مسیحی وجود دارد (مثلاً ۲:۲۲-۲۴؛ ۳:۲۲؛ ۴:۵).

#### ب) امیدواری زنده.

از آغاز این نامه به موضوع امیدواری اهمیت داده شده است (۱:۲، ۱۳، ۲۱) و از سه نقطه نظر مورد توجه است: منشأ آن، موضوع آن و نتایج آن. اما منشأ امید، ثمره تصور یا کوشش آدمیان نیست بلکه عطیه رایگانی که خدا بوسیله رستاخیز عیسی مسیح به آدمیان مبدول داشته است (۱:۳). (توجه نمایید چه اندازه رستاخیز مسیح با تحقق نجات ارتباط دارد ۱:۲۱؛ ۳:۲۱). اما موضوع این امیدواری، ملکوتی است که می آید، میراثی فسادناپذیر که برای ایمانداران تأمین شده است، لحظه ای که ایمان به بینایی تغییر خواهد یافت و قوم خدا، نجاتی را که در عیسی مسیح عطا شده است قطعاً و به کمال خواهد داشت (۱:۴، ۷، ۱۳). و اما در مورد نتایج این امید در زندگی ایمانداران، نایستی تصور کرد که بایستی وضعیت اخلاقی سخت و شدیدی پذیرفته و یا بدون مقاومت در مقابل حوادث تسلیم شد، بلکه امیدواری نوعی وسیله تحرک و فعالیت جدید است (۱:۱۳-۱۵) که ایمانداران را قادر می سازد با سرور و شادی مبارزه نمایند (۱:۶)، البته نه با وجود آزمونها (که در نظر اول برخلاف این گفته است) بلکه در بحبوحه آزمونها (۴:۱۲-۱۳). عوامل دنیا همواره علیه این امید عمل می کنند ولی فرد ایماندار باید مطمئن و هوشیار باشد (۳:۱۵-۱۶).

هستند، آنان را تشویق به استقامت و پایداری نماید، به همان دلیل امیدی که به ایشان تبلیغ گردیده است. بدین منظور رسول نظر خوانندگان خود را به سوی مسیح معطوف می کند تا قدرت زندگی جدیدی را که در او است دریابند (یا دوباره دریابند) (۱:۳؛ ۲:۲)، ضمناً در مورد پیروزمندی امیدی که دریافت کرده اند تأکید می نماید زیرا منبع فعالیت مداوم و مسرت بخشی در زندگی روزانه است.

#### الف) ریشه گرفتن در عمل مسیح.

نویسنده یقین دارد که خدا خوانندگانش را در مسیح برگزیده و از این پس قوم خدا بشمار می آیند (۱:۲-۳؛ ۲:۹)، با این همه می خواهد ریشه عمیق تری در عمل استاد و معلم خود داشته باشند و در این راه قربانی مسیح (۱:۲؛ ۱:۱۹)، رنجها و مصائب او (۲:۲۱-۲۴) را یادآوری می کند تا به عنوان سرمشق از او پیروی نمایند (۲:۲۱). همچنین در مورد پیروزی مسیح اصرار می کند، پیروزی که بر همه دوایر جهان گسترده است (۳:۱۸-۲۲) و حتی مرگ مانعی در برابر این پیروزی نیست (۴:۶؛ ر. ک ۳:۱۹). از این پس ایمانداران باید وابسته به آن کسی باشند که تنگ زاویه و پایه مستحکم جمعیت است (۲:۴-۸) در این مورد لازم به یادآوری است که موضوع شناخت مسیح در این نامه خیلی نزدیک تر به مطالب آغاز اعمال رسولان است (مخصوصاً در سخنرانیهای پطرس) تا اینکه نظیر نوشته های پولس باشد (مثلاً موضوع خدمتگزار رنجور که قبلاً ذکر گردید؛ نقش تعمید، اع ۲:۳۸-۴۰ و ۱-پطر ۳:۱۸).

### ج) گواهی در زندگی روزانه.

در این نامه در مورد مأموریت قوم خدا در دنیا اصرار و تأکید می‌شود: خدا آدمیانی را برگزیده است تا به او خدمت کرده و شناخت اعمال او را در سرتاسر زمین به همه جا منتشر سازند. بدین سبب در ۱- پطر موضوع برگزیدگی با موضوع کهنانت ایمانداران با هم می‌آیند (۲:۵؛ ۲:۹؛ ر. ک روم ۱۲:۱)، خدمتی که از این آدمیان خواسته شده است بدو خدمت در کلیسا است (۱:۲۲؛ ۲:۱-۵؛ ۳:۸-۱۲؛ ۴:۷-۱۱؛ ۵:۱-۷)، قدیمی‌ها مسئولیت مخصوصی برعهده دارند تا جمعیت را در راه اجرای محبت برادرانه نگهدارند (۵:۱-۴)، ولی وظایف دیگری هم وجود دارد که مربوط به جنبه‌های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است (۲:۱۱-۳:۷). به طور کلی این دستورات نظیر قواعد و رسوم اخلاقی است که در ادبیات غیر مذهبی آن دوران یا در آیین یهود وجود داشته است؛ با این همه با توجه به خداوند، به این دستورها سمت و محتوای جدیدی داده شده (۲:۱۳) و توجهی که برای هر فرد و از جمله حقیرترین

آنان قایل گردیده است. چنین به نظر می‌رسد که این دستورها با مقررات و سازمان اجتماعی آن دوران، که احیاناً موارد قابل اعتراضی داشته مباحثی ندارند و ظاهراً نکته‌ای انقلابی ندارند بلکه در درون چهارچوب معینی برای ایمانداران خطی را که باید پیروی کنند تعیین می‌نماید: بدین معنی که پیام امیدی در محبت خداوند آورده و بوسیله این تحول درونی در وضعیت انسان، تغییرات زندگی اجتماعی لازم را فراهم سازند. باید گفت که به طور کلی این نامه در مقابل دنیای شرک خصوصاً نشانی نمی‌دهد بلکه بیشتر مسئولیت قوم خدا را نسبت به آن یادآوری می‌نماید: بدین معنی که ایمانداران، در هر موقعیتی، حتی در دشوارترین اوضاع، ایمانداران باید به طوری رفتار کنند که مشرکان را هدایت نمایند (۲:۱۱-۱۲؛ ۳:۱۳-۱۷).

این نامه به همه مسیحیان همه دورانها یادآوری می‌کند که «امیدواری زنده» یعنی امیدی که در عیسی مسیح دارند متضمن چیست: وابستگی مطمئن به خداوند پیروزمند و فعالیتی سازنده در خدمت او.

# اولین نامه پطرس

## عنوان نامه و سلام

۱ از پطرس، رسول عیسی مسیح، بر برگزیدگان<sup>a</sup>، به غریبان<sup>aa</sup> در پراکندگی<sup>b</sup>. پنطس، غلاطیه، قیدوقیه، روم: ۸: ۲۹ آسیا و بطانیه هستند،<sup>۲</sup> بر طبق علم لدنی خدای پدر، بوسیله تقدیس روح القدس، برای فرمانبرداری<sup>c</sup> و پاشیده شدن خون عیسی مسیح<sup>d</sup>: فیض بر شما و صلح افزون باد!

بوسیله رستاخیز عیسی مسیح از میان مردگان

برای امیدی زنده<sup>g</sup> ما را دوباره آورده  
یو ۳: ۵-۳: ۱-۹: ۳

است<sup>f</sup>،  
۴ برای میراث<sup>h</sup> فسادناپذیر، بی آایش،  
ناپژمردنی

که در آسمانها برایتان ذخیره شده است، مت ۶: ۱۹-۲۰  
و متون موازی  
یو ۱۱: ۱۷: ۳  
۵ شما را که قدرت خدا بوسیله ایمان نگه  
می دارد،

برای نجاتی<sup>i</sup> که در آخرین لحظه ها ظاهر  
خواهد شد.

۶ از آن به وجد درمی آید،

حتی اگر باید اکنون بوسیله آزمونهای ۱۳: ۱۲: ۴  
یو ۱۶: ۲۰:  
مختلف مدت کمی غمگین باشید، عبر ۱۲: ۱۱:  
یو ۱: ۲:  
۷ تا ارزش آزموده شده ایمان شما که  
یو ۳: ۱:

## سپاسگزاری برای نجاتی که عیسی مسیح آورده است

۳ متبارک باد خدا<sup>e</sup> و پدر خداوند ما عیسی  
مسیح،  
که بر طبق رحمت فراوان خود،

- a- موضوع برگزیدگی در این نامه اهمیت فراوانی دارد و در رابطه با برگزیدگی ازلی مسیح (۱: ۲۰؛ ۲: ۴) از مسیحیان دعوت شده است ملتی مقدس تشکیل دهند (۲: ۹؛ ر. ک. ۱: ۱۵، ۱۶).
- aa- ترجمه دیگر: آنانکه در خارج مقیم شده اند.
- b- کلمه یونانی «دیاسپورا» که پراکندگی ترجمه شده است در مورد یهودیانی بکار می رفته که در خارج از فلسطین بسر می بردند (ر. ک. یو ۷: ۳۵؛ یو ۱: ۱) و در اینجا به مسیحیانی اطلاق می شود که در دنیا پراکنده شده اند.
- c- جنبه سه گانگی این بند قابل توجه است: ابتکار نجات از سوی خدای پدر است: طرح مشیت خود را بوسیله روح القدس انجام می دهد، که ایمانداران را به سوی مسیح هدایت می نماید.
- d- این اصطلاح از آیین نیایش و قربانی عهد عتیق گرفته شده است (خروج ۲۴: ۳-۸؛ ر. ک. عبر ۹: ۱۲-۱۴؛ ۱۲: ۲۴).
- e- اقتباس عبارت متداول یهودی در مورد مسیحیت: خدایی را که ما متبارک می خوانیم پدر عیسی مسیح است. (ر. ک. افس ۳: ۱).
- f- کلمه ای که در اینجا دوباره آورده است ترجمه شده همان است که در بند ۲۳ به دوباره متولد شده اید برگردانده شده و این تولد تازه وابسته به رستاخیز مسیح است که پایه و اساس دنیای جدید می باشد.
- g- کلمه امید فقط به معنی حالتی درونی نیست بلکه موضوع امید چیزی است که انتظار دارند چنانکه کلمه میراث نیز تأیید می کند.
- h- این کلمه در نوشته های عهد عتیق معمولاً در مورد سرزمین موعود آمده است. در عهد جدید به معنی ملکوتی است که به ایمانداران وعده داده شده است (ر. ک. مت ۲۵: ۳۴).
- i- نجاتی که در اینجا ذکر شده، نجات جامعه ایمانداران و مربوط به پایان روزگار است.

زک ۹:۱۳؛ ملا ۳:۳؛ مز ۶۶:۱۰؛ حک ۵:۳؛ ۱-قرن ۱۳:۳؛ یو ۲۰:۲۹؛ ۲-قرن ۵:۷؛  
 گرانبهاتر است از طلایی که در آتش تباہ می شود،  
 به هنگام ظهور عیسی مسیح<sup>k</sup>، ستایش، شکوه و افتخار یابد،  
 آنکه او را ندیده، اما به او محبت دارید،  
 و بدون اینکه تاکنون دیده باشید ایمان دارید  
 و با شادی ناگفتنی و پراز جلال به وجد درمی آید،

### امیدواری که مستلزم قدوسیت

است

<sup>۱۳</sup> بدین سبب کمربند فراست خود را بسته، خویشتن دار باشید<sup>p</sup>، به آن فیضی که مکاشفه عیسی مسیح برایتان آورده است کاملاً امیدوار باشید.<sup>۱۴</sup> بمانند فرزندان فرمانبردار باشید<sup>q</sup>، از هوسهای زمان نادانی خود سرمشق نگیرید؛<sup>۱۵</sup> بلکه برطبق آنکه شما را خوانده مقدس است، شما هم در همه رفتار خود مقدس شوید،<sup>۱۶</sup> زیرا نوشته شده است:  
 مقدس باشید، زیرا من مقدس [هستم]<sup>r</sup>.

<sup>۹</sup> هدف ایمان [خود را] که نجات روحها است<sup>۱</sup> بدست می آورید.

<sup>۱۰</sup> درباره این نجات پیامبران جستجو و به دقت کاوش کرده اند، آنانکه درباره

فیضی که برای شما است پیامبری نموده اند،<sup>۱۱</sup> جستجو می کردند کشف

نمایند چه زمان و چه مقتضیاتی را<sup>m</sup> روح مسیح<sup>n</sup> که در ایشان بود تعیین می کرد،

وقتی که پیشاپیش رنجهایی را که مسیح مقدر بود و شکوههایی را که در پی داشت

گواهی می نمود.<sup>۱۲</sup> بر ایشان ظاهر شد که

مت ۱۷:۱۳ و متون موازی

اش ۵۲:۱۳-۵۳:۱۲؛ لو ۱۸:۳۱-۲۴:۲۶، ۲۷

ج- ترجمه تحت اللفظی: شناخته شود به منظور ستایش... به هنگام داوری کیفیت ایمان آزمایش خواهد شد همچنانکه طلا بوسیله آتش تصفیه می شود. کسانی که ایمانشان واقعی شناخته شود در شکوه الهی شرکت خواهند داشت.  
 k- ر. ک ۱:۱۳؛ ۴:۱۳. منظور بازگشت عیسی مسیح است که مسیحیان اولیه با بی صبری انتظار می کشیدند (ر. ک ۱-تسا ۴:۵-۱۸).

l- کلمه روح به مفهومی که معمولاً در نوشته های کتاب مقدس بکار می رود تمامی وجود آدمی است.  
 m- پیامبران به سوی آینده ای توجه داشتند بدون اینکه بتوانند تشخیص دهند به چه کیفیتی تحقق خواهد یافت. وقایعی که روی داده پیامبری را روشن کرده و تأیید می نماید (ر. ک ۲-پتر ۱:۱۹).

n- بدعت این متن قابل توجه است زیرا می گوید روحی که به پیامبران الهام می کرده، روح مسیح بوده است. بعضی از مفسران اصطلاح روح مسیح را به مفهوم روحی درک می کنند که مسیح را ظاهر می کند.  
 o- در صورتی به نظر یهودیگری دورانهای متأخر فرشتگان واسطه و میانجی الهام هستند، در اینجا مشاهده می شود که کلیسا عمل نجات را ابراز می نماید (ر. ک افس ۳:۱۰).

p- ترجمه تحت اللفظی: درحالی که کمر فراست خود را بسته اید، مراقب باشید... این تصویر یادآوری لباسی است که در برگزاری عید گذر یهود می پوشیدند (خروج ۱۲:۱۱)، همچنین نشانه آمادگی برای خدمت (لو ۱۲:۳۵) در انتظار بازگشت مسیح است.

q- موضوع فرمانبرداری بارها در این نامه می آید: ۱:۲، ۲:۲۲، ر. ک ۲:۱۳، ۱۸:۳، ۵:۵؛ ۵:۵.

برادرانه و بی‌ریا با دلی [پاک] <sup>a</sup> به  
یکدیگر محبت نمایید. <sup>۲۳</sup> چونکه شما، نه  
از بذری <sup>b</sup> فسادپذیر بلکه فسادناپذیر  
دوباره متولد شده‌اید که سخن زنده و  
پایدار خدا است.

یع ۱:۱۸؛  
۳:۹-۹؛  
عبر ۴:۱۲

<sup>۲۴</sup> زیرا

هر جسمی به مانند گیاه  
و هر افتخار او به مانند گل گیاه است؛  
گیاه خشک می‌شود و گل می‌افتد،  
<sup>۲۵</sup> اما سخن خداوند جاودان باقی می‌ماند <sup>c</sup>،  
این سخنی است که به بشارت به شما  
اعلام شده است <sup>d</sup>.

**۲** <sup>۱</sup> پس هر شرارت، هر فریب و  
ریاکاری‌ها و حسادت‌ها و همه  
بدگویی‌ها را ترک کنید. <sup>۲</sup> به مانند  
کودکان نوزاد، خواستار شیر <sup>e</sup> روحانی <sup>f</sup>  
بی‌غش باشید تا بوسیله آن به سوی نجات  
رشد نمایید. <sup>۳</sup> اگر  
چشیده‌اید چقدر خداوند مهربان است <sup>g</sup>.

مر ۱۰:۱۵  
و متون موازی

<sup>۱۷</sup> و اگر آنکه را برطبق عمل هرکس با  
بی‌طرفی <sup>t</sup> داوری می‌کند، پدر می‌خوانید <sup>s</sup>،  
در مدت اقامت خود در خارج با ترس رفتار  
نمایید. <sup>۱۸</sup> می‌دانید: نه بوسیله اشیاء پلید،  
نقره یا طلا، از رفتار بیهوده <sup>v</sup> میراث  
پدرانتان بازخرید شده‌اید <sup>u</sup>، <sup>۱۹</sup> بلکه  
بوسیله خون گرانهایی، چون [خون] بره‌ای  
بدون نقص و بی‌آلایش <sup>w</sup>، مسیح، <sup>۲۰</sup> که هم  
پیش از پایه‌گذاری جهان <sup>x</sup> شناخته شد و هم  
به خاطر شما در پایان زمانها تجلی کرده  
است، <sup>۲۱</sup> بوسیله او که خدا از میان مردگان  
برخیزانیده و به او شکوه داده شده، [به  
خدا] ایمان دارید به طوری که ایمان شما و  
امید شما در خدا است.

مز ۶۲:۱۳؛  
از ۱۷:۱۰؛  
روم ۲:۶؛  
مکا ۲:۲۳؛  
۱۲:۲۲

اش ۵۲:۳؛  
افس ۴:۱۷

اع ۲۰:۲۸؛  
عبر ۹:۱۲

غلا ۴:۴؛  
روم ۴:۲۴؛  
۹:۱۰

با احسان و سادگی فرزندان خدا  
باشید

<sup>۲۲</sup> روح‌های شما <sup>۲۲</sup> بوسیله اطاعت از  
حقیقت <sup>z</sup> تصفیه شده است تا با دوستی

t- لا و ۱۱:۴۴، ۴۵:۱۹؛ ۲.

s- بندهای ۱۵-۱۷ شبیه مطالبی هستند که در آغاز نیایش خداوند (ای پدر ما، که در آسمانها هستی...) آمده است (مت ۹:۶).

t- ر. ک روم ۱۱:۲؛ q.

u- در مورد این بازخرید ر. ک روم ۳:۲۴؛ w، x).

v- رفتار بیهوده، رفتاری است که مالا نتیجه‌ای ندارد و در مقابل آن اعطای زندگی جاودان است.

w- کیفیت که بره‌عید گذر داشته باشد. خروج ۱۲:۵.

x- این عبارت تداوم طرح خدا را نشان می‌دهد. ر. ک یو ۱۷:۲۴؛ افس ۱:۴.

y- ر. ک ۱:۹؛ I.

z- در بعضی از نسخه‌های خطی در اینجا افزوده شده است بوسیله روح القدس. کلمه حقیقت را نیاستی به مفهوم فلسفی درک نمود بلکه برطبق روش عهد جدید، حقیقت پیامی است که خدا الهام می‌کند و ایمان ایجاب می‌کند که فراست و فرمانبرداری آدمی در پیوستگی با طرح خدا باشند (ر. ک روم ۱:۵؛ ۲۶:۱۶).

a- برطبق بعضی از نسخه‌های خطی: از ته دل، صمیمانه.

b- برابری بین سخن خدا و بذر یادآور داستان تمثیلی مرد بذرافشان است. مت ۱۳:۳-۹ و موارد مشابه انجیل‌های دیگر.

c- اش ۶:۴۰-۸.

d- برای اینکه درک شود به چه سبب این قسمت از کتاب مقدس در اینجا نقل شده است باید به ادامه متن کتاب اشعیا توجه نمود که در مورد آورنده پیام مژده است. (اش ۹:۴۰).

e- تصویر شیر در ۱- قرن ۲:۳ و عبر ۵:۱۲، ۱۳ در وضعیت دیگری بکار برده شده و به معنی حقایق اولیه آموزش مسیحی است در صورتی که در اینجا منظور از شیر سخن خدا است که فرد مسیحی مدام از آن تغذیه می‌نماید.

f- کلمه یونانی که روحانی ترجمه شده است به معنی تحت اللفظی عاقلانه و منطقی است و از واژه یونانی سخن مشتق شده است بنا بر این مفهوم عبارت اینست که رشد روحانی فرد مسیحی بوسیله سخن خدا تأمین می‌گردد.

روم ۱۰:۱۲

## مبنای مأموریت کلیسا

۴ به سوی او پیش آید، سنگ زنده ای<sup>h</sup> که آدمیان به دور افکندند،

اما در برابر خدا گرانها و برگزیده است.

۵ و خود شما همچون سنگهای زنده خانه روحانی<sup>i</sup> ساخته شوید<sup>i</sup>،

برای کهانتی مقدس<sup>k</sup>

و تقدیم قربانی هایی که خوشایند خدا بوسیله عیسی مسیح باشید.

۶ زیرا در نوشته های مقدس مذکور است:

ببینید که در صهیون سنگ زاویه ای

برگزیده گرانها می گذارم

و هر که بر مبنای آن ایمان بیاورد شرمسار نخواهد بود<sup>l</sup>.

۷ پس افتخار<sup>m</sup> بر شما، ای ایمانداران، اما

برای آنانکه ایمان ندارند، سنگی را که

۱-قرن ۳: ۱۶؛ افس ۲: ۲۰-۲۲

روم ۱۲: ۱؛ عبر ۱۳: ۱۵

بنایان به دور افکنده بودند، سنگ رأس زاویه<sup>n</sup>.<sup>۸</sup> و سنگ تصادم و صخره لغزش شده است<sup>o</sup>.

اینان تصادم می کنند زیرا سخن را نمی پذیرند و برای این تعیین شده بودند<sup>p</sup>.

۹ اما شما زادگانی انتخاب شده اید،

کهانت پادشاهی دارید<sup>q</sup>، ملتی مقدس، قومی برای تملک [خدا]

تا فضیلت های او را<sup>r</sup> اعلام کنید، او که

شما را از ظلمات به روشنایی<sup>اع ۱۸: ۲۶؛ کول ۱۲: ۱۳، ۱۴</sup> شگفت انگیز خوانده است.

۱۰ شما که در گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید؛

شما که در گذشته رحمت دریافت نکرد

ولی اکنون رحمت دریافت کرده اید<sup>s</sup>.

g- مز ۳۴: ۹.

h- در تعداد زیادی از نوشته های عهد جدید مسیح به عنوان سنگ پایه بنا ارائه شده است. این عنوان یادآوری امید به بنای معبدی جدید است که در بین یهودیان دوران ن=متأخر وجود داشته و ریشه آن در نوشته های عهد عتیق است (ر. ک بند ۶: اش ۱۶: ۲۸). کلمه زنده اشاره به رستاخیز و به آن کسی است که زندگی می بخشد.

i- ترجمه دیگر: ساخته شده اید. معمولاً در این نامه بدو مؤعظه و نصیحتی می آید سپس آن را بوسیله نوشته های مقدس توجیه و ثابت می کند (بند ۶).

j- معبد اورشلیم «خانه خدا» و محل حضور او بوده است. در اینجا منظور از خانه روحانی یا معبد روحانی کلیسا است که توسعه آن بوسیله روح القدس تأمین می گردد.

k- کلمه ای را که کهانت ترجمه شده مترجمان یونانی کتاب مقدس به مفهوم مأموریتی گرفته اند که خدا در بین ملت های دیگر به قوم اسرائیل داده است بنابراین در اینجا به معنی وظیفه و مأموریت تمام کلیسا است و منحصر به فریضه هر فرد مسیحی نیست.

l- برطبق ترجمه یونانی عهد عتیق که در اش ۱۶: ۲۸ آمده می توان ترجمه کرد: نوامید نخواهد شد و در این صورت عبارت را درباره مسیح می توان تفسیر نمود.

m- کلمه یونانی که افتخار ترجمه شده از همان ریشه کلمه ای است که در بندهای ۴ و ۶ به گرانها برگردانده شده است. نویسنده نامه عنوان هایی را که به مسیح داده می شود در مورد کلیسا بکار می برد (همچنین ر. ک کلمه برگزیده در بندهای ۴ و ۶ و کلمه انتخاب شده در بند ۹).

n- مز ۱۱۸: ۲۲. عیسی قبلاً این عبارت را نقل کرده بود تا مرگ و رستاخیز خود را اعلام نماید (ر. ک مت ۲۱: ۴۲ و متن های مشابه در انجیل های دیگر).

o- اش ۱۴: ۸. صخره لغزش. در مقابل مسیح نمی توان بی طرف ماند (ر. ک لو ۳۴: ۲).

p- خدا آنان را برای بی ایمانی تعیین نکرده بود بلکه تعیین شده بودند اگر ایمان نیاورند سقوط کنند.

q- ترجمه دیگر: جایگاهی سلطنتی، جمعیت کهانتی. که انعکاسی از کلمات خانه روحانی و کهانت بند ۵ است.

r- این نقل قول ترکیبی از خروج ۱۹: ۵، ۶ و اش ۴۳: ۲۰، ۲۱ است. پطرس آنچه را درباره قوم پیمان کهن گفته شده بود در مورد کلیسا بکار می برد. ر. ک مکا ۶: ۱؛ ۱۰: ۵ (یک ملکوت و کشیشان).



نبود<sup>e</sup>.  
 ۲۳ براو دشنام داده شد و دشنامی نداد،  
 رنج می کشید، تهدید نمی کرد،  
 بلکه خود را به داور عادل می سپرد.  
 ۲۴ گناهان ما را در جسم خود بر روی چوب<sup>f</sup>  
 [صلیب] حمل کرد  
 تا در گناه مرده به خاطر عدالت زنده  
 باشیم<sup>g</sup>؛  
 او که بوسیله جراحی، شما را شفا داد.  
 ۲۵ زیرا شما چون بره‌های سرگردان بودید  
 اما اکنون به چوپان<sup>h</sup> و ناظر روح‌های  
 خود بازگشته‌اید<sup>i</sup>.  
 افس:۵:۳؛  
 حزق:۳۴:۵؛  
 مت:۹:۳۶

برازنده،<sup>۴</sup> بلکه خفای دل آدمی<sup>ل</sup>، در مت:۶:۴، ۱۸، ۶، ۴  
 فناپذیری روحی مهربان و آرام که در نظر  
 خدا پراز ارزش است.<sup>۵</sup> زیرا در گذشته هم  
 زنان مقدسی به خدا امید داشته، به شوهران  
 خود مطیع بوده، خود را آرایش می کردند.  
 ۶ همچون ساره که از ابراهیم فرمانبرداری  
 پید:۱۸:۱۲  
 کرده، او را خداوند خود خواند و شما  
 دختران او شده‌اید اگر نیکی کرده و از هیچ  
 وحشتی ترسید<sup>k</sup>.  
 ۷ همچنین ای شوهران، در زندگی در یک  
 خانه، درک کنید که زن موجودی ظریف تر  
 است؛ با او به احترام رفتار کنید زیرا  
 شریک در فیض زندگی است. بدین سان  
 مانعی در نیایشهای شما نخواهد بود<sup>۱</sup>.

### گواهی مسیحی در زندگی زناشویی

۱ همچنین ای زنان، از شوهران خود

فرمانبرداری کنید تا اگر حتی

بعضی‌ها از سخن اطاعت نمی کنند

بوسیله رفتار زنان و بدون سخن جلب

شوند،<sup>۲</sup> با مشاهده رفتار پاک و با حرمت

شما.<sup>۳</sup> پیرایش شما ظاهری نباشد:

گیسوه‌های بافته و حلقه‌های طلایی یا

لباس‌های

افس:۵:۲۲؛  
 کول:۱۸:۳؛  
 تیط:۵:۲

### الزام های زندگی مشترك

۱ بالاخره همگی، هم فکر، همدرد، برادر، روم:۱۲-۱۴-۱۸

رحیم و فروتن باشید.<sup>۹</sup> در برابر بدی، بدی ۱-تسا:۱۵

نکنید یا در برابر دشنام، دشنام ندهید؛ ۲۳:۲

بلکه دعای برکت کنید زیرا برای همین ۲۸:۶

خوانده شده‌اید تا وارث برکت باشید<sup>m</sup>. ۴:۱

۱۰ زیرا

e- اش ۵:۳. بندهای ۲۲-۲۵ نقل و اقتباس آزاد از اش ۵:۳-۴، ۹، ۱۲ هستند و شاید یک سرود مسیحی کلیسای اولیه است که موضوع خدمتگزار رنجور را به اشکال مختلف ذکر می نماید (اع ۸:۳۲؛ روم ۴:۲۵ و غیره) خود مسیح هم با تکیه به این عبارات کتاب اشعیا مفهوم مرگ خود را اعلام کرده است (مر ۱۰:۴۵ و متن‌های مشابه انجیلها). حبله‌ای بر زبانش نبود: تحت اللفظی: حبله در دهانش نبود.

f- نظیر بسیاری موارد دیگر در عهد جدید به جای صلیب چوب بکار برده شده و اشاره به تث ۲۱:۲۲، ۲۳ است (ر.ک غلا ۱۳:۳).

g- ر.ک روم ۶:۲ و ۱۱ c.

h- ر.ک ۴:۵ d و ار ۱۱:۱۰ u.

i- ر.ک ۱:۹ l.

j- ترجمه تحت اللفظی: موجود مخفی دل.

k- بر طبق احادیث یهودیان، همسران پیامبران بزرگ نمونه و سرمشق زندگی خانوادگی هستند.

l- دلیل اصلی احترام مرد به همسر خود آن است که زن و شوهر دعوت واحدی دریافت کرده‌اند. ضمناً اهمیت نیایش برای وحدت کانون خانوادگی قابل توجه است.

m- یعنی نعمت‌های فسادناپذیری که خدا ذخیره کرده است برای آنانکه به مانند پدر آسمانی خود رحمت می‌آورند.

۹:۲:۱- تیمو:

آنکه می خواهد محبت به زندگی داشته

و روزهای خوش ببیند

باید زبان خود را از بدی

و لبانش را از فریب حفظ کند؛

از بدی دور شود و نیکی کند<sup>۱۱</sup>

و صلح بجوید و آن را پیروی نماید.

زیرا<sup>۱۲</sup>

چشمان خداوند بر عادلان است

و گوشه‌ایش به نیایش ایشان است؛

اما چهره خداوند از بدکاران

برمی‌گردد.<sup>n</sup>

## اطمینان در مقابل اذیت و آزار

۱۳ و اگر شما هواخواه نیکی کردن باشید

چه کسی به شما بدی خواهد کرد؟<sup>۱۴</sup> بااین همه اگر به سبب عدالت<sup>۱۵</sup> باید رنج

بکشید، خوشا بر شما!

از ترس ایشان مترسید و پریشان مشوید.

خداوند مسیح را در دل خود تقدیس

n- مز ۱۷-۱۳:۳۴.

o- عدالت به معنی زندگی دوستی است که برطبق آموزشهای مسیح باشد.

p- مخصوصاً هنگامی که مسیحیان در برابر دادگاهی حاضر می‌شدند (ر.ک لو ۱۱:۱۲؛ ۱۴:۲۱).

r- ر.ک ۲:۲۱. در بعضی از نسخه‌های خطی به جای رنج کشید نوشته شده است: مُرد.

s- در بعضی از نسخه‌های خطی اضافه شده است: به خاطر شما یا به خاطر ما.

t- در بعضی از نسخه‌های خطی به جای کلمه شما، کلمه ما نوشته شده است.

u- می‌توان ترجمه کرد: برطبق روح القدس که اشاره به عمل روح القدس در رستاخیز مسیح است؛ و با اینکه منظور ذکر الوهیت مسیح می‌باشد (ر.ک روم ۱:۴؛ ۱- تیمو ۳:۱۶).

v- تفسیر دیگری که کمتر محتمل است: و با این روح به روحهای زندانی موعظه نمود.

w- کلمه موعظه کردن که در مسیحیت بکار برده می‌شود اکثراً برابر با اعلام و ندای انجیل است (ر.ک ۴:۶) تعداد زیادی از پدران کلیسا در این مورد کلمه موعظه کردن را به مفهوم دعوت جهانی به نجات تعبیر و درک کرده‌اند در صورتی که در متن‌های دیگر عهد جدید (اع ۲:۳۱؛ روم ۷:۱۰؛ افس ۴:۸-۱۰) فقط اکتفا به ذکر پایین رفتن عیسی به جایگاه مردگان شده است و در بیان اصول ایمان رسولان نیز به همین گونه منظور گردیده است. ضمناً این عبارت تنها موردی است که دخالت مسیح را در نزد ارواح ذکر می‌کند. با این همه بعضی از نویسندگان این موعظه را به عنوان اعلام پیروزی بر نیروهای جهنمی درک کرده‌اند (ر.ک ۳:۲۲؛ افس ۱:۲۰، ۲۱).

x- ارواح زندانی را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد: یا ارواح مردمان معاصر نوح هستند که برطبق احادیث یهود بدترین گناهان بشمار می‌آیند و یا اینکه فرشتگان عاصی که مسئول گناه آدمیان بودند (ر.ک کتابهای ساختگی هنوخ و کتاب عیدهای پنجاه ساله یهودیان و غیره).

کنید<sup>p</sup>، همواره آماده باشید درمقابل

کسی که دلیل امیدواری شما را می‌پرسد از

خود دفاع کنید<sup>q</sup>،<sup>۱۶</sup> با مهربانی و ترس،

وجدانی نیکو داشته باشید. تا آنانکه در

صدد تهمت زدن به شما هستند و رفتار ۱۲:۲

نیکوی شما را در مسیح بی‌اعتبار می‌کنند

شرمسار گردند.<sup>۱۷</sup> زیرا بهتر آن است که ۱۵:۲

نیکویی کرده و رنج کشید، اگر مشیت خدا ۲۰:۲

چنین است، تا اینکه بدی کرد.

## اعلام پیروزی عیسی مسیح به همه

۱۸ زیرا مسیح هم یک بار به سبب

گناهان<sup>s</sup> رنج کشید<sup>t</sup>، او که نسبت بهناعادلان عادل بود، تا شما را<sup>u</sup> به نزد خدابیاورد، درحالی که جسماً مُرد اما روحاً<sup>v</sup>زنده شد.<sup>۱۹</sup> و در آن حال<sup>v</sup> به روحهایزندانی<sup>x</sup> موعظه نمود<sup>w</sup>،<sup>۲۰</sup> به آنانکه در

گذشته ایمان نیاوردند و شکیبایی خدا

روم ۶:۱۰؛  
عبر ۹:۲۶-۲۸  
افس ۲:۱۸۲۰:۲؛ ۱۴:۴؛  
مت ۱۰:۵

- ادامه داشت، در روزهایی که نوح برای خود کشتی می ساخت و در آن تعداد کمی یعنی هشت نفر از میان آبها نجات یافتند.<sup>۲</sup> و اکنون هم تعمید<sup>۳</sup> که نمونه تصویر آن [طوفان] است شما را نجات می دهد. نه اینکه زدودن یک ناپاکی از جسم باشد<sup>a</sup> بلکه تعهد وجدانی نیک نسبت به خدا<sup>b</sup> بوسیله رستاخیز مسیح است،<sup>۲۲:۱۰</sup> که به آسمان رفته و فرشتگان و نیروها و قدرت ها فرمانبردار او هستند.<sup>c</sup> مز: ۱۱:۱؛ اع: ۷:۵۶
- جسمانی برایش باقی می ماند، نه برای هوسهای بشری، بلکه به مشیت خدا زندگی نماید.<sup>۳</sup> زیرا در گذشته وقت کافی صرف انجام اراده مشرکان کرده اید، در هرزگی ها، هوس ها، بدمستی ها، شکم بارگی ها، میخوارگی ها و پرستش شنیع بتان قدم برداشته اید.<sup>f</sup> حیرت می کنند که در افراط هرزگی ها<sup>g</sup> شتاب نمی کنید و کفر می گویند.<sup>۵</sup> ایشان به آنکه آماده می شود مردگان و زندگان را داوری نماید، حساب پس خواهند داد.<sup>h</sup> بدین سبب مژده نیکو به مردگان هم اعلام شده است<sup>i</sup> تا از نظر جسمانی برطبق آدمیان داوری شوند و از نظر روحی برطبق خدا زندگی نمایند.<sup>j</sup>
- ۱- یو: ۲: ۱۶-۱۷؛ ۱۱: ۱؛ افس: ۲: ۱-۳؛ تیط: ۳: ۳
- ۲- پی: ۱: ۷-۲۴؛ بطر: ۲: ۵
- ۳- روم: ۶: ۷؛ ۲: ۲۱
- ۴- پس همچنانکه مسیح در جسم رنج کشید<sup>d</sup> شما هم با همین فکر مسلح شوید: آنکه در جسم رنج کشید از گناه روم: ۶: ۷، گسیخته بود<sup>e</sup>، تا وقتی را که در زندگی

### گسیختن از گناه

- ۴- پس همچنانکه مسیح در جسم رنج کشید<sup>d</sup> شما هم با همین فکر مسلح شوید: آنکه در جسم رنج کشید از گناه روم: ۶: ۷، گسیخته بود<sup>e</sup>، تا وقتی را که در زندگی

y- ترجمه دیگر: بوسیله آب.

z- برابر نوشته های عهد جدید، آب طوفان تصویر ناقصی از تعمید است.

a- این عبارت شاید اشاره به اجرای تصفیه اسرارآمیز مشرکان است و شاید هم منظور ختنه کردن یهودیان می باشد (ر. ک کول ۱۱: ۲). ضمناً ممکن است انواع شست و شوهای شرعی آیین یهود باشد (ر. ک اعد فصل های ۸ و ۱۹).

b- کلمه تعهد که در مدارک غیرمذهبی هم به همین مفهوم بکار برده شده مربوط به تعهد در هنگام اجرای آیین تعمید می باشد. یا اینکه عبارت را می توان بدین گونه درک و ترجمه نمود: تقاضای وجدانی نیک از خدا.

c- این بیانات ممکن است اشاره به بیان اصول ایمان باشد (فی ۹: ۲-۱۱؛ ر. ک افس ۱: ۲۰-۲۱).

d- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: به خاطر ما یا به خاطر شما. ر. ک ۱۸: ۳.

e- بعضی از مفسران این عبارت را به مسیح نسبت می دهند که در جریان مصائب و شکنجه هایش یکباره و برای همیشه از گناه گسیخته است (روم ۶: ۱۰). ولی با توجه به مطالب و ترکیب عبارت مناسب تر است در مورد فرد مسیحی درک گردد که با کمال شجاعت و بردباری رنج را می پذیرد و تعلق خود را به مسیح و گسیختگی خود را از گناه نشان می دهد.

f- فهرست معمولی اعمال رذیله (روم ۱: ۲۹-۳۱) و مخصوصاً اشاره به افراط در هرزگی هایی است که در جشن های بزرگ بت پرستان انجام می داده اند.

g- این کلمه یونانی از ریشه همان کلمه ای است که در مورد فرزند و لخرج بکار برده شده است. ر. ک لو ۱۵: ۱۳.

h- ر. ک اع ۱۰: ۴۲. این عبارت در بیان اصول ایمان رسولان درج شده است.

i- این جمله را می توان درک و ترجمه نمود: او (یعنی مسیح) به مردگان هم اعلام شده است. مفاد این بند را به سه طریق می توان تفسیر کرد: ۱- این بند نتیجه گیری تمام مطالبی است که از بند ۳: ۱۸ آغاز شده است و با اینکه کلی تر از آنست که در بند ۳: ۱۹ بیان می شود با این همه منظور دعوت به نجات حکسانی است که به نظر آدمیان محکوم به مرگ قطعی هستند. ۲- بند ۶ کاملاً مربوط به بند ۵ است و درباره موضوعی غیر از بند ۳: ۱۹ است. در این بند عمل جهانی مسیح به خاطر کسانی که او را نشناخته اند در نظر گرفته شده بدون اینکه طرز این عمل ذکر گردد. ۳- (تفسیری که کمتر محتمل است) پطرس مقدس می خواهد به مسیحیان در مورد سرنوشت برادرانشان که قبل از باز آمدن مسیح مرده اند اطمینان دهد. (۱- تسا ۴: ۱۳-۱۸).

j- ترجمه تحت اللفظی: در جسم... بوسیله روح. که در مقابل بند ۳: ۱۸ آمده است.

## هوشیاری در زندگی مشترك

پایان همه چیزها نزدیک است؛ پس با فرزاندگی رفتار کنید و در نیایش ها هوشیار باشید. <sup>۸</sup>پیش از هر چیز نسبت به یکدیگر محبتی پر شور داشته باشید <sup>k</sup>، زیرا محبت بسیاری از گناهان را می پوشاند <sup>۱</sup>.  
<sup>۹</sup>نسبت به یکدیگر، بدون بدخلقی، مهمان نوازی کنید <sup>m</sup>. <sup>۱۰</sup>هر کس موهبتی را که دریافت کرده است در خدمت دیگران بگذارد به مانند ناظران فیض خدا که بسیار متنوع است. <sup>۱۱</sup>اگر کسی سخن می گوید باید به مانند سخنان خدا باشد. اگر کسی خدمتی می کند <sup>n</sup> به مانند نیرویی باشد که خدا فراهم می نماید، تا در همه مورد خدا بوسیله عیسی مسیح شکوهمند گردد، که بر او شکوه و تسلط به روزگاران و روزگاران است. آمین!

روم ۱۲: ۶-۸  
 ۱-قرن ۱۲: ۴-۷

لو ۱۲: ۴۲-۴۸  
 و متون موازی

۱-قرن ۳۱: ۱۰

## سعادت موعود برای شکنجه شدگان

<sup>۱۲</sup>ای محبوبان <sup>o</sup>، اگر برای آزمون شما، آتش سوزی <sup>p</sup> در بین شما برسد حیرت نکنید، چنانکه چیز عجیبی بر شما رسیده باشد. <sup>۱۳</sup>بلکه به همان گونه که در رنجهای مسیح سهیم هستید <sup>q</sup>، شادمان باشید تا به هنگام ظهور شکوه او به وجد درآمده <sup>r</sup> و کول ۳: ۴  
 شادمان شوید. <sup>۱۴</sup>اگر به خاطر نام مسیح شما را دشنام دهند، خوشا بر شما! زیرا  
 شکوه <sup>s</sup> و روح خدا <sup>۱۵</sup> بر روی شما آرام می گیرد. <sup>۱۵</sup>هیچ یک از شما نبایستی قاتل، دزد، بدکار بودن یا فضولی کردن <sup>u</sup> را تحمل نماید: <sup>۱۶</sup>برعکس به عنوان مسیحی <sup>v</sup> نباید شرمندانه باشد بلکه به خاطر این نام خدا را تجلیل کند <sup>w</sup>. <sup>۱۷</sup>زیرا اینک لحظه آغاز داوری بوسیله خانه خدا است. باری، اگر از  
 ما شروع شود، عاقبت آنان که انجیل خدا را نپذیرفتند چگونه خواهد بود! <sup>۱۸</sup> و اگر  
 ۲-تسا ۱: ۸

مز ۸۹: ۵۱-۵۲  
 ۱-بطر ۲: ۲۰  
 ۳: ۱۴، ۱۷

ار ۲۹: ۲۵

حزق ۹: ۶

لو ۲۳: ۳۱

۲: ۸

۸: ۱

k- با امید به باز آمدن مسیح بایستی محبت تشدید و افزوده گردد.

l- امت ۱۰: ۱۲ (ر. ک بع ۵: ۲۰) تعدادی از پدران کلیسا این عبارت را سخن خداوند دانسته اند (ر. ک لو ۷: ۴۷) و می توان به دو گونه درک و تفسیر کرد: یکی اینکه محبت همه چیز را تحمل می کند (۱-قرن ۱۳: ۷)، یا اینکه به مفهوم وعده ای است: بدین معنی که مسیح رحمت خواهد آورد بر کسانی که خودشان رحیم بوده اند (ر. ک مت ۵: ۷).

m- اشاره به تجمع مسیحیان در منازل خصوصی برای اجرای نیایش است و یا اینکه منظور پذیرایی کردن از برادرانی است که در مسافرت هستند (ر. ک عبر ۱۳: ۲).

n- کلمه شماس در زبان یونانی از همین کلمه ای مشتق شده است که خدمت کردن ترجمه گردیده است ضمناً فکر می کنند که خدمت کردن بیشتر به مفهوم کمک به افراد بی بضاعت بوده است (ر. ک روم ۷: ۱۲ p: اع ۶: ۲-۴؛ ۱- تیمو ۳: ۸ c).

o- نظیر همان خطابی که در ۲: ۱۱ آمده و آغاز بحث و تشریح مطالبی دیگر است.

p- تصویری موضوع طلا و تصفیه با آتش را بیاد می آورد ۱: ۷.

q- مسیحیان نه تنها به رنجهای مسیح تاسی می کنند بلکه در آنها سهیم هستند.

r- تمام این قسمت در توصیف شکنجه شدگان است و آنان را سعادت مند می داند (مت ۵: ۱۱-۱۲ و انجیل های مشابه: همچنین ر. ک اع ۴۱: ۵).

s- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: و قدرت.

t- اشاره به اش ۱۱: ۲. کمک روح القدس به گواهان مسیح وعده داده شده است (مت ۱۰: ۲۰ و انجیل های مشابه).

u- کلمه ای را که فضولی کردن ترجمه شده و گاهی دخالت در امور دیگران ترجمه می کنند به خوبی روشن نیست.

v- ممکن است این کلمه را مشرکان با لحن مسخره آمیز بکار می برده اند (ر. ک اع ۱۱: ۲۶).

w- ر. ک مت ۱۰: ۳۲؛ اع ۵: ۴۱.

سرمشق‌های گله شوید<sup>c</sup>.<sup>۴</sup> و چون چویان<sup>d</sup> فرمانروا ظاهر شود، تاج شکوه ناپژمردنی را دریافت خواهید کرد.

۴:۱  
۱-قرن:۹:۲۵:  
بع:۱:۱۲:  
مکا:۳:۱۰:

### فروتنی و پایداری در ایمان

<sup>۵</sup> همچنین ای جوانان<sup>e</sup>، مطیع قدیمی‌ها باشید.

همگی<sup>f</sup> نسبت به یکدیگر کمربند تواضع بر بندید زیرا

خدا مخالف متکبران است

ولی به فروتنان فیض عطا می‌کند<sup>g</sup>.

<sup>۶</sup> پس در زیر دست مقتدر خدا فروتن باشید تا شما را در موقع معین برافزاند<sup>h</sup>.

ایوب:۲۲:۲۹

مز:۵۵:۲۳:  
مت:۲۵:۳۰-

<sup>۷</sup> همه نگرانی‌های خود را به او واگذار کنید، زیرا او به خاطر شما نگران است.

<sup>۸</sup> میانه رو باشید، مراقبت کنید! دشمن شما ابلیس همچون شیری غرّنده<sup>۱</sup> در جولان است، در پی بلعیدن شما است.<sup>۹</sup> همچنین

۱-تسا:۵:۶

عادل به دشواری نجات یابد، بی دین یا گناهکار کجا خواهند بود<sup>x</sup>؟

<sup>۱۹</sup> پس کسانی هم که برطبق مشیت خدا رنج می‌برند، روح‌های خود را به آفریدگار

امین تسلیم می‌نمایند.

مز:۳۱:۶:  
لو:۲۳:۴۶:

### وظایف رؤسای جمعیت‌های

#### مسیحی

<sup>۱</sup> پس به قدیمی‌هایی<sup>۱</sup> که در بین شما

هستند موعظه می‌کنم، من که

به مانند ایشان قدیمی و گواه<sup>z</sup>

رنج‌های مسیح هستم و در شکوهی که ظاهر خواهد شد سهیم خواهد بود: <sup>۲</sup> گله خدا را

که به نزد شما است بچرانید، نه به اجبار بلکه با کمال میل و برطبق خدا، نه به خاطر

منفعتی شرم‌آور، بلکه با اشتیاق، [مراقبت نمایند] <sup>a</sup>.<sup>۳</sup> نه به مانند اربابان برگزیدگانی

که به شما سپرده شده‌اند<sup>b</sup>، بلکه

x- مز ۱۱:۳۱ (ترجمه یونانی).

y- قدیمی‌ها، رؤسای جمعیت‌های مسیحی هستند (ر. ک ۱- تیمو ۵:۱۷؛ d: تیط ۱:۵-۹). موعظه به قدیمی‌ها بدان سبب اهمیت و فوریت دارد که جمعیت مورد تهدید قرار دارند.

z- مفهوم کلمه گواه را به دو گونه درک کرده‌اند: ۱- پطرس گواه بر مصائب و مصلوب شدن مسیح بوده و در شکوه سهیم است (ر. ک مت ۱۳:۱۶؛ ۲- پطر ۱:۱۶-۱۷). ۲- یا اینکه پطرس گواهی است که رنج‌ها را پذیرفته است برای اینکه مسیح را اعلام نماید (ر. ک مقدمه).

a- انعکاس سخنی است که مسیح به پطرس خطاب کرده بود (یو ۱۵:۲۱-۱۷). در اینجا به تصویر چرانیدن گله که معمولاً در کتاب مقدس می‌آید وظیفه مراقبت کردن افزوده شده است (اع ۲۰:۲۸).

b- ترجمه تحت اللفظی: قسمت‌هایی که سرنوشته نصیب کرده. اشاره به تقسیم سرزمین موعود به قبایل اسرائیل است (یوشع ۱۳-۲۲). در اینجا خدا قوم را به قدیمی‌ها سپرده ولی همواره خدا حکمفرما است.

c- مانند پولس (۱- قرن ۴: ۱۶؛ ۱: ۱۱؛ فی ۳: ۱۷؛ ر. ک تیط ۲: ۷).

d- در انجیلها بارها برای مسیح عنوان چویان قایل شده‌اند (یو ۱۰؛ لو ۳: ۱۵ و ۷- متن‌های مشابه انجیل‌های دیگر؛ مت ۲۶: ۳۱ و در انجیل‌های دیگر؛ ر. ک مت ۹: ۳۶؛ ۱- پطر ۲: ۲۵) ولی عنوان چویان فرمانروا فقط در اینجا آمده است.

e- ظاهراً اعضای مسن تر جمعیت مسیحیان با جوانان مخالف بوده‌اند.

f- پطرس یک رشته نصیحت‌هایی به مجموعه اعضای جمعیت مسیحیان می‌دهد که می‌توان منبع و مرجع آنها را تعیین نمود. چنین احساس می‌شود که رسول هم تحت تأثیر جنبه روحانی مزامیر بوده و هم از سخنان استاد خود الهام می‌گیرد.

g- مز ۳: ۳۴، ترجمه یونانی.

h- سرافرازی فروتنان موضوعی است که مدام در کتاب مقدس می‌آید (ر. ک مت ۲۳: ۱۲؛ لو ۱: ۲۵؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۴: ۱۸؛ یع ۴: ۶، ۱۰).

i- ر. ک مز ۱۴: ۲۲ مزموری که از نظر مصائب و مصلوب شدن مسیح قابل توجه است (ر. ک ۲- تیمو ۴: ۱۷؛ یع ۴: ۱۷).

نتیجه و سلام پایان نامه	یو ۱۳:۱۵-۱۷:۲-قرن ۱:۲۴
۱۲ این نامه را بوسیله سیلوانس <sup>m</sup> که فکر می‌کنم برادری باوفا است در چند کلمه می‌نویسم و تأکید می‌کنم که فیض خدا چنین است: در آن پایداری کنید <sup>n</sup> . ۱۳ زنی که در بابل <sup>o</sup> ، و به مانند شما برگزیده است، همچنین پسر من، مرقس <sup>p</sup> به شما سلام می‌کند. ۱۴ به یکدیگر با بوسه <sup>q</sup> محبت <sup>q</sup> سلام کنید.	در ایمان مستحکم و پایدار باشید <sup>j</sup> و بدانید که همین رنج‌ها به برادران شما که <sup>k</sup> در دنیا هستند تحمیل شده است.
صلح بر همگی شما در مسیح باد!	۱۰ خدای همه فیض‌ها که شما را به شکوه جاودانی خود در مسیح [عیسی] خوانده است. پس از مدت کوتاه رنج‌ها، شما را دوباره برقرار، مستحکم و نیرومند خواهد کرد و بنیادی خواهد داد! ۱۱ بر او قدرت به روزگاران و روزگاران باد! آمین!
	افس ۱۱:۶-۱۳:۱ بع ۷:۴ روم ۸:۱۷-۱۸:۲-قرن ۴:۱۷ ۱۱:۴

j- ترجمه دیگر: در ایمان نیرومند باشید.

k- ترجمه تحت اللفظی: به برادری شما. کلیه مسیحیانی که در دنیا پراکنده اند یک خانواده را تشکیل می‌دهند.

l- عبارت آیین نیایش که یادآور برکت و تقدیس‌های آغاز نامه است ۱:۳-۵.

m- ر. ک مقدمه.

n- در این بند هدف و محتوای نامه تعیین شده که عبارت از دلگرمی دادن در ایمان و تشویق به پایداری با وجود آزمونها است و اطمینان می‌دهد که خدا مشیت فیض خود را تحقق می‌بخشد.

o- ترجمه دیگر: جمعیت برگزیدگان که در بابل است اصولاً موضوع برگزیدگی در این نامه چندین بار آمده است (ر. ک ۱:۱ a).

p- در مورد بابل و مرقس ر. ک مقدمه.

q- اشاره به صلحی است که در نیایش مسألت می‌کنند. روم ۱۶:۱۶: ۱-قرن ۱۶:۲۰.

# دومین نامه پطرس

## پیشگفتار

در آن دوران در بین یهودیان مرسوم و معمول بوده است: بدین معنی مرد بزرگی که مرگ خود را نزدیک می‌دید پیش از مردن مطالبی را به عنوان خداحافظی نوشته و نکات مهم عقیدتی را که لازم می‌دانسته برای افراد جمعیت خود تشریح و یادآوری می‌نمود. اکنون این سؤال پیش می‌آید: نامه‌ای که با این وضعیت مخصوص تنظیم شده آیا شایسته است جزو نوشته‌های عهد جدید منظور گردد؟ و خواننده امروزی که بیشتر علاقمند است مطالب به صورت «بحث و بررسی و استدلال» باشد در برابر دشنام‌ها و ناسزاهایی که در فصل دوم آمده است، ممکن است همین سؤال را مطرح نماید.

به هرصورت این نامه درباره تفسیر نوشته‌های مقدس و آنچه الهام می‌کنند همچنین در مورد نوشته‌های برحق توضیحات تازه‌ای می‌دهد: بدین معنی که پیامبری‌های عهد عتیق و گواهی رسولان را در یک ردیف قرار داده و آنها را پایه ایمانی محکم می‌شمارد (۲:۳؛ ۹:۱). در هیچ یک از نوشته‌های عهد جدید جنبه الهامی نوشته مقدس به این صراحت بیان نشده است. نویسنده اظهار می‌کند: «هیچ یک از اظهارات پیامبران تعبیر و تفسیری شخصی و خصوصی نیست بلکه کسانی بوسیله روح القدس از جانب خدا سخن گفته‌اند» (۲۰:۱-۲۱). همچنین در این نامه، برای نخستین بار از

نوع ادبی و مسائل خداشناسی نویسنده پس از سلام معمولی (۱:۱-۳) جنبه الهامی مسیحیت را یادآوری می‌کند (۱:۳-۳:۱) و می‌گوید فرد مسیحی که در هم‌رایی با سرشت الوهیت زندگی می‌کند (۴:۱) به قدوسیت خوانده شده و لازم است به سخنان رسولان و پیامبران وفادار باشد (۱۲:۱-۲۱)، زیرا موعظه‌های مسیحیت داستانهای ساختگی نیست (۱۶:۱) بلکه این موعظه‌ها بر پایه گواهی رسولان و سخن پیامبران است که بوسیله روح القدس الهام شده است (۲۱:۱).

سپس نویسنده حمله‌های شدید و مختلفی علیه معلمان دروغی آغاز نموده، نادرستی عقاید و فساد اخلاقی ایشان را نشان داده و برملا می‌نماید (۱:۲-۲:۲) و می‌نویسد که مجازات و کیفر ایشان مسلم و غیرقابل احتراز است همچنانکه در گذشته، فرشتگان عاصی و اهالی سدوم و عموره به کیفر رسیدند (۶:۲). پس از این مطالب طولانی مجدداً آنچه را در فصل ۱ آغاز کرده بود با مسئله تأخیر در باز آمدن مسیح مطرح نموده (۳:۳-۱۳) و می‌نویسد که خدا شکیباً است ولی روز او فرا خواهی رسید (۹:۳).

بالاخره نامه با دعوت به هوشیاری و مراقبت پایان می‌یابد (۳:۱۴-۱۸). این نوشته پیش از آنکه به صورت یک نامه باشد شبیه «وصیت نامه»‌هایی است که

جمعیت آزادی دروغی وعده داده و جمعیت را به تباهی بکشند (۱۹:۲). نظریات فاسد این افراد هم از نظر خداشناسی و هم از نظر اخلاقی برخلاف آیین است. این معلمان دروغی منکر خداوند می باشند و حال آنکه خداوند ایشان را بازخرید کرده است. این بی دینان فرشتگان را حقیر می شمارند (۱۰:۲-۱۱) و از نظر اخلاقی زندگی در فسق و فجور می گذرانند و از گناه کردن باز نمی ایستند (۱۴:۲).

در تعیین هویت این افراد بعضی از مفسران نام «گنوستیک‌ها» را ذکر کرده اند که ادعا دارند موهبت شناخت برتری داشته و از آزادی کامل برخوردارند. این افراد جسم و امور جسمانی را حقیر می شمارند با این همه زندگی بی بند و باری می گذرانند. بدین سان می توان اشتباهات آنان را هم از نظر خداشناسی و هم از نظر اخلاقی توضیح داد. به همین سبب نویسنده در مورد «شناخت» مسیحیت اصرار کرده و آن را در مقابل دانش بی دینان می آورد (۱:۲، ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۶؛ ۲:۲۰-۲۱؛ ۳:۱۷-۱۸). اما در مورد حقیر شمردن «شکوهمندی‌ها» به دشواری می توان منظور نویسنده مرتکب گناه می شدند. زیرا در آیین یهود و مخصوصاً در بین فرقه اسنیان ذکر نام فرشتگان ممنوع بوده تا احترام فرشتگان رعایت شده و نام آنها در امور سحر و جادو بکار برده نشود. یا اینکه این افراد کافر منکر وجود و حقیقت فرشتگان و یا برتری آنها می شدند و از افکار و نظریات پولس فراتر می رفتند که فقط یادآوری و تأکید می کرد فرشتگان پایین تر از مسیح هستند (افس ۱:۲۱؛ کول ۲:۱۵). به هر صورت نمی توان هویت بی دینان را دقیقاً تعیین نمود زیرا نویسنده در پرخاش‌ها و ناسزاهایی که در فصل دوم بکار برده است کلمات و

مجموعه نامه های پولس یاد شده (۳:۱۵-۱۶) و گرچه تمام نامه های پولس را ذکر ننموده، آنها را جزو نوشته های مقدس بشمار آورده است.

بالاخره نکته جالب دیگر این است که در این نامه موضوع تأخیر در باز آمدن مسیح به طور قاطع مطرح شده و می نویسد کسانی می گویند: «وعده باز آمدن (خداوند) چه شد؟ زیرا از موقعی که پدران کلیسا مرده اند همه چیز به همان گونه مانده است که از آغاز آفرینش بود» (۳:۴). نویسنده این اظهارات را دلیل بر بی ایمانی اعلام کرده و کوشش می کند پاسخی به آنها بدهد و می گوید: طوفان نوح که فرا رسید تجسم قبلی از داوری نهایی بود سپس آن را به روش دوران خود توصیف می نماید (۳:۶). می گوید: دنیای کهن بوسیله آتش نابود خواهد شد تا جای خود را به آسمانهای نو و زمینی نو بدهد که در آن عدالت برقرار خواهد بود (۳:۱۰-۱۵). ضمناً موضوع زمان برای خداوند وجود ندارد: یک روز برای او به مانند هزار سال است و هزار سال به مانند یک روز» (۳:۸). تأخیری که می گویند از شکیبایی و محبت او ناشی می شود. می خواهد به هرکسی فرصت توبه و گرایش بدهد به طوری که از هم اکنون همگی در قدوسیت زندگی نمایند. نویسنده با این گونه آموزش که بر مبنای توصیف وقایع پایان روزگار است ابعاد مهمی برای زندگی مسیحی قائل می شود.

#### مخاطبان نامه و دشمنان مسیحیت

در مورد دشمنان مسیحیت، نویسنده از «کافرانی» سخن می گوید که در کلیسا رخنه کرده اند (۲:۱). این افراد کسانی هستند که به مسیحیت گرویده ولی بعداً از آن برگشته اند و اکنون ممکن است به افراد

قسمتهای مشابه نامه یهودا را توضیح داده و روشن می‌کند، بعضی قسمت‌های نامه یهودا را که ممکن است در نظر خوانندگان عجیب جلوه نماید مخصوصاً در نظر آنانکه از احادیث نوشته‌های ساختگی اطلاع ندارند حذف می‌کند: مثلاً مبارزه میکائیل فرشته (یهو ۹)، فحشای فرشتگان (یهو ۶)، نقل قول از هنوخ (یهو ۱۴). به طوری که می‌توان بوسیله‌ایا نویسنده دومین نامه پطرس، مخصوصاً در مورد مطالب نوشته‌های ساختگی تجاهل می‌کند، به هر صورت نمی‌توان پاسخ صریحی داد.

از سوی دیگر در دومین نامه پطرس موضوع ایراد بر تأخیر باز آمدن مسیح مطرح شده است در صورتی در نامه یهودا سخنی در این باره نیست.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که دومین نامه پطرس در محافلی تنظیم شده که در یهودیگری ریشه داشته‌اند و متأخر بر نامه یهودا می‌باشد. ضمناً این محافل با دنیای یونانی و یونانی‌گرایی موافق و مساعد بوده‌اند زیرا علاوه بر حذف بعضی مطالب که قبلاً ذکر گردید زبان یونانی را با مهارت و ظرافت بکار برده و حتی کلمات مرکب و نادر و گاهی با تکلف بکار می‌برد، چنانکه تعداد ۵۶ کلمه از این نوع در نامه بکار برده شده و این نسبت خیلی بیشتر از سایر نوشته‌های عهد جدید است اکنون این سؤال پیش می‌آید: آیا این نامه ثمره کوششهای رسول است تا گرایش‌های مخصوص و مختلفی را که در نامه یهودا بیان شده است با یکدیگر سازش دهد؟ همچنین جریانهای فکری دیگری نظیر مفاد نامه‌های پولس را که بیشتر مساعد و پذیرا هستند هم‌آهنگ سازد. آیا منظور نویسنده تلفیق گرایشهای مختلف در داخل کلیسای اولیه بوده است؟ از سوی دیگر چون این نامه

اصطلاحات معمولی بکار می‌برد و چنانکه گفته شد «چهره نمونه» ای از فرد بی‌دین ترسیم می‌نماید.

مخاطبان نامه به نوشته‌های مقدس و احادیث مکاشفه‌ای یهود آشنا هستند زیرا نویسنده بارها به این نوشته‌ها اشاره می‌کند بدون اینکه آنها را صریحاً نقل نماید (به استثنای ۱: ۱۷): مثلاً موضوع فرشتگان عاصی (۲: ۴)، طوفان نوح (۲: ۵)، سدوم و عموره (۲: ۶-۷)، بلعام بن بصور (۲: ۱۵) و احادیث مربوط به مبادی دنیا که بوسیله آب از بین رفته و انهدام دنیا که بوسیله آتش انجام خواهد شد. این نامه و نامه یهودا، مخصوصاً در ۱: ۲-۳ ارتباط و شباهت آشکاری دارند. در این دو نامه نظریات مشابهی ذکر شده که اکثراً با کلمات یکسانی بیان شده‌اند، در صورتی که کلمات مذکور به ندرت در مجموعه نوشته‌های عهد جدید بکار برده می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که این دو نامه جریان نظریات مشابهی را پیروی می‌کنند. مثلاً در هر دو نامه بحث و استدلال علیه معلمان دروغی است و در هر دو مورد آنان را «مسخره کنندگان شگاک» نامیده‌اند (۲-پطرس ۳: ۳؛ یهو ۱۸)، کسانی هستند که مطالب عجیب اظهار می‌نمایند (۲-پطرس ۲: ۱۸؛ یهو ۱۶) و بیشرمانه سورچرانی می‌نمایند (۲-پطرس ۲: ۱۳؛ یهو ۱۲). ضمناً گناه ایشان نظیر گناه فرشتگان عاصی، سدوم و عموره و بلعم است.

بنابراین چنین می‌نماید بعضی مطالب و نظریاتی که در دومین نامه پطرس آمده از نامه یهودا گرفته شده است مگر اینکه هر دو نامه مستقیماً از نوشته قدیمی تری گرفته باشند (که خیلی کمتر محتمل است). به هر صورت دومین نامه پطرس نظیر نوشته‌ای فرعی و تابع بر نامه یهودا است و به طور کلی نویسنده

نامه ها و همچنین سایر نوشته های رسولان و پیامبران را جزو نوشته های مقدس بشمار می آورد.

از سوی دیگر نمی توان تاریخ تنظیم این نامه را خیلی به عقب برد زیرا احادیث یهودی - مسیحی فراوانی در آن ذکر شده است. بنابراین تاریخ نگارش آن سال ۱۲۵ میلادی پیشنهاد می شود که البته امکان اینکه پطرس نامه را نوشته باشد منتفی است.

آیا می توان گفت که مجمعی وابسته به پطرس وجود داشته و در آن مجمع برطبق آموزش های رسول این نامه را به صورت وصیت نامه روحانی او تنظیم کرده باشند؟ در این مورد لازم به یادآوری است که برطبق روایت اوسیبیوس (تاریخ مذهبی، جلد دوم، ۱:۶) مرقس که مدتی همکار پطرس بوده (ر.ک ۱- پطر ۵:۱۳) اهالی اسکندریه را به انجیل خوانده و این نامه در آنجا پذیرفته شده بود. لازم به یادآوری است دومین نامه پطرس و مکاشفه یوحنا نوشته هایی هستند که با اشکالات زیادی جزو نوشته های برحق شناخته و پذیرفته شده اند و این نامه بدو بوسیله کلیسای اسکندریه در مجموعه کلیساها وارد شده و پذیرفته گردید. ضمناً کمی پیش از سال ۲۰۰ میلادی، هنگامی که فهرست نوشته های برحق (موراتوری) تنظیم گردید، این نامه جزو فهرست مزبور نبود. اولین بار اوريجن (متولد ۱۸۵ یا ۱۸۶ میلادی، وفات ۲۵۴ میلادی) از این نامه یاد کرده و آن را جزو نوشته های مورد اعتراض نام برده است و فقط در قرن پنجم میلادی اکثریت کلیساها و در قرن ششم میلادی کلیسای سوریه آن را پذیرفته بودند. با این همه دومین نامه پطرس در حدود سال ۲۰۰ میلادی جزو یک ترجمه قبطی عهد جدید منظور شده و در پایان قرن سوم میلادی در پایروس ۷۲ ذکر شده بود.

بدو در کلیسای اسکندریه پذیرفته شده ولی کلیسای سوریه آن را نپذیرفته بود می توان گفت از محافل مسیحیانی می آید که قبلاً یهودی بوده و در دنیای یونانی پراکنده بودند.

### نویسنده نامه و تاریخ نگارش

نویسنده خود را شمعون پطرس رسول می خواند (۱:۱) و در بند ۳:۱ که سخن از نخستین نامه است به آسانی درک می شود که منظور نخستین نامه پطرس می باشد؛ مضافاً بر اینکه نویسنده یادآوری می کند در هنگام تجلی خداوند حضور داشته (۱۶:۱) و بالاخره اعلام می کند که بزودی مرگ او فرا می رسد (۱۴:۱).

این تعیین که همواره مورد بحث و تردید بوده مشکلات زیادی ایجاد می نماید. از یک طرف نبایستی اطلاعاتی را که نویسنده درباره زندگی خود می دهد سریعاً پذیرفت؛ زیرا این طرز نگارش نوشته هایی از نوع «وصیت نامه» است.

از سوی دیگر تفاوت های روش نگارش بین دو نامه خیلی زیاد است: در دو نامه بین کلماتی که بکار برده شده است ۵۹۹ کلمه متفاوت هستند و فقط ۱۰۰ کلمه مشترک دارند؛ ضمناً پایان روزگار در دو نامه به یک گونه ذکر و توصیف نشده است و این تفاوت ها ایجاب می کند که بین نگارش دو نامه مدت نسبتاً طولانی گذشته باشد.

چنین به نظر می رسد که نویسنده جزو نخستین نسل مسیحیان نبوده و مسیحیان نسل درگذشته بوده اند (۴:۳). بالاخره این نامه متأخر بر نامه یهودا است که تاریخ نگارش آن را آخرین دهه های قرن اول میلادی می دانند ضمناً در این نامه از فهرست نوشته های برحق یاد شده و نوشته است مجموعه ای از نامه های پولس وجود دارد که گرچه کامل نیست، این

# دومین نامه پطرس

## درود و سلام

کوشش خود بکار برید تا به ایمان خود غلا ۲۲-۲۳

فضیلت، و به فضیلت خود دانش بیفزایید،  
به دانش خویشتن داری، به خویشتن داری  
مقاومت<sup>d</sup>، به مقاومت پارسایی،<sup>۷</sup> به  
پارسایی دوستی برادرانه، به دوستی  
برادرانه محبت<sup>e</sup>.<sup>۸</sup> زیرا با داشتن اینها، اگر  
آنها را به فراوانی دارید، برای شناختن  
خداوند ما عیسی مسیح شما را نه بیکار و نه  
بی ثمر نخواهند گذاشت.<sup>۹</sup> اما آنکه این  
چیزها را ندارد کور است و کوتاه بین<sup>f</sup> و  
فراموش کرده خود را از گناهان گذشته پاک  
نماید<sup>g</sup>.<sup>۱۰</sup> بدین سبب، ای برادران،  
سزاوارتر است کوشش کنید تا فرا خوانده  
شدن و برگزیدگی شما پایدار بماند<sup>h</sup> زیرا  
با این کار هرگز سقوط نخواهید کرد.  
زیرا بدین گونه، ورود در ملکوت  
جاودانی خداوند ما و نجات بخش عیسی  
مسیح، به فراخی به شما عطا خواهد شد.

۱ از شمعون پطرس، برده و رسول  
عیسی مسیح، به آنانکه همان  
ایمان را که برای ما گرانها است در عدالت  
خدای ما و نجات بخش عیسی مسیح<sup>a</sup>  
دریافت کرده اند؛ فیض بر شما و صلح  
فراوان باد در شناخت حقیقی خدا و  
خداوند ما عیسی مسیح!

تیط ۲:۱۳  
یهو ۲:  
پطر ۱:۲

## الهام مسیحیت

۳ زیرا قدرت خدایی او، هرآنچه زندگی و  
پارسایی است به ما عطا کرده، با شناساندن  
۱- پطر ۲:۹ آنکه ما را بوسیله شکوه و نیروی فعال<sup>b</sup> خود  
دعوت نموده است. ۴ بوسیله اینها وعده های  
خیلی بزرگ به ما داده شده تا بوسیله آنها  
شما در سرشت خدایی سهیم شوید<sup>c</sup>، چون  
از فساد که به سبب هوس ها در جهان  
هست نجات یافته اید. ۵ به همین سبب همه

- a- در نسخه های دیگری چنین است: بوسیله عدالت خدای ما و نجات بخش عیسی مسیح. بعضی از محققان به سبب متأخر بودن تاریخ نگارش نامه و پیشرفت در علم شناخت مسیح این عبارت را پذیرفته اند.
- b- شکوه و نیروی فعال. در نوشته های عهد عتیق این دو کلمه به مفهوم قدرتی بکار برده می شود که خدا بوسیله آن تجلی می نماید و در اینجا این دو کلمه در مورد مسیح بکار برده شده است. کلمه یونانی که نیروی فعال ترجمه شده در بند ۵ نیز آمده و در آنجا در مورد انسان است و فضیلت ترجمه می شود.
- c- این عبارت که در نوشته های عهد جدید فقط در اینجا بکار برده شده است، کلیسای کاتولیک در اداب برگزاری عشاء ربّان ب آن را در مراسم هدایا منظور نموده است.
- d- یعنی پایداری کردن، مخصوصاً هنگامی که دشواریها پدیدار می شوند.
- e- این گونه بر شمردن فضایل (یا معایب) در ادبیات مسیحیت اولیه و در ادبیات یهودیانی که در دنیای یونانی آن دوران پراکنده بودند (یونانی گرایان) فراوان است.
- f- ترجمه دیگر: کور است و کورمال راه می رود. از بس نزدیک بین است کور است.
- g- بوسیله تعمید.
- h- در چند نسخه خطی معتبر نوشته شده است: تا بوسیله اعمال نیک شما پایدار بماند.

## وفاداری به سخن رسولان و

## پیامبران

یهو<sup>۱۲</sup> بدین سبب بایستی همواره این چیزها را دوباره به یاد شما بیاورم با اینکه می دانید و در حقیقت کنونی پایدار هستید. <sup>۱۳</sup> به نظر من صحیح است تا وقتی که در این خیمه هستم<sup>i</sup> به وسیله یادآوری شما را آگاه کنم، <sup>۱۴</sup> می دانم که بزودی خیمه خود را ترک خواهم کرد<sup>j</sup>، همان گونه که خداوند ما عیسی مسیح به من نشان داده است. <sup>۱۵</sup> اما همچنین کوشش خواهم کرد، پس از عزیمت من در هر موقعیتی بتوانید این چیزها را به یاد آورید<sup>k</sup>.

<sup>۱۶</sup> زیرا برطبق داستانهای ساختگی<sup>l</sup> نیست که قدرت و حضور خداوند عیسی مسیح را به شما شناسانده ایم بلکه چون گواهان عینی او بوده ایم<sup>m</sup>. <sup>۱۷</sup> زیرا از خدای پدر افتخار و شکوه دریافت کرد وقتی که

بوسیله شکوه مجلل<sup>n</sup> صدایی به او رسید: «این پسر محبوب من است که از او خشنودی دارم<sup>o</sup>». <sup>۱۸</sup> و این صدا را که از آسمان می آمد ما شنیده ایم، وقتی که با او بر روی کوه مقدس بودیم. <sup>۱۹</sup> بدین گونه سخن پیامبری محکم تری داریم<sup>p</sup> و خوب می کنید که به آن توجه نمایید، به مانند چراغی که در جایی تاریک می درخشد تا اینکه روز روشن شود و ستاره صبح در دلهای شما طلوع نماید. <sup>۲۰</sup> و بدو<sup>q</sup> بدانید که هیچ پیامبری<sup>pp</sup> نوشته<sup>r</sup> مقدس از تفسیری خصوصی ناشی نمی شود<sup>q</sup>. <sup>۲۱</sup> یک پیامبری هرگز بوسیله اراده انسان نیامده است بلکه بوسیله روح القدس وادار شده اند که انسانهایی<sup>r</sup> از سوی خدا سخن گفته اند<sup>s</sup>.

۲- تیمو: ۳: ۱۶؛  
۱- پطرا: ۱۱

۲- قرن ۵: ۱؛  
۱۹-۱۸: ۱۹

- i- ترجمه دیگر: تا وقتی که در این دنیا هستیم. کلمه خیمه که در متن یونانی بکار برده شده جنبه موقتی و ناپایدار بودن زندگی آدمی را نشان می دهد. ر. ک ۲- قرن ۵: ۱-۵.
- j- ترک کردن خیمه به مفهوم فرا رسیدن مرگ است. (ر. ک بند قبلی)
- k- ممکن است نویسنده اشاره به نامه خود می کند که حاوی خلاصه آموزش او است.
- l- ترجمه تحت اللفظی: اساطیر سفسطه آمیز. نویسنده این کلمات را فقط برای استدلال بکار نمی برد بلکه منظور او روشی است که رقیبان نوشته های مقدس را با توجه به اساطیر و افسانه های ارباب انواع تعبیر و تفسیر می کردند (احتمالاً گنوستیک ها بودند).
- m- ترجمه تحت اللفظی: برای اینکه گواه عینی عظمت او بوده ام. عظمت خدا چیزی است که بوسیله آن خداداد در درخشندگی جلال خود متجلی می شود.
- n- بعضی مترجمان کلمه خدا را می افزایند: بوسیله شکوه مجلل خدا... تا مفهوم این عبارت عبری روشن تر باشد.
- o- ر. ک مت ۱۷: ۵.
- p- ممکن است ترجمه نمود: همچنانکه سخن پیامبران را به طریق اولی سخن محکم تر می شناسیم... در این صورت بند ۱۹ به عنوان نتیجه گیری توضیحاتی خواهد بود که در بندهای ۱۶-۱۸ آمده است: وانگهی تجلی مسیح به سخن پیامبران حقیقت بخشیده و استحکام آنها را نشان داده است.
- pp- ترجمه دیگر: پیشگویی.
- q- ممکن است ترجمه نمود: از فکر خود پیامبر ناشی نمی شود.
- r- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا کلمه مقدس افزوده شده است.
- s- در این قسمت مخصوصاً در دو بند آخری جنبه الهامی نوشته های مقدس یادآوری و تأیید شده است و اینکه بایستی آنها را برطبق احادیث و سنن رسولان تفسیر نمود.

## علیه معلمان دروغی

۲- ۲:۳-۱۲:۲  
مر ۱۳:۲۱-۲۳  
۱- تیمو ۱:۴

همچنین در بین مردم پیامبران<sup>۱</sup> دروغی پیدا شدند، چنانکه در میان شما معلمان دروغی خواهند بود، که فرقه‌های<sup>۲</sup> گمراهی را با تزویر خواهند آورد، و استادی را ایشان را باز خرید کرده انکار خواهند نمود، و بر روی خود تباهی عاجلی خواهند آورد. <sup>۳</sup> و کسان بسیاری هرزگی‌های ایشان را پیروی خواهند کرد، و بوسیله<sup>۴</sup> ایشان به راه حقیقت<sup>۵</sup> توهین خواهد شد. <sup>۶</sup> و به سبب حرص، با سخنانی جعلی از شما بهره برداری خواهند کرد، برای ایشان از مدت‌ها پیش محکومیت بیکار نمانده و گمراهی نمی‌خواهد <sup>۷</sup> زیرا اگر خدا فرشتگانی را که گناه کرده بودند معاف کرده بودند معاف نکرده، بلکه با زنجیرهای ظلمت در جهنم<sup>۸</sup> انداخته و برای داوری نگهداشته است<sup>۹</sup>؛ <sup>۱۰</sup> و اگر دنیای کهن را معاف نداشته، و هشتمین نفر،

نوح<sup>X</sup> منادی عدالت را محافظت کرده

در حالی که طوفان را بر روی دنیایی از بی‌دینان آورده است؛ <sup>۱</sup> و اگر شهرهای سدوم و عموره را به خاکستر تبدیل کرده و به [زیر و رو شدن] محکوم ساخته تا عبرت بی‌دینان آینده باشد؛ <sup>۲</sup> و اگر لوط عادلان را که از رفتار هرزه جنایتکاران اندوهگین بوده نجات داده، <sup>۳</sup> زیرا این مرد عادل که در میان ایشان زندگی می‌کرد، با دیدن و شنیدن کارهای بی‌قانونی همه روزه روحش در شکنجه بود، <sup>۴</sup> پس خداوند می‌داند که پارسایان<sup>۵</sup> را از محنت‌هایی بخشید و ستمکاران را برای کیفر در روز داوری نگهدارد، <sup>۶</sup> مخصوصاً آنان را که به سبب هوس پلید جسم رفته و خداوندی را حقیر <sup>۷-۸</sup> می‌شمارند، پُرمدها و متکبرند و از کفر گفتن به شکوه‌مندی‌ها بر خود نمی‌لرزند. <sup>۹</sup> و حال آنکه فرشتگان که در قدرت و نیرو برترند، علیه ایشان در برابر خداوند<sup>Z</sup>

یهو ۴:۵  
اش ۵:۵۲

یهو ۶:۱۰-۱۳  
قرن ۱۰:۱۰

t- کلمه یونانی را که در بالا فرقه ترجمه کرده ایم به معنی حزب یا مکتب عقیدتی است (ر. ک اع ۵:۱۷؛ ۵:۲۶) و هرگاه به معنی بد کلمه گرفته شود به مفهوم تفرقه و تقسیم و دسته بندی است که جمعیتی را تضعیف نماید (ر. ک غلا ۵:۲۰؛ ۱- قرن ۱۹:۱۱) و خلاصه یک فرقه است؛ همچنین به معنی عقیده ای است که فرقه ای تعلیم می‌دهد. این کلمه در دورانی متأخرتر به معنی ارتداد یا الحاد بکار برده شده است. به طوری که استنباط می‌شود منظور نویسنده در اینجا فرقه گمراهی معلمان دروغی است و نه اینکه دسته بندی و فرقه مشکلی باشد.

u- در اینجا منظور از راه حقیقت ایمان مسیحیت است و آنانکه از آن پیروی می‌کنند. ر. ک اع ۲:۹؛ ۹:۱۹؛ ۲۳:۲۴؛ ۱۴.

v- کلمه یونانی «تارتار» یکی از نام‌هایی است که یونانیان در مورد جهنم بکار می‌بردند.

w- در دورانی متأخر یهود دیگری درباره پید ۶:۱-۴ عقاید و نظریاتی راجع به گناه فرشتگان (پسر خدا) و کیفر آنان پیدا شده و توسعه یافته بود (ر. ک کتاب هنوخ فصلهای ۱۹-۲۱).

x- نوح با همسرش و سه پسر و سه عروس، جمعاً هشت نفر می‌شدند (ر. ک ۱- پطرس ۳:۲۰). نویسنده در مورد مفهوم رمزی عدد هشت اصرار و تأکید می‌نماید: بدین معنی که روز یکشنبه، هشتمین روز هفته و نخستین روز هفته جدید است و نوح که در عدالت دوران جدیدی را آغاز می‌کند نمونه و تصویر مسیح می‌باشد.

y- ترجمه دیگر: مردان راستکار.

z- کلمه خداوندی (بند ۱۰) احتمالاً در اینجا در توصیف مقام الوهیت است (ر. ک آموزش مذهبی دیدا که ۱:۴). بنابراین، کلمه خداوندی ممکن است مظهر قدرت خدا یا دقیق‌تر گفته شود مظهر قدرت مسیح باشد که معلمان دروغی منکر آن بودند (ر. ک ۲- پطرس ۱:۲). شکوه‌مندی‌ها (بند ۱۰) نوعی از موجودات آسمانی هستند که در اینجا به بدی توصیف شده‌اند. پُرمدهایی و تکبر افراد مرتد آن است که خود را به جای خداوند می‌گذارند در صورتی که فقط خداوند می‌تواند فرشتگان عاصی را داوری نماید.

یهو ۹ داوری توهین آمیز نمی کنند. ۱۲ اما اینان، به مانند حیوانهای بی شعور که بوسیله طبیعت به وجود می آیند تا گرفتار شده و از بین بروند، درباره آنچه نمی دانند کفر می گویند؛ به همان تباهی تباه خواهند شد. ۱۳ اجرت بی عدالتی را بی عدالتی خواهند داشت. زندگی شهوانی روز را لذت می شمارند؛ پلیدی ها و مسخرگی هایی هستند که از گمراهی های خود خرسندند<sup>a</sup> درحالی که با شما سورچرانی می کنند. ۱۴ چشمانشان انباشته از زناکاری است و از گناه کردن باز نمی ایستند؛ روح های ناپایدار را با طعمه جلب می کنند؛ دلی ورزیده در آزمندی دارند: فرزندان لعنت هستند! ۱۵ راه راست را گذاشته، برطبق راه بلعم<sup>b</sup> به صورت گمراه شده اند، که اجرت بی عدالتی را پسندیدند<sup>c</sup>. ۱۶ اما حیوان بارکش زبان بسته ای با صدای انسانی حرف زده تخلف او را توبیخ کرد و دیوانگی پیامبر را متوقف ساخت. ۱۷ این اشخاص چشمه های بی آب هستند و مه هایی که باد می برد، و تاریکی ظلمات برای ایشان ذخیره شده است. ۱۸ حرف های عجیب تو خالی بر زبان می آورند و بوسیله هوسهای جسمانی، بوسیله هرزگی ها کسانی را که از اهل

مانده اند به دام می اندازند. ۱۹ به ایشان وعده آزادی می دهند و حال آنکه خودشان برده فساد هستند؛ زیرا آنکه تحت تسلط یهو:۸:۳۴ چیزی است برده آن چیز است<sup>d</sup>. ۲۰ زیرا پس از اینکه با شناخت خداوند [ما] و نجات بخش عیسی مسیح از پلیدی های جهان گریخته بودند<sup>e</sup> مجدداً بوسیله آنها درگیر شده و تحت تسلط درآمده اند، و برای ایشان وضعیت آخر بدتر از اولی است. ۲۱ زیرا برای ایشان بهتر بود که راه یهو:۳ عدالت را نمی شناختند تا اینکه پس از شناختن، از فرمان مقدسی<sup>f</sup> که به ایشان ابلاغ شده است منحرف گردند. ۲۲ به ایشان آنچه در ضرب المثل حقیقی گفته شده فرا رسیده است: «سگ به آنچه خودش استفراغ کرده برگشته است<sup>g</sup>» و «ماده خوک که شسته شده به غوطه خوردن ۱۲:۴۷-۴۸ در منجلاب برگشته».

### روز خداوند تأخیر شده ولی خواهد آمد

۳ ای محبوبان، این دومین نامه ای است که به شما می نویسم تا در آنها بوسیله یادآوری<sup>h</sup>، فراست روشن را در یهو:۱۷ شما بیدار کنم. ۲ برای یادآوری پیشگویی های پیامبران مقدس و فرمان

a- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: در ضیافت های دوستانه خود.

b- در بعضی از نسخه های خطی به جای بلعم بصور نوشته شده است بلعم بعور مثل اعد ۲۲:۵.

c- بنا بر احادیث یهودیان دورانهای متأخر بلعم حریص، پول دوست و منبع فساد بوده و در این باره تأکید شده است (ر.ک مکا ۱۴:۲).

d- یا برده کسی است که بر او غلبه کرده است.

e- منظور ایماندارانی هستند که سست و بی ثبات می باشند (ر.ک بند ۱۸).

f- منظور از فرمان مقدس مسلماً آموزشهای مسیحیت به طور کلی می باشد، مثل ۲- پطر ۳:۲ و ۱- تیمو ۶:۱۴.

g- ر.ک امت ۲۶:۱۱.

h- ترجمه دیگر: ... بوسیله یادآوری در شما تحریک کنم.

داشته باشند.<sup>۱۰</sup> روز خداوند به مانند  
دزدی خواهد آمد و در آن [روز] آسمانها با  
غرش از بین خواهند رفت، عناصر سوزان  
تجزیه خواهند شد و زمین و کارهایی که در  
آن است عیان خواهد شد<sup>m</sup>.<sup>۱۱</sup> بدین سان  
که همه چیز نابود خواهد شد [شما] باید  
چگونه انسانهایی در رفتارهای مقدس و  
پارسایی باشید؟<sup>۱۲</sup> درحالی که در انتظار و  
خواهان آمدن روز خدا هستید، که در آن  
آسمانهای مشتعل نابود و عناصر سوزان  
ذوب خواهند شد.<sup>۱۳</sup> آسمانهایی نو و  
زمینی نو<sup>n</sup> برطبق وعده<sup>۱۴</sup> او انتظار داریم که  
در آن عدالت سکونت دارد.

### موعظه و تشویق به هوشیاری

<sup>۱۴</sup> ای محبوبان، بدین سبب و در این  
انتظار، کوشش کنید که شما را بدون  
آلودگی و بی نقص در صلح بیابید.<sup>۱۵</sup> و  
شکیبایی خداوند ما را همچون نجات  
بنگرید، چنانکه برادر محبوب ما، پولس  
بوسیله حکمتی که به او داده شده به شما  
نوشته است.<sup>۱۶</sup> همچنان که در همه نامه ها  
از این سخن می گوید و در آنها چیزهایی  
هست که فهمیدن آنها دشوار است و

خداوند و نجات بخش که رسولان به  
شما [گفته اند]<sup>i</sup>.<sup>۳</sup> بدو<sup>۳</sup> این را بدانید که  
در آخرین روزها مسخره کنندگانی با  
مسخرگی های خود خواهند آمد که برطبق  
هوس های خود رفتار خواهند کرد،<sup>۴</sup> و  
خواهند گفت: «کجا است وعده<sup>۵</sup> باز آمدن  
او؟ زیرا از وقتی که پدران<sup>j</sup> خوابیده اند،  
همه چیز به همین گونه مانده است که از  
آغاز آفرینش بود.»<sup>۵</sup> زیرا عمداً فراموش  
می کنند<sup>k</sup> که در گذشته بوسیله سخن خدا  
آسمانها بوده و زمینی که از آب و بوسیله  
آب تشکیل شده بود،<sup>۶</sup> و به همین علت ها،  
دنیای آن وقت به زیر آب رفته و نابود شد!  
<sup>۷</sup> اما آسمانها و زمین کنونی بوسیله همین  
سخن به کنار گذاشته شده و برای روز  
داوری و نابودی آدمیان بی دین برای آتش  
ذخیره شده اند!<sup>۸</sup> ای محبوبان، فقط یک  
چیز است که بایستی بدانید: در نزد خدا  
یک روز به مانند هزار سال و هزار سال  
به مانند یک روز است.<sup>۹</sup> وعده<sup>۹</sup> خداوند در  
آمدن تأخیر نمی کند، چنانکه بعضی ها آن  
را تأخیر می شمارند، بلکه نسبت به شما  
شکیبایی می کند و نمی خواهد تعدادی  
نابود شوند، بلکه همگی در توبه جایی

i- ر.ک ۲:۲۱.

j- به طور کلی پدران نسلهای اسرائیل هستند که وعده ها را دریافت کرده اند ولی ممکن است که در اینجا نویسنده به نخستین  
نسل مسیحیان می اندیشد. منظور از خوابیده اند به مفهوم درگذشته اند است.

k- ترجمه دیگر: وقتی که چنین ادعا می کنند فراموش می نمایند...

l- طوفان آتش از تصاویری است که در نوشته های مکاشفه ای یهودیان بکار برده شده و در اینجا طوفان آتش قرینه نخستین  
طوفان یعنی طوفان آب دوران نوح است. به همان گونه که دنیای بی دینی دوران گذشته به زیر آب فرو رفته و نابود شده است،  
دنیای بی دینی امروزی هم برای داوری و محکومیت آتش ذخیره شده که بی دینان را از بین خواهد برد؛ و باز هم به مانند دوران  
گذشته عادلان از این بلیه مصون خواهند ماند (ر.ک ۲:۵) و در دنیای جدیدی زندگی خواهند کرد که در آن عدالت حکمفرما  
خواهد بود.

m- ترجمه تحت اللفظی: پیدا خواهد شد. یعنی در برابر داوری خدا ظاهر خواهد شد. بیشتر مترجمان این عبارت را به طرز دیگری  
درک کرده و ترجمه می کنند: سوخته خواهد شد.

n- ر.ک اش ۱۷:۶۵؛ ۲۲:۶۶.

[افراد] بی معرفت و ناپایدار  
 برمی گردانند، چنانکه نوشته های مقدس  
 دیگر<sup>۰</sup> را هم برای نابودی خودشان  
 [برمی گردانند].<sup>۱۷</sup> پس، شما ای  
 محبوبان، که آگاه شده اید، هوشیار باشید  
 تا بوسیله گمراهی جنایتکاران منحرف  
 نشوید و از فراز استحکام خودتان  
 بیفتید.<sup>۱۸</sup> در فیض و شناخت خداوند ما و  
 نجات بخش عیسی مسیح پیشرفت نمایید،  
 شکوه بر او، اکنون تا به روز جاودانی.  
 [آمین]!

۰- اشاره به مجموعه متن های الهامی و برحق کتاب مقدس است و از همان وقتی که دومین نامه پطرس تنظیم و نگاشته می شد  
 نامه های پولس جزو نوشته های مقدس شمرده می شدند.

# نامه های یوحنا رسول

## پیشگفتار

### مقتضیات نگارش

نامه های یوحنایی، لااقل دو نامه اول عملاً فاقد تفصیلی درباره چگونگی نگارش و شخص نویسنده آنهاست، اما از بررسی خود متن به ظن قریب به یقین اوضاع و احوال گیرندگان و مخاطبان نامه و نیز دلایلی که نویسنده را وادار به نوشتن آنها کرده می توان دریافت.

از لحن جدلی بسیاری از قطعات این نامه ها می توان چنین نتیجه گیری کرد که جوامعی که مخاطب آنها بوده اند در بحران و خیمی بسر می برده اند. توسعه و نشر آموزه های ناموافق با مکاشفه مسیحی، خطر سازش پذیری پاکی ایمان را با آنها به میان آورده بود. تعلیم دهندگان این آموزش چه کسانی بودند؟ آنان ضد مسیح (دجال) (۱- یو ۲: ۱۸، ۲۲؛ ۳: ۴؛ ۲- یو ۷)، پیامبران دروغین (۱- یو ۴: ۱)، دروغگو (۲- یو ۲۲: ۲)، فریبکار (۲- یو ۷) نامیده شده اند؛ آنان از جهان هستند (۱- یو ۴: ۵) و توسط روح خطا رهبری می شوند (۴: ۶). سابقاً جزو جوامع مسیحی بودند (۲: ۱۹؛ ر. ک ۲- یو ۹) و اکنون در صدد گمراهی ایمان دارانی هستند که وفادار و با ایمان مانده اند (۲: ۲۶؛ ۳: ۷) و حامل آموزه ای هستند که آموزه مسیح نیست (۲- یو ۱۰).

اساس خطای ایشان چه بود؟ آنان که با عرفانی از سنخ گنوسی اغوا شده بودند،

علی رغم آموزه و رفتاری که در تضاد آشکار با مکاشفه مسیحی بود و بویژه دیدگاهشان در باب مسیح شناسی که کاملاً از روی بدعت و الحاد بود، ادعای شناخت خدا (۱- یو ۲: ۴)، دیدن خدا (۳: ۶؛ ۳- یو ۱۱)، زندگی در مشارکت با وی (۱- یو ۲: ۳) و در نور او بودن (۲: ۹) را داشتند؛ آنان عیسی را نه مسیح می دانستند (۲: ۲۲) و نه پسر خدا (۴: ۱۵؛ ۲- یو ۷)؛ راز تن گیری را رد می کردند (۲: ۲؛ ۲- یو ۷) و عیسی را «تجزیه و تفکیک» می کردند زیرا در وی عیسی تاریخی و پسر خدا را از هم تفکیک می نمودند و منکر آن بودند که عیسی حقیقتاً از آب و خون آمده است (۱- یو ۴: ۳؛ ۵: ۶). رفتار اخلاقی شان نیز کمتر از این مستحق توبیخ نبود. با گرایشات کاملاً گنوسی خود، مدعی بی گناهی خویش بودند (۱: ۸، ۱۰) و در بند مراعات احکام (۲: ۴) بویژه محبت برادرانه نبودند (۲: ۹).

از مدتها قبل کسانی در صدد شناخت و تعیین هویت دقیق این معلمان کاذب برآمده بوده اند. بنابر شهادت ایرنائوس، انجیل یوحنا مبارزه علیه بدعت و الحاد سرنتوس (Cerinthe) را رهبری می کرد. به خوبی قابل درک است که نامه های یوحنا نیز حاوی همین تعلیم است. در واقع به نظر می رسد که آموزه انجیل در بسیاری نکات با آموزه عیانی که این

ایمان مسیحی است که از آغاز تعلیم داده شده (فی المثل ۱-یو:۲۲-۲۴) و مراعات احکام بویژه محبت برادرانه (به عنوان مثال ۲:۳-۶، ۹-۱۱) است.

#### نویسنده

به احتمال قریب به یقین هر سه نامه بوسیله یک نفر نوشته شده اند. بازتاب بحرانی مشابه در دو نامه اول و حتی به طور غیر مستقیم در سومین نامه دیده می شود. چه از لحاظ تفکر و چه واژه ها و سبک، این سه نامه آن چنان و تا آن حد به هم شبیه اند که مشکل بتوان آنها را متعلق به نویسندگان مختلف دانست. اینک به چند نمونه مشابه از این مقوله اشاره می کنیم: «بسیاری اغوا کنندگان (یا انبیای کذبه) در جهان پراکنده گشته اند» (۱-یو:۴:۱؛ ۲-یو:۷)؛ «در راستی گام بردارید» (۲-یو:۴؛ ۳-یو:۳)؛ «در راستی محبت داشته باشید» (۲-یو:۱؛ ۳-یو:۱؛ ر.ک ۱-یو:۱۸) فرمان محبت «فرمانی جدید نیست» بلکه فرمانی است «که از آغاز داشته ایم» (۱-یو:۷:۲؛ ۲-یو:۵)؛ «داشتن پدر و پسر» (۲-یو:۹) یا «داشتن پدر نیز» (۱-یو:۲:۲۳).

موضوع هویت این نویسنده مشکلی را به وجود می آورد. وی درست بر عکس پولس، هیچ جا نامی از خود نمی برد و در ۲-یو و ۳-یو، تنها خود را به عنوان «پیر» معرفی می کند: این عنوان بیانگر رئیس یا رهبر یک جامعه بر حسب سلسله مراتب نمی باشد بلکه طبق رسم کلیساهای آسیا (پاپیاس، ایرنائوس) هر که متعلق به گروه شاگردان عیسی بوده یا شاگردان را شناخته بود شایسته این عنوان محسوب می شد، لذا چنین فردی

نامه پرده از روی آن برداشته تطابق داشته است. بنا به قول ایرنائوس، سرنتوس همواره تعلیم می داد که عیسی از بدو تولد انسانی چون دیگران بوده، در هنگام تعبید، مسیح آسمانی با وی پیوند یافت اما به هنگام رنج و مرگ از وی جدا گردید (ر.ک احتمالاً ۱-یو:۲:۲۲؛ ۵:۶). بهر تقدیر از دیگر نکات منتسب به سرنتوس هیچ اثری در نامه های یوحنا وجود ندارد. تعیین این هویت تاریخی هر چه بوده باشد، جریانهای مورد نظر نامه ها احتمالاً مربوط به همان جنبش های یهودی گرایان دوران ماقبل گنوسی است که نامه های «شبانی» و نامه های «اسارت» از پیش در جایی دیگر علیه آنها موضع گرفته و بعداً منظومه بزرگ فرقه گنوسی قرن دوم را متلاطم ساختند.

با وجود این هدف نویسنده مبارزه علیه بدعت گذاران و ملحدین نیست بلکه مستقیماً خطاب به خود مسیحیان است. وی می خواهد ایمانداران مسیحی را از ادعاهای گنوسی ها بر حذر دارد و به آنان نشان دهد که تنها ایمانداران از طریق ایمان نشان با خدا مشارکت و اتحاد دارند (۱-یو:۳). این در واقع همان چیزی است که از نتیجه گیری نامه اول بدست می آید: «همه این ها را برایتان نوشتم تا بدانید که شما دارای زندگانی جاودان هستید، شما که به نام پسر خدا ایمان دارید» (۵:۱۳). به همین دلیل نیز نویسنده چون بندگردانی تکرار می کند: «از آنجا این را می دانیم که...» (۱-یو:۲:۳، ۵؛ ۳:۱۹، ۲۴؛ ۴:۲، ۶، ۱۳؛ ر.ک ۳:۱۰؛ ۲-یو:۶، ۷، ۹؛ ۳:۱۲) و بدین وسیله می خواهد مشخص سازد که ایمانداران حقیقی را با چه نشانی باید شناخت. مبانی این شناخت وفاداری به

(ر.ک توضیحات مربوط به ۱-یو:۲:۳، ۱۳، ۲۰، ۲۷، ۳:۹؛ ۵:۲۰-۲۱).

به هر حال از نقطه نظر واژگان، قرابت نویسنده بیشتر با یهودیت فلسطینی و نوشته های قمران است. واژه ها یا اصطلاحاتی مانند «گام برداشتن در راستی» (۱-یو:۶)، «روح راستی» (۴:۶)، «انصاف» (۴:۳) همانند تضاد بس شدید بین خدا و جهان (۴:۴-۶)، نور و ظلمت (۱:۶-۷؛ ۲:۹-۱۱)، راستی و دروغ (۲، ۲۱، ۲۷) که بر آن تاکید شده، در قوانین ساکنان غارهای قمران نیز وجود دارد. ثنویت یوحنایی امری ماوراء الطبیعی و کیهانی آن چنانکه گنوسی ها می پندارند نیست بلکه امری اخلاقی و آخرتی است زیرا در قلب انسانی جای دارد، که هر چند ضعیف و گناهکار است اما لیاقت دگرگونی و توبه و لذا اتحاد با خدا را دارا می باشد. این نامه ها با اهمیت فزاینده ای که برای شناخت قائل می شوند، در جریان یهودیت مکاشفه ای و حکمتی قرار می گیرند که بیشتر توجهش به مکاشفه رازهاست. اما این قواعد و ضوابط برگرفته از یهودیت بارها مورد تعبیر و تفسیر شخص نویسنده در مقام مسیح شناسی قرار گرفته است.

مخصوصاً با بررسی های اخیر، یک تأثیر دیگر از جمله تأثیر تفوق روشن گشته و آن سنت مسیحیت اولیه و بویژه تعالیم مربوط به تعمید است. یوحنا با اصرار هر چه تمام خوانندگان خود را «به آنچه شنیده اند» حواله می دهد (۱-یو:۱:۱، ۳، ۵؛ ۷:۲، ۱۸، ۲۴؛ ۳:۱۱؛ ۴:۳؛ ۲-یو:۶)؛ و گاه با یادآوری صریح «ابتدا» یعنی آموزه های آغازین مسیحی (۱-یو:۱:۱؛ ۲:۷، ۱۳، ۱۴، ۲۴؛ ۳:۱۱؛ ۲-یو:۵، ۶). وی از مسیحیان انتظار دارد که به

بعنوان شاهد در باره آغاز سنت رسولان از صلاحیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. از سوی دیگر، نویسنده خود را چون شاهد عینی زندگانی عیسی معرفی می کند (۱-یو:۱:۱-۳؛ ۴:۱۴). این اشارات مختلف به سود عقیده سنتی است که نویسنده این نامه ها را یوحنا رسول می داند. در خصوص نامه اول، در واقع شهادت های قدیمی در انتساب آن به وی با هم متنفق هستند. در خصوص دو نامه کوتاهتر بعدی این گونه نیست و تحقیقاً بخاطر همان عنوان «پیر» در قرن سوم و چهارم این نویسنده را «یوحنا رسول» (که در واقع همان معنای پیر را دارد) می دانند و وی را از یوحنا رسول متمایز می شمارند. اما سنت باستانی شهر افسس تنها یک یوحنا را می شناخت که همانا یوحنا شاگرد خداوند عیسی است.

#### زمینه ادبی و آموزه ای

در نگاه اول، نفوذ و تأثیر عهد عتیق بر نامه ها بسیار اندک است، چرا که یوحنا تنها یک بار صراحتاً به آن اشاره می کند (ر.ک ۱-یو:۳:۱۲) معهداً اصطلاحات کتاب مقدسی در آنها کم نیست: «امین و عادل» (۱-یو:۹)، «شناختن خدا» (۳:۲، ۴، ۱۴ و غیره)، «قربانی توبه» (۳:۲؛ ۴:۱۰)، «گناهی که به مرگ منجر می گردد» (۵:۱۶) و غیره. اما حضور عهد عتیق در نامه بزرگ و مفصل تر را بویژه در مضمون اصلی که در آن پرورده می شود باید جستجو کرد که همانا مشارکت و اتحاد با خدا و «شناخت» اوست: در چند بخش، «شناخت خدا» همانند شناختی ارائه می شود که ارمیای نبی آن را به عنوان مشخصه پیمان جدید معرفی می کند

آن را فراهم می‌آورد و این پدیده آن است که نویسنده غالباً یک مضمون را همیشه با نظم و ترتیبی یکسان از سر می‌گیرد. مولف اندیشه خود را بر حسب جنبشی دورانی حول یک مضمون اصلی از جمله موضوع اتحاد با خدا توسعه می‌دهد. این امر به وضوح در مقدمه دیده می‌شود (۳:۱) و با عباراتی هموزن در آیات پایانی بیان می‌گردد (۱۳:۵). نویسنده می‌خواهد این یقین را در خوانندگان خود بوجود آورد که ایمانداران زندگانی جاودان دارند. و در برابر بدعت‌گذاران نشان می‌دهد که با چه شرایطی این زندگانی را بدست می‌آورند و با چه معیارهایی آن را می‌توان شناخت. سراسر نامه چیزی جز تشریح این معیارها و شرایط زندگانی اصیل مسیحی نیست که در یک سلسله پرده‌های متوازی با پیشرفتی واضح یکی بر دیگری ارائه می‌شود:

مقدمه

(۱:۱-۴): اعلام مضمون اساسی.

الف. نخستین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۱، ۵-۲، ۲۸).

اتحاد در اینجا به عنوان مشارکت در نور خدا در نظر گرفته شده است. معیارهای این اتحاد به قرار زیر است:

۱- گام برداشتن در نور، تبری از گناه (۱:۵-۲:۲).

۲- رعایت فرمان محبت (۲:۳-۱۱).

۳- ایمان مومنین در برابر جهان و دجالان (۲:۱۲-۲۸)

ب. دومین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۲:۲۹-۶:۴).

این بار اتحاد با خدا با مضامین پدر فرزندی توصیف شده است. معیارهایی که

گناهان خود اعتراف کنند (۱-۹:۱) و آنان را فرا می‌خواند تا ایمان خود را به عیسی، پسر خدا که تن گرفته تقویت کنند (۱-۲:۲، ۳، ۴:۲، ۱۵:۲-۷): اینها نیز مضامین مربوط به تعمید هستند. معهدا همه این مضامین اعم از مضامین یهودی یا مسیحی، برای توصیف وضع ایمانداران در کشاکشی که با جهان دارند، اقتباس شده و فعلیت یافته‌اند.

### نامه اول

تعیین نوع ادبی این نامه آسان نیست. چون فاقد خطاب و نتیجه‌گیری است و در آن به هیچ نامی اشاره نشده مشکل بتوان آن را به سادگی نامه دانست، حتی نامه‌ای سرگشاده خطاب به جامعه‌ای محلی نیست (همان‌گونه که اغلب نامه‌های پولس چنین‌اند). با وجود این نویسنده خوانندگان را «فرزندان کوچک» خود می‌خواند (ر.ک ۱:۲۰ توضیح)، مرتب ایمان مشترک را به آنها یادآوری کرده آنان را تشویق می‌کند که در ایمان خویش باقی بمانند و از این رو اقتداری مذهبی بر آنان اعمال می‌کند. به نظر می‌رسد که این نامه خطاب به گروهی از کلیساهای مورد تهدید همان بدعت‌ها نوشته شده و همانطور که از سنت قدیم برمی‌آید در حقیقت به کلیساهای استان آسیا ارسال گشته باشد. نوشته‌ای که یوحنا برای آنها می‌فرستد نوعی نامه شبانی برای تقویت و تنویر آنان در نبردی که بخاطر ایمان دارند می‌باشد.

درباره ساختار نامه، نظرات پراکنده‌ای وجود دارد. مسأله بغرنج‌تر آنجاست که ادات و حروف ربط در نامه بسیار اندک است. اما پدیده‌ای آگاه‌کننده امکان تشخیص طرحی در

این نامه، متنی ابتدایی از منشاء گنوسی یا قمرانی یا شرح و بسط های خطا به ای که نویسنده به نامه افزوده باشد بیرون بکشد. اما تنوع سبک ها دلیلی بر متعدد بودن مأخذها نمی باشد. ویژگی کم و بیش آموزه ای هر بخش به خوبی تحت تاثیر تعالیم مربوط به تعمید واضح است و نظم و قاعده ساختار خود نامه، شاخصی در جهت یکپارچگی ادبی آن می باشد.

با این وجود بخشی که در گذشته موجب مجادلات شدید شده بود مسلماً اصیل و معتبر نبوده است. این موضوع به موردی حذف شده در ۵: ۶-۸ موسوم به *comma johanneum* (واژه های بین هلالین) برمی گردد: «آنان سه هستند که شهادت می دهند (در آسمان: پدر، سخن و روح القدس و این سه یک هستند؛ و سه هستند که بر زمین شهادت می دهند) یعنی روح، آب و خون و این سه در شهادتی یگانه اتحاد دارند.» این متن که در نسخه ولگات سیکستو کلمنتین (*sixto-clementine*) آورده شده است در همه نسخه های یونانی پیش از قرن پانزدهم، در نسخ کهن و در بهترین نسخ ولگات وجود ندارد؛ مسلماً عبارتی در حاشیه متن بوده که در جریان انتقال آن به غرب وارد متن اصلی گردید.

### دو نامه کوتاه

برخلاف نامه اول یوحنا، این دو نوشته کوتاه دارای ویژگی های نامه حقیقی هستند. دومین نامه به «بانوی برگزیده و فرزندان» فرستاده شده و این عنوانی است از جانب «پیر» به یکی از کلیساهای آسیا که به وی تعلق داشته و در جایی دیگر هویت آن آشکار نگشته است. ایمان مسیحیان این

فرزندان خدا را معرفی می کند به این شرح است:

۱- عمل به عدالت و عدم ارتکاب گناه (۲: ۲۹-۳: ۱۰).

۲- شفقت و مهربانی به مثال پسر خدا (۳: ۱۱-۲۴).

۳- تشخیص ارواح به وسیله ایمان به عیسی مسیح (۴: ۱-۶).

ج. سومین مرحله بیان معیارهای اتحاد ما با خدا (۴: ۷-۵: ۲).

دیگر به معیار منفی انصراف از گناه اشاره نمی شود. نویسنده برای بیان دو معیار مثبت محبت و ایمان تا سرچشمه های آنها به عقب بازمی گردد: محبت که تا این زمان از زاویه خطابه تشویقی (۲: ۳-۱۱) و مسیح شناسی (۳: ۱۱-۲۴) مد نظر بود این بار از دیدگاهی کاملاً الهی به آن نگریسته می شود (ر. ک ۴: ۷-۹، ۱۶). ایمان که در دو مرحله قبلی چون طرز رفتاری کلیسایی یعنی اقرار به ایمان شرح داده شده بود (ر. ک ۲: ۲۲-۲۵؛ ۳: ۲۳؛ ۴: ۲-۶) اکنون چون واقعیتی موبوط به الهیاتی نشان داده می شود، ایمان به (نام) پسر خدا (۵: ۵، ۱۰؛ ر. ک ۵: ۱۳):

۱- (در پایان نامه به دوری جستن از گناه اشاره نمی شود).

۲- محبت از خدا سرچشمه می گیرد و ریشه در ایمان دارد (۴: ۷-۲۱).

۳- ایمان به پسر خدا ریشه محبت و نیکوئی است (۵: ۱-۱۲).

مؤخره (۵: ۱۳-۲۱)

بنا بر عقیده برخی منتقدین، از تجزیه و تحلیل این نامه بسترهای ادبی بسیاری آشکار می گردد. هیچکس در صدد آن بر نیامده که از

همیار و همکار در راه حقیقت می شمردند (آیه ۸) اما «دیوترفیس» تمایلی به پذیرش آنها نداشت و حتی کسانی را که برای یاری می آمدند از آن جامعه نویای مسیحی می راند (آیه ۱۰). هدف این نامه آن است که غایوس را تشویق و تشجیع نماید که همچنان به حفظ و نگهداری مبشران ادامه دهد.

این یادداشت در ظاهر دارای ویژگی «شبانی» است و حاوی هیچگونه اشاره ای به آموزه های بدعت گذارانی که در دو نامه دیگر از آنها سخن گفته می شود، نیست. مع الوصف مخالفت سرسختانه دیوترفیس با بشارت انجیل که از سوی پیر رهبری می گردد و امتناع وی از اطاعت او، ویژگی روح خطا (۱-یو ۴، ۶)، تأکید «پیر» مبنی بر اینکه «دیوترفیس» خدا را ندیده است (۳-یو ۱۱) - اشاره به بدعتی که مدعی دیدن خدا بود (۱-یو ۳: ۶؛ ر. ک ۲: ۴) - و سرانجام ابراز شادمانی از اینکه غایوس در راه حقیقت گام برمی دارد (۳-یو ۳، ۴)، رفتار و شیوه ای که با رفتار اغواگران متضاد و متعارض نشان داده شده (۲-یو ۴-۷) و از همه این ها چنین فرض می شود که در خصوص دیوترفیس، وی با بدعت و ارتداد سازگاری و موافقت نشان داده است.

هیچ شاخصی وجود ندارد که بر اساس آن با یقین بتوان گفت که تقدم و تأخر نگارش سه نامه چگونه بوده است. بنا بر قول برخی نویسندگان، نامه اول یوحنا از لحاظ تاریخ نگارش آخرین آنهاست. این عقیده خالی از حقیقت نیست: در زمانی که این نامه نوشته می شد گروهی ضد مسیح و دجال از جامعه مسیحیان جدا شده بودند (۲: ۱۹) که این خود نشان می دهد که بدعت و الحاد رو به

جامعه به علت حضور اغوا کنندگان که موضوع تن گیری را رد می کردند (آیه ۷) و به آموزه مسیح پای بندی و وفاداری نداشتند (آیه ۹) به خطر افتاده بود. یوحنا می خواهد ایمانداران را علیه چنین آموزش هایی (آیات ۸، ۱۰-۱۱) هشدار بدهد: کسانی که ادعای شناخت حقیقت را دارند (آیه ۱) باید در راه حقیقت نیز گام بردارند (آیه ۴)، به یکدیگر محبت داشته باشند (آیه ۵)، در نور فرمانی که از سوی خدا آمده و از آغاز به کلیسا منتقل شده زندگی کنند (آیات ۴-۶) و این همان مضامینی است که در سرتاسر نامه مفصل تر یعنی نامه اول مورد بسط و تطور قرار گرفته است.

سبک نامه سوم شباهت شگفت انگیزی با نامه دوم دارد (۲-یو ۱، ۴، ۱۲-۱۳ را با ۳-یو ۱، ۳، ۱۳-۱۵ مقایسه کنید) و با این وجود ویژگی شخصی بیشتری دارد. این نامه به «غایوس» نامی فرستاده شده که «پیر» وی را تهنیت می گوید زیرا در راه حقیقت گام برمی دارد (آیه ۳؛ ر. ک ۲-یو ۴). لحن کم و بیش جدلی آن مبین بحرانی است که در میان ایمانداران روی داده بود. پیر قبلاً نامه ای خطاب به آن جامعه نوشته بود اما دیوترفیس که احتمالاً رهبر آن جامعه کلیسائی بوده اقتدار وی را به رسمیت نشناخته است (آیه ۹). «پیر» این بار خود را مجبور دیده که نامه ای به غایوس بنویسد که یکی از مشاهیر مسیحیان وفادار بوده است. «پیر» از کلیسایی که در آنجا مسکن داشت گروهی از مبشران سیار را که عهده دار شناساندن نام عیسی مسیح در بین بی ایمانان بودند، رهبری می کرد (آیه ۷). پذیرائی و تدارک آنان همه جا بوسیله مسیحیان تأمین می گردید و بدین سان خود را

افزایش بود و طرفداران بیشتری می یافت. از لحن کلام نویسنده چنین برمی آید که خطر، حالت عمومی بخود گرفته بود. پس از خطاب به جامعه مسیحیان محلی در ۲-یو و ۳-یو اکنون خود را ناچار دیده که همان مضامین را در نامه ای گروهی از سر بگیرد و این بار نامه را به کلیساها و جوامع مختلف مسیحی آسیا که تحت اقتدار و اختیار وی بوده بنویسد.

### الهیات نامه اول

در این پیشگفتار جای آن نیست که تجزیه و تحلیل کاملی از الهیات نامه اول یوحنا به عمل آوریم اما می توانیم تعلیم بنیانی وی را تا حدودی روشن سازیم. نیت نویسنده به وضوح در آیه نتیجه گیری بیان شده است: «همه این ها را برایتان نوشتم تا بدانید که دارای زندگانی جاودان هستید، شما که به نام پسر خدا ایمان دارید» (۱۳:۵). در آشفتگی و هرج و مرج ناشی از آموزه های الحادی، یوحنا می خواهد ایمانداران را به این یقین برساند که ایشان زندگانی جاودان خواهند داشت و نه پیامبران دروغین. در آیات پایانی، این یقین چون ندای پیروزی ایمان بر جهان به غرش در می آید: می دانیم هر که از خدا مولود شده دیگر گناه نمی کند... می دانیم که ما از خدا هستیم اما سراسر جهان زیر سلطه شر قرار دارد. می دانیم که پسر خدا به ما فهم داده تا حقیقت را بشناسیم و ما در حقیقت بسر می بریم با «پسرش عیسی مسیح» (۱۸:۵-۲۰). علیه ادعاهای کاذب گنوسی ها، مسیحیان باید سعی کنند که «شناخت» (gnose) حقیقتی را که یقین ایمان است توسعه داده و استوار نمایند: «مسیحی

نور خود این را می داند!» مضمون اصلی این نامه اتحاد و مشارکت ایمانداران با خداست: «اتحاد با پدر و با پسرش عیسی مسیح» (۳:۱)، اما این اتحاد در میان مسیحیان چون اتحادی بین برادران (۳:۱، ۶) پدیدار می شود. این واژه «اتحاد و مشارکت» در دیگر نوشته های یوحنا رسول وجود ندارد اما حقیقتی که وی بیان می دارد در سراسر نامه به شیوه های گوناگون و کمابیش متوازن نوشته شده که تمامی غنای این زندگانی جاودانی را روشن می سازد: شخص ایماندار «از خداست» (۵:۲؛ ر. ک ۵:۲۰)، «با خدا بسر می برد» یا «با پسر و پدر (۶:۲، ۲۴، ۲۷؛ ۳:۶)، «در خدا می میرد و خدا در وی بسر می برد» (۳:۲۴؛ ۴:۱۵، ۱۶)؛ «از خدا مولود شده است» (۲:۲۹؛ ۳:۹؛ ۴:۷؛ ۵:۱، ۴)؛ او «فرزند خداست» (۳:۲، ۱۰)؛ «پدر و پسر را دارد» (۲:۲۳؛ ۵:۱۲، ۱۳؛ ر. ک ۲-یو ۹)؛ «دارای زندگانی است» (۵:۱۲). به همه این ها باید اصطلاح کتاب مقدسی «شناخت خدا» را افزود (۲:۳، ۴، ۱۴؛ ر. ک ۳:۱، ۴:۶، ۷، ۸).

یوحنا با اصرار قابل ملاحظه ای تأکید می ورزد که این اتحاد الهی وقتی قابل حصول است که با تفکر و تعمق عیسی پسر خدا باشد که نخستین شاهدان شنیده و دیده اند (۱:۱-۳)؛ اگر ما بتوانیم «حقیقت را بشناسیم» به آن معناست که «ما با پسر وی عیسی مسیح هستیم» زیرا «او خود حقیقت است، او خدا و زندگانی جاودان است» (۵:۲۰).

مسیحیان حقیقی از آنجا که از خدا شناخت دارند (۴:۶-۷) همیشه خدا را بهتر می یابند. یوحنا از سه جنبه سخن می گوید که تحت تأثیر آنها راز خدا به ایمانداران

حقیقتاً در مرکز مکاشفه عهد جدید قرار دارد: خدا محبت است (۴:۸، ۱۶). از دیدگاه یوحنا، محبت در عین حال موهبتی برای خویشتن و اتحاد با خداست. در خدا، محبت، پدر و پسر را یکی می سازد. اما این محبت الهی خود را ظاهر ساخته و منتقل می گرداند: تمامی محبت از خداست (۴:۱۷). از دید یوحنا رسول، عمل نجاتی که پسر به تحقق می رساند چون مکاشفه بزرگ محبت پدر است (۳:۱۶؛ ۴:۹-۱۰، ۱۶). ما مسیحیان که تمامی این پیام محبت را می شناسیم دعوت شده ایم که این محبت خدا (۲:۵؛ ۴:۱۲، ۱۷، ۱۸) در وجود خود را با محبت به برادرمان (۴:۲۰) و با محبت به کسانی که واقعاً از خدا هستند (۵:۲) به تحقق برسانیم. در واقع با این مکاشفه همه زندگانی شخص ایماندار تبدیل به زندگی «در حقیقت و محبت» می گردد (۲-یو ۳) و این زندگی ایمان و محبت شرط مستقیم شناخت خداست.

با وجود این یوحنا فراموش نمی کند که معلمان دروغین خود مدعی «شناخت خدا» هستند و به همین دلیل وی هشدارها را فزونی می بخشد تا معیارهای زندگی اصیل مسیحی را مشخص سازد. می توان آن معیارها را به دو بخش تقسیم کرد: در ابتدا معیارهای نظم اخلاقی: از گناه حذر کنید (۳:۶)؛ به جهان دلبستگی نیابید (۳:۱۵)؛ در نور گام بردارید (۱:۷)؛ به عدالت عمل نمائید (۲:۲۹-۳:۵)؛ احکام را مراعات کنید (۲:۳-۳:۵)؛ بویژه حکم محبت برادرانه (۲:۹-۳:۱۱، ۳:۱۰، ۱۸-۲۰؛ ۴:۱۳، ۲۰؛ ۵:۱) و سپس معیارهای آموزه ای: در آموزشهایی که از آغاز داده شده است باقی

مکشوف می گردد: خدا نور است. خدا عادل است. خدا محبت است.

نامه یوحنا از همان آغاز پیامی مهم خطاب به مسیحیان دارد که کل معنای آن را از پرده بیرون می افکند: خدا نور است (۱:۵). در اینجا نیز همانند یهودیت، نور یعنی مکاشفه و باز هم مضمون پیشگفتار را از سر می گیرد: زندگانی جاودان در عیسی مسیح بر ما مکشوف شده یعنی زندگی پدر و زندگی پسر که سخن خداست که معطوف به پدر می باشد (۱:۲). پس از آمدن مسیح، این نور حقیقی مکاشفه به جهت انسانها درخشیدن گرفته است (۲:۸)؛ این نور از این پس برای آنان به پیام محبت خدا و در عین حال دعوت آنان به زندگانی در محبت است. همه کسانی که می شنوند در این نور خدا بسر می برند و به برادر خود محبت دارند (۲:۱۰) و همه با هم در اتحاد زندگی می کنند (۱:۷).

به کاملیت الهی دیگری در دو جای دیگر اشاره شده است: خدا عادل است (۱:۹)؛ (۲:۲۹)، این عنوان همچنین دو بار به عیسی اطلاق گشته است (۲:۱؛ ۳:۷) زیرا وی در عمل نجات بخش خود عدالت خدا را بر جهانیان مکشوف ساخته است. در هر یک از این متون، عدالت الهی با مفهوم گناه سازش داده شده است: خدا به واسطه عدالت خود ما را از گناه می رهاند و محبتی را که به ما دارد آشکار می گرداند (ر.ک ۲:۱-۲ و ۴:۱۰). با این مکاشفه عدالت نجات بخش خدا، به ایماندار این احساس دست می دهد که وی نیز به سوی عمل به عدالت رهبری می شود (۲:۲۹؛ ۳:۷) تا همان گونه پاک باشد که عیسی پاک است (۳:۳).  
سومین تعریف یوحنا از خدا مهم تر است و

تأثیر روح القدس. به این ترتیب ایمان و محبت، تورات (قانون) جدید رسولان مسیح می گردد. برای دسترسی بهتر به ثمرات این مکاشفه، یوحنا بر سنتی تأکید می کند که در ارتباط دائم با روزهای آغازین خود بوده و همچنین بر اهمیت تشخیص ارواح، «تدهین» درونی (chrisma) و تجربه ایمانی ایمان داران تأکید می ورزد؛ چه بسیاری نکات آموزه ای که اقتباس شده و بعداً بطور وسیع در الهیات، روحانیت و عرفان مسیحی مورد توسعه و تکامل قرار گرفته است.

اگر این نامه ها حاوی آموزشهایی درباره اتحاد با خدا، اخلاق و الهیات عرفانی هستند همچنین حاوی تعالیمی در باب آخرت شناسی نیز می باشند. در واقع نمی توان از اهمیتی که در نامه ها به ایام آخر می دهند چشم پوشی نمود؛ یوحنا می گوید ساعت آخر فرا رسیده است. ما مسیحیان به نحوی در حال مقابله با جهان هستیم، اما می دانیم که این جهان گذراست؛ برای همین است که ما را دعوت می کنند که تمام امید خود را بر عیسی قرار دهیم؛ وقتی او ظاهر شود وی را همان گونه که هست خواهیم دید.

ارزش فعلی این پیام برای زمان ما و هر زمانی بدهی است. امروز همانند دورانهای دیگر، ایمان در بحبوحه بحران قرار دارد. مسیحیان می خواهند بدانند که حقیقت ایمان در کجاست. آنان برای شناخت روح خدا در پی معیارهایی هستند: یوحنا ی رسول از ایماندارانی که از حقیقت شناخت دارند می خواهد که در آموزه عیسی مسیح پایدار باشند و با زندگانی سراپا محبت آمیز خود، شاهد ایمانشان به پسر خدا باشند.

حقیقت را تعلیم می دهند گوش فرا دهید (۶:۴)؛ به عیسی ایمان آورده اعتراف کنید که عیسی، مسیح و پسر خداست (۲:۲۳؛ ۲:۴؛ ۵:۱، ۱۰). اما آنچه درباره موهبت روح القدس مطرح می شود (۳، ۴؛ ۲۴، ۱۳) به معنای واقعی معیار نیست بلکه نیروئی درونی است که ایمان و محبت به هم نوع را برمی انگیزاند.

ثمرات این اتحاد و مشارکت اصیل با خدا و با هم نوعان چیست؟ عمل سخن خدا و عظمت «ایمان مسیحی» بر جهان و گناه پیروز است (۲:۱۳، ۱۴؛ ۴:۴؛ ۵:۴-۵)؛ هر که کاملاً طبق زندگانی فرزند خدا زندگی کند نمی تواند مرتکب گناه شود (۳:۶، ۹؛ ۵:۱۸). اطاعت کامل وی از اراده خدا هر گونه ترس را در وی از بین می برد (۴:۱۸) و یقینی کامل در برابر داور اعظم خواهد یافت (۲:۲۸؛ ۳:۲۱؛ ۴:۱۷) و اطمینان دارد که در نیایش های خود مستجاب خواهد شد (۳:۲۱-۲۲؛ ۵:۱۴-۱۵). برای همین است که این اتحاد برای ایمانداران سرچشمه صلح می گردد (۲-۳) و شادی مسیحی را برمی انگیزاند (۱-۳:۱).

### نتیجه

نامه های یوحنا نشان دهنده کیفیت زندگی واقعی مسیحی است. زندگانی در اتحاد و مشارکت با خدا، در تکامل پیمان نوین بین خدا و انسان که از سوی پیامبران برای ایام نجات اعلام شده بود به تحقق می رسد. این عهد، جدید است نخست به خاطر مکاشفه ای که عیسی مسیح آورده - مکاشفه محبت پدر- و همچنین به دلیل درون گرایی این حقیقت تحت

# نامه اول یوحنا رسول

## مقدمه

و به شما اعلام می‌کنیم، زندگی ۲: ۲۵	جاودانی <sup>d</sup> را	آنچه از آغاز <sup>a</sup> بود،	۱۳: ۱۴-۲ یو: ۱
که نزد پدر بود <sup>e</sup> و بر ما تجلی کرد.	آنچه را که دیده و شنیده ایم،	آنچه را شنیده ایم،	یو: ۱: ۱۴-۲۵: ۲۰
۳ آنچه را که دیده و شنیده ایم،	به شما هم اعلام می‌کنیم	آنچه را تماشا کرده ایم	
۴ع: ۲۰: ۲۰۰	تا شما نیز در همبستگی با ما باشید؛	و دستهای ما سخن زندگی <sup>c</sup> را لمس کرده	
۱۷: ۲۰-۲۱: ۲۱ ۱-قرن: ۹	و همبستگی ما با پدر	است <sup>b</sup> .	
	و با پسرش عیسی مسیح است <sup>f</sup> .	۲ و زندگی تجلی کرده	یو: ۱: ۴-۲۵: ۱۱
	۴ و این را می‌نویسیم	و ما دیده ایم	
۲-یو: ۱۲	تا شادی <sup>g</sup> به تمامی باشد.	و گواهی می‌دهیم	۱۴: ۴

a- منظور از کلمه آغاز، آغازی است که مربوط به قبل از تاریخ بشری می‌باشد، نظیر آنچه در مقدمه انجیل ذکر شده است (ر. ک یو: ۱: توضیح b)، در این صورت آیه اول مقدمه درباره مسیح می‌باشد؛ یا اینکه منظور آغاز اعلام و انتشار انجیل است. در این صورت توجه خوانندگان را به پیام اولیه مسیحی معطوف می‌کند (ر. ک ۷: ۲ توضیح X).

b- تحت اللفظی: دست زده است. نویسنده نامه عملاً درباره بشری بودن عیسی مسیح تأکید و اصرار می‌ورزد زیرا برخی از مفسران که سعی داشتند مسیحیت را از نظر فلسفی تفسیر کرده و به آن جنبه گنوسی بدهند به صراحت یا به طور ضمنی بشر بودن عیسی را انکار می‌کردند و به این ترتیب ایمان مسیحیان را به مخاطره می‌انداختند (ر. ک مقدمه). نویسنده همچنین اظهار می‌کند که گواهی او واقعی است زیرا بر مبنای شهادت گواهان اولیه است که مستقیماً عیسی را دیده و سخنان او را شنیده‌اند. ر. ک ۱۴: ۴.

c- (تحت اللفظی: در مورد سخن زندگی. لحن گفتار یوحنا گاهی غیر صریح و مبهم است.) منظور از کلمه یونانی که سخن ترجمه شده، عیسی مسیح است چنان که در مقدمه انجیل یوحنا نیز به همین معنی آمده است. بعضی از مترجمان آن را کلام (پیام) زندگی ترجمه می‌کنند، در این صورت بجای سخن واژه زندگی به مسیح اطلاق می‌گردد (ر. ک آیه بعدی).

d- زندگانی جاودانی یعنی زندگی خدا. این زندگی در شخص عیسی مسیح، پسر خدا بوسیله اعلام انجیل به ما داده می‌شود (۱۱: ۵؛ ر. ک ۹: ۴) و با ایمان به نام او دریافت می‌گردد (۱۳: ۵؛ ر. ک ۲۳: ۳؛ یو: ۱۶: ۳).

e- تحت اللفظی: که به سوی پدر بود. ر. ک یو: ۱: ۲.

f- خط ارتباط مداوم همبستگی محبت و حقیقت که از یک سو عیسی مسیح را به پدرش و از سوی دیگر به نخستین گواهانش می‌پیوندد بدون گسیختگی و انقطاع است. ضمناً این ارتباط نخستین گواهان را به کلیسا و مسیحیان را به یکدیگر می‌پیوندد (آیه ۷).

g- در بعضی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: شادی شما. در این صورت با آنچه در یو: ۱۱: ۱ ذکر شده هماهنگی خواهد داشت. ولی اگر انجیل برای کسانی که آن را می‌پذیرند شادی ایجاد می‌کند قبلاً و به دلیل بالاتر کسانی را که پیام آور انجیل هستند سرشار از شادی خواهد کرد. ر. ک ۲-یو: ۱۲.

آنچه جالب توجه می‌نماید فضای فراوانی و شادی است که از ویژگی‌های بارز نخستین آیات این نامه می‌باشد. در مقدمه انجیل چهارم مشاهده می‌شود که عیسی مسیح در وارد شدن به دنیا با انکار و امتناع روبرو می‌شد و حال آنکه در اینجا طرفدارانش او را پذیرفته و تجلیل می‌نمایند.

### راه رفتن در روشنایی ، رهایی از گناه

۱۱:۳ و چنین است نویدی که از او شنیده ایم

و به شما نوید می دهیم<sup>h</sup>:

خدا روشنایی است<sup>i</sup>

و در او هیچ تاریکی نیست.

۶ اگر بگوییم: «با او در همبستگی هستیم»

و در تاریکی راه برویم،

یو:۹:۲  
یو:۱۲:۸  
۲:۲

دروغ می گوئیم

و به حقیقت عمل نمی کنیم<sup>k</sup>.

۷ ولی اگر در روشنایی راه می رویم،

چنان که خود او در روشنایی است

با یگدیگر در همبستگی هستیم<sup>l</sup>

و خون پسرش عیسی<sup>m</sup> ما را از هر گناهی

پاک می کند.

۸ اگر بگوییم: «گناهی نداریم»،

خود را گمراه می کنیم

و حقیقت در ما نیست.

۹ اگر گناهان خود را اعتراف کنیم<sup>n</sup>،

او که وفادار و عادل<sup>o</sup> است،

گناهان ما را خواهد بخشید

و ما را از هر بی عدالتی<sup>p</sup> پاک خواهد کرد.

امت ۲۰:۹:

۱- یاد: ۸:۴۶:

ایوب: ۹:۲:

جا: ۷:۲۰:

روم: ۱۰-۲۰:

۲- تو: ۷:۱۴:

مز: ۳۳:۵-۱۱:

روم: ۴:۶-۸:

h- کلمه یونانی *anaggellein* که در اینجا (و در یو: ۲۵:۴؛ ۱۶:۱۳-۱۵) آمده و نوید دادن ترجمه شده است به بهترین وجهی فکر و نیت نویسنده را بیان می کند. این کلمه را گاهی اعلام کردن یا آشکار کردن ترجمه می کنند. این فعل که به کرات در کتابهای پیامبران و در ادبیات مکاشفه ای بکار برده شده هم به مفهوم اعلام کردن به صدای بلند و هم به مفهوم اظهار کردن (اش: ۴۰:۲۱؛ ۹:۴۲) یا به مفهوم شناساندن تفسیر می باشد (دان: ۲:۲؛ ۴، ۷؛ ۵:۱۲، ۱۵). در متن بالا این واژه دارای دو مفهوم آشکار کردن و اعلام کردن می باشد که در مقدمه ذکر شده است (آیات ۲ و ۳). البته مسیحیان نیازی ندارند که انجیل بر آنان آشکار شود؛ ولی همواره این احتمال وجود دارد که دستورات و الزامات انجیل را فراموش کنند. بدین سبب نویسنده بی پروا می گوید: این پیام را که به خوبی می شناسید بایستی به عنوان رازی پنهانی که همواره تازگی دارد بر شما آشکار کنیم.

i- تصویر روشنایی که در انجیل چهارم آمده و در آنجا عیسی خود را به عنوان روشنایی حامل حقیقت معرفی می کند (ر. ک یو: ۱:۸)، در اینجا در مورد خدا بکار برده شده که منبع الهام و لذا منبع هر قدوسیت در مسیحیت است. لازم به یادآوری است در افکار و اندیشه های مذهبی آن دوران عمومیت داشت که الوهیت را با نور و روشنایی مجسم و مشخص نمایند مثلاً مشرکانی که مسلک عرفانی داشتند تصور می کردند با روشنی ضمیر خود می توانند به ملکوت روشنایی نزدیک شوند یا اینکه بوسیله خلسه یا شرکت در مراسم و تشریفات ورود به فرقه ها به ملکوت دست خواهند یافت. یوحنا چنین استدلال و نتیجه گیری می کند که خدا از ظلمت دور است لذا فرد مسیحی باید با او در روشنایی قدم بردارد. ر. ک لایو: ۲:۱۹؛ مقدس باشید، زیرا من، خداوند، خدای شما مقدس هستم.

j- عباراتی که با کلمات اگر بگوییم (آیات ۶، ۸، ۱۰) شروع شده ظاهراً بیان اظهارات مخالفین مورد نظر نویسنده نامه است و نظریاتی بوده که تا حدی جنبه گنوسی داشته و یوحنا آنها را به عنوان افکار باطل رد می کند.

k- اصطلاح به حقیقت عمل کردن در نوشته های عهد عتیق و در آیین یهود یعنی آن رفتار اخلاقی که برطبق قوانین تورات انجام می گردید. اصطلاح مذکور در اینجا جنبه ملموس و واقعی را حفظ نموده و با این همه یوحنا آن را مجدداً تفسیر و در مورد توبه و ایجاد ایمان بکار می برد. (ر. ک آیات ۸، ۱۰) که عیسی مسیح اعلام کرده و در فرد ایماندار نفوذ می نماید تا زندگی او را دگرگون نماید. در انجیل (یو: ۳:۲۱) اصطلاح به حقیقت عمل کردن، بیانگر قدم برداشتن به سوی ایمان است؛ در اینجا به مفهوم توبه ای است که همواره تکرار و تجدید می شود و در اعتراف به گناهان بیان می گردد (ر. ک آیات ۸، ۱۰).

l- در اینجا بیشتر انتظار می رفت ذکر شود: در همبستگی با او هستیم. ولی دقیقاً به نظر یوحنا همبستگی با خدا بدون همبستگی با برادرانمان وجود ندارد.

m- خون عیسی: ر. ک ۲:۲ توضیح u.

n- در مسیحیت اولیه، اعتراف به گناهان معمولاً به اعلام در ملا عام تعبیر می شد (مت: ۳:۶؛ مرا: ۵:۱؛ یع: ۵:۱۶).

o- این دو کلمه در نوشته های عهد عتیق مفهومی نزدیک به هم دارند (مثلاً تث: ۳۲:۴): خدا وفادار است زیرا وعده های خود در مورد نجات را تحقق می بخشد؛ خدا عادل است زیرا با محبت خود گناهکاران را می بخشد (۲:۲۹-۳:۱).

p- پس از ذکر اینکه خدا گناهان ما را به طور کلی خواهد بخشید، کلمه بی عدالتی بیانگر خطای بخصوصی مثلاً بی عدالتی نسبت به مردمان نیست. در نوشته های مقدس کلمه بی عدالتی بیشتر به مفهوم دشمنی شدید با خداست که آدمی را به همه گناهان

۱۰ اگر بگوئیم: «گناه نکرده ایم»،  
او را دروغگو می‌شماریم<sup>q</sup>،  
و سخن او در ما نیست.

۲ ای فرزندان کوچک من<sup>r</sup>،  
این را به شما می‌نویسم تا گناهی  
نکنید.

و اگر کسی گناه کند،  
ما به نزد پدر مدافعی<sup>s</sup> داریم  
که عیسی مسیح عادل<sup>t</sup> است.  
۲ و خود او کفار گناهان ما است<sup>u</sup>،  
نه فقط گناهان ما،  
بلکه از آن تمامی جهان.  
روم ۸:۳۴؛ عبر ۷:۲۵؛ روم ۳:۲۵؛ ۴:۱۴؛ کول ۲۰:۱

رعایت فرمان خدا دربارهٔ محبت

۳ و بدین سان می‌دانیم که او را شناخته ایم<sup>v</sup>؛  
اگر فرمانهای وی را رعایت کنیم<sup>w</sup>.  
آن که می‌گوید: «من او را شناختم ام»  
و فرمانهای او را رعایت نمی‌کند  
دروغگو است  
و در او حقیقت نیست.  
اما آن که سخن او را نگاه می‌دارد،  
در او محبت خدا به کمال است.  
بدین سان می‌دانیم که در او هستیم.  
آن که می‌گوید در او جای دارد،  
باید به همان گونه که او رفتار کرده است  
رفتار کند<sup>w</sup>.  
۲۲:۳-۲۴؛ ۲۱:۴-۳؛ ۲:۶-۱۶؛ تیط ۱:۱۶؛ ۲:۲۰-۲۳؛ ۳:۱-۱۴؛ ۳:۳-۱۶؛ ۴:۱۷؛ فی ۲:۵؛ ۱-قرن ۱:۱۱؛ ۱-پطر ۲:۲۱-۲۵

می‌کشاند: در عهد جدید این ضدیت با حقیقت که به بی‌ایمانی منجر می‌شود (روم ۱:۱۸؛ ۸:۲؛ ۱-قرن ۱۳:۶؛ ۲-تیمو ۲:۱۸-۱۹) از مختصات ایام آخر است (۲-تسا ۲:۱۰-۱۲)؛ بدین سبب گاهی کلمه یونانی *adikia* را بی‌انصافی ترجمه می‌کنند، چنانکه واژه مترادف یونانی دیگر را هم که در ۴:۳ (ر. ک توضیح Z) آمده به همین گونه ترجمه می‌نمایند. یوحنا می‌گوید اگر ما به گناهان خود اعتراف کنیم خدا خطاهای ما را خواهد بخشید و حتی ما را از بی‌عدالتی که ریشهٔ این گناهان است پاک خواهد کرد.

q- زیرا در نوشته‌های مقدس، خدا همهٔ ما را گناهکار اعلام می‌کند. ر. ک روم ۳:۹-۲۰ که در آن آموزه عهد عتیق یکجا و خلاصه شده است.

r- کلماتی محبت‌آمیز که یوحنا به عنوان رهبر مذهبی به فرزندان ایمانی خود با دلسوزی اندرز می‌دهد (ر. ک آیات ۱۲، ۱۸، ۲۸ و غیره).

s- کلمه یونانی *parakletos* در انجیل چهارم نیز آمده است. ر. ک یو ۱۴:۱۶، ۲۶؛ ۱۵:۳۶؛ ۱۶:۷. در آنجا بیانگر روح القدس است که بر روی زمین به یاری ایمانداران می‌آید، ولی در اینجا منظور خداوند عیسی است که در حضور خدا از ایمانداران شفاعت می‌کند. ر. ک آیه بعدی و توضیح مربوطه.

t- کلمه عادل که در اینجا در توصیف عیسی آمده قبلاً در مورد خدا بکار برده شده بود (۹:۱). این کلمه کمتر به منظور توصیف بی‌گناهی و کمال اخلاقی او و بیشتر به سبب عملی است که عیسی انجام داده و در عین وفاداری به مشیت خدا گناهکاران را تبرئه می‌نماید.

u- این عبارت که آن را مجدداً در ۴:۱۰ می‌یابیم از اصطلاحات و عباراتی گرفته شده که در عهد عتیق دربارهٔ قربانی کردن بکار می‌رود (مثلاً: خروج ۲۹:۳۶-۳۷)؛ وی به خاطر کفار گناهان قربانی شد (ر. ک مکا ۵:۹-۱۰) و اکنون در حضور پدرش از ما شفاعت می‌کند.

v- شناخت خدا برابر مفهومی که در عهد عتیق پذیرفته شده (ر. ک مخصوصاً ارا ۳۱:۲۴) فقط به معنی داشتن دیدگاهی تجربیدی و ذهنی از خدا نیست بلکه برقراری ارتباط شخصی با خدا و زندگی کردن در همبستگی با او است. ر. ک ۲:۱۳ توضیح g. در اینجا نویسنده یادآوری می‌کند که این طرز شناختن خدا متضمن چه الزاماتی است. در مقابل خطری که مسیحیان را تهدید می‌کند که فقط به مسائل نظری مذهبی بپردازند، یوحنا در اندیشه و نگران آن است که هستی و زندگی مسیحیان واقعاً بر مبنای ایمان باشد و معیار شناختن واقعی خدا، بکار بستن فرمانهای او و مخصوصاً محبت به هم‌نوعان می‌باشد.

w- تحت اللفظی: اگر به همان گونه که آن یکی راه رفته است، راه برود. در این نامه ضمیر اشاره «آن یکی» همواره بر عیسی مسیح دلالت دارد (۳:۳، ۵، ۷، ۱۶؛ ۴:۱۷). عیسی به خاطر محبتی که نسبت به ما دارد جان خود را داده است (۳:۱۶). سرمشق او بایستی ما را رهبری کند که ما هم در محبت زندگی کنیم (۳:۱۷-۱۸؛ یو ۱۳:۱۵، ۳۴).

ای عزیزان،

فرمان تازه ای به شما نمی نویسم<sup>x</sup>بلکه فرمان کهنی است<sup>y</sup>

که از همان آغاز داشته اید؛

فرمان کهن همان سخنی است که

شنیده اید.

<sup>^</sup> و نیز فرمان تازه ای<sup>z</sup> به شما می نویسم،که در او و در شما حقیقت دارد<sup>a</sup>،

زیرا تاریکی می گذرد

و روشنایی حقیقی هم اکنون می درخشد<sup>b</sup>.<sup>^</sup> آن که می گوید در روشنایی استولی به بردارش کینه می ورزد<sup>c</sup>،

تاکنون در تاریکی است.

<sup>^</sup> آن که به برادرش محبت دارد،

در روشنایی ساکن است

و در او موجبی برای لغزش نیست<sup>d</sup>.<sup>^</sup> ولی آن که به برادرش کینه می ورزد

در تاریکی است

و در تاریکی قدم برمی دارد؛

و نمی داند به کجا می رود،

زیرا تاریکی چشمان او را کور کرده است.

ایمان در مقابل جهان و دجالان

<sup>^</sup> ای فرزندان کوچک من، برای شمامی نویسم<sup>e</sup>زیرا گناهانتان به خاطر نام او<sup>f</sup> بخشیده

شده است.

<sup>^</sup> ای پدران<sup>g</sup> به شما می نویسم

زیرا آن را که از آغاز هست شناخته اید.

ای جوانان، به شما می نویسم

زیرا شما بر شریب پیروز شده اید.

<sup>^</sup> ای فرزندان کوچک من، به شما نوشته ام<sup>h</sup>یو:۱۳:۳۴  
روم:۱۲:۱۷-۱۲:۱۵یو:۱۲:۸  
روم:۱۲:۱۳  
امث:۴:۱۹-۱۸:۱۹

۶:۱

۲۰-۱۸:۳

x- فرمان محبت، نوآوری جدیدی نظیر اظهارات معلمان دروغی نیست بلکه بازگشت به آغاز یعنی نخستین اعلام انجیل است (۱۱:۳-۲؛ یو:۵:۶). یوحنا مصراً وفاداری به سنتها را توصیه می کند (۱:۱:۱:۱:۱۳:۲:۱۴:۲:۲۴).

y- فرمان درباره محبت برادرانه تازگی ندارد و از دو دیدگاه کاملاً به هم پیوسته کهن می باشد: این فرمان سخنی است که اظهار شده و از مسیح ناشی می گردد و از نظر ایمان مسیحیان مربوط به دوران برخورد آنان با انجیل است.

z- این فرمان در تاریخ نجات تازگی دارد زیرا عیسی بوسیله مرگ خود والاترین محبت بوده است (۱۶:۳:۳). ر.ک یو:۱۳:۳۴ و از هم اکنون حقیقت دنیای آینده را در میان مردمان ارائه می کند.

a- فرمان محبت در عیسی تازگی دارد زیرا این فرمان در او اظهار شده است. همچنین این فرمان در ما تازگی دارد زیرا در ایمان بر ما آشکار گردیده است.

b- اعلام محبت در عیسی مسیح که در جامعه مسیحیت درخشیده است بسان سپیده دم برای جهان بشمار می رود.

c- کینه ورزیدن یا نفرت داشتن، ماندن در تاریکی است: یوحنا در ۱۵:۳:۳ خواهد گفت که کینه برابر با آدم کشی است.

d- بعضی ترجمه می کنند: در او چیزی نیست که موقعیتی برای لغزش [کسی دیگر] باشد.

e- گاهی ترجمه می کنند: ای فرزندان کوچک، به شما می نویسم: «گناهانتان به خاطر نام او بخشیده شده است...» از نظر قواعد دستور زبان هر دو ترجمه ممکن و صحیح است ولی با توجه به روش نگارش یوحنا و هدف نامه بایستی این آیه و دو آیه بعدی را به صورت اظهارات مثبت و مؤکد تعبیر نمود، نویسنده ای به نام بوامار می نویسد: یوحنا به منظور محافظت مسیحیان در برابر مطالب واهی گنوسی ها تأکید می کند که مسیحیان دارای زندگی هستند و نه ملحدان.

f- یعنی به سبب ایمانی که شما به نام عیسی مسیح پسر خدا دارید. ر.ک ۳:۲۳:۵:۱۳:۵:۱۳:۱۲:۳:۱۸.

g- برابر تفسیری که بیشتر شایع است کلمه فرزندان کوچک که در اینجا و در آیات ۱۲-۱۴ آمده و همچنین در هرجای دیگر این نامه خطاب به کلیه مسیحیان است در صورتی که کلمه پدران و جوانان خطاب به طبقات مخصوصی است. چنین به نظر می رسد که نام بردن طبقات مختلف به مفهوم آن است که نویسنده به تمامی مسیحیان و به اصطلاح فارسی به همه آنان از خرد و بزرگ خطاب می کند (ر.ک اع:۱۷:۱۸-۱۷). ممکن است یوحنا این طرز گفتار را از متن ارمیای نبی درباره شناخت خدا در پیمان نو الهام گرفته باشد درجایی که نوشته است: همگی آنان از کوچکترین تا بزرگترین مرا خواهند شناخت (۳۱:۳۴).

h- یوحنا برای آنکه اهمیت گفته قبلی را یادآوری و تأیید نماید مجدداً اظهارات آیه قبل را از سر گرفته و اندکی توضیح می دهد. بدین گونه می توان توضیح داد به چه سبب سه بار فعل نوشته ام (ماضی نقلی) را بکار برده است.

۱۷ ولی جهان می گذرد، چنان که حرص او می گذرد؛ ولی آن که مشیت خدا را انجام می دهد همواره می ماند.	زیرا شما پدر را شناخته اید. ای پدران، به شما نوشته ام زیرا شما شناخته اید آن را که از آغاز هست.	
۱۸ ای فرزندان کوچک من، اکنون ساعت پایانی است <sup>m</sup> ، و به طوری که می دانید مسیح دروغی <sup>n</sup> می آید، چنان که تاکنون مسیحان دروغی بسیار ۱:۴-۲ یو-۷ پیدا شده اند:	ای جوانان، به شما نوشته ام زیرا شما نیرومند هستید و سخن خدا در شما می ماند و بر شریب پیروز شده اید <sup>۱</sup> .	افس ۶:۱۰-۱۷؛ مکا ۱۱:۱۲
از این جا می دانیم که ساعت پایانی است. ۱۹ ایشان از بین ما بیرون آمده اند ولی از ما نبودند؛ زیرا اگر با ما بودند، با ما می ماندند. ولی برای این بود که آشکار شود که همه ۱-قرن ۱۱:۱۹ آنان از ما نیستند.	۱۵ به جهان <sup>۱</sup> و آنچه در جهان است محبت نداشته باشید. اگر کسی محبت به جهان دارد، محبت پدر در او نیست.	روم ۱۲:۲؛ یو ۱۷:۱۴؛ یع ۴:۴
۲۰ و شما تدهین <sup>o</sup> شده اید	۱۶ زیرا هر آنچه در جهان است، حرص نفسانی <sup>k</sup> ، حرص چشمان و اعتماد مغرورانه به اموال <sup>۱</sup> ، از پدر نیست بلکه از جهان.	یو ۵:۴۲ غلا ۵:۲۴؛ تیط ۲:۱۲؛ ۱-پطر ۱۱:۲
	۱-قرن ۷:۳۱	

i- در این سه آیه نویسنده به مسیحیان یادآوری و تکرار می کند که هم اکنون واقعاً در همبستگی با خدا زندگی می کنند، گناهان نشان بخشیده شده، پدر و پسر را می شناسند و بر شریب پیروز شده اند. ر. ک ۳:۹ توضیح c و ۴:۴ توضیح p.

j- منظور از جهانی که یوحنا توصیه می کند دوست نداشته باشند، نوع بشر نیست که خدا دوست دارد (یو ۳:۱۶) و نه محیطی که زندگی ما در آن می گذرد (یو ۱۷:۱۵)، بلکه مجموعه نیروهای بدی است که دل خود را نسبت به خدا و مسیح بسته اند و در پی آند ما را از انجام مشیت خدا دور کنند (آیه ۱۷؛ ر. ک یو ۱۰:۱۰ توضیح q). یوحنا برضد نفوذ چنین جهانی به مسیحیان هشدار می دهد. انواع مختلف این نفوذهای در آیه ۱۶ ذکر خواهد شد.

k- تحت اللفظی: حرص جسم، در مورد مفهوم کلمه جسم که در نوشته های یوحنا آمده است. ر. ک یو ۳:۶ توضیح a و مفهومی که این کلمه در نوشته های پولس دارد. ر. ک روم ۱:۳ توضیح g.

l- منظور از حرص جسم یا حرص نفسانی تمایلات غیراخلاقی طبیعت بشری است؛ حرص چشمان میل به داشتن هر چیزی است که آدمی ببیند و به اصطلاح چشمانش گرسنه باشد؛ اعتماد مغرورانه به اموال عبارت از اعتماد و اطمینان کسی است که زندگی با خوشی و تنعم داشته باشد که او را از توکل به خدا باز دارد.

m- اشاره به آخرین ساعت تاریخ. مسیحیان اولیه همانند یوحنا معتقد بودند که فرا رسیدن این ساعت نزدیک است ولی پیش از آمدن پیروزمندان خداوند موجود منحوسی خواهد آمد که مسیح دروغین (یا ضد مسیح) است که مخالف او بوده و کوشش خواهد کرد پیروان مسیح را فریفته و از راه بدر کند. ر. ک مت ۲۴:۲۳-۲۴=مر ۲۳:۱۳-۲۴:۲۲؛ ۲-تسا ۳:۳-۴.

n- یوحنا بدون اینکه به تاریخ وقوع این رویدادها علاقمند باشد، که البته به مانند ما آن را نمی دانست، کسانی را مسیح دروغی (مسیحان دروغی) می نامد که مدتی به جامعه مسیحیت پیوسته و بعداً خارج شده بودند و بقیه مطالب نشان می دهد این افراد واعظانی بودند که برضد کلیسا عمل می کردند و خود را به عنوان پیامبر مسیحیت «معنوی» معرفی می نمودند. همچنین ر. ک ۱:۴-۶.

o- تحت اللفظی: روغن تدهین (chrisma همچنین ر. ک ۲:۲۷). منظور یوحنا از این تصویر، سخن خدا است (ر. ک آیه ۲۴ توضیح r) که از قدوس یعنی مسیح دریافت شده است (یو ۶:۶۹) و در اثر عمل روح القدس در آدمی نفوذ می کند. عملی که در گفتارهای وداع عیسی به روح القدس نسبت داده شده است: براینکه ایمانداران را در سخنان عیسی، درحقیقت کامل وارد کند (یو ۱۴:۲۶؛ ۱۳:۱۶). برطبق تفسیر دیگری از این کلمه مستقیماً روح القدس می باشد.

۲۷ اما شما، تدهینی را که از او دریافت کرده‌اید، در شما باقی می‌ماند و نیازی ندارید که کسی به شما آموزش عبر: ۸: ۱۱ دهد <sup>s</sup> ، زیرا تدهین او همه چیز را به شما ۲۰: ۲ می‌آموزد <sup>t</sup> و این تدهین حقیقی است و دروغ نیست، برابر آنچه به شما آموخته است در او بمانید <sup>u</sup> .	که از سوی قدوس است و همگی <sup>p</sup> ، شما می‌دانید. ۲- پطرا: ۱۲: ۵ یو: ۸: ۳۲: ۲- یو: ۱
۲۸ و اکنون، ای فرزندان کوچک من، در او بمانید تا اگر تجلی کرد اطمینان داشته باشیم و شرمسار نشویم از اینکه به هنگام باز فی: ۲۰- ۲۱: ۲۷: ۱۴ لو: آمدنش دور از او باشیم.	بلکه تا آن را بشناسید و بدانید که هیچ دروغی حقیقت نیست. ۲۲ دروغگو چه کسی است غیر از آن که انکار می‌کند که عیسی، مسیح است <sup>q</sup> ؟ آنکه پدر و پسر را انکار می‌کند مسیح دروغی است. ۲۳ کسی که پسر را انکار می‌کند، پدر را هم ندارد. آن که پسر را تصدیق می‌کند، پدر را هم دارد. ۲۴ اما شما، آنچه را از آغاز شنیده‌اید <sup>t</sup> در شما باقی می‌ماند، اگر آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند شما هم در پدر و پسر خواهید ماند.
<b>عمل کردن به عدالت و دوری از گناه</b>	۲۵ و چنین است وعده‌ای که خودش به ما داده است: زندگی جاویدان.
۲۹ اگر می‌دانید که او عادل است، بدانید هر انسانی که به عدالت رفتار می‌کند از ۱۰- ۷: ۳ او زاده شده است. ۱۵: ۷: ۴	۲۶ من این را به شما نوشته‌ام درباره آنان که شما را گمراه می‌کنند.

p- «همگی می‌دانید» یعنی: حقیقت را می‌شناسید (ر. ک آیه بعدی و ۲- پطرا: ۱۲). در اینجا نظیر آنچه قبلاً گفته شده (ر. ک ۱۳: ۲ توضیح g) شاید نفوذ و تأثیر ار ۳۱: ۳۴ احساس می‌شود که در دوران پیمان نوه همه اعضای ملت خدا از معرفت برخوردار خواهند بود و نوشته است: «همگی مرا خواهند شناخت» (قابل توجه این است که در کتاب ارمیا و در نامه یوحنا برای مفهوم شناختن کلمه یونانی واحدی بکار برده‌اند). در بعضی نسخه‌های خطی نوشته شده است: شما همه چیز را می‌دانید.

q- بدعتی که مورد نظر یوحنا است بدعتی بود که نظیر یهودیان مقام مسیحایی عیسی به عنوان بشر را انکار نمی‌کرد بلکه می‌خواست مسیح آسمانی را از این موجود بشری که عیسی ناصری نام داشت جدا کند.  
 t- این جمله تذکار آموزش مذهبی به هنگام تعمید است (ر. ک ۷: ۲، ۱۳: ۳، ۱۱: ۴، ۳: ۴، ۲- یو: ۶).  
 s- در اینجا هم یوحنا از ار ۳۱: ۳۴ الهام گرفته است: نیازی ندارند به یکدیگر آموزش دهند.  
 t- در اینجا اظهار نشده که آموزشی که کلیسا می‌دهد (ر. ک آیه ۲۴) بی‌هوده است. یوحنا می‌خواهد بگوید که برای مسیحیان منبع واقعی شناخت و معرفت پیامی است که از آغاز شنیده‌اند و در اثر عمل روح القدس فراگرفته‌اند.  
 u- ترجمه ممکن دیگر: مقام گیرید.

۱ ببینید پدر چه محبتی به ما داده است

یو: ۱۲:۱  
روم: ۸: ۱۶  
غلا: ۴: ۴-۵  
افس: ۱: ۵  
یو: ۱۶: ۳  
۱۷: ۲۵  
۱-قرن: ۱: ۱۲

۲ ای عزیزان، اکنون ما فرزندان خدا هستیم و آنچه خواهیم شد هنوز پدیدار نگشته است.

۳ می دانیم که اگر پدیدار شود<sup>W</sup> ما به مانند او خواهیم بود<sup>X</sup> زیرا او را به همان گونه که هست خواهیم دید<sup>Y</sup>.

۴ هر که در او این امید وجود دارد خود را منزّه می کند همچنان که او منزّه است.

۵ هر کس گناه می کند

مرتکب بی قانونی هم می شود زیرا گناه بی قانونی است.<sup>Z</sup>

۶ و شما می دانید که او پدیدار شده تا

گناهان را بزاید؛

و گناهی در او نیست.

۷ هر کس در او می ماند

گناه نمی کند<sup>a</sup>؛

هر کس گناه می کند او را ندیده و نشناخته است.

۸ ای فرزندان کوچک من،

هیچکس شما را گمراه نکند:

آنکه عدالت می کند عادل است

همچنان که او عادل است.

۹ آنکه گناه می کند از ابلیس است

زیرا ابلیس از آغاز گناهکار است.

۱۰ بدین سبب پسر خدا پدیدار شده

تا اعمال ابلیس را از بین ببرد<sup>b</sup>.

۱۱ هر که از خدا زاده شده است

فنی: ۳: ۲۱

کول: ۳: ۴

یو: ۱۷: ۲۴

مکا: ۲۲: ۴

یو: ۱۲: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

مر: ۱: ۲۴

یو: ۱۲: ۳۱

یو: ۱۶: ۱۱

مکا: ۱۲: ۱۰-۱۲

یو: ۱۶: ۳

گناه نمی کند  
 زیرا بذر<sup>c</sup> او در وی می ماند  
 و نمی تواند گناه کند  
 زیرا از خدا زاده شده است<sup>d</sup>.

۱۰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس به این شناخته می شوند:

۲۹:۲ هر کس عدالت نمی کند از خدا نیست، همچنین کسی که به برادر خود محبت ندارد<sup>e</sup>.

۱۳ و به چه سبب سرا او را برید؟  
 زیرا اعمال او شر بود  
 و از آن برادرش عدالت بود<sup>f</sup>.  
 ۴:۱۱ عبر

۱۳ ای برادران، تعجب نکنید  
 اگر جهان شما را منفور می دارد.  
 ۱۴ ما می دانیم که از مرگ به زندگی  
 گذشته ایم  
 زیرا به برادران خود محبت داریم.  
 آنکه محبت ندارد در مرگ باقی می ماند.

۱۵ هر که به برادر خود کینه می ورزد  
 آدم کش است<sup>g</sup>  
 و شما می دانید که زندگی جاودانی در  
 ۴۴:۸ یو  
 هیچ آدم کشی باقی نمی ماند.  
 ۱۶ ما محبت را از این شناخته ایم:  
 ۱۶:۴  
 که او، عیسی، جان خود را به خاطر ما افس: ۵:۲  
 داده است<sup>h</sup>.

۱۳:۱۵ و ما هم باید جان خود را به خاطر برادران  
 که از شریر بود و برادرش را سر برید.

### محبت و احسان کردن به مانند پسر خدا

۷:۲ زیرا چنین است نویدی که از آغاز شنیده اید:

۲۳:۳ که به یکدیگر محبت داشته باشیم.  
 ۳۴:۱۳ یو  
 ۱۲ نه به مانند قائل

که از شریر بود و برادرش را سر برید.

c- به نظر بسیاری از نویسندگان، بذر از جانب روح القدس است که عامل آفرینش جدید می باشد: کسان دیگری نظیر آگوستین و لوتر بذر را به مفهوم کلام خدا گرفته اند و این تفسیر با طرز بیان استعاره ای یهودیان و مسیحیان بیشتر تطبیق می کند (ر. ک لو: ۱۲:۸؛ ۱-۱ پتر: ۲۳-۲۵). گاهی مترادف با روغن تدهین آمده است (۲: ۲۰، ۲۷) و بذری که در ما می ماند کلام خدا است (۲: ۲۴)، آموزشی است که از آغاز شنیده شده (۲: ۲۴) یا حقیقت مسیحیت (۲- یو)، اصل و منشأ درونی تقدس است ر. ک ۲: ۲۰ توضیح q.

d- این اظهارات قاطع با اندرزهایی که در ۸: ۱-۱۰ داده شده در اینکه خود را گناهکار بشناسیم تناقض ندارند. در آنجا یوحنا با واقع بینی تجربیات روزمره را در نظر داشته و در اینجا شرط رسالتی مسیحی بودن را که منتج از عمل خدا است و به وسیله پسرش انجام شده توصیف می نماید. بنابر نوشته های عهد عتیق نیروی غلبه بر گناه از قانون تورات و از کلام خدا که درون دل عادلان قرار گرفته است ناشی می شود (مز: ۳۷: ۳۱؛ ۱۱۹: ۱۱؛ بنسی: ۲۴-۲۳؛ ۲۳) و پیامبران تصفیه انسان را به وسیله قانونی که در درون او است از مختصات دوران مسیحایی می دانستند (۱: ۳۳-۳۴؛ حز: ۳۶-۲۷؛ ۲۸) یوحنا در نخستین نامه خود این موضوع را که مربوط به ایام آخر است آورده و در اینجا مجدداً ذکر کرده و آن را به ایمان در عیسی مسیح ارتباط می دهد: برابر عبارتی که آگوستین ذکر می نماید «شخص ایماندار به همان گونه که در او (یعنی در مسیح) بماند» منز و بی نقص می شود. ر. ک ۱۸: ۵ توضیح j.

e- ر. ک ۱: ۵-۲ توضیح a.

f- این تنها موردی است که این نامه مستقیماً به مطالب عهد عتیق اشاره می کند (ر. ک پید: ۴: ۱-۸). در این قسمت از نامه که درباره محبت است نویسنده داستان نخستین جنایت را یادآوری می نماید تا به وسیله ذکر این نمونه، تناقض بین ظلمت و روشنایی را نشان دهد (ر. ک ۲: ۸-۱۰ توضیح z, a, b, c و d). همچنین تفاوت بین دنیای بدی و ایمانداران و اختلاف بین کینه توزی که منجر به آدم کشی می شود و محبتی که برادرانه است (۳: ۱۳-۱۵): آدمی که خود را به قدرتی تسلیم می کند به وسیله آن قدرت رهبری می شود.

g- ر. ک ۲: ۹ توضیح c.

h- ترجمه تحت اللفظی: به خاطر ما از روح خود صرف نظر کرده است (ر. ک یو: ۱۰: ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۸). یوحنا با این عبارت مخصوص نشان می دهد که عیسی جان خود را داوطلبانه و با اختیار کامل داده است.

خود بدهیم.  
 ۱۷ آنکه نعمت‌های این جهان را دارد  
 تث ۱۵:۷ و برادر خود را نیازمند می بیند  
 یع ۱۵-۱۶:۲ و رحمت خود را بر او می بندد  
 لو ۱۰:۳۳ چگونه محبت خدا در او می ماند؟  
 ۱۸ ای فرزندان کوچک من،  
 به سخن و به زبان محبت نکنیم  
 بلکه به عمل و حقیقت!  
 لو ۱۴-۱۷:۲ ما از اینجا خواهیم شناخت که از حقیقت  
 غلا ۵:۶ هستیم  
 و در برابر او اطمینان قلبی خواهیم  
 داشت!  
 ۱- پطرا ۴:۸  
 امت ۱۰:۱۲

زیرا فرمانهای او را رعایت می کنیم  
 و آنچه موجب خشنودی اوست انجام  
 می دهیم.<sup>۱</sup>

۲۳ و فرمان او چنین است:

که با ایمان به پسرش عیسی پیوند یابیم<sup>m</sup>  
 و به یکدیگر محبت داشته باشیم،  
 به همان گونه که به ما فرمان داده است.  
 ۲۴ و آنکه فرمانهای او را رعایت می کند در  
 او می ماند و او در وی،  
 و بوسیله روح القدس<sup>n</sup> که به ما داده است  
 می دانیم که او در ما است.  
 یو ۶:۲۹  
 روم ۱۰:۱۴  
 یو ۲۱:۴  
 یو ۱۳:۱۳  
 ۱- تسا ۴:۹  
 ۱- پطرا ۱:۲۲  
 یو ۲۴:۲  
 یو ۱۴:۲۳  
 ۱۳:۴  
 روم ۹:۸

۲۰ زیرا اگر قلب ما، ما را محکوم می کند،  
 خدا بزرگتر از قلب ما است، و همه چیز  
 را می داند.<sup>k</sup>  
 ۲۱ ای محبوبان،  
 اگر قلب، ما را محکوم نمی کند،  
 ما به نزد خدا اعتبار داریم.  
 ۲۲ و آنچه درخواست کنیم از او دریافت  
 می کنیم،  
 لو ۱۳:۱۸  
 ۱- پا ۸:۳۹  
 مز ۷:۱۰  
 اع ۱۵:۸  
 ۱۴:۵  
 عبر ۴:۱۶  
 ار ۱۳-۱۲:۲۹  
 مت ۷:۸-۸  
 یو ۱۵:۷

### تشخیص روح ها بوسیله ایمان به عیسی مسیح

۱ ای محبوبان،

۴ به هر روحی باور نداشته باشید

بلکه روح ها را آزمایش کنید

که آیا از خدا هستند؛

زیرا بسیاری پیامبران دروغین در دنیا

پراکنده شده اند.

تث ۱۳:۲-۶  
 ار ۲۳:۲۱-۲۲  
 ۸:۲۸-۹  
 مت ۷:۱۵-۲۰  
 یو ۴۲:۴۷  
 افس ۵:۸-۱۰  
 کول ۲:۸  
 ۲- یو ۷:۷  
 مت ۲۴:۴-۵، ۲۴  
 ۲- پطرا ۲:۱

i- در این عبارت دو جنبه اساسی محبت ذکر شده است: برای اینکه محبت حقیقی باشد بایستی به وسیله اعمال واقعی و محسوس عملاً نشان داده شود؛ ولی فرد ایماندار، واقعاً مسیحی نخواهد بود مگر اینکه در زندگی، محبت خدا را که در عیسی مسیح تجلی کرده ادامه دهد (آیه ۱۶)؛ چنین محبتی اظهار ایمان و حقیقت در آدمی است (ر. ک ۲- یو ۱-۲) و دوست داشتن به این صورت عبارت از زندگی کردن در حقیقت است (آیه ۱۹؛ ر. ک یو ۱۸:۳۷).

j- کلمه یونانی که به اطمینان قلبی داشتن برگردانده شده معمولاً به معنی متقاعد کردن، مجاب کردن است ولی از محتوای مطالب برمی آید مفهومی که پذیرفته شده مناسب است.

k- بسیاری از مفسران کهن و همچنین کالوین این آیه را طوری تفسیر می کردند که شدت عمل قاضی متعادل و مطلق (خدا) را توصیف می کند زیرا بهتر از ما گناهان ما را می داند؛ ولی چنین اعتقادی چگونه موجب اطمینان قلبی ما خواهد بود؟ در صورتی که به نظر لوتر و تقریباً تمام مفسران جدید بایستی گفت که خدا به وسیله رحمت خود بزرگتر از قلب ما است (ر. ک لو ۱:۴۹-۵۰): اگر ما واقعاً اعمال خیر انجام دهیم خدا با وجود گناهانمان آن را در درون قلب ما تشخیص خواهد داد (یو ۲۱:۱۷). ر. ک ۱- پطرا ۴:۸؛ (به چشم خدا) محبت تعداد زیادی از گناهان را می پوشاند.

l- ر. ک ۱۵:۵ توضیح g.

m- تحت اللفظی: که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان داشته باشیم در این نامه نویسنده برای نخستین بار فعل ایمان داشتن را بکار می برد تا قسمت ۱:۴-۶ نامه را که مختص به ایمان و تشخیص روحیه ها است آماده کند (ر. ک ۱:۴). ولی هنوز موضوع ایمان باطنی مطرح نیست که در ۱:۵-۱۳ خواهد آمد بلکه پیوستن جمعیت مسیحیان به یک بیان ایمان است.

n- نظیر کلمه ایمان داشتن در آیه قبلی، کلمه روح القدس برای نخستین بار در این نامه بکار برده شده است. ظاهراً یوحنا اشاره ای به موهبت نکرده و حتی مستقیماً به تجربه شخصی روح القدس در ما اشاره نمی نماید (ر. ک روم ۸:۱۶) بلکه بیشتر روح القدس را در نظر دارد که موجد بیان ایمان ما و برانگیزاننده محبت برادرانه در ما است (آیه ۲۳) و بنابراین می توانیم تشخیص دهیم که در همبستگی با خدا هستیم.

آنکه خدا را می شناسد <sup>q</sup> به ما گوش می دهد. <sup>r</sup>	روح خدا را در این بشناسید:	۱-قرن ۱۲:۳؛ ۱-تیمو:۱۲-۱۳، ۲۰-۲۱؛ ۲-تیمو:۱۳-۱۴
آنکه از خدا نیست به ما گوش نمی دهد.	هر روحی که اقرار می کند عیسی مسیح جسماً آمده است، از خدا است،	
بدین گونه روح حقیقت و روح گمراهی را می شناسیم.	هر روحی که عیسی را اقرار نمی کند <sup>o</sup> از خدا نیست:	
محبت از خدا می آید و در ایمان ریشه می کند ای محبوبان، <sup>v</sup>	و از مسیح دروغی است که شنیده آید می آید و هم اکنون در دنیا است.	۱۸:۲، ۲۲-۲۳ اع:۲۰، ۲۹؛ تسا:۲-۷
به یکدیگر محبت کنیم، زیرا محبت از خدا است و هر کس محبت می کند از خدا زاده شده و خدا را می شناسد. <sup>s</sup>	شما، ای فرزندان کوچک، شما از خدایید و بر آنان پیروز شده آید <sup>p</sup> ، زیرا آن که در شما است بزرگتر از آن است که در جهان است.	۵:۵ مکا:۷، ۱۱، ۲۶؛ ۳:۵، ۱۲، ۲۱؛ ۱۷:۱۴؛ یهو:۶ مت:۱۲:۲۹
آنکه محبت نمی کند خدا را نشناخته است <sup>t</sup> زیرا خدا محبت است. <sup>u</sup>	ایشان از جهان هستند بدین سبب بر طبق جهان سخن می گویند و جهان به ایشان گوش می دهد.	یو:۱۵:۱۸-۱۹؛ ۱۴:۱۷
محبت خدا نسبت به ما چنین آشکار شد:	ما از خدا هستیم، <sup>e</sup>	یو:۱۸:۳۷

o- در بیشتر نسخه های خطی متن عبارت به همین گونه است ولی در بعضی از نسخه ها نوشته شده است: هر روحی که عیسی را تقسیم می کند. و بعضی از مفسران این عبارت را که ابتدایی تر است پذیرفته اند.

لازم به یادآوری است یوحنا در این مورد بدعتی را محکوم می کند که مسیح، موجود آسمانی و شکوهمند را از عیسی، فرد انسانی که زندگی کرده و در میان ما مرده است از یکدیگر جدا می کند، طرفداران این بدعت عملاً راز تن گیری را انکار می کردند. ر.ک مقدمه و ۲:۲۲ توضیح q.

p- این عبارت اشاره به پیروزی ایمانداران بر مسیح های دروغی است: زیرا در برابر جاذبه دروغی آنان مقاومت کرده و با برجا در طریق حقیقت باقی مانده بودند. ر.ک ۲:۱۳-۱۴، ۱۸-۲۱. یوحنا که این مخالفت را در زمان حال توصیف می کند جنبه واپسین روزگار این موضوع را یادآوری و تأکید می نماید (مکا:۱۷:۱۴؛ ر.ک ۲:۷، ۱۱، ۲۶ و غیره)؛ مسیحیان با مسیح (یو:۱۶:۳۳)، هم اکنون پیروزمند هستند چنانکه به موهبت سخن خدا که در ایشان است (۲:۱۳-۱۴) و به فیض ایمان خود پیروزمند می باشند (۵:۴-۵؛ ر.ک مکا:۱۲:۱۱، ۱۷).

q- در اینجا به مانند آیه بعدی، فعل به صورت ماضی مطلق نیست بلکه مضارع و زمان حاضر است (ر.ک آیه ۷ توضیح s).

r- در این آیه گفتار رسولان در برابر سخنان دروغی ارائه شده است؛ منظور از: آنکه خدا را می شناسد، فرد ایماندار واقعی است و به کسانی گوش می دهد که پیام انجیل را می آورند.

s- در اینجا نظیر آیه ۶ فعل شناختن به صورت مضارع و زمان حاضر ترجمه شده است ولی این فعل در زبان یونانی به طوری صرف می شود که نشان می دهد عمل شناختن رفته رفته بیشتر می شود؛ اگر فرد ایماندار واقعاً از خدا زاده شده و محبت برادرانه را اعمال می کند خدا را می شناسد (ر.ک آیه ۸) و محبت خدا را تجربه و درک می نماید.

t- ر.ک ۱:۳ توضیح v.

u- این عبارت یکی از سه تعریف مشهوری است که یوحنا در توصیف خدا گفته است (ر.ک یو:۴:۲۴؛ خدا روح است: ۱-یو:۵؛ خدا روشنایی است). یوحنا که در اینجا (همچنین ر.ک ۱۶:۴) می گوید خدا محبت است منظورش آن نیست که وجود الهی را به صورت مجرد و معنوی تعریف کرده باشد، بلکه یادآوری می کند که در وجود پسرش به صورت خدایی که محبت دارد ظاهر شده است (آیات ۹-۱۱). با این همه محبتی که بدین گونه در تاریخ نجات ظاهر شده در عین حال تظاهر محبت پدر نسبت به پسرش می باشد (یو:۳:۳۵؛ ۵:۲۰؛ ۱۷:۱۰؛ ۹:۱۵؛ ۱۷:۱۷؛ ۲۶:۱۷)؛ به عقیده یوحنا هر محبتی از سوی خدا می آید (آیه ۷) و در بین ما انعکاس زندگی شخصیت های سه گانه اقنوم می باشد.

۸:۴	خدا محبت است و آنکه در محبت باقی می ماند	خدا پسر یکتای خود را به جهان فرستاد تا بوسیله او زندگی بیابیم.	یو:۳:۱۶
۱۲:۴	در خدا جای دارد و خدا در او. <sup>۱۷</sup> محبت بدین گونه در ما کمال می یابد:	<sup>۱۰</sup> و محبت در این است که: ما به خدا محبت نداشته ایم، بلکه او به ما محبت داشته	افس:۱:۴ ۴:۲-۵ کول:۲:۱۳
۲۸:۲	اگر ما در روز داوری اطمینان داشته باشیم، زیرا به همان گونه که او هست ما هم در این دنیا به همان گونه هستیم. <sup>۱۸</sup> در محبت ترس نیست،	و پسر خود را به خاطر کفاره <sup>۷</sup> گناهان ما فرستاده است. <sup>۱۱</sup> ای محبوبان،	۱۹:۴ ۱۹:۵-۲
۲۰:۳ روم:۸:۱۵	بلکه محبت کامل ترس را بیرون می کند، زیرا ترس عذاب دربر دارد. و آنکه می ترسد در محبت کامل نیست. <sup>۱۹</sup> اما ما محبت بکنیم، چون که نخست او به ما محبت کرده است. <sup>۲۰</sup> اگر کسی بگوید: «خدا را دوست دارم»	اگر خدا چنین محبتی به ما داشته، ما هم باید به یکدیگر محبت داشته باشیم. <sup>۱۲</sup> هرگز کسی خدا را مشاهده نکرده است؛ اگر ما به یکدیگر محبت کنیم، خدا در ما جای دارد و محبت او در ما کامل می شود. <sup>۱۳</sup> بدین وسیله می دانیم که ما در او جای داریم و او در ما: به اینکه از روح خود <sup>۱۱</sup> به ما داده است. <sup>۱۴</sup> ما مشاهده کرده ایم و گواهی می دهیم که پدر پسر را به عنوان منجی جهان فرستاده است. <sup>۱۵</sup> هر که اقرار می کند عیسی، پسر خدا است،	مت:۳۳:۱۸ خروج:۲۰:۳۳ یو:۱:۱۸ ۱- تیمو:۶:۱۶ ۲۴:۳ یو:۱۴:۲۳ ۵:۲
مت:۵:۲۳-۲۴	ولی نسبت به برادرش نفرت می ورزد، او دروغگو است؛ زیرا آنکه به برادرش که او را می بیند محبت نمی کند، نمی تواند به خدایی که نمی بیند <sup>۲</sup> محبت نماید. <sup>۲۱</sup> و چنین است فرمانی که از او داریم: هرآنکه به خدا محبت دارد به برادر خودش هم محبت می کند.	خدا در او و او در خدا جای دارد. <sup>۱۶</sup> و ما محبتی را که خدا به ما دارد شناخته و به آن ایمان آورده ایم <sup>X</sup> .	۲۴:۳ یو:۱۴:۲۳ ۵:۲
۲۳:۳ ۱- قرن ۱۳			۳۵، ۲۲:۹ روم:۹:۱۰ ۲۳:۲ ۹-۲ روم:۸:۵ ۱۶:۳ یو:۶:۶۹

۷- ر. ک ۲:۲ توضیح u.

W- ر. ک ۲۴:۳ توضیح n. در این نامه همواره موهبت روح القدس به ایمان وابسته است: بدین معنی که روح القدس الهام کننده پیام و گواهی رسولان (آیه ۱۴)، بیان ایمان در میان جمعیت مسیحیان (آیه ۱۵) و شناسایی ایمان در نزد تمام ایمانداران است (آیه ۱۶ الف). این عمل روح القدس در بین مسیحیان معیار همبستگی آنان با خدا است. (ر. ک ایات ۱۵، ۱۶ ب و پ).  
X- به طوری که مشاهده می شود افعال شناختن و ایمان آوردن به صورت ماضی نقلی آورده شده اند. لازم به یادآوری است که شناختن و ایمان آوردن یکی نیستند بلکه ایمان در شناختن شکوفا می شود (ر. ک یو:۶:۶۹؛ ۸:۳۱-۳۲؛ ۱۰:۳۸). از این پس مسیحیان به وسیله ایمان خود محبت خدا را که تجلی کرده است می شناسد (۱۶:۳).

Y- فرد ایماندار به همین سبب که محبت می ورزد و در محبت باقی می ماند (آیه ۱۶)، نظیر عیسی است که در او محبت خدا متجلی شده است؛ با این شباهت فرد ایماندار می تواند با اعتماد کامل در برابر داوری حاضر شود. ر. ک ۱۸:۳-۲۱.  
[yy- تحت اللفظی: به خدا محبت دارم.]

Z- نظریه یوحنا مبنی بر تجربه روانشناسی نیست که برطبق آن: آسان تر است آدمی برادر مرئی خود را دوست بدارد تا اینکه به خدای نامرئی محبت بورزد، وانگهی این نظریه رد شده است. وی حقیقتی از علم الهی را بیان می کند: بدین معنی که اگر محبت ما برای خدا شرکت در محبت او نباشد (ر. ک ۸:۴ توضیح u) و در خدمت به مردم اظهار شود در نظر خدا واهی و باطل است. ر. ک مت ۲۵:۴۰، ۴۵.

<p>پیروز است<sup>c</sup> و آن پیروزی که برجها پیروز شده ایمان ما است. پیروزمند بر جهان چه کسی است<sup>e</sup> غیر از آنکه ایمان دارد که عیسی پسر خدا است؟ اوست که به آب و خون آمده است، عیسی مسیح، نه فقط به آب بلکه به آب و به خون؛ و روح القدس است که گواهی می دهد زیرا روح القدس حقیقت است<sup>d</sup>. زیرا گواهی دهندگان سه هستند، روح القدس، آب و خون، و شهادت این سه یکی است<sup>e</sup>.</p>	<p>ایمان به پسر خدا، ریشه نوع دوستی هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح است از خدا زاده شده، و هر کس والد را دوست دارد آن را که از او زاده شده دوست دارد<sup>a</sup>. از اینجا می شناسیم که فرزندان خدا را دوست داریم: وقتی که خدا را دوست داریم و فرمانهای او را بکار می بندیم<sup>b</sup>. زیرا محبت خدا چنین است: که فرمانهای او را رعایت کنیم، و فرمانهای او سنگین نیستند، زیرا هر آنچه از خدا زاده شده برجها</p>	<p>۱۴-۱۳:۲ :۴:۴ :۱۱:۱۲ ۱۴:۱۷ ۱-قرن ۱۵:۵۷ افس ۱۶:۶ یو ۱۹:۳۴ یو ۱۵:۲۶ یو ۱۴:۱۷ مت ۱۱:۳۰-۲۹</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

a- آدمی به وسیله ایمان به عیسی مسیح، پسر خدا (آیه ۵) فرزند خدا می شود (۱:۳؛ ر. ک یو: ۱۲-۱۳) و بنابراین برادر هر کسی است که خدا را دوست دارد، زیرا نمی توان مدعی دوست داشتن خدا بود بدون اینکه کسانی را که پدرشان خدا است دوست داشت.

b- در این آیه مهم و اساسی نشان داده شده است که بین جنبه افقی محبت یعنی محبت برادران و جنبه عمودی آن یعنی محبت خدا وحدت کامل وجود دارد. محبت نسبت به برادران از محبت خدا منتج می شود و حتی بیان و ابراز آن محبت است. زیرا فرد مسیحی برادران خود را به عنوان فرزندان خدا دوست دارد (آیه ۱). پایه و مبنای محبت او ایمان اوست. از سوی دیگر معیار واقعی بودن محبت نسبت به خدا بایستی همواره اجرای مشیت خدا و رعایت فرمانهای او باشد که مخصوصاً به مسیحیان محبت برادرانه را توصیه می کنند (۲۳:۳).

c- ر. ک ۴:۴ توضیح p.

d- ذکر آب و خون در این آیه به دو نوع درک و تفسیر شده است: الف) آب یادآور تعمید عیسی و خون یادآور مرگ او بر روی صلیب است. ب) ممکن است آب و خون یادآور واقعه ای باشد که در یو ۱۹:۳۴ روایت شده است. ولی با توجه به اطلاعاتی که در متن وجود دارد باید ترکیبی از دو توضیح بالا در نظر گرفته شود. در مقابل عقیده باطل کسانی که مسیح شکوهمند را که در کنار رودخانه اردن متجلی شده بود (آب) از عیسیائی که بر صلیب مرده بود (خون) از یکدیگر جدا و مجزا می دانستند، یوحنا حقیقت قربانی شدن عیسی مسیح و پسر خدا را اعلام و تأیید می کند ولی این وقایع تاریخی را به وسیله رمز و اشاره، آب و خون بر صلیب یادآوری می نماید که در آنها نویسنده واقعیت جامعه مسیحیت را دیده است (ر. ک آیه ۸).  
در مورد گواهی درونی روح القدس، منظور آن است که اهمیت نجات و حقیقت وقایعی که در اینجا یاد شده به فرد مسیحی نشان داده شده و بدینسان او را به شناختن عیسی مسیح رهبری می نماید. بنابراین روح القدس حقیقت است زیرا می دانیم که به وسیله او حقیقتی که عیسی آورده در کلیسا حضور دارد و فعال است.

e- تحت اللفظی: سه به سوی یک هستند. در آیه ۶ نویسنده درباره زمان گذشته سخن می گفت در صورتی که در اینجا سخن از گواهی دائمی در زندگی کلیسا است. معمولاً موضوع این آیه را به مفهوم تعمید (آب) و آیین سپاسگزاری (خون) تفسیر می کنند و این گواهی روح القدس افزوده می شود. یوحنا با ذکر اینکه سه گواه به نفع عیسی گواهی می دهند (برطبق اصول قضایی که در عهد عتیق مقرر شده است: تث ۱۹:۱۵؛ ر. ک اعد ۳۵:۳۰) می خواهد یادآوری کند که خدا برای پسر خود، در محاکمه ای که در مقابل دنیا دارد در برابر آدمیان اعتبار کافی قائل شده است. ولی این سه گواه بالاخره یک گواهی می دهند: اینکه خدا به وسیله او زندگی الوهیت خود را آشکار کرده و آن را به ما منتقل نموده است (آیه ۱۱).

داریم:	۹ اگر گواهی آدمیان را دریافت می کنیم،	
اگر چیزی که برطبق اراده اوست	گواهی خدا بزرگتر است،	یو: ۳:۳۳
درخواست کنیم،	زیرا گواهی خدا چنین است:	۳۴:۵
به ما گوش می دهد.	در مورد پسرش گواهی داده است.	یو: ۳۷:۵
۱۵ و اگر می دانیم که به ما گوش می دهد	آنکه به پسر خدا ایمان آورده است	یو: ۲۴:۵
در تمام چیزهایی که درخواست می کنیم،	گواهی را در خود دارد:	
می دانیم که چیزهایی را که از او	آنکه ایمان ندارد	
خواسته ایم داریم <sup>g</sup> .	او را دروغگو شمرده است،	
۱۶ اگر کسی می بیند برادرش گناهی می کند	زیرا به گواهی که خدا درباره پسرش داده	یو: ۳۷:۳۷، ۴۰
که منجر به مرگ نمی شود <sup>h</sup> ،	ایمان نیاورده است.	
درخواست کند و خدا به وی زندگی	۱۱ و گواهی چنین است:	
خواهد داد:	خدا به ما زندگی جاویدان داده است،	
به کسانی که گناهشان منجر به مرگ	و این زندگی در پسر او است.	یو: ۲۰:۵
نمی شود.	۱۲ آنکه پسر را دارد زندگی دارد:	یو: ۳:۱۷
گناهی هست که منجر به مرگ می شود:	آنکه پسر خدا را ندارد زندگی ندارد.	یو: ۳:۳۶
برای این نیست که می گویم نیایش کنید.		
۱۷ هر بی عدالتی <sup>i</sup> گناه است،		
ولی گناهی هست که منجر به مرگ		
نمی شود.		
۱۸ می دانیم هرکس از خدا زاده شده است		
گناه نمی کند <sup>j</sup> :		

### گفتار پایانی

۱۳ این را به شما نوشته ام

تا بدانید که شما زندگی جاویدان دارید،

شما که به نام پسر خدا ایمان دارید<sup>f</sup>.

۱۴ و چنین است اطمینانی که ما به نزد او

f- در این آیه که جنبه نتیجه گیری دارد، موضوع اصلی و اساسی نامه مجدداً به صورت خلاصه ذکر شده است: بدین معنی که نویسنده خواسته است مسیحیان را که به سبب عقاید باطل متزلزل می شوند کاملاً به ارزش و غنای ایمان خود آگاه سازد. ضمناً بدین منظور در نتیجه گیری خود سه بار با لحنی پیروزمندانه اعلام می کند: می دانیم... (آیات ۱۸-۲۰).

g- امتیاز فرد ایماندار در این است که اطمینان دارد سخن او شنیده شده و دعایش برآورده می شود (۳:۲۲). ر. ک مت ۷:۱۱-۷:۱۱ و متون متوازی). ریشه این اعتماد در ایمان او است و در اینکه خواسته او با اراده الهی تطبیق می نماید. فرد ایماندار که مطلقاً در اندیشه آن است که فرمانهای خدا را اطاعت نماید به آنچه خوشایند خدا است توجه می کند و نمی تواند چیزی درخواست نماید که با این اراده تطبیق نداشته باشد و با نظریات او هم آهنگ نباشد. در این نوع نیایش خدا روح خود را می شناسد (روم ۸:۲۶-۲۷).

h- منشأ این عبارت عهد عتیق است (تث ۲۲:۲۶). مرگی که در اینجا ذکر شده مرگ واپسین روزگار یا مرگ ثانوی است (مکا ۶:۲۰، ۱۴). به نظر بعضی از مفسران گناهی که منجر به مرگ می شود روی گرداندن از مسیحیت یعنی ارتداد است. ولی به طوری که از محتوای کلی متن برمی آید منظور بدعت و عقاید باطل است که با تقسیم کردن عیسی (۳:۴) همبستگی با خدا را غیر مقدور ساخته و به انهدام روحانی قطعی منجر می شود. موضوع این متن نزدیک به مطالبی است که در مت ۳۱:۱۲-۳۲ و مشابه آن در اناجیل نظیر ذکر شده و درباره کفر گفتن علیه روح القدس می باشد.

i- ر. ک ۱:۹ توضیح p. در اینجا منظور نویسنده گناه مسیحان دروغی است که به مرگ هدایت می کند (ر. ک آیه ۱۶ توضیح h).  
j- دیگر گناهی نمی کند از لحظه ای که «از خدا زاده شده خود را به تمامی به مسیح تسلیم کرده است که به وسیله نسبت به پدر فرزندی در او اقامت دارد». ر. ک ۳:۹ توضیح d.

یو: ۱۷: ۱۵؛ یهو: ۱	ولی آنکه از خدا زاده شده <sup>k</sup> او را حفظ می کند	تا حقیقت را بشناسیم؛ و ما در پسر او عیسی مسیح، در حقیقت هستیم.
یو: ۸: ۴۷	و شریک بر او دست نمی یابد.	او است خدای حقیقی <sup>m</sup>
کول: ۱: ۱۳	ما <sup>۱۹</sup> می دانیم که از خدا هستیم و تمام جهان تحت قدرت شریک است.	و زندگی جاویدان.
	ولی <sup>۲۰</sup> می دانیم که پسر خدا آمده و به ما بصیرت داده است <sup>l</sup>	ای فرزندان کوچک، خود را از بتها حفظ کنید <sup>n</sup> .

افس: ۱: ۱۷-۱۸  
کول: ۱: ۱۰

مکا: ۳: ۷

یو: ۲۰: ۲۸  
روم: ۹: ۵

۲- پط: ۳: ۱۷

k- یعنی عیسی پسر خدا (ر. ک ۳: ۸).

l- در اینجا کلمه بصیرت به معنی نیروی شناسایی خدا است و چنانکه در ۳: ۲ ذکر شده داشتن رابطه نزدیک و شخصی با او و زندگی کردن در همبستگی با او است. این کلمه به همان مفهوم قلب نو یا قلب جسمانی (حزق ۱۱: ۹؛ ۳۶: ۲۶) یا ژرفای وجود است (یو: ۳۱: ۳۳). در دوران عهد جدید، خدا وعده داده بود که قانون خود را در آن بگذارد و بنویسد. همین امر که خدا اکنون به ما این بصیرت را داده است بدان معنی است که در عیسی مسیح این دوران فرا رسیده است (ر. ک ۲- قر: ۳: ۳؛ همچنین روم: ۸: ۱-۴ را ملاحظه کنید).

m- چنین به نظر می رسد که این اظهارات، نظیر قسمت اول این آیه مربوط به خدا نیست بلکه درباره مسیح می باشد که خدا در او ظاهر شده است. تکرار کلمات حقیقی ما را وادار می کند آن را به عنوان اسم بپذیریم چنانکه گاهی ترجمه می کنند او است آن حقیقی.

n- در حزق ۱۱: ۱۹-۲۱؛ ۳۶: ۲۵-۲۶ نظیر اینجا، اعطای قلب نو کاملاً بستگی به انهدام بتها دارد. اسرائیل جدید بایستی به وسیله روح خدا تصفیه گردد. در این قسمت از نتیجه گیری نامه کلمه بتها به معنی مجازی آمده و به مفهوم آموزش مسیحان دروغی و حقایق شیطانی است که آدمی برای خود رب النوع دروغ ساخته و بدان دل «می بندد» (حزق ۱۱: ۲۱) و ایمان خود را از بین می برد، بنابراین مجموعه این قسمت نتیجه گیری و پایان نامه، مجدداً موضوع اساسی عهد جدید را یادآوری می کند.

# نامه دوم یوحنا رسول

۳- یو، ۱:۱۳	از پیر <sup>a</sup> به بانوی برگزیده <sup>b</sup> و فرزندان او،
۱- پطرس: ۱۳	که به آنان در حقیقت <sup>c</sup> محبت دارم
۱- یو: ۱۸، ۳	- و نه فقط من
افس: ۱۵، ۴	بلکه همه آنان که حقیقت را شناخته اند <sup>d</sup> ،
یو: ۳۲، ۸	به دلیل حقیقتی که در ما جای دارد <sup>e</sup>
۱- یو: ۲۱، ۲	و به روزگاران با ما خواهد بود <sup>f</sup> ؛
یو: ۱۴-۱۶-۱۷	لطف و مرحمت و صلح <sup>۳</sup>
۱- تیمو: ۲	از سوی خدای پدر
۲- تیمو: ۲	و از سوی عیسی مسیح، پسر پدر
	با ما خواهد بود،
	در حقیقت و در محبت.
	خیلی شادمان شده ام <sup>۴</sup>
	که دریافتی ام بعضی از فرزندان تو برطبق
۳- یو: ۳-۴	حقیقت رفتار می کنند <sup>g</sup> ؛
	برابر فرمانی که از پدر دریافت کرده ایم. ۱- یو: ۴: ۲۱
	و اکنون، ای بانو، از تو خواهش مندم <sup>۵</sup>
	- و این فرمان تازه ای نیست که به تو ۱۳: ۳۴ یو
	می نویسم،
	بلکه همان است که از آغاز داشته ایم <sup>h</sup> ،
	به یکدیگر محبت داشته باشیم. ۱- پطرس: ۸
	و محبت چنین است:
	که برطبق فرمانهای او رفتار کنیم. ۱- یو: ۳: ۲۳
	چنین است فرمان به همان گونه که از
	آغاز شنیده اید:
	که برابر آن رفتار نمایید.
	زیرا بسیاری از گمراه کنندگان در جهان <sup>۷</sup>
	پیدا شده اند
	که اقرار نمی کنند عیسی مسیح به صورت ۱- یو: ۲: ۲۲

- a- [این کلمه را می توان شیخ، ارشد و غیره ترجمه کرد]. نویسنده احتمالاً این عنوان را به مفهومی که در کلیساهای آسیا رایج بوده یعنی برای نخستین شاهدان سنت رسولی بکار برده است. ر. ک مقدمه.
- b- منظور از بانوی برگزیده یکی از کلیساهای محلی است که معلوم و مشخص نشده کدام کلیسا است. این کلیسا برگزیده است (همچنین ر. ک آیه ۱۳) چرا که از ایماندارانی تشکیل شده (ر. ک ۲- تیمو: ۲: ۱۰؛ تیط: ۱: ۱) که وارث قوم برگزیده می باشند (۱- پطرس: ۲: ۹).
- c- ترجمه دیگر: در روشنایی حقیقت. درباره این کلمات در آیه بعدی توضیح داده شده است (ر. ک آیه ۲ توضیح e).
- d- این عبارت تا اندازه ای جنبه بحث و مجادله دارد (ر. ک ۱- تیمو: ۴: ۳) و معرف کسانی است که ایماندار واقعی می باشند. این افراد برخلاف گمراه کنندگان (آیه ۷) در حقیقت و در تعلیمات و نظریات مسیح، محکم و پابرجا باقی مانده اند (آیه ۹).
- e- یوحنا اکثراً یادآوری می کند که بایستی بگذاریم سخن خدا در ما نفوذ و عمل کند (یو: ۸: ۳۷؛ ۱- یو: ۸: ۱۰؛ ۲: ۴، ۱۴، ۲۴؛ ر. ک ۱- یو: ۲: ۲۷؛ ۳: ۹، ۱۸ و توضیحات مربوطه). حقیقتی که در دلهای ما وجود دارد منبعی می شود که محبت مسیحی از آن تغذیه می نماید: همان چیزی که نویسنده آن را در حقیقت محبت (آیه ۱)، در حقیقت و در محبت (آیه ۳) می نامد.
- f- در اوضاع و احوال تاریخی که ایمان مسیحیت مورد تهدید قرار گرفته بود، یوحنا به مسیحیان خود اطمینان می دهد، در سرتاسر راهی که بر روی زمین طی می کنند و تا موقعی که دوران واپسین روزگار به تمامیت برسد حقیقت آنان را همراهی و یاری می کند (ر. ک ۲- پطرس: ۱: ۱۲، ۱۹). همین موضوع چندین بار در جاهای دیگر عهد جدید به صورت اندرز و تشویق به پایداری در ایمان آمده تا هنگامی که روز خداوند فرا رسد (اع: ۱۴: ۲۲؛ ۱- قرن: ۸: ۱؛ کول: ۱: ۲۳؛ ۲- تیمو: ۳: ۱۴-۱۵).
- g- تحت اللفظی: که در حقیقت قدم برمی دارند یعنی در روشنایی فرمان محبت که از خدا آمده است زندگی می کنند (ر. ک آیه ۶ قسمت آخر).
- h- ر. ک ۱- یو: ۷-۸، ۲۴ و توضیحات مربوطه.

مت ۱۰:۱۴: روم ۱۶:۱۷: تیط ۳:۱۰	او را در خانه نپذیرید و به او خوشامد نگویید. <sup>m</sup>	جسمانی آمده است: [کسی که چنین می گوید] گمراه کننده و مسیح دروغی است. <sup>۱</sup>
۱- تیمو ۵:۲۲: مکا ۱۸:۴	۱۱ زیرا آن که به او خوشامد می گوید در کارهای شرّ او شرکت دارد. <sup>n</sup>	مواظب خودتان باشید <sup>۸</sup> تا آنچه کرده ایم <sup>۱</sup> از بین نرود، بلکه اجرت کامل دریافت نمایید.
۱۳-۳ یو ۳	۱۲ با آن که چیزهای زیادی دارم که به شما بنویسم نخواستم آنها را با کاغذ و مرکب بیاورم.	هر که به جلو می رود <sup>k</sup> بدون اینکه در آموزش مسیح بماند، خدا را ندارد.
۱۴-۳ یو ۳	ولی امیدوارم به نزد شما بیایم و با شما صحبت کنم تا شادی ما به تمام باشد.	آن که در آموزش باقی می ماند او پدر و پسر را دارد. <sup>۱</sup>
۴-۱ یو ۱	۱۳ فرزندان خواهر برگزیده ات <sup>o</sup> به تو سلام می رسانند.	۱۰ اگر کسی به سوی شما می آید و حامل این آموزش نیست،

i- ر. ک ۱- یو ۲:۱۸-۱۹، ۲۲، ۲۶:۴:۳-۱.

j- گاهی برطبق بعضی از نسخه های خطی ترجمه می کنند: آنچه کرده اید. پولس که با نظر دیگری به این موضوع می نگرد ایمان و اعمال را از یکدیگر متمایز و حتی مختلف تشخیص می دهد: در صورتی که یوحنا کلیه اعمال فرد ایماندار را عمل ایمان می شمارد (ر. ک یو ۶:۲۹): لذا در اینجا، این اعمال به مفهوم بیان ایمان در عیسی مسیح و وفاداری به آموزشهای او است (آیات ۷، ۹): ضمناً عبارت: تا آنچه کرده ایم از بین نرود بلکه اجرت کامل دریافت کنیم بایستی به مفهوم ایام آخر درک شود. k- منظور اشاره به حکمای دروغی است که از آموزشهایی که در آغاز شنیده اند فراتر می روند (آیات ۵-۶).

l- ر. ک ۱- یو ۲:۲۳-۲۴.

m- نویسنده منع نمی کند به کسی که مرتد است خوشامد گفته شود ولی او را در خانه خود پذیرفتن و نظیر یک برادر به او خوشامد گفتن یا با او روابط همبستگی داشتن را منع می نماید (ر. ک آیه ۱۱). این سخت گیری در نوشته های پولس نیز وجود دارد (مثلاً ۱- قرن ۵: ۶، ۹) و بدان سبب لازم است که پاکی و صفای ایمان مسیحی را نگهداشته آن را از آلائش با عقاید بدعت آمیز حفظ نمایند.

n- در اینجا منظور از کارهای شرّ اعمالی نیست که فقط از نظر اخلاقی تقبیح شده باشد (مثلاً فقدان محبت برادرانه) بلکه هرگونه رفتار کفر و الحاد می باشد یعنی نپذیرفتن حقیقت مسیح و انتشار مطالب دروغ: ر. ک آیه ۸ توضیح j.

o- منظور از خواهر برگزیده کلیسایی است که پیر (یوحنا) به آن تعلق دارد. به سبب اتحاد معنوی و همبستگی که بین کلیساهای مسیحی وجود دارد می توانند یکدیگر را خواهر بشمار آورند (ر. ک ۱- یو ۱:۳).

# نامه سوم یوحنا رسول

۲-یو<sup>۱</sup> از پیر<sup>a</sup> به غایس<sup>b</sup>، محبوبی که من در حقیقت به او محبت دارم. <sup>c</sup>آی محبوب، امیدوارم از هر حیث موفق باشی و همان گونه که روح موفق است سلامت باشی.

۷فیل<sup>۳</sup> در واقع خیلی شادمان شده ام زیرا برادرانی که آمده اند<sup>d</sup> از حقیقت تو گواهی می دهند<sup>e</sup>، به طریقی که تو در حقیقت رفتار می کنی<sup>f</sup>. <sup>۴</sup>من شادمانی بزرگتر از این ندارم که بشنوم فرزندان من در حقیقت رفتار می کنند<sup>g</sup>. <sup>۵</sup>آی محبوب، تو در آنچه

برای برادران و آنچه برای بیگانگان مت ۴۲-۴۱:۱۰-۲۴:۱۵ روم ۱۳:۳ نبط ۱۳:۳

می کنی به طریقی ایمان رفتار می نمایی؛ <sup>۶</sup>ایشان از محبت تو<sup>i</sup> در برابر کلیسا<sup>h</sup> گواهی داده اند. تو به طریقی که شایسته<sup>۷</sup> خداست در مورد مسافرت ایشان نیکی کن؛ زیرا به خاطر نام<sup>j</sup> [خدا] رفته اند، بدون آنکه هیچ چیز از مشرکان دریافت کنند.

۸پس ما باید از چنین کسانی پشتیبانی کنیم<sup>k</sup> تا همکاران ایشان برای حقیقت<sup>۱</sup> باشیم. روم ۱۳:۱۲ عبر ۲:۱۳؛ ۱-۱ پطرس ۹:۴

a- ر. ک ۲-یو<sup>۱</sup> توضیح a.

b- در آن دوران این نام خیلی معمول و شایع بود و نشانه ای وجود ندارد که بتوان این شخص را با کس دیگری که در عهد جدید به این نام خوانده شده یکی دانست (اع ۱۹:۲۹؛ ۴:۲۰؛ روم ۱۶:۲۳؛ ۱-قرن ۱۴).

c- این کلمه که در آیات ۵ و ۱۱ نیز آمده گاهی دوست عزیز ترجمه می شود [ولی مصدر این کلمه در فارسی محبت انتخاب شده] لذا سایر مشتقات آن نیز از ریشه محبت گرفته می شود چنان که در آیه ۱ محبوبی که من در حقیقت به او محبت دارم نیز به همین گونه است.

d- این کلمه در متن یونانی وجود ندارد ولی کاملاً معلوم است که در پیش پیر درباره غایس شهادتهایی داده شده است.

e- گاهی ترجمه می کنند: به حقیقتی که در تو نمایان می شود. در آیه ۶ نویسنده می گوید: از محبت تو گواهی داده اند، زیرا در نظر یوحنا حقیقت منبع الهام محبت مسیحی است.

f- ر. ک ۲-یو<sup>۴</sup> توضیح g.

g- ر. ک ۱-یو<sup>۱۰</sup> توضیح I.

h- کلیسای محلی که پیر در آنجا اقامت دارد. ر. ک آیه ۳: برادرانی که آمده اند.

i- ر. ک آیه ۳ توضیح e.

j- در نوشته های عهد عتیق کلمه نام به جای خدا بکار برده شده است ولی در کلیسای اولیه این کلمه در مورد مسیح بکار برده می شود (ر. ک اع ۵:۴۱ توضیح g). در حالی که به نظر پولس کلمه نام برای خداوند است (فی ۲:۱۱) برای یوحنا همواره در مورد پسر است (یو ۳:۱۸؛ ۲۰:۳۱؛ ۱-یو ۳:۲۳؛ ۵:۱۳).

k- کسانی که برای اشاعه و تبلیغ انجیل اعزام می شدند به وسیله رسول پیر هدایت می شدند یا لاقبل اعمال و وظایف آنان را تضمین می کرد. بدین سبب جمعیت های مسیحی را تشویق می نماید با این مبشرین همکاری مؤثر داشته باشند. ر. ک مقدمه.

l- حقیقت چیزی جز سخن خدا نیست (ر. ک ۲-یو<sup>۲</sup> توضیح e) و قدرت اشاعه و ترویج را در خود دارد (روم ۱:۱۶؛ ۱-قرن ۳:۶-۷). مسیحیان در همکاری با کسانی که انجیل را اشاعه می دهند عملاً با خود حقیقت همکاری می نمایند و کمک می کنند نام پسر خدا شناخته شود (آیه ۷) ر. ک به عنوان مشابهی که پولس بکار برده و آنان را همکاران خدا نامیده است (۱-قرن ۳:۹؛ ر. ک ۱-تسا ۲).

خدا را ندیده است.<sup>۱۲</sup> و اما  
 دیمیتریوس<sup>o</sup>، همه درباره او گواهی داده و امت<sup>۱:۲۲</sup>؛  
 خود حقیقت هم گواهی داده است<sup>p</sup>؛ و ما هم  
 گواهی می دهیم و تو می دانی که گواهی ما  
 حقیقی است. ۱۲-۲  
<sup>۱۳</sup> خیلی چیزها داشتیم که به تو بنویسم  
 ولی نمی خواهم به تو با مرکب و قلم  
 بنویسم. <sup>۱۴</sup> وانگهی امیدوارم به زودی تو را  
 ببینم و با هم صحبت خواهیم کرد.  
<sup>۱۵</sup> آرامش بر تو باد! دوستان به تو سلام  
 می رسانند. هر یک از دوستان را به نام

<sup>۹</sup> من کلمه ای به کلیسا<sup>m</sup> نوشته ام اما  
 دیوترفس که می خواهد بر ایشان برتری  
 داشته باشد ما را قبول ندارد<sup>n</sup>. <sup>۱۰</sup> بدین  
 سبب اگر بیایم به او یادآوری خواهیم کرد  
 کارهایی را که می کند: بسیاری حرفهای  
 مفت و شرارت آمیز علیه ما می زند و به  
 اینها اکتفا نکرده برادران را نمی پذیرد و  
 آنان را که بخواهند [بپذیرند] مانع شده و  
 از کلیسا بیرون می کند. <sup>۱۱</sup> ای محبوب، از  
 بدی تقلید مکن، بلکه از نیکی. آنکه نیکی  
 می کند از خدا است، آنکه بدی می کند

مت ۲۰:۲۷؛ دیوترفس که می خواهد بر ایشان برتری داشته باشد ما را قبول ندارد<sup>n</sup>.  
 ۱- پطرس: ۳:۲؛ ۳:۵  
 ۱- قرن ۴: ۱۸-۲۱  
 ۱- پطرس: ۳:۶؛ ۱۱:۳

<sup>m</sup> - منظور کلیسای محلی است که غایب عضو آن کلیسا است و دیوترفس در آن آشفتگی و نفاق ایجاد می کند.  
<sup>n</sup> - گاهی ترجمه می کنند: ما را نمی شناسد. به طوری که در آیه ۱۰ تصریح شده دیوترفس اقتدار پیر را نمی پذیرد.  
<sup>o</sup> - ممکن است یکی از اعضای کلیسای محلی و شاید یکی از سخنرانان هیئت مبلغان است. همچنین می توان تصور کرد کسی است که حامل نامه می باشد.  
<sup>p</sup> - سخن خدا را که دیمیتریوس اشاعه می دهد (ر.ک آیه ۱۲ توضیح <sup>o</sup>) گواهی می دهد که او هم همکار واقعی حقیقت است (ر.ک آیه ۸). پولس نیز به طرز مشابهی، ثمره های معنوی گفتارهای خود را در قرننس دلیل و نشانه صحت و واقعیت رسالت خود می شمارد (۲- قرن ۳: ۲-۳).

# نامه یهودای رسول<sup>۶۸</sup>

## پیشگفتار

نوشته‌های مکاشفه‌ای در آنها پیدا شده بود و آثاری نظیر کتاب هنوخ، معراج موسی و وصیت نامه‌های دوازده پیامبر بزرگ را بجای گذاشته‌اند. نویسنده حتی قطعه‌ای از کتاب هنوخ را عیناً نقل می‌کند (بندهای ۱۴-۱۵) و از معراج موسی یا مدرک مشابه به آن استفاده می‌نماید (بند ۹).

همچنین در این محافل اهمیت زیادی به تکریم بعضی انواع فرشتگان داده می‌شود (بند ۸) و از مختصات دیگر این محافل، نفرت و انقطاع از بی‌دینان و وحشت از آلوده شدن با آنان است وقتی که درمان ناپذیر شمرده شوند: «منفور شمارید حتی جامه‌ای را که با تن ایشان آلوده شده است» (بند ۲۳).

این نظریات که مخالف با نظریات پولس هستند در نوشته‌های مکشوفه در قمران و در نوشته‌های فرقه اسنیان نیز اظهار شده است ضمناً در آنها آثار مکاشفه‌ای که قبلاً ذکر گردید شیوع دارد. این نکته شایان توجه است زیرا می‌توان بدین وسیله محافل یهودی-مسیحی را که نامه یهودا در آن تهیه شده است تعیین نمود. به هر صورت احترامی که نویسنده نسبت به فرشتگان ابراز می‌کند از نظریات او در مورد ستایش مسیح و مسیح‌شناسی نمی‌کاهد زیرا علیه مخالفان از «خداوند عیسی مسیح» (بند ۴) یاد کرده و اعتراف می‌نماید عیسی آن کسی است که برای زندگی جاویدان باید به او امیدوار بود (بند ۲۱).

خواننده امروزی ممکن است از نامه یهودا دچار حیرت شود، زیرا با طرز فکر این نامه بیگانه است و ممکن است بسیاری از نکته‌ها و اشاره‌های آن را درک ننماید.

در این نامه علیه معلمان دروغی هشدار داده می‌شود ولی به دشواری می‌توان گفت منظور از معلمان دروغی چه کسانی هستند زیرا با همان تصاویر معمولی و متداولی توصیف شده‌اند که در نوشته‌های مشاجره‌ای یهودیان معاصر آغاز مسیحیت وجود دارد: بدین معنی که آنان را شکم‌پرست، عیاش، حریص، سودجو... توصیف می‌کند. اظهار می‌کند می‌خواهند در کلیسا انشعابات بی‌وجود آورند، به فرشتگان ناسزا می‌گویند و منکر خداوند عیسی مسیح هستند. آیا طرفداران عقاید گنوستیک هستند که مدعی شناخت واقعی نجات (گنوز) بوده و به نام این عقیده جسم را حقیر می‌شمارند، به اعمال رذیله خلاف طبیعت می‌پردازند و منکر حلول روح خدا در مسیح هستند؟ در این صورت می‌توان گفت به چه سبب نویسنده ایشان را به مسخره «بیماران روانی» می‌خواند (بند ۱۹). با این همه نمی‌توان عقاید و نظریات آنان را دقیقاً تعیین نمود و تنها اطلاعات دقیقی که بدست می‌آید محیطی است که نویسنده در آن می‌زیسته است.

محیط زندگی نویسنده مربوط به محافلی است که از قرن دوم پیش از میلاد، ادبیات و

منسوب به او می‌داند. زیرا در محیطی که نویسندگان می‌زیسته برای یعقوب و یهودا، برادران خداوند احترام قائل بودند و سخنان ایشان را منتشر می‌کردند، از سوی دیگر با توجه به ریشه‌هایی که این نامه در محافل کهن یهودی دارد نمی‌توان گفت در تاریخ خیلی بعدتری نوشته شده است و چنین تصور می‌شود که در بین سالهای ۸۰ تا ۹۰ میلادی نوشته شده باشد.

نامه یهودا با وجود مشخصات ویژه‌ای که دارد در دومین نامه پطرس مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک مقدمه نامه مذکور) بنابراین اهمیت و شهرتی داشته است، ضمناً نبایستی نیروی جریان افکار و نظریات مسیحیانی را که قبلاً یهودی بودند و مبنای استدلالهای این نامه است دست کم گرفت: این نامه بعضی از جنبه‌های جریان مذکور را که نمی‌شناختیم به ما نشان می‌دهد. پذیرش نامه جزو نوشته‌های برحق، مخصوصاً در کلیساهای سوریه مشکلاتی ایجاد کرده بود و در قرن چهارم میلادی اوسیبیوس می‌نویسد که بعضی‌ها مخالف آنند. برعکس کمی پیش از سال ۲۰۰ میلادی جزو فهرست نوشته‌های برحق موراتوری منظور شده و در حدود سال ۲۰۰ میلادی ترتولین آن را بعنوان نوشته برحق ذکر نموده است؛ این نامه را کلمنت اسکندرانی تفسیر کرده (آغاز قرن سوم میلادی) و اوریجن از آن نقل قول نموده است (متولد ۱۸۵/۶ - فوت ۲۵۴ میلادی). بنابراین خیلی زود در رم، اسکندریه، قرطاجنه پذیرفته شده است. به عقیده ژروم (تولد در حدود ۳۴۵ و وفات در حدود ۴۲۰ میلادی) تردید در پذیرش این نامه بعنوان نوشته برحق به آن دلیل است که اشاره به نوشته‌های کرده و از آنها نقل قول می‌نماید که کلیسا با نشناخته و نپذیرفته‌اند.

موعظه و اندرزهای نامه درباره محکومیت بی‌دینان نیز در جهت نوشته‌های مکاشفه‌ای است: کیفر گناهکاران به شدت و با قاطعیت فرا خواهد رسید و در گذشته به صورت تجسم قبلی در محکومیت فرشتگان عاصی، جزای سدوم و عموره و هلاک نسلهای بی‌ایمان در صحرا نشان داده شده است. از نمونه‌هایی که ارائه شده می‌توان به روحیه و طرز تفکر پی برد. بی‌دینان قبلاً به وسیله محکومیت‌های بزرگ کیفر یافته‌اند و حتی نویسندگان می‌گویند که در طغیان قورح هلاک شده‌اند (بند ۱۱). بنابراین زمان حال در محتوای تاریخ گذشته اعلام گردیده است. این گونه به فعلیت در آوردن نوشته‌های مقدس در ادامه عقاید و نظریات یهودی است و تحت تأثیر دوران نگارش نامه است؛ ولی نویسندگان بدین وسیله می‌گویند که طرز عمل خدا همیشه یکی است و نوشته‌های مقدس برای دوران حاضر قواعدی هستند که همواره ارزشمند و معتبرند.

نویسندگان نامه خود را یهودا برادر یعقوب معرفی می‌نماید. در نوشته‌های عهد جدید سخن از یعقوب و یهودا، برادران خداوند است که همچنین برادران یوست (یا یوسف) و شمعون هستند (مر ۳:۶؛ مت ۱۳:۵۵). بنابراین در اینجا یهودا غیر از یهودای تَدّی است که یکی از دوازده رسول است و در لو ۱۶:۶؛ اع ۱۳:۱ ذکر گردیده است (ر.ک مر ۱۸:۳؛ مت ۳:۱۰). ولی آیا واقعاً او نامه را نوشته است؟ زیرا آثار و شواهدی در نامه نشان می‌دهند که مربوط به دورانی متأخر بر دوران رسولان است. (در بند ۳ سخن از ایمانی است که به مقدسان منتقل گردیده و مخصوصاً در بند ۱۷ از آموزش رسولان یاد می‌شود که کلاً مربوط به گذشته است). بنابراین نویسندگان نامه مطالب خود را از آموزه‌های یهودا برادر خداوند دریافته و

# نامه یهودای رسول<sup>۶۵</sup>

## سلام و درود

از یهودا، برده عیسی مسیح و برادر  
یع ۱:۱ یعقوب<sup>a</sup>، به فرا خوانده شدگانی که محبوب  
در خدای پدر هستند و برای عیسی مسیح<sup>b</sup>  
نگهداشته شده اند؛<sup>۲</sup> رحمت بر شما، و  
صلح و محبت فراوان!

این محکومیت تعیین شده بودند<sup>c</sup> در  
میان ما راه یافته اند، بی دینانی که فیض  
خدای ما را به هرزگی تغییر داده و تنها  
سرور<sup>d</sup> و خداوند ما عیسی مسیح را انکار  
می کنند. ۲- پطرا: ۱۲

<sup>۵</sup> می خواهم به شما که همه چیز را  
می دانید<sup>e</sup> یادآوری کنم که خداوند<sup>f</sup> یک

بار قوم را از سرزمین مصری نجات داد، بار  
دوم آنان را که بی ایمان بودند هلاک کرد.

<sup>۶</sup> و فرشتگانی را که مقام خود را حفظ  
نکردند، بلکه مسکن خود را برای داوری  
روز بزرگ ترک نمودند، در زنجیرهای  
جاودانی، زیر ظلمات نگهداشته است.<sup>g</sup>

<sup>۷</sup> همچنین سدوم و عموره و شهرهای مجاور  
که به مانند ایشان فحشا کردند<sup>h</sup> و به دنبال

## معلمان دروغین قبلاً محکوم شده اند

۱- پطرا: ۱۱<sup>۳</sup> ای محبوبان، شوق زیادی داشتم که به  
شما درباره نجات مشترک ما بنویسم، تا  
اینکه بر من لازم شد به شما نوشته تشویق  
کنم به خاطر ایمانی که یک بار به مقدسان  
سپرده شده است مبارزه نمایید.<sup>۴</sup> زیرا  
۴:۲ بعضی اشخاص که از مدتها پیش به جهت

اعد ۱۴: ۳۵؛  
۱- قرن ۱۰: ۵

a- یعقوب که برادر خداوند می خوانند، (غلا ۱: ۱۹): ر. ک مقدمه.

b- برای عیسی مسیح، که همه آدمیان را در واپسین روز داوری خواهد کرد.

c- ترجمه دیگر: محکومیت ایشان قبلاً و مدتها پیش ثبت شده بود. بر طبق بعضی عقاید یهودیان اعمال آدمیان قبلاً در مقابل خدا  
ثبت شده است (ر. ک مز ۶۹: ۲۹؛ ۱۳۹: ۱۶؛ ۱- هنوخ ۸۹: ۶۲ و بندهای بعدی: ۷: ۱۰۸). اکثراً به کتابهایی (آسمانی)  
اشاره می شود که اسرار آینده در آنها ثبت شده است (ر. ک دان ۷: ۱۰). ولی مسلم نیست که در اینجا منظور علم قبلی خدا در  
مورد اشخاص مخصوصی باشد، بلکه اشخاص مذکور به وسیله طرز رفتار خودشان نشان می دهند که جزو طبقه بی دینان هستند  
و بی دینان از مدتها پیش به وسیله لعنتی که در کتابهای مقدس، نوشته های مکاشفه ای و کتابهای آسمانی محکوم شده اند.

d- کلمه یونانی که سرور ترجمه شده عنوانی است که فقط در اینجا و در ۲- پطرا ۱: ۲ به عیسی داده شده است. بدین سبب بعضی  
از مفسران تفسیر می کنند: و تنها سرور (خدا) و خداوند ما عیسی مسیح.

e- احتمالاً اشاره به ایمانی است که به هنگام تعمید دریافت کرده اند. ر. ک بند ۳ و ۱- یو ۲: ۲۰.

f- منظور از کلمه خداوند در اینجا خدای پدر است ولی در بعضی از نسخه های خطی به جای خداوند کلمه عیسی نوشته شده و  
بدین گونه عمل نجات یهودیان از مصر به مسیح نسبت داده می شود که ازلی است ر. ک ۱- قرن ۱۰: d.

g- این فرشتگان مقام خود را ترک کرده و زنائی را فریفته و به گناه واداشته بودند. از این آمیزش غولهایی متولد شده بود که  
زمین را ویران می کردند (هنوخ فصلهای ۶ تا ۱۰): ر. ک ۲- پطرا ۲: w.

h- در وصیت نامه نفتالی ۳: ۴- ۵ همین مقایسه و ارتباط بین گناه فرشتگان و گناه سدوم ذکر شده است.

i- ترجمه تحت اللفظی: به دنبال جسم دیگر. ر. ک ۲- پطرا ۲: ۱۰ و منظور اعمال شهوانی برخلاف طبیعت اهالی سدوم و عموره  
است. بنا به پید ۱۹: ۱- ۲۵ این اهالی فرشتگان را بجای افراد بشری گرفته و می خواستند به آنان تجاوز نمایند.

- می نمایند، ابرهایی بی آب که بادها می برند، درختان بی ثمر آخر پاییز، دوبار مرده ریشه کن شده! <sup>۱۳</sup> امواج وحشی دریا، اش ۵۷:۲۰-۲ پطر ۱۷:۲-۲
- از یک طرف جسم خود را پلید می سازند، از سوی دیگر خداوندی <sup>۱۴</sup> را تحقیر کرده به شکوهمندی ها <sup>k</sup> کفر می گویند. <sup>۹</sup> باری، دان ۱۰:۱۳، ۱۳:۲۱؛ میکائیل، فرشته اعظم، هنگامی که با ابلیس درباره جسد موسی بحث و مجادله می کرد، جرأت نمود او را داوری و تکفیر نماید، بلکه گفت: «خداوند تو را سرزنش نماید! <sup>۱۰</sup>» اما اینان، از یک سو چیزی را که نمی شناسند تکفیر می کنند. از سوی دیگر آنچه را که طبیعتاً مثل حیوانهای بی شعور می شناسند، موجب هلاک ایشان می شود. <sup>۱۱</sup> وای بر ایشان، زیرا در طریق قائل رفته اند و به خاطر یک اجرت به گمراهی بلعام افتاده اند و در طغیان قورح نابود شده اند <sup>m</sup>. <sup>۱۲</sup> اینان در ضیافت های برادرانه <sup>n</sup> شما مهلکه هایی <sup>nn</sup> هستند، جزق ۳۴:۸-۲ پطر ۱۷:۲-۲
- بی پروا عیش می کنند، خودشان را سیر

- ج- ترجمه دیگر: فرمانروایی، که احتمالاً منظور خداوندی و سلطنت مسیح است (ر. ک بند ۴).
- k- ترجمه دیگر: شکوه ها (ر. ک خروج ۱۱:۱۵ ترجمه یونانی). شکوه ها یا شکوهمندی ها نام نوعی از فرشتگان است که در اینجا برعکس ۲- پطر ۱۱:۲ فرشتگان خوب هستند.
- l- این مشاجره بین میکائیل و ابلیس در نوشته های مکاشفه ای یهودیان (شاید کتاب معراج موسی) روایت شده و در اوائل قرن اول میلادی نوشته شده است.
- m- در اینجا نویسنده بی دینیان کنونی را به بی دینیان دورانهای گذشته تشبیه می نماید: قائل که قاتل برادرش بود، پید ۴: بلعم، اعد ۲۲-۲۴؛ معلمان دروغی بر طبق احادیث متأخر یهود. ر. ک ۲- پطر ۲: ۱۵b؛ قورح یاغی، اعد ۱۶.
- n- کلمه یونانی که ضیافت برادرانه ترجمه شده است کلمه مخصوص و فنی است و عبارات از اجتماع مسیحیان اولیه برای صرف غذا در محیط محبت و برادرانه بوده است. در اینجا نخستین باری است که این کلمه به مفهوم مخصوص خود بکار برده شده است. ر. ک ۲- پطر ۱۳:۲.
- nn- کلمه یونانی که مهلکه ترجمه شده به معنی تحت اللفظی صخره ای است که در دریا و نزدیک به سطح آب است و در صورت تصادم با آن کشتی شکسته و غرق می شود.
- o- ر. ک هنوخ ۱۵:۱۵؛ ۳:۲۱.
- p- بر طبق احادیث یهود، در شجره نامه ای که از آدم ابوالبشر آغاز می شود، هنوخ هفتمین پیامبر بزرگ است. پید ۵: ۳-۱۸؛ ۱- توا ۱: ۱-۳؛ لو ۳۷:۳-۳۸. عبارت هفتمین پیامبر پس از آدم عیناً از کتاب هنوخ ۸:۶۰ گرفته شده است.
- q- ترجمه دیگر: با مبارزان مقدسش می آید.
- r- این عبارت عیناً از ترجمه یونانی کتاب هنوخ ۹:۱ نقل شده است.

## تشویق و اندرز به ایمانداران

۲- پطرس ۳:۲۰<sup>۱۷</sup> اما شما، ای محبوبان، سخنانی را به یاد آرید که قبلاً به وسیله رسولان خداوند ما عیسی مسیح گفته شده است؛<sup>۱۸</sup> که به شما می‌گفتند: «در پایان روزگار مسخره کنندگانی خواهند بود که بر طبق هوسهای بی‌دینی خود رفتار می‌کنند».<sup>۱۹</sup> اینان تفرقه می‌اندازند، روانی هستند،<sup>۱</sup> روح القدس ندارند.<sup>۲۰</sup> شما، ای محبوبان، خود را بر مبنای ایمان بسیار مقدس خود بنا کنید و در روح القدس نیایش نمایید.<sup>۲۱</sup> و خود را در محبت خدا نگهدارید، در انتظار رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای زندگی

جاویدان.<sup>۲۲</sup> و از یک طرف بر آنان که تردید دارند ترحم نمایید،<sup>۲۳</sup> از طرف دیگر آنان را از آتش بیرون بکشید، بر دیگران<sup>۱۹:۵</sup> ترحم کنید<sup>۲۴</sup> با ترس از اینکه حتی از لباس عا<sup>۱۱:۴</sup>؛ زک<sup>۲:۳</sup> آلوده<sup>۷</sup> به تن ایشان پرهیز نمایید.<sup>۷</sup>

## تبرک و تقدیس

<sup>۲۴</sup> به آن که می‌تواند شما را از لغزش فی<sup>۱۰:۱</sup>؛ نگهدارد تا در مقابل شکوه او بی‌نقص و<sup>۱-تسا:۵:۲۳</sup> در سرور بایستید،<sup>۲۵</sup> به یکتا خدای نجات روم<sup>۲۷:۱۶</sup> دهنده ما، به وسیله عیسی مسیح خداوند ما، شکوه، جلال، قدرت و اقتدار پیش از همه روزگار و اکنون و در تمام روزگاران باد!

S- ر. ک دان ۳۶:۱۱ ترجمه یونانی تئودوسیون، اصطلاح مشابهی در هنوخ ۴:۵؛ ۲:۲۷؛ ۳:۱۰۱؛ و کتاب معراج موسی ۹:۷.  
 t- ترجمه دیگر: افکار زمینی دارند. گنوستیک‌ها افراد روانی را تحقیر می‌کردند، زیرا نمی‌توانند به امور خدایی دست یابند (۱-قرن ۲:۱۴؛ ۳:۱۵). ر. ک مقدمه.  
 u- در بعضی از نسخه‌های خطی: دیگران را سعی کنید متقاعد سازید.  
 v- بندهای ۲۲ و ۲۳ در نسخه‌های خطی مختلف دچار تغییرات زیاد شده‌اند.  
 w- بی‌دینان هر چه دارند آلوده می‌کنند. ر. ک مدارک قمران مجموعه دستورات و مقررات ۵:۱۹-۲۰.

# مکاشفه یوحنا

## پیشگفتار

نیست تماشا کند. بنابراین پیام به صورت توصیف و تفسیر چیزی است که دیده شده و در این مورد تصویر بیش از سخن اهمیت دارد و سخن فقط برای توضیح وضعیت است تا مفهوم رؤیا را تکمیل کرده آن را تأیید نماید.

### ۲- نقش و کاربرد نماد

حقایق آسمانی را که شخص رویا بین مشاهده می‌کند طبعاً فراتر از معیارهای بشری و در مرتبه‌ای عالی قرار دارند، بنابراین طبیعی است که نتوان آنها را آن چنان که هستند دقیقاً توصیف و تعریف کرد. نویسنده‌ای که می‌خواهد مطالبی را ذکر کند که «چیزی دیگر» یا مقدس است باید با قیاس و تقریب عمل نماید، تشبیهات و مقایسه‌های شگفت‌انگیز و عجیب و گاهی متناقض بکار برد که قبلاً نمونه‌های آن برای توصیف تجلی خدا در نوشته‌های مذهبی و همچنین در بیان مذهبی دنیای یونانی-شرقی یا در آیین نیایش آمده است.

همچنین استفاده از نمادگرایی بدین منظور است که جنبهٔ محرمانه پیام برجسته شده و نشان داده شود که دریافت آن امتیازی بشمار می‌رود. نوشته‌های مکاشفه‌ای با تمثیلهای، اشارات عددی و اظهارات معماگونه به کسانی خطاب می‌شود که آشنا و وارد هستند یعنی

کلمهٔ یونانی apocaluptein که «مکاشفه» ترجمه می‌شود از نظر لغوی به معنی «کنار زدن پرده» است؛ بنابراین مکاشفه یعنی «آشکارشدن». نوشته‌های مکاشفه‌ای نزدیک و شبیه به سنت نبوتی است که به روش مخصوصی شرح و بسط داده می‌شوند. نفوذ این نوشته‌ها در کتاب مقدس و نوشته‌های مربوط به آن، مخصوصاً از قرن دوم پیش از میلاد کاملاً آشکار است (ر.ک دان ۷-۱۲) ولی حتی قبل از آن تاریخ، مقدمات تهیه این گونه نوشته‌ها را در کتابهای حزقیال، یوئیل، زکریا و اشعیا ۲۴-۲۸ می‌توان یافت.

### ویژگی های کلی ادبیات مکاشفه ای

#### ۱- شکل مکاشفه

سبک ادبی نوشته‌های نبوتی، حتی اگر در آنها گاهی به رؤیاها اشاره می‌شود، ویژگی اصلی شان الهام یعنی کلام خدا است که به وسیله نبی ابلاغ می‌شود، پیامی که قبلاً شنیده یا در همان دم احساس کرده است. در نوشته‌های مکاشفه‌ای، مرد خدا کسی است که بی‌نش درونی دارد: «آسمان را گشوده» دیده یا اینکه از نوعی «صعود» بهره‌مند شده که او را به جهانی برتر وارد کرده تا حقایقی را که معمولاً در دسترس همه

کنونی روشن می شود؛ ولی این اظهارات به خودی خود جنبه هشدار دارند: موجب امیدواری کسانی می شوند که تحت تعقیب و شکنجه هستند، به کسانی که دچار تردید شده اند جرئت می دهند و کسانی را که گمراه شده اند به توبه ترغیب می نمایند.

در موعظه پیامبران، توبه و وفاداری، شرایط حفظ پیمان بشمار می آیند. در رؤیای مکاشفه ای، اعلام پیروزی نهایی خدا متضمن پایداری و آمادگی است.

#### ۴- موضوع فوریت، تغییر تاریخ رویدادها و کاربرد نامهای مستعار

پیام های مکاشفه ای به همان روش وحی پیامبران دارای همان فوریت هستند ولی این فوریت به طرق دیگری اظهار می شود و خواننده را وادار می کند قریب الوقوع بودن «روز خداوند» را احساس نماید.

فرا رسیدن قریب الوقوع روز خداوند به روشهای مختلفی به خواننده تلقین می شود که معمولی ترین آنها تغییر تاریخ وقوع رویدادها و بکار بردن نامهای مستعار است: مثلاً اینکه پیام در روزگار گذشته بوسیله شخصیت مشهوری دریافت شده و از طریق یک سلسله افراد وارد ابلاغ گردیده یا اینکه به طرز فوق العاده و شگفت انگیزی پیدا شده است (ر.ک مثلاً مکاشفه باروخ، کتاب اسرار خنوخ، صعود موسی، چهارمین کتاب عزرا). منبع و منشأ این نوشته ها که ادعا می شود کهن و معتبر هستند اهمیت آنها را تأیید می نماید. بدین وسیله می توان جریان یک واقعه تاریخی را که قبل از انتشار پیام روی داده در زمان آینده ارائه نمود و چون وقایع جدید، ماهرانه

تنها کسانی که خواننده شده اند می توانند به درک اسرار الهی واقف گردند. نویسنده بدین وسیله اهمیت پیامی را که می آورد تلقین کرده و حس کنجکاوی خواننده را تحریک می نماید.

#### ۳- موضوع رؤیاهای مکاشفه ای

در حالی که نگرش مذهبی یونانیان در پی شناخت حقایق والا یا تأمل و سیر در حقایق عبرت انگیز است، الهام کتاب مقدسی، اعلام مشیت خدا و یادآوری حضور فعال او در دل تاریخ است. این اعلام، در عین حال خود یک انتخاب و دعوت به توافق و هماهنگی با عمل خدا است.

در نوشته های کلاسیک انبیا، توجه و اهتمام به تشویق کردن و اندرز دادن صریح و معمولاً روشن است و وقتی پیام الهام خدا و سرنوشت ممتاز ملت را اعلام می کنند، الزامات واقعی پیمان را یادآوری می نمایند؛ یادآوری و تذکار اعمال شگفت انگیز گذشته برای تأیید دستورات مربوط به وفاداری است و وقتی دعاها را خیر و برکت اعلام می شود یا کيفرها یادآوری می گردد بدان منظور است که به تصمیم فوری تغییر روحی یا اخلاقی منجر گردد.

در نوشته های مکاشفه ای نیز، موعظه و تشویق به وفاداری با توبه موضوع اساسی بشمار می رود ولی جنبه فوریت آن بلافاصله آشکار نمی شود. ظاهراً رؤیاهای بایستی اسرار تاریخ را فاش گویند: در این رؤیاهای جریانی قطعی مراحل مهم و نهایی مشیت خدا آشکار می شود؛ فرا رسیدن دوران جدید و آماده شدن اسرارآمیز آن یادآوری می گردد و بدین وسیله برای فرد ایماندار خطرات واقعی اوضاع

چنین نظریه‌ای در عین حال موجب خوش بینی و بدبینی است: بدبینانه است بدین معنی که بی ثباتی و تباهی دنیای حاضر را یادآوری و تأکید می‌نماید؛ خوش بینانه است زیرا پیروزی نهایی خدا را، با وجود پیروزیهای ظاهری شر ابراز می‌نماید. این فکر مخصوصاً در دورانه‌های بحرانی شدت می‌یابد: وانگهی نوشته‌های مکاشفه‌ای در دورانه‌های تعقیب و شکنجه تنظیم و انشاء شده‌اند.

### چشم اندازهای خاص مکاشفه یوحنا

مکاشفه یوحنا با اینکه بیشتر روشها و طرز بنای ادبیات مکاشفه‌ای را پذیرفته و بکار برده است، کاملاً از آنها پیروی نمی‌کند. قسمت مهمی از این اثر واقعاً به شکل مکاشفه نیست: نامه‌هایی که به هفت کلیسا فرستاده می‌شود (مکا ۲-۳) بیشتر نزدیک به موعظه‌های معمولی پیامبران است و نویسنده، نظیر پیام‌های پیامبران نام خود را ذکر کرده و پیام خود را به معاصرانش خطاب می‌نماید. مکاشفه یوحنا مخصوصاً به سبب تفسیر مذهبی تاریخ و توجه به نکات مورد علاقه واقعی خود از بیشتر آثار و ادبیات مکاشفه‌ای متمایز است.

#### ۱- تفسیر تاریخ از نظر مسیحیت

رؤیای یوحنا درباره‌ی پایان روزگار نظیر بعضی از عقاید اساسی خداشناسی در مسیحیت اولیه است. بنابراین نظریات عصر جدیدی که در نوشته‌های مکاشفه‌ای یهودیان اعلام شده و فرا رسیدن آن را انتظار می‌کشند در هنگام رستاخیز مسیح آغاز شده است.

با رموز و اشاراتی نشان داده می‌شوند که کاملاً واضح و روشن هستند و در بین نشانه‌های فرا رسیدن نهایی ارائه می‌گردند، خوانندگانی که می‌توانند تاریخ وقایع را برآورد کرده و تخمین بزنند در انتظار خواهند بود که به زودی پیروزی عادلان و کیفر بی‌دینان را ببینند.

منظور از چنین اعلامی کاملاً معلوم است: نزدیک بودن ایام آخر، زمان حاضر را حائز اهمیت خاص می‌کند؛ شور و حرارت را تقویت کرده و پذیرش و تعهدات ضروری و بلافاصله را تشویق می‌نماید.

#### ۵- تفسیر جهان و تاریخ

در موعظه‌های پیامبران، جریان مشیت خدا در مدتی مداوم و در چهارچوب سرنوشت تاریخی قوم برگزیده ارائه می‌شود در صورتی که در نوشته‌های مکاشفه‌ای، گسیختگی قاطعی بین زمان حاضر و دوران آینده وجود دارد: زمان حاضر دوران گناه و تسلط نیروهای بدی است و آینده دوران پیروزی کامل خدا و برگزیدگانش خواهد بود. به جای دوران حاضر که زمان پیکار و تحمل آزمون‌ها است، دوران تجلی قاطع و بی‌چون وچرای نظم الهی برقرار خواهد شد. این تغییرات تصادفی نبوده و مربوط به اراده‌های آدمیان نیست. زمان فرا رسیدن آنها قبلاً معین شده که معمولاً آدمیان نمی‌دانند، زیرا تنها خدا است که فرمانروا و داور تاریخ است.

ضمناً فرا رسیدن نهایی ملکوت خدا مربوط به تمامی جهان است و رؤیای پایان روزگار همان ابعادی را دارد که آفرینش داشته است.

گردیده است. از نظر علم الهی، مسیح و کلیسا از توصیف مکاشفه ای تاریخ اهمیت بیشتری می گیرد. امیدواری مسیحیت فقط وابسته به بازگشت قریب الوقوع مسیح نیست بلکه یادآوری مشارکت کنونی با مسیح در مبارزه پیروزمندانۀ او است.

در نتیجه موضوع فوریت که معمولاً در نوشته های مکاشفه ای مطرح می شود در چهارچوب برآورد و محاسبه فاصله زمانهای پایان روزگار وارد نمی شود بلکه مبنای اعتقاد بر این است که مرحله قطعی مشیت خدا در واقعه عید گذر ظاهر شده و افتتاح گردیده است. دورانهای پایانی به زودی فرا می رسند چنانکه در نهان هم اکنون آغاز شده اند. انتظار مسیحیت بدان سبب استوار و فعال است که مربوط به نعمت هایی است که نوبر آنها از هم اکنون عطا شده است. در مکاشفه یوحنا مقام مهمی به اندیشه و تأمل درباره وقایع نجات و تعمق در اوضاع و شرایط کلیسا داده شده و از این حیث نزدیک به مناظر موعظه های پیامبران است که می خواستند با یادآوری شگفتی های پیمان و جلب توجه به سرنوشت اسرائیل، نوعی بیداری روحی در آنان برانگیزانند. یوحنا در اظهار «ملکوتی که می آید» توجه خوانندگان را بیشتر به جنبه پنهانی بودن آن جلب می نماید تا اینکه به تاریخ تجلی شکوهمند آن بپردازد و این نکته نشان می دهد به چه سبب در مکاشفه یوحنا روش نامهای مستعار و تغییر تاریخ وقوع رویدادها بکار برده نشده است در صورتی که این روش ها در مکاشفه های سنتی اصولاً برای آن است که نزدیک بودن «روز خداوند» تخمین زده شود.

بنابراین ایام آخر شروع شده و نعمت های مسیحایی ابلاغ و اعطا شده است: مثلاً روح القدس بر تمام مرمان منتشر شده (ر. ک اع ۲: ۱۶-۲۱) و هم اکنون فرد مسیحی با مسیح بریاخته است (ر. ک کول ۳: ۱). ولی این واقعه رازگونه انجام شده، چیزی است که در حیطه مکاشفه و الهام است و جز به وسیله ایمان درک و دریافت نمی شود و به تحقق کامل و تجلی شکوهمند منتهی نمی گردد.

برطبق این چشم انداز مسیحی، «روز خداوند» به دو قسمت تقسیم شده است: از یک طرف واقعه رستاخیز مسیح و تجلیل او را به مقام خداوندی تعیین می کند و از سوی دیگر در انتظار او هستند که برگردد و تجلی درخشان جهانی ملکوت خدا به وسیله مسیح او تحقق یابد. موقتاً تقارن بین «زمان حاضر» و «دوران جدید» وجود دارد بدین معنی که کلیسا در زمان حاضر است ولی از آن دوران آینده می باشد و از نظر فرجام شناسی حقیقی بشمار می رود، درعین حال تحقق پیشگویی ها و نوبر پیشگوییهای پایان روزگار است.

## ۲- موضوع رؤیاها

نظر به اینکه هم اکنون ایام آخر افتتاح شده، گسیختگی معمولی بین دوران حاضر و دوران جدید به همان معنی نیست و توالی بین دو مرحله را بیان نمی کند بلکه به معنی تمایز بین دو نظم یعنی نظم تاریخی و نظم واپسین است.

بنابراین نقش رؤیاها دیگر فقط یادآوری پایان روزگار نیست تا فرا رسیدن «روز خداوند» را آماده نمایند بلکه بیشتر متوجه به حقایق مرموزی است که قبلاً مقرر و ابلاغ

### نویسنده و مقتضیات نگارش

در مکاشفه یوحنا چندان اطلاعات دقیقی در مورد نویسنده آن داده نشده ولی نویسنده خود را یوحنا و رسول می خواند (۱:۱، ۴، ۹؛ ۲۲:۸-۹)؛ ولی در هیچ جا نام خود را جزو دوازده رسول قید نمی کند. برطبق سنت مطمئنی که اثر آن را در قرن دوم میلادی می یابیم، نویسنده مکاشفه همان یوحنا ی رسول است که انجیل چهارم هم به او نسبت داده شده است. با این همه روایات ابتدایی در این مورد متفق القول نبوده اند و بعضی از جمعیت های مسیحیان تردید داشتند که مکاشفه را یکی از رسولان نوشته باشد. مفسران عصر حاضر در این مورد عقاید مختلفی دارند: بعضی از مفسران اظهار می کنند که با ملاحظه تفاوت در روش نگارش، اختلاف محیط و نظریات خداشناسی که بین این دو اثر وجود دارد مشکل بتوان کتاب مکاشفه و انجیل چهارم را به یک نویسنده منسوب دانست. برخی دیگر از مفسران، برعکس شباهت موضوع ها، نزدیک بودن نظریات خداشناسی و همچنین زمینه و عمق افاده کلام را که در هر دو اثر طرز بیان سامی است یادآوری می نمایند و فکر می کنند که کتاب مکاشفه و انجیل چهارم با آموزش یوحنا ی رسول بستگی دارد و احتمالاً بوسیله نویسنده گانی که به محافل یوحنایی در افسس تعلق داشته اند نوشته شده است.

مکاشفه به «هفت کلیسای آسیا» خطاب شده (۳:۱، ۱۱؛ ۲-۳) و منظور هفت جمعیت مسیحیان است که در ایالت آسیای صغیر قرار داشته اند و مرکز آن ایالت شهر افسس بوده است. به دلیل رقم هفت که

یادآوری تمامیت و کمال است می توان تصور نمود که منظور نویسنده نه فقط چند جماعت بخصوصی که می شناخته بلکه تمامی کلیسا است.

در اینکه مقتضیات انشاء این کتاب چه بوده است، دو نشانه مطمئن در متن وجود دارد ولی نمی توان تاریخ دقیقی برای آن تعیین نمود: از یک سو کلیسا قبلاً تعقیب و فشار مخالفان را تحمل می کرده و حتی چنین به نظر می رسد که با مخالفت رسمی امپراتوری روم مواجه بوده است. از سوی دیگر، بازگشت خداوند که در انتظار آن بودند به طول کشیده و ارائه مدت انتظار در نزد بعضی ها سردی و بی علافگی برانگیخته و در نزد بعضی دیگر دلسردی، سؤال یا بی صبری ایجاد نموده است. با توجه به این نکات دو فرضیه می توان در نظر گرفت: یکی دوران پس از تعقیب و شکنجه های نرون و قبل از ویرانی اورشلیم (سالهای ۶۵-۷۰ میلادی) و دیگری اواخر فرمانروایی دومیتیان قیصر روم (سالهای ۹۱-۹۶ میلادی). به نظر بعضی از مفسران مخصوصاً اشاره ای که به معبد اورشلیم شده (۱۱:۱-۲) و ذکر جانشینی امپراتوران روم (۱۷:۱۰-۱۱) نشانه و دلیل بر تأیید فرضیه اولی است. با این همه بیشتر مفسران عصر حاضر دومین فرضیه را نزدیک به حقیقت می دانند زیرا از یک طرف با گواهی ایرنائوس اسقف لیون تطبیق می کند و از طرف دیگر دومیتیان در نظر داشته پرستش امپراتور را بیشتر متداول ساخته و توسعه دهد و در مکاشفه سخن از مخاصمه آشتی ناپذیر بین ملکوت خداوند عیسی و فرمانروایی کفرآمیز قیصر روم است. بعضی از نویسندگان

تصوّر می‌کنند که اوضاع و شرایط نگارش این اثر پیچیده تر است زیرا مکاشفه اثری یکدست نیست بلکه ترکیب ناشیانه قطعات مختلفی است که در طی آخرین دهه قرن اول میلادی تألیف، دستکاری و اصلاح شده‌اند.

### ساختار مکاشفه و تفسیر آن

حتی اگر فرض شود که بعضی از قسمت‌های مجموعه مکاشفه بدوآ جداگانه وجود داشته با این حال نوشته‌ای که بدست ما رسیده دارای ساختاری است که البته با انشاهای کنونی تطبیق نمی‌کند ولی می‌توان ملاحظه کرد که مطالب آن به طرز یکنواختی ادامه می‌یابد و دارای اسلوب نگارش ثابتی است.

در این کتاب از همان ابتدا می‌توان دو قسمت تشخیص داد: قسمت نبوتی که به شکل «نامه‌هایی به کلیساها» (۹:۱-۲۲:۳) و قسمت دیگری که منحصراً جنبه مکاشفه دارد (۱:۴-۵:۲۲). در قسمت اخیر بطور کلی طرح عادی بیان مکاشفه‌ای رعایت شده است: مثلاً مقدمات پایان روزگار (۱:۶-۹:۱۱)، آزمونهایی که بلافاصله می‌رسند و مقابله عظیم (۱:۱۲-۱۵:۲۰)، تحقق و تجلّی نهایی (۱:۲۱-۵:۲۲). در مکاشفه یوحنا این طرح با یک سلسله «عوامل هفت تایی» آمیخته و تکمیل شده است (هفت مَهر، هفت شیپور، هفت جام). ضمناً این نبی رؤیاهای واسطه دیگری ذکر کرده و بوسیله آنها اشاره‌های خود را بیشتر نشان می‌دهد، همچنین متن‌های متعددی از عهد عتیق را اجمالاً آورده، تفکر و تعمق خود را درباره راز کلیسا و زمان حاضر ارائه می‌نماید.

البته ارائه طرح دقیقی که مکاشفه بر مبنای

آن تنظیم و نگارش یافته باشد مسلم و قطعی نیست ولی مشکل اصلی کتاب مکاشفه در تفسیری است که باید برای توالی رؤیاهای قائل شد. آیا در توالی رؤیاهای نشانه و رمزی در شوق تاریخ به بازگشت آینده مسیح هست؟ یا اینکه این توالی فقط چهارچوب فرضی است که در داخل آن نویسنده جنبه‌های متعدد پیروزی مسیح، شرایط و اوضاع کلیسا و داوری دنیا را ارائه می‌نماید و نه اینکه بخواهد مراحل مختلف جریان پایان روزگار را نشان دهد. تشخیص این نکته اهمیت دارد زیرا به تفسیر مجموعه کتاب مربوط می‌شود. تفسیری که بر مبنای توالی تاریخ‌ها باشد در نوشته‌های مکاشفه‌ای معمولی است ولی در این تفسیرها برای حل بعضی از مشکلات ایجاب می‌کند جای بسیاری از رؤیاهای تغییر داده شده یا جنبه اتفاقی و تصادفی آنها پذیرفته شود. برطبق یک نظریه مهم تفسیری، با توجه به تشابه و برابری چندین قسمت از مکاشفه و از جمله، ذکر عوامل هفت تایی، توالی رؤیاهای را به صورت صناعت لفظی و ادبی می‌نگرند: بدین معنی که در سراسر این کتاب، همان عقاید و همان نظریات و پیام‌ها بیان می‌شود ولی هربار تصاویر مختلفی پیوسته تکرار می‌گردد تا به نوعی جدید تصریح شود.

### پیام و واقعیت مکاشفه

مکاشفه نظیر هر پیام نبوتی دیگری واقعیت مشیت خدا را اعلام می‌کند که با توجه به آن فوریت، مستلزم تعهد ماست. ضمناً اطلاعات ماوراءالطبیعی درباره زمان حاضر و تحقق آن در اختیار ما می‌گذارد. کار خدا به پایان خود رسیده و ما فقط در

- انتظار انجام آن هستیم (۱:۷؛ ۲۲:۲۰).  
 هم اکنون مسیح پیروز شد و ملکوت او افتتاح گشته است. عیسی یکتا نجات دهنده است و لذا بر حسب انتصاب الهی مقام یکتا خداوند متعلق به اوست (۵:۵-۱۴؛ ۱۱:۱۵-۱۷؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۹:۱۱-۱۶). ما در ایام آخر هستیم. پیشاپیش نجات و در مقدمات داوری زندگی می‌کنیم. در برابر این واقعه هم اکنون آدمیان به دو نوع متمایز آشتی ناپذیر تقسیم می‌شوند:
- آنان که مسیح را می‌پذیرند در پیروزی او شرکت دارند، قوم خدا را تشکیل می‌دهند و تحقق قوم مسیحایی هستند (۷:۹-۱۷؛ ۱۴:۵-۱۵؛ ۲:۴-۱۷؛ ۱۹:۱-۹؛ ۲۰:۴-۶).
- آنان که او را نمی‌شناسند و در حال مخالفت با خدا می‌مانند: اینان «ساکنان زمین» هستند، همدستان غاصب بی‌دینی که تحت تسلط شیطان بوده و بمانند او به محکومیت می‌رسند (۶:۱۵-۱۷؛ ۹:۲۰-۲۱؛ ۷:۱۳ و ۱۴:۱۴؛ ۹:۱۱-۱۴؛ ۸:۱۷-۱۴؛ ۱۹:۱۹-۲۲؛ ۲۰:۷-۹).
- کلیسا در ژرفای حقیقت خود، کاملاً با شخص مسیح و عمل او شریک است:
- جماعت برگزیده و مورد محبت او است (۱:۵ب؛ ۳:۹؛ ۷:۳-۴؛ ۱۲:۶؛ ۱۹:۷-۹).
- بوسیله خون او بازخرید شده است (۱:۵ب؛ ۵:۹؛ ۷:۱۴؛ ۳:۴).
- کلیسا، گشایش ملکوت او، قوم سلطنتی و کهنانتهی او است (۱:۵؛ ۵:۱۰؛ ۶:۱-۱۵؛ ۲۰:۴-۶).
- از این ارتباط اساسی، یک همراهی «وجودی» منتج می‌شود یعنی: سرنوشت کلیسا با توجه به شرکت در سرنوشت مسیح
- در نظر گرفته می‌شود:
- مسیح پیام آور و «شاهد امین» بود (۱:۵؛ ۳:۱۴؛ ۹:۱۱). کلیسا جمعیتی مقدس است که شهادت می‌دهد و در این دنیا رسالت پیامبری دارد (۱۱:۳-۶؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۹:۱۰؛ ۲۲:۹).
- مسیح شهادت خود را تا به مرحله مصائب و مصلوب شدن ادامه داد زیرا با مخالفت دنیایی که دشمن خداست برخورد نموده (۱:۵؛ ۵:۶). همچنین کلیسا مأموریت خود را با تحمل آزمون‌ها انجام می‌دهد؛ با مبارزه و شهادت آشنا است (۶:۹؛ ۷:۱۴؛ ۱۱:۷-۱۰؛ ۱۲:۲، ۴، ۱۱؛ ۱۶:۶؛ ۱۸:۲۴؛ ۲۰:۴).
- مسیح پیروز گشته و از میان مردگان برخاسته است (۱:۵؛ ۵:۱۸؛ ۵:۵؛ ۱۲:۵؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱۱-۱۲). هم اکنون کلیسا در این پیروزی شریک است؛ فقط در وضعیت برگزیدگی نیست بلکه نجات یافته و از نوبرهای رستاخیز برخوردار است (۶:۱۱؛ ۷:۱۶-۱۷؛ ۱۱:۱۱-۱۲؛ ۱۲:۱۱؛ ۱۷:۱۴؛ ۲۰:۴-۶).
- مسیح شکوهمند است و خداوند جهان گشته است (۱:۵؛ ۱۲-۱۶؛ ۱۹:۱۶). کلیسا هم اکنون ملکوت روحانی است: از همین اکنون وظیفه آسمانی خود را در آیین نیایش انجام می‌دهد و به زودی پیروزی او متجلی خواهد شد (۷:۹-۱۲، ۱۵؛ ۱۴:۳؛ ۲۰:۴-۶).
- بدین گونه، کلیسا در حال حاضر با جنبه‌های مختلف راز مسیح زندگی می‌کند: بره عید گذر را به هر جا که می‌رود پیروی می‌نماید (۴:۱۴). این همراهی و مطابقت

ملکوت مسیح واقع‌ای در آینده نیست بلکه حقیقتی حاضر و کنونی است. صحنه بازگشت پیروزمندانه و شکوهمند مسیح و داوری نهایی، آنچه را که امروز در راز و در ادامه طول تاریخ انجام می‌شود، در نور خدا و در مقارنت ابدیت منعکس می‌سازد. در هر لحظه انسان تعلق خود را بیان کرده و سرنوشت خود را تصریح می‌نماید ولی در همان لحظه اصالت ایمان او بازرسی و تأیید شده و داوری او انجام می‌گردد. در پیرامون او و در وجود او تناقض آشتی ناپذیری بین بت پرستی زمین و شناسایی یکتا مسیح وجود دارد. در سخن پیامبران از فرد ایماندار دعوت می‌شود که به ارزش و اهمیت جاودانی هر لحظه پی ببرند زیرا بر طبق این سخنان نه سردی، نه سربه‌هوایی، نه سبکی و نه مصالحه با بدی پذیرفته نمی‌شود بلکه توبه و تعهد کامل را برمی‌انگیزد. اگر دنیای کنونی را در منظره پایان روزگار و بازگشت مسیح در نظر بگیریم، مکاشفه یادآوری می‌کند که خداوند عیسی در پایان تاریخ است چنانکه در اصل تاریخ است و در ماوراء امور ظاهری، حقایق زمینی در مقابل مشیت خدا نسبی هستند، با این همه مکاشفه با موارد متعددی از رمز و اشارات نیایشی، از جمعیت پیروان دعوت می‌کند که آیین پرستش را بمانند ملاقات فعلی و کنونی با مسیح زندگی کنند، همچون دعوتی که ایشان را به هماهنگ شدن با عید گذر خداوند می‌خواند و بمانند اعلام و انتظار تجلی اورشلیم آسمانی، که آئین نیایش مقدمه قبلی و نشانه پیشاپیش آن می‌باشد.

مستلزم حالات و رفتارهای اخلاقی و روحی است:

- چون در دنیایی که خدا را نمی‌شناسد باید گواهی دهد، از او خواسته شده در وفاداری زندگی کند (۱:۳؛ ۲:۱۰، ۱۳، ۲۶؛ ۳:۸؛ ۱۴:۱۲؛ ۲۲:۷، ۹).

- کلیسا که بر روی زمین در تبعید بسر می‌برد، آزار و شکنجه را تحمل می‌نماید ولی در ضمن خدا او را محافظت می‌کند و از نوبرهای رستاخیز برخوردار است، حالتی که با این وضع آزمایشها تطبیق می‌نماید؛ ولی اطمینان به شکوه موجب ثبات و پایداری یعنی نوع مخصوصی از وفاداری است، همچنانکه شهید شدن شکل مخصوصی از شهادت دادن است (۱:۹؛ ۲:۲، ۳، ۱۰؛ ۳:۱۰-۱۱؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۱۲):

- همچنین کلیسا در مرحله گذر و خروج می‌باشد که راه پیمودن به سوی اورشلیم آسمانی، میهن حقیقی او است، و خود را آماده می‌کند تا از تجلی کامل خداوند خود زندگی نماید. این منظره شکوه آینده، در عین تحمل آزمونها کنونی، در کلیسا هیجانی مملو از امید ایجاد می‌کند: «بیا! ای خداوند عیسی!» (۶:۱۰؛ ۷:۱۰؛ ۱۱:۱۷-۱۸؛ ۱۲:۱۰-۱۲؛ ۱۵:۳-۴؛ ۱۹:۷-۹؛ ۲۰:۳-۴؛ ۲۲:۱۷، ۲۰). البته این پیام به ما مربوط است و از اعلام بازگشت مسیح که تاریخ و طرز فرا رسیدن آن معلوم نیست فراتر می‌رود. ضمناً پیام بدان منظور نیست که در پیروان دلتنگی و امید مبهمی بوجود آورده، آنان را از انتظارات بیهوده تسلی دهد و دعوت کند از تعهد خود منصرف شوند.

# مکاشفه یوحنا

## مقدمه

۱ مکاشفه<sup>a</sup> عیسی مسیح  
 که خدا به او داده تا آنچه را باید  
 بزودی روی دهد<sup>b</sup> به خدمتگزارانش  
 آشکار کند،  
 و بوسیله فرستادن فرشته خود، آن را به  
 خدمتگزار خویش یوحنا نشان داده است،  
 که بر سخن خدا و گواهی عیسی مسیح در  
 هر چه دیده<sup>d</sup> شهادت داده است<sup>c</sup>،

دان ۲:  
 ۲۸، ۲۹، ۴۵  
 مکا ۱: ۱۹  
 ۱: ۱۶، ۲۲، ۶

۱: ۹، ۶  
 ۱۹: ۱۰، ۲۰، ۴

۳ خوشا بر آن که می خواند

و آنان که سخنان این نبوت را می شنوند  
 و آنچه را در آن نوشته شده است حفظ  
 می کنند<sup>e</sup> زیرا وقت نزدیک است<sup>f</sup>.

## خطاب

۴ از یوحنا به هفت کلیسا که در آسیا  
 هستند<sup>g</sup>،

بر شما فیض و آرامش باد از طرف آنکه

خروج ۳: ۱۴  
 مکا ۳: ۸  
 ۴: ۸، ۱۱، ۱۷  
 ۵: ۱۶

- a- کلمه یونانی Apocalupsis که [در زبان فارسی] همواره مکاشفه ترجمه شده از نظر لغوی و ریشه کلمه به معنی «کنار زدن پرده» است. این کلمه در ادبیات یونانی و در ترجمه یونانی کتاب مقدس زیاد بکار برده شده و در کلیسای اولیه در مورد تجلی شکوهمند مسیح در پایان روزگار بکار رفته است (روم ۲: ۵، ۸؛ ۱۹: ۱-۱؛ قرن ۱: ۷؛ ۲-تسا ۱: ۷؛ ۱-پطرا ۷: ۱۳).
- b- این عبارت که مختص ادبیات و نوشته های مکاشفه ای است یادآوری می کند که مشیت خدا مسلم و تغییرناپذیر بوده و قریب الوقوع است. در مکاشفه مسیحی این عبارت فقط جمله ای ادبی نیست که برای دلگرمی افراد بیان شده باشد تا آنان را بلافاصله تشویق نماید بلکه بر این نکته تأکید می کند که مرحله نهایی تاریخ نجات با واقعه عید گذر آغاز شده است.
- c- موضوع گواهی دادن در کتاب مکاشفه نظیر بیشتر موارد در نوشته های عهد جدید با جنبه نبوتی پیام ارتباط نزدیک دارد. گواه کسی است که سخن خدا را شنیده یا حقایق آسمانی و مشیت خدا را از طریق رؤیای روحانی دریافته است. ضمناً این تجربه والا متضمن اعزام به مأموریت رسالت است بدین معنی که گواه بایستی آنچه را دیده و شنیده ابلاغ کند، نه اینکه فقط جزئیات آنرا تشریح نماید بلکه به طوری که مفهوم پیامبران آن درک شده و موجب ایمان گردد. در کتاب مکاشفه و در مجموعه نوشته های یوحنا عیسی عالی ترین گواه است که می تواند مشیت خدا را با امانت و به تمامی اظهار نماید. عیسی مسیح به عنوان گواه امین (ر. ک ۵: ۱) با مخالفت قدرتهای زمینی مقابله کرده و بایستی آزار و شکنجه های آنان را تحمل نماید. کلمه یونانی marturia که در اینجا به گواه ترجمه شده اصلاً به همین معنی است ولی در اصطلاح مسیحی مفهوم مخصوصی یافته و به معنی شهید بکار برده شده است یعنی کسی که به مانند مسیح مصلوب گواهی خود را با خون خود مهر می کند.
- d- در ادبیات مکاشفه ای، چارچوب معمولی ابلاغ پیام، رؤیاهای روحانی است یعنی پیامبر در ماورای جریان تاریخ، وقایع و اوضاع روزهای آینده را پیشاپیش مشاهده می کند. در مکاشفه یوحنا، هدف اصلی رؤیایها بیان آغاز پیروزی مسیح و جنبه های مختلف وضعیت کلیسا در پایان روزگار است.
- e- منظور از حفظ کردن فقط نگهداشتن و رعایت کردن پیام نیست بلکه پی بردن به اهمیت پیام، زندگی کردن در آن و نفوذ آن در وجود آدمی است.
- f- در خصوص موضوع فوریت ر. ک آیه ۱ توضیح b.
- g- اسامی این کلیساها در ۱۱: ۱ ذکر شده و در بابهای ۲-۳ به آنها خطاب خواهد شد. این کلیساها جمعیت هایی بودند که در آسیای صغیر، در ناحیه کوچکی در اطراف شهر افسس قرار داشتند. در تفسیر بعضی از نکات و اشارات مکاشفه بایستی وضع جغرافیایی و تاریخی این کلیساها را در نظر گرفت. با این همه چون عدد هفت نشانه و مظهر تمامیت بشمار می رفته می توان تصور کرد که نویسنده آموزش خود را منحصرأ به چند جمعیت معین خطاب نمی کند بلکه پیام وی جهانی و دائمی است.

و هر چشمی او را خواهد دید و آنان که به او نیزه زدند، برای او همه نژادهای روی زمین سنیه زک ۱۲:۱۰، ۱۴ خواهند زند. آری! آمین!	هست، آنکه بود و آنکه می آید <sup>h</sup> و از طرف هفت روحی <sup>i</sup> که در مقابل تخت او هستند، و از طرف عیسی مسیح، گواه وفادار <sup>h</sup> ، نخست زاده از بین مردگان و سرور پادشاهان زمین <sup>k</sup> .	اش ۲:۱۱، ۲:۱۱ ادامه: مکا ۳:۱، ۵:۳، ۵:۴، ۶:۵ مز ۲۸:۸۹، ۳۸ اش ۴:۵۵ کول ۱:۱۸ مکا ۳:۱۴، ۱۱:۱۹
<sup>h</sup> خداوند خدا می گوید: من آلفا و امگا ۱۳:۲۲، ۶:۲۱ هستم <sup>n</sup> آنکه هست، آنکه بود و آنکه می آید <sup>o</sup> ، توانا بر همه <sup>p</sup> .	به آنکه به ما محبت دارد، و به وسیله خون خود ما را از گناهانمان رها ساخته است <sup>l</sup> .	
روییای پسر انسان من، یوحنا که برادر شما و شریک در مصیبت و سلطنت و شکیبایی <sup>q</sup> در عیسی مسیح هستم، به خاطر سخن خدا و گواهی ۲:۱	و ما را برای خدا و پدر خود، کشور سلطنتی و کاهنان کرد، شکوه و توانایی بر او به روزگاران و روزگاران باد. آمین! اینک با ابرها می آید <sup>m</sup>	خروج ۱۹:۶ اش ۶:۶۱ ۱- پطر ۴:۵، ۵:۹ مکا ۵:۱۰، ۵:۲۰ دان ۷:۱۳ مت ۲۴:۳۰ مکا ۱۴:۱۴

**h** - نام خدا که چندین بار به این صورت در مکاشفه ذکر شده تشریح نام الهی به همان طریقی است که بر روی کوه حریب (کوه سینا) به موسی وحی و اظهار شده بود (ر. ک خروج ۳:۱۴). یهودیان در دوران یونانی گرای و همچنین در ترجمه کتاب مقدس به زبان یونانی نام یهوه را تفسیر کرده و به معنی «آنکه هست» می گرفتند. در ترگوم اورشلیم (ترجمه کتاب مقدس به زبان آرامی) این نام بسط داده شد و به صورت سه جمله موزون «آنکه هست، آنکه بود و آنکه خواهد بود» درآمد. کتاب مکاشفه این روش را پذیرفته ولی بجای «آنکه خواهد بود»، «آنکه می آید» را گذاشته است تا بر موضوع آمدن در پایان روزگار تأکید نماید.

**i** - روح القدس در پری و تمامیت خود. احتمالاً از هفت روحی که در اش ۱۱:۲-۳ ذکر شده تأثیر پذیرفته است.  
**j** - در خصوص گواه وفادار ر. ک آیه ۲ توضیح C. در اش ۵۵:۴ منظور از کلمه گواه مسیح موعود است و در امث ۸۹:۳۸ مسیح به گواهی وفادار در آسمان تشبیه شده است.

**k** - در اینجا نظیر آیه ۴ که نام خدا در سه جمله بیان شده، نام عیسی نیز با عبارتی سه قسمتی ذکر می شود که اشاره به مصائب و مصلوب شدن، رستاخیز و تجلیل عیسی مسیح در خداوندی است. این بیانات تا اندازه ای به صورت عبارات تثبیت شده هستند و نشان می دهد تحت تأثیر عبارات معینی است که در مراحل اولیه مسیحیت بوسیله آنها عقاید اساسی ایمان را بیان می کرده اند.

**l** - کلمه یونانی **lusanti** که در اینجا «رها ساختن» ترجمه شده در بعضی از نسخه های خطی با تغییر جزئی یک حرف (**lousanti**) به معنی «شستن» می باشد ولی متن بالا بیشتر با روایات مکتوب تطبیق می نماید. ضمناً چنین به نظر می رسد که آیات ۵-۶ متضمن بعضی از موضوعات سفر خروج نظیر رها شدن بوسیله خون و کشور سلطنتی کاهنان باشد (ر. ک خروج ۱۹:۶ که در ۱- پطر ۲:۵، ۹ نیز نقل شده است).

**m** - ترجمه دیگر: در میان ابرها می آید. در روایات مربوط به تجلی خدا معمولاً ابرها قسمتی از منظره این وقایع را تشکیل می دهند (ر. ک خروج ۱۹:۱۶؛ اش ۴:۶؛ مر ۷:۹؛ اع ۹:۱۰). در اینجا نظیر مت ۲۶:۶۴ تأثیر مستقیم دان ۷:۱۳ مشاهده می شود.

**n** - آلفا و امگا حروف اول و آخر الفبای یونانی هستند و در اینجا به معنی اول و آخر می باشند (ر. ک مکا ۲۱:۶، ۲۲:۱۳).  
**o** - ر. ک آیه ۴ توضیح **h**.

**p** - کلمه یونانی **Pantocrator** که در اینجا به «توانا بر همه» ترجمه شده معمولاً در ترجمه یونانی کتاب مقدس در مقابل کلمه عبری می آید که گاهی «خدای ارتشها» یا «خدای قدرتها» ترجمه می کنند. این کلمه در دنیای یونانی زبان به صورت عنوان امپراتور بکار برده می شد.

**q** - در اینجا جنبه های مختلف موقعیت فرد مسیحی از نظر آخرت شناسی برشمرده شده است که عبارتند از: شرکت در مصیبت (که گاهی تجربه یا امتحان ترجمه می شود)، شرکت در پیکار پایان روزگار که با واقعه صلیب آغاز شده است و شراکت در سلطنت که به معنی سهیم بودن در فرمانروایی و سروری مسیح است که بر مرگ و بر قدرتها پیروز شده است؛ بالاخره شکیبایی که عبارت از وفادار ماندن در عین تحمل مصائب و آزمونها و با وجود وسوسه ها که نشانه دوران پایان روزگار است.

- ۱۴ سرش و موهایش مثل پنبه سفید و مثل دان ۷:۹  
 برف سفید بود  
 و چشمانش مثل شعله آتش.
- ۱۵ و پاهایش مثل مفرغ که در کوره ای دان ۱۰:۶  
 تابیده شده باشد  
 و صدایش مثل صدای آبهای بسیار،  
 ۱۶ و در دست راستش هفت ستاره  
 و از دهانش شمشیر تیز دو دمی خارج  
 می شد<sup>۱</sup>  
 و صورتش مثل خورشید که با قدرت خود  
 می درخشید.
- ۱۷ وقتی او را دیدم به مانند مرده به دان ۸:۱۸؛  
 ۱۵:۱۰، ۱۹؛  
 حزق ۱:۲۸  
 پاهایش افتادم،  
 و او [دست] راستش را بروی من گذاشته  
 گفت:  
 مترس؛ من نخستین و آخرین هستم<sup>۲</sup>،  
 اش ۴:۶؛  
 ۱۲:۴۸؛  
 مکا ۱:۸؛ ۲:۸؛  
 ۱۳:۲۲
- بر عیسی در جزیره ای به نام پطمس بود<sup>۳</sup>.  
 ۱۰ در روز خداوند<sup>۴</sup> در روح شدم<sup>۵</sup> و در  
 پشت سر خود صدایی بلند  
 چون شیپور شنیدم<sup>۶</sup>،  
 ۱۱ که می گفت: آنچه را که می نگری در  
 کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسا  
 بفرست: به افسس، به اسمیرنا، به  
 پیرگامس، به طیاتیرا، به ساردس، به  
 فیلاذلیه و به لاودیکیه<sup>۷</sup>.
- ۱۲ و برگشتم تا صدایی را که با من سخن  
 می گفت نگاه کنم و چون برگشتم هفت  
 چراغدان از طلا دیدم<sup>۸</sup>،  
 ۱۳ و در میان چراغدانها  
 کسی شبیه پسر انسان<sup>۹</sup>  
 که ردای بلندی داشت  
 دان ۵:۱۰ و حمایلی طلایی بر سینه بسته بود.

I- احتمالاً نویسنده به سبب ایمان و موعظه های خود در تبعید بوده است. گرچه وی در جزیره پطمس (جزیره کوچکی در دریای اژه) مکاشفه را دریافت کرده ولی متضمن آن نیست که این اثر در همانجا نوشته شده باشد. برخی می گویند که در شهر افسس نوشته شده است.

S- ترجمه دیگر: بوسیله روح القدس گرفته شدم.

T- اصطلاح «روز خداوند» چندین بار در نوشته های عهد عتیق در مواردی که خدا در جریان تاریخ دخالته مخصوص می نماید بکار برده شده است: در دوران پس از تبعید یهودیان این اصطلاح بیش از پیش به مفهوم پایان روزگار بکار برده می شد در صورتی که به نظر مسیحیان، پایان روزگار با رستاخیز مسیح آغاز شده و اصطلاح روز خداوند هم به معنی یادبود پیروزی عبد گذر و هم اعلام بازآمدن مسیح است که تجلی کامل و قطعی آن خواهد بود. ضمناً از همان اوایل دوران مسیحیت، مسیحیان روز یکشنبه را ضمن عبادت و نیایش به یادبود عید گذر و انتظار باز آمدن مسیح گرامی داشته و عید می گیرند (ر.ک. اع ۷:۲۰؛ ۱-قرن ۱۱:۲۶، ۱۶:۲).

U- در تشریح تجلی های الهی و یادآوری ظهورهای ایام آخر معمولاً به طنین و صدای شیپورها اشاره می شود (ر.ک. مت ۲۴:۳۱؛ ۱-قرن ۱۵:۵۲؛ ۱-تسا ۴:۱۶).

V- ر.ک. آیه ۴ توضیح g.

W- احتمالاً یادآوری و اشاره به چراغدان هفت شاخه ای است که مدام در قدس در حضور خدا روشن بود (ر.ک. خروج ۲۵:۳۱-۳۰، ۲۷:۲۰-۲۱). در زک ۱:۴-۱۴-۱۳ روایی ذکر شده که در آن چراغدان طلایی نقش دارد؛ نویسنده مکاشفه در جاهای مختلف اثر خود از دیگر نمادها و نشانه های کتاب زکریا بهره برده است (ر.ک. زک ۴:۱۰ و مکا ۵:۶؛ زک ۴:۳، ۱۴ و مکا ۱۱:۴).

X- عنوان پسر انسان، برطبق ادبیات مکاشفه ای یهودیان که پس از کتاب مقدس نوشته شده و تحت تأثیر دان ۷:۱۳-۱۴، در مورد موجود مرموزی بکار برده شده که مجری مشیت الهی در پایان روزگار است و اختیارات و مقام سلطنتی و قضایی دارد. در تشریح مطالب بعدی، نمادها و نشانه های مختلفی ذکر می شود که بسیاری از آنها از دان ۷:۹-۱۴ گرفته شده و علو مقام و عظمت و اختیارات این پسر انسان را یادآوری می نمایند یا پسر انسانی که باید شخصیت عیسی مسیح را در او تشخیص داد.

Y- ر.ک. اش ۴۹:۲؛ عبر ۴:۱۲؛ و مکا ۱۵:۱۵.

Z- ر.ک. اش ۴۴:۶ و ۴۸:۱۲ که در آنجا این عبارت در مورد خدا بکار برده شده است. در اینجا و در مکا ۲:۸، ۱۳:۲۲ منظور مسیح می باشد.

۱<sup>۸</sup> و زنده؛

و مرده بودم و اینک به روزگاران و روزگاران زنده هستم  
عبر ۲۵:۷ دان ۳۱:۴  
۷:۱۲:۲۷:۶

و کلیدهای مرگ و وادی مردگان<sup>a</sup> را دارم.  
۱<sup>۹</sup> پس بنویس آنچه را دیده‌ای، آنچه هست و آنچه پس از اینها فرا می‌رسد.  
۲<sup>۰</sup> راز هفت ستاره که بر [دست] راست من دیده‌ای و هفت چراغدان طلایی [چنین است]: هفت ستاره، فرشتگان<sup>b</sup> هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان هفت کلیسا می‌باشند.  
دان ۲: ۲۸، ۲۹، ۳۵  
مکا ۱: ۱، ۱۶، ۲۲، ۲۷

ایشان را دروغگو یافته‌ای،  
۳ و شکیبائی داری  
و به خاطر من تحمل کرده‌ای و از پا در نیامده‌ای.

۴ ولی علیه تو این را دارم که محبت نخست<sup>c</sup> خود را فرو گذاشته‌ای.

۵ پس به یاد آور از کجا افتاده‌ای: توبه کن و کارهای اولیه را بکن.

و گرنه نزد تو می‌آیم و چراغدان تو را از جایش برمی‌دارم اگر توبه نکنی.

۶ ولی این را داری

که از کارهای تقولویان<sup>d</sup> متنفری، که من هم نفرت دارم.

۷ هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به کلیساها می‌گوید بشنود:

از درخت زندگی که در بهشت خدا<sup>e</sup> است به پیروزمند خوراک خواهد داد.  
پید ۲: ۹، ۲۲  
مکا ۲: ۲۲

## نامه به کلیسای افسس

۱ به فرشته کلیسائی که در افسس است بنویس:

آنکه هفت ستاره به دست راست خود دارد، آنکه در میان هفت چراغدان طلایی راه می‌رود چنین می‌گوید:  
۱۶: ۱، ۲۰  
۱: ۳  
۱۲: ۱

از کارهای تو، از زحمت تو و از شکیبائی تو آگاهم،

و اینکه نمی‌توانی شریبران را تحمل کنی.

آنان که خود را رسول می‌نامند و رسول نیستند به آزمایش گذاشته

## نامه به کلیسای اسمیرنا

۸ و به فرشته کلیسائی که در اسمیرنا است

بنویس:

آن که نخستین و آخرین است، آن که  
اش ۶: ۴۴  
۱۲: ۴۸  
مکا ۱: ۸، ۱۷  
۱۳: ۲۲

- a- کلمه یونانی Hades که وادی مردگان ترجمه شده، یونانیان به کشور مرگ اطلاق می‌کردند. ر.ک مت ۱۸: ۱۶ توضیح q.  
b- منظور از فرشتگان کلیسا ممکن است رؤسای جمعیت‌های مسیحیان نظیر پیامبر (حجی ۱: ۱۳) یا کاهن (ملا ۷: ۷) باشد که بعنوان فرشته (یعنی فرستاده خدا) تعیین شده‌اند؛ یا اینکه بیشتر محتمل است منظور وجود روحانی جمعیت مسیحی باشد که به صورت شخصیت مجسم گردیده است. ضمناً اعتقاد بر اینکه برای هر یک از حقایق زمینی یک المثنی در آسمان وجود دارد با روحیه یهودیان آن دوران کاملاً سازگار بوده است.  
c- ترجمه دیگر: اشتیاق اولیه.  
d- درباره بدعت تقولویان که مجدداً در آیه ۱۵ ذکر شده هیچگونه اطلاعی در دست نیست و تنها نکته‌ای که وجود دارد در همین کتاب مکاشفه است که می‌نویسد تمایل به عقاید گنوسی و زندگی در خوشگذرانی و عیاشی دارند.

e- اشاره به پید ۲: ۹، آدم که از بهشت رانده شد از درخت زندگی دور گردید (پید ۳: ۲۲، ۲۴). یهودیان در انتظار این بودند که مسیح موعود مجدداً آنان را به بهشت وارد کند؛ مثلاً ر.ک. کتاب وصیت نامه لاوی ۱۸: ۱۰-۱۱ که نوشته است: وی (مسیح موعود، کاهن اعظم) درهای بهشت را خواهد گشود و به مقدسان از درخت زندگی خوراک خواهد داد. عیسی برای کسانی که در او به پیروزی برسند به این انتظار تحقق می‌بخشد.

- ۱۸:۱ مرده بود و زندگی از سر گرفت چنین می گوید:
- ۹ از مصیبت تو و بینوائی تو آگاهم - اما تو ثروتمندی! - و [آگاهم] از کفرگوئی آنانی که می گویند یهودی هستند ولی نیستند بلکه «کنیسه شیطانند»<sup>f</sup>.
- ۱۰ مترس از آن چه تحمل خواهی کرد؛ اینک ابلیس چند نفر از بین شما را به زندان خواهد افکند تا امتحان شوید و ده روز مصیبت خواهید داشت<sup>g</sup>.
- تا سرحدّ مرگ وفادار باش و من به تو تاج زندگی خواهم داد<sup>h</sup>.
- ۱۱ هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به کلیساها می گوید بشنود: پیروزمند هرگز دچار مرگ دوباره<sup>i</sup> نخواهد شد. ۱۴، ۱۲:۱ ۲۰:۶، ۱۴:۸، ۲۱:۸
- نامه به کلیسای پرغامس
- ۱۲ و به فرشته کلیسایی که در پرغامس است بنویس:
- ۱۷ هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به
- آن که شمشیر تیز دو دم دارد چنین می گوید:
- ۱۳ از جائی که سکونت داری آگاهم، جائی که تخت شیطان هست<sup>j</sup>.
- و تو به نام من وابسته ای و ایمان مرا انکار نکرده ای، حتی در روزهای آنتیپاس، آن گواه من، ۵:۱؛ ۱۴:۳؛ ایماندار من که در نزد شما، جائی که ۱۱:۱۶ شیطان ساکن است کشته شد.
- ۱۴ اما اندک چیزی علیه تو دارم: در آنجا کسانی را داری که وابسته به آموزه بلعام هستند، که به بالاق یاد می داد سنگ لغزش جلو فرزندان اسرائیل بیندازد تا گوشت قربانی بت ها را بخورند و مرتکب فحشاء شوند<sup>k</sup>. ۱۵ بدین سان تو هم کسانی داری که همان طور وابسته به آموزش نقولاولی<sup>l</sup> هستند.
- ۱۶ پس توبه کن؛ و گرنه نزد تو می آیم و با شمشیر دهانم با ایشان خواهم جنگید.
- ۱۷ هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به

f- مبنای این اتهام آن است که مسیحیان معتقد بودند خودشان یهودیان حقیقی و اسرائیل واقعی هستند (ر. ک. روم ۲: ۲۸-۲۹؛ غلا ۳۹: ۶؛ ۱۶: ۱۶). به این ترتیب یهودیانی که مسیح را نپذیرفته و در پی آزار و شکنجه مسیحیان بودند، امتیاز دعوت الهی را رد کرده و بنابراین دیگر فرزندان ابراهیم به شمار نمی آیند بلکه فرزندان شیطان (ر. ک. یوحنا ۸: ۴۴).

g- در اینجا مصائب آینده اعلام شده است که احتمالاً مدت آن کوتاه خواهد بود (ده روز) و مسلماً یهودیان مسبب آن می باشند (ابلیس = شیطان مذکور در آیه ۹ است). بعدها در همین شهر اسمیرنا در قرن دوم میلادی بر اثر تحریک یهودیان، مسیحیان آزار و شکنجه بسیار دیدند (ر. ک. شهید شدن پولیکارپ).

h- شهادت همچون مبارزه است و نظیر نمایشهای مبارزه قهرمانان در میدانهای بازی، کسی که پیروز شود تاج افتخار دریافت می کند.

i- منظور مرگ نهائی و قطعی است که در مقابل مرگ جسمانی در اینجا مرگ دوباره نامیده شده است (ر. ک. مکا ۲۰: ۶، ۱۴: ۸: ۲۱).

j- شاید اشاره به پرستش امپراطور باشد زیرا در ناحیه آسیای صغیر، شهر پرغامس مرکز مهم این پرستش بود و به مسیحیان دستور داده شده بود که از بین مسیح یا امپراطور یکی را به عنوان خداوند انتخاب کنند.

k- بر طبق بعضی از روایات یهود، مفاد اعد ۲۵: ۱-۲ و اعد ۳۱: ۱۶ تلفیق شده و بلعام به عنوان محرک بی وفائی در سرزمین موآب به شمار آمده است. این نکته گاهی در روایات مسیحی نیز ذکر شده است (یهو ۱: ۲-۲؛ بطر ۲: ۱۵). در کتاب مکاشفه نظیر نوشته های عهدعتیق در مورد کسی که نسبت به خدا وفادار نبوده و به بتها روی می آورد، کلمات فحشاء و فاحشه بکار برده می شود.

l- ر. ک. مکا ۲: ۶ توضیح d.

کلیساها می گوید بشنود:  
 به پیروزمند از من پنهان<sup>m</sup> خواهم داد؛  
 و به او سنگی سفید<sup>n</sup> خواهم داد، و بر  
 روی این سنگ نامی نو<sup>o</sup> نوشته شده که  
 هیچ کس به جز آن که دریافت می کند  
 نمی داند.

اش ۲:۶۲؛  
 ۱۵:۶۵؛  
 مکا ۱۲:۳؛  
 ۱:۱۴

اعد ۲۵:۱-۲؛  
 مکا ۱۴:۲

اولین کارها بیشترند آگاهم.  
<sup>۲۰</sup> اما علیه تو این دارم که می گذاری  
 ایزابل<sup>p</sup>،  
 آن زنی که خود را پیامبر می خواند  
 خدمتگزاران مرا گمراه کرده به آنان  
 فحشاء و خوردن گوشت های قربانی  
 بت ها را بیاموزد.  
<sup>۲۱</sup> به او فرصت داده ام تا توبه کند  
 ولی نمی خواهد از فحشای خود توبه  
 نماید.  
<sup>۲۲</sup> اینک او و کسانی را که با او زنا  
 کرده اند  
 با مصیبتی بزرگ بر روی بستر خواهم  
 انداخت<sup>q</sup>،  
 اگر از کارهای او توبه نکنند.  
<sup>۲۳</sup> و فرزندان او را به وسیله مرگ از بین

نامه به کلیسای طیاطیرا  
<sup>۱۸</sup> و به فرشته کلیسائی که در طیاطیرا است  
 بنویس:  
 اینک سخن پسر خدا،  
 آن که چشمانی به سان شعله آتش دارد و  
 پاهایش به مانند مفرغ است چنین  
 می گوید:  
<sup>۱۹</sup> از کارهای تو و محبت تو و ایمان تو و  
 شکیبائی تو و از آخرین کارهای تو که از

دان ۱۰:۶؛  
 مکا ۱۴:۱-۱۵

m- طبق خروج ۳۲:۱۶-۳۴ که در عبر ۴:۹ نیز نقل و تأیید شده است اندکی از من (مائده آسمانی که در صحرای سینا برای  
 یهودیان می رسید) در «خیمه ملاقات» قرار داده شده بود تا یادآوری عنایت و توجه خدا نسبت به قوم خود باشد. این روایت  
 بعداً مشروح تر گردید مثلاً در ۲-مک ۲:۴-۸ آمده که پس از ویرانی اورشلیم، ارمیای نبی صندوقچه پیمان و باقیمانده مائده  
 آسمانی را در کوه نبو پنهان کرد؛ برطبق بعضی از نوشته های یهودیان که مؤخر بر کتاب مقدس هستند این اشیاء را در «روز  
 یهوه» باز خواهند یافت.

بنابراین من پنهان در واپسین روزگار عطا خواهد شد و مظهر و نشانه انتقال قطعی نعمت های مسیحائی است. در اینجا اختلاف  
 مائده آسمانی با گوشت های قربانی برای بتها نشان داده شده و خوردن این گوشت ها نوعی همرائی با رب النوعهای مشرکان  
 بشمار آمده است. برای فرد مسیحی ذکر این نکته یادآور راز سپاسگزاری است که مائده پایان روزگار و نوبرهای زندگی  
 آسمانی می باشد (ر.ک یو ۳۱:۵۸).

n- منظور از سنگ سفید معلوم و مشخص نبوده و تفسیر آن مسلم نیست. ممکن است پولک (ژتون) برای ورود به مجمع سلطنتی،  
 یا طلسم یا علامت رأی برائت در دادگاه است. به هر صورت رنگ سفید یادآور نوعی شرکت در شکوهمنندی است و در اینجا  
 مخصوصاً توجه به نام مقدسی است که بر روی این سنگ ثبت شده است.

o- مسلماً «نامی برتر از هر نام» است که مسیح پس از رستاخیز این نام را دریافت نموده است (ر.ک فی ۲:۹). فرد مسیحی  
 انتقال و ابلاغ نام خداوند خود را دریافت خواهد کرد، یعنی فراخوانده شده تا در مقام و سرنوشت او سهیم باشد. در متن بالا  
 سخن از نامی نو است و این صفت را که قبلاً پیامبران در نوشته های عهد عتیق بکار برده اند (اش ۱۹:۴۳؛ ار ۳۱:۳۱-۳۲؛  
 حزق ۳۶:۲۶) در کتاب مکاشفه اکثراً توصیف واقعیت های پایان روزگار و بنا براین حقایق مسیحیت هستند مثلاً: دنیای نو،  
 آسمان نو، اورشلیم نو... (ر.ک مکا ۲۱:۵). اصطلاحات مشابهی در سایر نوشته های عهد جدید وجود دارد: عهد نو (۱-  
 قرن ۱۱:۲۵-۲-قرن ۳:۶)، آفریده نو (غلا ۱۵:۶؛ ۲-قرن ۵:۱۷)، انسان نو (افس ۲:۱۵؛ ۴:۲۴)، فرمان نو (یو ۱۳:۳۴).

p- نام ایزابل در اینجا نامی نمادین و مظهر بدی و بت پرستی و اشاره به زنی است که بنا بر نوشته های عهد عتیق آئین بت پرستی  
 را در فلسطین رواج می داد (ر.ک ۱-باد ۱۶:۳۱ و ۲-باد ۹:۲۲). بی نظمی هائی که ذکر شده مربوط به خطاهائی است که  
 تقولاویان مرتکب می شدند (ر.ک مکا ۲:۶ توضیح d).

q- ترجمه دیگر: اینک او را بر روی بستر مصیبتی ناگوار می اندازم، همچنین همشینان زناکار او را.

## نامه به کلیسای ساردس

۱ و به فرشتهٔ کلیسایی که در ساردس است بنویس:

آن که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد  
 اش ۱:۱۱:۲؛ مکا ۱:۴:۵؛ ۶:۵

چنین می گوید:  
 از کارهای تو آگاهم که به اسم زنده  
 ۱:۱۶:۲۰؛ ۱:۲

هستی ولی مرده ای!  
 ۲ هشیار باش و بقیه را که نزدیک به مُردن  
 هستند<sup>۷</sup> تثبیت کن؛ زیرا نیافته ام که  
 کارهای تو در برابر خدای من به تحقق  
 رسیده باشد.

۳ پس به یاد بیاور چگونه دریافتی و شنیدی<sup>w</sup>  
 و نگاه دار و توبه کن.

اگر هشیار نمایی، به مانند دزدی می آیم  
 و نخواهی دانست چه ساعتی بر تو سر  
 می رسم.  
 مت ۲۴:۴۲-۴۳؛ ۱-تسا ۵:۲؛ مکا ۱۵:۱۶

۴ ولی در ساردس چند نفر داری که لباسهای  
 خود را آلوده نکرده اند؛  
 ایشان با لباسهای سفید با من راه خواهند  
 رفت<sup>x</sup> زیرا شایسته هستند.

## خواهم برد

و تمام کلیساها خواهند دانست که من،  
 کلیه ها و دلها را تفحص می کنم  
 و به هر یک از شما برابر کارهایتان  
 خواهم داد.

مز ۱۰:۷  
 مز ۱۳:۶۲  
 مت ۲۷:۱۶

۲۴ ولی به شما می گویم، به کسان دیگری در  
 طیاطیرا که در این آموزش شرکت  
 ندارند، آنان که به اعماق شیطان پی  
 نبرده اند<sup>r</sup> چنانکه می گویند:

بار دیگری بر دوش شما نمی گذارم؛  
 ۲۵ فقط آنچه دارید نگه دارید تا آنکه بیایم.

۲۶ و پیروزمند، آنکه کارهای مرا تا به آخر  
 رعایت می کند، به او اقتدار بر ملت ها  
 را خواهم داد<sup>s</sup>،

مز ۸:۲

۲۷ و آنان را با عصائی آهتین خواهد چرانید،  
 چنانکه کوزه های سفالین را خرد می کنند<sup>t</sup>،

مز ۹:۲  
 مکا ۵:۱۲  
 ۱۵:۱۹

۲۸ همچنان که من از پدرم اقتدار یافته ام،  
 و به او ستارهٔ صبح<sup>u</sup> را خواهم داد.

۲۹ هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به  
 کلیساها می گوید بشنود!

I- در اینجا نویسنده ادعاهای پیروان گنوسی را محکوم می کند که مدعی بودند پس از دریافت تعلیمات مخصوص، محرم به اسرار شده و به شناسائی رموز ممتاز مذهبی دست می یابند.

S- کلمه یونانی که در اینجا ملّت ها ترجمه شده اکثراً به مفهوم مشرکان و در مقابل قوم خدا بکار برده می شود ولی گاهی این کلمه را بدون اینکه متضمّن اختلاف و معارضه باشد به معنی کلی ملّت ها بکار می برند. البته در صورت رعایت امانت در ترجمه بایستی همواره به ملّت ها برگردانده شود، حتی اگر نظیر مورد بالا، اوضاع و احوال و موضوع کلام نشان دهد که منظور مشرکان است.

T- تصویر قدرت خرد کردن کوزه های سفالین و این طرز بیان که از مز ۸:۲-۱۹ اخذ شده در مورد مسیح می باشد و در مکا ۵:۱۲ و ۱۵:۱۹ نیز خواهد آمد. در اینجا مسیح این قدرت را به مسیحیان نیز تعمیم می دهد یعنی مسیحیان در اقتدار پادشاهی او سهیم می باشند (ر.ک مکا ۹:۱ توضیح q).

U- تصویر ستاره صبحگاهی نشانه مسیحائی است (ر.ک اعد ۱۷:۲۴). در اینجا نظیر مکا ۱۶:۲۲ منظور از ستارهٔ صبح مسیح می باشد. در این آیه مجدداً با عباراتی جدید سهیم بودن فرد مسیحی با مسیح بیان شده است.

V- مفهوم جمله یا این است که عمر کمی از جمعیت باقی مانده یا اینکه تعداد محدودی از اعضای جمعیت وفادار مانده اند.

W- یعنی چگونه [کلام را] دریافتی و شنیدی. گاهی ترجمه می کنند: بیاد بیاور آنچه را دریافته و شنیده ای.

X- تصویر لباس برای نشان دادن ژرفای حقیقت آدمی بکار می رود. کسی که لباس خود را آلوده می کند، خود را ناشایست و ننگین می سازد [چنان که در زبان فارسی هم کسی را که فاسق و بی عفاف است آلوده دامن می خوانند]. ضمناً دریافت کردن لباسی سفید به مفهوم پاک و منزّه شدن و شرکت در زندگی مسیح رستاخیز کرده است. این تصویر بارها در مکاشفه بکار رفته است (ر.ک مکا ۳:۱۸؛ ۴:۴؛ ۶:۱۱؛ ۷:۹؛ ۱۳-۱۴؛ ۲۲:۱۴).

<sup>۹</sup> اینک به تو از کنیسه شیطان<sup>b</sup> می‌دهم، ۹:۲  
آنان که خودشان می‌گویند یهودی هستند  
ولی نیستند بلکه دروغ می‌گویند!

اینک بر همه ایشان چنان خواهم کرد که  
خواهند آمد و در برابر پاهای تو سجده  
خواهند کرد  
اش ۱۴:۴۵؛ ۲۳:۴۹؛ ۱۴:۶۰؛  
۲۳:۶۶؛  
مز ۹:۸۶

و خواهند دانست که به تو محبت داشته‌ام. اش ۴:۴۳  
<sup>۱۰</sup> و چون تو سخن پایمردی مرا رعایت  
کرده‌ای<sup>c</sup>،

من هم تو را در ساعت آزمایش که بر  
تمام زمین فرا می‌رسد  
تا همه کسانی را که بر ربع مسکون  
سکونت دارند<sup>d</sup> آزمایش نماید نگهداری  
خواهم کرد<sup>dd</sup>.

<sup>۱۱</sup> به زودی می‌آیم؛  
آنچه داری در دست نگه دار تا کسی تاج  
تو را نگیرد<sup>e</sup>.

<sup>۱۲</sup> پیروزمند را ستونی در قدس خدای خود  
خواهم کرد و دیگر بیرون نخواهد رفت،  
و بر روی او نام خدایم،

و نام شهر خدایم، اورشلیم<sup>f</sup> را که از  
حزق ۳۵:۴۸؛  
مکا ۲:۲۱

<sup>۵</sup> بدین گونه، پیروزمند لباسهای سفید دربر  
خواهد داشت؛

و نام او را از کتاب زندگی<sup>۱</sup> نخواهم زدود  
و نامش را در برابر پدرم و فرشتگانش  
اقرار خواهم کرد<sup>z</sup>.

<sup>۶</sup> هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به  
کلیساها می‌گوید بشنود!

### نامه به کلیسای فیلادلفیه

<sup>۷</sup> و به فرشته کلیسایی که در فیلادلفیه است  
بنویس:

آن که مقدّس و حقیقی است،  
آنکه کلید داود<sup>a</sup> را دارد؛

آنکه باز می‌کند و کسی نخواهد بست  
و می‌بندد و کسی باز نمی‌کند،

چنین می‌گوید:

<sup>۸</sup> از کارهای تو آگاهم؛

اینک در برابر تو دری گشوده‌ام که کسی  
نمی‌تواند آن را ببندد،

زیرا با توانائی اندکی که داری سخن مرا  
رعایت کرده‌ای و نام مرا انکار ننموده‌ای.

y- کتاب زندگی، دفتری آسمانی است که نام برگزیدگان در آن ثبت شده است (ر. ک. مکا ۱۳:۸؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۲، ۱۵؛  
۲۱:۲۷). این تصویر مرتباً در نوشته‌های کتاب مقدس آمده است (مثلاً ر. ک. خروج ۳۲:۳۲-۳۳؛ حزق ۲۸:۶۹-۲۹؛  
دان ۱:۱۲؛ فی ۳:۴).

z- ترجمه دیگر: در برابر پدرم و در برابر فرشتگانش جوابگو خواهم بود.

a- کلید داود. این اصطلاح مربوط به قطعه‌ای در کتاب اشعیاست (اش ۲۲:۲۲) و در آنجا موضوع در باب انتقال قدرت به  
نماینده و مأمور مورد اعتماد است. در صورتی که در اینجا باید به مفهوم مسیحائی درک شود یعنی مسیح اقتدار کامل دریافت  
نموده و داوری او قطعی و غیرقابل استیناف است.

b- ر. ک. مکا ۹:۲ توضیح f.

c- ترجمه دیگر: چون سخن مرا با پایمردی رعایت کرده‌ای.

d- چنین به نظر می‌رسد که در اینجا منظور از کسانی که بر ربع مسکون سکونت دارند مردمانی هستند که بر روی زمین مستقر  
شده‌اند در صورتی که بالعکس مسیحیان از هم اکنون اصولاً اهل آسمان به شمار می‌آیند (ر. ک. فی ۳:۲۰).

dd- [کلمه یونانی که در اینجا بر حسب ضرورت کلام «نگهداری کردن» ترجمه شده همان است که معمولاً به رعایت کردن  
برگرانده می‌شود (ر. ک. آیه ۸ و قسمت اول آیه)]

e- ر. ک. مکا ۱۰:۲ توضیح h.

f- در اعلام پیامبران در باب اورشلیم نو و ترمیم خرابی‌های اورشلیم، انتظار یهودیان منحصر به بازسازی مادّی اورشلیم نبوده است  
(ر. ک. اش ۱:۵۱-۳؛ ۶۵:۱۸-۲۵). همین موضوع در مسیحیت اظهار شده بدین معنی که اورشلیم مرکز و نقطه اصلی عهد و پیمان  
نیست بلکه مسیحیان خود را اهالی شهری آسمانی می‌دانند که اورشلیم نو می‌باشد (ر. ک. مکا ۲۱:۲؛ همچنین ر. ک. غلا ۲۶:۲).

و قدری سُرْمه برای کشیدن به چشمان<sup>ii</sup>  
تا ببینی.

<sup>۱۹</sup> من، تمام آنانی را که دوست می دارم

سرزنش و تأدیب می کنم؛  
عبر ۱۲:۳؛ امت ۶:۱۲

غیرت داشته باش و توبه کن.

<sup>۲۰</sup> اینک دم در ایستاده و در می زنم،

اگر کسی صدایم را بشنود و در را باز کند،

به نزد او درآمده با او شام<sup>۱</sup> خواهم خورد  
لو ۲۲:۲۹-۳۰؛ یو ۱۴:۲۳

و او با من.

<sup>۲۱</sup> به پیروزمند این [اجازه] را خواهم داد  
مت ۲۸:۱۹؛ لو ۳۰:۲۲؛ مکا ۴:۲۰

که با من بر روی تخت من بنشیند

چنانکه من هم پیروز شدم و با پدرم بر

روی تخت او نشسته ام.

<sup>۲۲</sup> هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به

کلیساها می گوید بشنود!

### تخت خدا و نیایش آسمانی

<sup>۱</sup> پس از آن دیدم

<sup>۴</sup> دری گشاده در آسمان،

و صدائی که مثل شیپوری که اول شنیده ۱۰:۱

بودم با من حرف زده می گفت:

بدین جا بالا بیا، و آنچه بعد از این باید

فرا رسد به تو نشان خواهم داد.  
دان ۲:۲۹؛ مکا ۱:۱۹

<sup>۲</sup> همان دم در روح شدم.

و آنگاه تختی در آسمان قرار داشت<sup>k</sup>

و روی این تخت کسی نشسته بود.  
حزق ۱:۲۶؛ اش ۱:۱۰؛ اش ۱:۶

آسمان از نزد خدای من فرود می آید و

همچنین نام جدید<sup>g</sup> خود را خواهم

نوشت.  
اش ۲:۶۲؛ مکا ۱۷:۲؛ مکا ۱۵:۶۵

<sup>۱۳</sup> هر که گوش دارد آنچه را روح القدس به

کلیساها می گوید بشنود!

### نامه به کلیسای لاودیکیه

<sup>۱۴</sup> و به فرشته<sup>۱</sup> کلیسایی که در لاودیکیه

است بنویس:

آمین<sup>h</sup> چنین می گوید آنکه گواه وفادار و

مز ۳۸:۸۹؛ مکا ۵:۱؛ مکا ۱۱:۱۹

حقیقی،

و اساس آفرینش خدا<sup>۱</sup> است:

<sup>۱۵</sup> از کارهای تو آگاهم: تو نه سرد، نه

یو ۱:۳؛ کول ۱:۱۵؛ عبر ۲:۱

جوشان هستی.

کاش سرد یا جوشان بودی!

<sup>۱۶</sup> بدینسان چون ولرم هستی و نه سرد و نه

جوشان، تو را از دهان خود استفراغ

می کنم.

<sup>۱۷</sup> زیرا می گوئی: من ثروتمندم و ثروتمند

شده ام و به هیچ چیز نیاز ندارم،

و نمی دانی که درمانده، قابل ترحم،

بینوا، نابینا و برهنه هستی،

<sup>۱۸</sup> به تو اندرز می دهم از من طلای پاک

شده به آتش بخر تا ثروتمند شوی و

لباسهای سفید تا پیوشی و شرمساری

برهنگی تو آشکار نگردد

g- ر. ک مکا ۱۷:۲ توضیح c.

h- آمین کلمه ای عبری است که از نظر ریشه لغوی به معنی استحکام و یقین می باشد. این کلمه در اجرای مراسم مذهبی یهودیان و سپس در مسیحیت در مورد پاسخ ایمان داشتن به کلام خدا به کار برده می شود. در تمام این معانی همچنان که در متن بالا، مسیح آمین است (ر. ک ۲-قرن ۱:۱۹-۲۰).

i- اساس آفرینش خدا، حکمت خدا و کلام اصلی خدا است (ر. ک امت ۸:۲۲؛ حک ۱:۹-۲؛ کول ۱:۱۵-۱۸).

ii- [تحت اللفظی: برای تدهین چشمانت].

j- با توجه به این که در کتاب مکاشفه، مخصوصاً در نامه های خطاب به کلیساها، مرتباً اشاره به تصاویر آئین نیایش می شود گاهی به جای کلمه شام، کلمه شام آخر ترجمه می کنند.

k- نویسنده که می خواهد از قدرت خلافت خدا یاد کند مخصوصاً از رؤیاهای حزقیال استفاده می کند که با نماد و اشاره بیان شده است (بابهای ۱، ۱۰) و در آنجا ذکر شده خدا بر روی دنیائی که آفریده جلوس می کند.

- حزق ۱:۲۶-۲۸<sup>۳</sup> و آن که نشسته بود منظره‌ای شبیه سنگ  
یشم و عقیق داشت.  
و دورادور تخت رنگین‌کمانی<sup>۱</sup> شبیه به  
منظرهٔ زمرد.
- <sup>۴</sup> و دورادور تخت، بیست و چهار تخت  
و روی تخت‌ها بیست و چهار پیر<sup>m</sup>  
نشسته، جامه‌های سفید دربر و بر روی  
سرشان تاجهای زرین.
- <sup>۵</sup> و از تخت آذرخشها و صداها و تندرهای  
خارج می‌شد. حزق ۱:۱۳؛  
خروج ۱۶:۱۹
- و در برابر تخت هفت مشعل آتش  
می‌سوخت  
که هفت روح خدا هستند<sup>n</sup>.
- <sup>۶</sup> و در جلو تخت به مانند دریائی شیشه‌ای  
شبیه بلور<sup>o</sup>
- حزق ۵:۱-۲۱ و در وسط تخت و دورادور تخت چهار  
جاندار که پیش رو و پشت سر آنها پُر از
- چشم بود.  
<sup>v</sup> و اولین جاندار شبیه شیر است  
و دومین جاندار شبیه گوساله‌ای  
و سومین جاندار صورتی شبیه انسان دارد  
و چهارمین جاندار شبیه عقابی است که  
پرواز می‌کند<sup>p</sup>.
- <sup>۸</sup> و هریک از چهار جاندار شش بال دارد<sup>q</sup>؛  
و دورادور و در درون پُر از چشم هستند.  
اش ۶:۲؛ حزق ۱:۱۸؛  
۱۲:۱۰
- و روز و شب آرام ندارند و می‌گویند:  
قدوس، قدوس، قدوس  
خداوند خدا، قادر بر همه،  
آنکه بود، آنکه هست و آنکه می‌آید!  
اش ۳:۶؛  
۸:۴؛  
۵:۱۶؛ ۱۷:۱۱
- <sup>۹</sup> و هر بار که این جانداران، آن تخت نشین  
را که به روزگاران و روزگاران زنده است  
تجلیل و تکریم کرده سپاس می‌گویند،  
<sup>۱۰</sup> بیست و چهار پیر در برابر آن تخت نشین  
که به روزگاران و روزگاران زنده است

1- کلمهٔ یونانی که رنگین‌کمان ترجمه شده به معنی هاله نورانی نیز آمده که دایرهٔ نورانی است که دور ماه دیده می‌شود یا گاهی نقاشان به دور سر مقدسان ترسیم می‌کنند. با توجه به این معنی بعضی از مفسران این عبارت را این گونه ترجمه می‌کنند: هاله شکوهندی دورادور تخت را با پرتوهای زمردین گرفته بود.

m- سه علامتی که به پیران نسبت داده شده یعنی تخت، جامهٔ سفید و تاج با آنچه به مسیحیان وعده داده شده تطبیق می‌کند (رک ۳:۲۱؛ ۳:۴-۵؛ ۳:۱۱). لذا این مجمع آسمانی به یک معنی مظهر و نمایندهٔ ملّت خدا به شمار می‌رود که در شکوهندی او سهیم هستند و در اجرای پرستش و سپاسگزاری اول به خدا به عنوان آفریننده خطاب می‌کنند (باب ۴) و سپس به برّه که منجی و بازخرید کننده گناهان است (باب ۵). کلمهٔ یونانی که در توصیف آنان ذکر شده و پیر ترجمه گشته همان واژه‌ای است که در مورد رؤسا و مسئولان اسرائیل و سپس مسئولان کنیسه و بالاخره در مورد مسئولان جمعیت‌های مسیحی بکار برده شده است.

تعداد پیران بیست و چهار تن است که ممکن است منظور بیست و چهار طبقه مسئولان امور مذهبی باشد (۱-توا ۲۴:۳-۱۹)، یا دوازده پیامبری که نمایندهٔ نبوت در عهد عتیق و دوازده رسول مسیح می‌باشند و یا اینکه منظور دوازده قبیله اسرائیل است که به آنها دوازده دیگر مربوط به ملّت جدید افزوده شده است. ولی نویسنده شخصیت این افراد را به قدری عمومی و کلی توصیف کرده که می‌توان دریافت چندان اهمیتی برای تعیین هویت دقیق ایشان قائل نبوده است.

n- ر.ک مکا ۱:۴ توضیح g.

o- ترجمهٔ دیگر: به مانند دریائی شفاف شبیه بلور.

p- پس از قدیس ایرنائوس اسقف لیون (قرن دوم میلادی) و در دنبالهٔ نظریات وی، در روایات مذهبی این چهار جاندار به عنوان نماد چهار انجیل نگار پذیرفته شده اند ولی مشکل بتوان قبول کرد که منظور نویسنده نیز همین بوده باشد زیرا در این رؤیا مستقیماً از کتاب حزقیال (باب ۱) الهام گرفته شده که در آنجا سخن از چهار جاندار می‌باشد که مظهر دنیای آفریده شده هستند و تخت خدا بر روی آنها قرار گرفته است.

q- این نکته تأثیر رویائی است که در باب ششم کتاب اشعیا ذکر شده چنانکه در آنجا (اش ۳:۶) سه بار اعلام قدوسیت خدا نیز ذکر شده است.

نگاه کند.

<sup>۴</sup> و من می‌گریستم زیرا کسی پیدا نشده بود که شایسته گشودن کتاب یا نگاه کردن به آن باشد.

<sup>۵</sup> و یکی از پیران به من گفت: گریه مکن!

اینک شیر قبیله یهودا، از ریشه داود<sup>۴</sup> عبر ۱۴:۷؛  
روم ۱۲:۱۵

پیروزمند است؛

وی کتاب و هفت مهر آن را خواهد گشود.

<sup>۶</sup> و دیدم در بین تخت و چهار جاندار

و در میان پیران،

بره ای ایستاده، همچون ذبح شده<sup>۵</sup>، یو ۱:۲۹

هفت شاخ و هفت چشم داشت که هفت ۴:۱

روح خدا هستند و به تمامی روی زمین فرستاده شده اند.<sup>۷</sup>

<sup>۷</sup> و آمده [کتاب را] از [دست] راست آن

تخت نشین گرفت.

<sup>۸</sup> و وقتی کتاب را گرفت،

چهار جاندار و بیست و چهار پیر در برابر

بره افتادند

و هریک بربطی و جامهائی زرین پُر از ۳:۸  
مز ۱۴۱:۲

افتاده سجده می‌کنند

و تاجهای خود را در جلو تخت او انداخته می‌گویند:

<sup>۱۱</sup> ای خداوند خدای ما، شایسته ای که

تجلیل و تکریم و قدرتمندی بیایی،

زیرا تو همه چیز را آفریدی،

و همه به اراده تو بوده و آفریده شده

است.<sup>۱۲</sup>

### کتاب مهر شده و بره

<sup>۱</sup> و دیدم بر [دست] راست

**۵** تخت نشین

کتابی که درون و پشت آن نوشته شده

و با هفت مهر، مهر گردیده است.<sup>۹</sup> اش ۱۱:۲۶

<sup>۲</sup> و فرشته ای نیرومند دیدم که به صدائی

بلند ندا می‌کرد:

چه کسی شایسته است کتاب را بگشاید

و مهرهایش را بشکند؟

<sup>۳</sup> و هیچ کس نه در آسمان، نه بر روی زمین

و نه در زیر زمین

نمی‌توانست کتاب را بگشاید یا به آن

<sup>۱-۲</sup> ترجمه دیگر: تو خواسته بودی که همه چیز باشد و آنها آفریده شدند.

<sup>۳-۵</sup> تصویر کتاب از حزق ۲:۹-۱۰ گرفته شده و آن را به چند طریق می‌توان تفسیر کرد: ممکن است منظور کتابی باشد که حاوی مشیت‌های خداست. در این صورت به شکل وصیت نامه ای مهر شده است و مسیح اجراکننده آن است زیرا کسی بجز او مهرها را نمی‌گشاید. برطبق تفسیری که از قرن سوم میلادی پذیرفته شده منظور از این کتاب عهد عتیق می‌باشد و مسیح ظهور و تحقق مندرجات آن است.

در این دو نوع تفسیر، کتاب که به صورت طوماری به هم پیچیده است و درون و پشت آن نوشته شده نشانه آن است که مشیت خدا کامل و قطعی است و اکنون تحقق می‌یابد؛ یا اینکه طرز قرائت و درک جدید و معنوی عهد عتیق را نشان می‌دهد که مسیح آورده و غیر از قرائت ظاهری و مادی آن است (ر. ک ۲-قرن ۳:۱۴-۱۶).

<sup>t</sup> این عنوانهای مسیحائی از پید ۹:۴۹؛ اش ۱۱:۱، ۱۰ گرفته شده است.

<sup>۱۱-۱۲</sup> مفهوم این عبارت را باید به صورت ترکیبی از راز و قایع گذر درک کرد: بدین معنی که مسیح بر مرگ پیروز شده (بره ای ایستاده) و به وسیله فدا کردن خود (ذبح شده) غالب آمده است.

تصویر مسیح به عنوان بره از تصاویری است که بارها در مکاشفه آمده و مربوط به اظهارات پیامبرانه اش ۵:۷؛ ۷ و احتمالاً تصویر بره عید گذر است که در خروج ۱۲:۳-۶ ذکر شده است.

<sup>۷</sup> - شاخ‌ها نشانه و سمبل قدرت هستند (مثلاً ر. ک تث ۳۳:۱۷؛ دان ۷:۷، ۲۴). تصویر هفت چشم از زک ۴:۱۰ گرفته شده و در آنجا به معنی حکمت و معرفت کامل خدا است. تشبیه و تطابق هفت چشم به هفت روح احتمالاً تحت تأثیر اش ۱۱:۲ می‌باشد که گفته شده مسیح موعود هفت روح یعنی تمامیت روح القدس را دارد.

عطرها داشت	و تمام آنچه در آنها هست
که نیایشهای قدیسان هستند.	شنیدم که می گفتند:
۹ و سرودی نو <sup>W</sup> خوانده می گویند:	بر تخت نشین و بر برّه،
تو شایسته ای که کتاب را گرفته	ستایش و حرمت و جلال و تسلط
مهرهایش را بگشائی	به روزگاران و روزگاران باد!
زیرا ذبح شدی	۱۴ و چهار جاندار می گفتند:
و برای خدا با خون خود	«آمین!»
۴:۱۴ هر قبیله و هر زبان و هر قوم و هر	و پیران افتاده سجده کردند.
ملت را خریدی،	
۱۰ و تو ایشان را برای خدای ما سلطنت	گشودن شش مهر اول
و کاهنان کرده ای	۱ و دیدم هنگامی که بره یکی از
که بر روی زمین فرمانروائی خواهند	حزق ۵:۱۷:
کرد.	۲۱-۱۳:۱۴
۱۱ و دیدم و صدای فرشتگان زیادی را	چهار جاندار با صدائی همچون تندر
شنیدم که گردآگرد تخت بودند و	می گفت: بیا!
جانداران و پیران	۲ و دیدم آنگاه اسبی سفید <sup>x</sup> و کسی که بر
که تعدادشان آلف و الوف و هزاران	آن سوار بود کمانی داشت و به او تاجی
هزار بود.	داده شد
۱۲ و با صدای بلند می گفتند:	و او پیروزمند بیرون آمد تا پیروزی یابد.
شایسته است برّه ای که ذبح شده بود	۳ و هنگامی که مهر دوم را گشود شنیدم که
قدرت و ثروت و حکمت	دومین جاندار می گفت: بیا!
۹-۷:۲ فی و قوت و حرمت و جلال و ستایش بیاید.	۴ و اسب دیگری، سرخ آتشین بیرون آمد،
۱۳ و هر آفریده ای که در آسمان، بر روی	و به آنکه سوار بود داده شد <sup>xx</sup> تا صلح را
زمین و در زیر زمین و بر روی دریا	از زمین برگیرد و یکدیگر را سر ببرند
	و به او شمشیری بزرگ داده شد.

W- ر.ک مکاشفه ۱۷:۲ توضیح O.

X- کاملاً روشن است که رؤیای چهار سوار از زک ۸:۱:۸:۱:۶-۸ الهام گرفته است. مجموعه تفسیرهایی که در مورد سوار اولی شده می توان به دو طبقه تقسیم کرد: (۱) با توجه به مشابهت چهار سوار، چون دومین سوار جنگ و ویرانی، سومین سوار مظهر قحطی و چهارمین سوار نشانه بیماریهای مسری همه گیر است بنابراین سوار اول هم باید مظهر بلا و مصیبتی مثل روحیه کشورگشائی و هجوم بشمار آید (با اینکه واقعاً اشاره به هجوم پارتها در قرن اول میلادی است که جنگجویان و تیراندازان ورزیده ای بودند). (۲) در تفسیرهای دیگر به مشخصات مخصوص سوار اول یعنی رنگ سفید، تاج و پیروزی توجه شده که با سوار آسمانی در مکاشفه ۱۱:۱۹ و آیات بعدی مشابه است و لذا تصور می کنند منظور از سوار مذکور خود مسیح یا قدرت پیام انجیل یا مظهر داوریهای الهی است. ضمناً در یکی از تفسیرهای نوع اول با توجه به مشخصات سوار اول، وی را یک مسیح دروغی تصور می کنند که آمدن او را مسیح اعلام کرده است (ر.ک مت ۲۴:۴-۵). به هرصورت چهار سوار مذکور مظهر و نشانه دوران ایام آخر هستند (ر.ک مت ۲۴:۶-۷ و متون متوازی در اناجیل نظیر).

XX- [یعنی توانائی داده شد.]

- تا به کی داوری نمی کنی  
و انتقام خون ما را از ساکنان روی زمین نمی گیری؟  
۱۱ و به هر یک از آنان جامه ای سفید داده ۳-۱:۱۴  
شد  
و به آنان گفته شد که باز هم کمی آرام بگیرند  
تا تعدادشان کامل شود و همقطاران بردگی ایشان و برادرانشان به مانند ایشان کشته شوند.  
۱۲ و دیدم هنگامی که مَهر ششم را گشود زلزله ای عظیم روی داد  
و خورشید به مانند کیسه ای موئین سیاه اش ۱۰:۱۳: ۳:۵  
شد  
و تمام ماه همچون خون گشت<sup>b</sup>.  
۱۳ و ستارگان آسمان بر روی زمین افتادند، همچون درخت انجیری که چون به تکان اش ۴:۳۴  
بادی عظیم میوه های نارس خود را به زمین می ریزد<sup>c</sup>.  
۱۴ و آسمان همچون طوماری که پیچیده اش ۴:۳۴: عبیر ۱:۱۲: مکا ۲۰:۱۶: ۱۱:۲۰  
شود<sup>d</sup> به کنار رفت  
و هر کوه و جزیره ای از جای خود جابجا شد.  
۱۵ و پادشاهان زمین و بزرگان و سپهسالاران  
۵ و هنگامی که مَهر سوم را گشود، شنیدم که سومین جاندار می گفت: بیا!  
و دیدم آنگاه اسبی سیاه و آنکه بر آن سوار بود ترازوئی به دست خود داشت.  
۶ و شنیدم در میان چهار جاندار همچون صدائی که می گفت:  
مُشتی گندم به یک دینار! و سه مشت جو به یک دینار!  
اما هیچ آسیبی به روغن و شراب مرسان<sup>l</sup>.  
۷ و هنگامی که مَهر چهارم را گشود، صدای چهارمین جاندار را شنیدم که می گفت: بیا!  
۸ و دیدم اسبی سبزمهر و آنکه بر آن سوار بود طاعون<sup>ly</sup> نام داشت و دوزخ<sup>z</sup> به همراه او بود.  
به آنان اقتدار بر روی زمین داده شد  
تا با شمشیر و با قحطی و با مرگ و با وحوش زمین بکشند.  
۹ و هنگامی که مَهر پنجم را گشود در زیر قربانگاه جانهای کسانی را دیدم<sup>a</sup> که به سبب کلام خدا و گواهی که داده بودند ذبح شده بودند.  
۱۰ و با صدای بلند فریاد برآورده می گفتند: ای فرمانروای قدوس و حقیقی،  
y- ترجمه دیگر: به آنها دست نزن. منظور بالا رفتن قیمت حبوبات به سبب قحطی است ولی روغن و شراب (موقتاً) از این افزایش قیمت معاف هستند. شاید بدین سبب که مظهر نعمت های ایام آخر هستند یا اینکه قحطی فقط به محصولات یک فصل آسیب می رساند.  
yy- [تحت اللفظی: مرگ. گاهی این کلمه را نظیر متن بالا طاعون ترجمه می کنند که عامل مرگ می باشد].  
z- ر. ک ۱۸:۱ توضیح a.  
a- این افراد شهیدان مسیحیت هستند و در زیر قربانگاه جای دارند که محیطی مقدس و کاملاً نزدیک به خدا است، بنابراین مرگ ایشان نیز به ذبح شدن تشبیه شده که نظیر ذبح شدن مسیح است.  
b- این تصاویر و تصاویر بعدی از توصیف به لرزه درآمدن جهان در پایان روزگار گرفته شده است (مثلاً ر. ک مت ۲۴:۲۹ و متون متوازی).  
c- ترجمه دیگر: همچون میوه های نارس درخت انجیری که تند بادی بر آن بوزد.  
d- اشاره به کتابهایی است که بر روی طومارهایی از پوست حیوانات نوشته شده و پس از خواندن آنها را پیچیده لوله می کردند. در اینجا آسمان به چادری تشبیه شده که برفراز دنیای زمینی گسترده شده باشد (ر. ک پید ۱:۷).

و ثروتمندان و قدرتمندان و هر برده و آزاد مردی خود را در غارها و صخره های کوهها پنهان کردند.	اش ۱۰:۱۹، ۱۹
<sup>۱۶</sup> و به کوهها و صخره ها می گویند: بر روی ما بیفتید و ما را از مقابل روی تخت نشین و از خشم بره پنهان کنید.	هو ۱۰:۸؛ لو ۲۳:۳۰
<sup>۱۷</sup> زیرا روز بزرگ خشم <sup>e</sup> ایشان فرارسیده و کی می تواند پایداری کند؟	یول ۱:۱۱، ۲:۴؛ ملا ۳:۲
<b>کلیسا، ملت خدا</b>	
<sup>۱</sup> پس از آن چهار فرشته دیدم که در چهار گوشه زمین ایستاده چهار باد زمین را نگه می داشتند تا بادی نه بر روی زمین، نه بر روی دریا و نه بر هر درختی نوزد. <sup>۲</sup> و فرشته دیگری دیدم که از مطلع خورشید با مهر <sup>f</sup> خدای زنده بالا می آمد و به چهار فرشته ای که [اقتدار] یافته بودند تا به زمین و دریا آسیب برسانند	حزق ۷:۲ زک ۶:۵؛ ار ۴۹:۳۶

e- در نوشته های عهد عتیق روز خشم به مفهوم دخالت دادگرا نهائی خدا است (ر. ک مز ۱۱۰:۵؛ حزق ۱:۷-۹؛ صف ۲:۲-۳)؛ این اصطلاح در عهد جدید نیز به کار برده شده است (ر. ک روم ۵:۲).

f- در تشریح این صحنه از باب ۵ حزقیال الهام گرفته شده است. در اینجا مهر را می توان به عنوان نشانه مالکیت به شمار آورد (بدین معنی کسانی که مهر زده شده اند متعلق به خدا هستند) یا اینکه مهر نشانه نجات است (چنانکه در باب ۹ حزقیال کسانی را که مهر زده شده اند خدا محافظت می نماید). ضمناً این دو جنبه مهر منافی یکدیگر نیستند (از قرن دوم میلادی این نکته تأیید شده و شاید در ۲-قرن ۱:۲۲ یادآوری شده است) که کلمه مهر در مورد تعمید بکار برده شود.

g- تعداد ۱۴۴۰۰۰ نفر بر مبنای دوازده هزار برای هر یک از قبایل یهود حساب شده و نشانه تمامی قوم خدا است. فهرست اسامی قبایل و تعداد افرادی که در آیات ۵ الی ۸ ذکر شده ممکن است منظور یهودیانی باشد که به مسیحیت گرویده بودند و آنان را از جمعیت عظیم مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند متمایز می سازد (آیات ۹-۱۰) ولی ظاهراً منظور کلیه قوم خدا است که در در ابتدا بر طبق اسرائیل که در سینا بوده اند ذکر شده و سپس به صورت تحقق تمامیت آسمانی و شکوهمند آن منظور گردیده است.

h- در ذکر اسامی قبایل یهود مشاهده می شود: ۱) مقام اول به قبیله یهودا اختصاص دارد که قبیله مسیح است (ر. ک پید ۴۹:۹، ۱۰؛ مکا ۵:۵). ۲) نام قبیله دان ذکر نشده زیرا عدم وفاداری آن قبیله در عهد عتیق ذکر گشته است (داور ۱۸). نام این قبیله در ۱-توا ۴:۸ نیز نیامده است). بنا بر یکی از روایات یهود که ایرنائوس، مؤلف مسیحی قرن دوم میلادی نیز آن را ذکر کرده قبیله دان یا شیطان یا مسیح دروغی ارتباط و بستگی دارد، با این همه تعداد قبایل یهود ۱۲ قبیله ذکر شده زیرا نام قبیله منسی که معمولاً جزو تبار یوسف به شمار می آمده به قبایل دیگر افزوده شده است.

## کلیسا، انبوه برگزیدگان

<sup>۹</sup> پس از آن جمعیتی بسیار دیدم،  
از همه ملت ها و قبیله ها و اقوام و زبانها  
که هیچ کس نمی توانست بشمارد،  
در مقابل تخت و در مقابل بره ایستاده،  
جامه های سفید دربر، و شاخه های نخل  
در دست ایشان<sup>۱</sup>،  
<sup>۱۰</sup> و با صدای بلند فریاد برآورده می گفتند:  
نجات از خدای ما است که بر تخت  
نشسته و از بره است.  
<sup>۱۱</sup> و همه فرشتگان و پیران و چهار جاندار  
گرداگرد تخت ایستاده بودند  
و در مقابل تخت به روی درافتاده  
در برابر خدا سجده کردند.  
<sup>۱۲</sup> در حالی که می گفتند:

آمین! ستایش و جلال و حکمت و  
سپاسگزاری و حرمت و قدرت و قوت  
بر خدای ما باد به روزگاران و  
روزگاران! آمین!

<sup>۱۳</sup> و یکی از پیران به سخن درآمده مرا گفت:  
آنان که جامه سفید بر تن دارند کیستند  
و از کجا آمده اند؟  
<sup>۱۴</sup> و من به او گفتم: ای سرور من<sup>ii</sup>، تو  
می دانی!  
و به من گفت: اینان کسانی هستند که از  
مصیبت عظیم<sup>j</sup> می آیند  
و جامه های خود را شسته آنها را در خون

بید ۱۵:۵؛  
مکا ۱۵:۲-۵

بره سفید کرده اند.

<sup>۱۵</sup> بدین سبب در برابر تخت خدا هستند و  
روز و شب در قدس او، وی را پرستش  
می کنند  
و آن تخت نشین خیمه خود را<sup>k</sup> بر ایشان  
برپا خواهد کرد.  
<sup>۱۶</sup> دیگر گرسنه نخواهند بود،  
دیگر تشنه نخواهند شد،  
دیگر آفتاب بر رویشان نخواهد افتاد و  
نه هیچ گرمای سوزانی،  
<sup>۱۷</sup> زیرا بره که در وسط تخت است ایشان را  
خواهد چرانید  
و ایشان را به سوی چشمه های آب  
زندگی رهبری خواهد کرد  
و خدا هر اشکی را از چشمانشان خواهد  
سترد.

## گشودن مهر هفتم

<sup>۱</sup> و وقتی که مهر هفتم را گشود،

<sup>۸</sup> در حدود نیم ساعت در آسمان سکوت شد.

<sup>۲</sup> هفت فرشته ای را که در حضور خدا  
می ایستند دیدم  
و به ایشان هفت شیپور داده شد.  
<sup>۳</sup> و فرشته دیگری با مجمری زرین آمده  
نزدیک قربانگاه ایستاد  
و به او بخورهای بسیار داده شد

حج ۲۰:۲؛

صف ۱:۷؛

زک ۱۷:۲۳

i- مسلماً اشاره به مراسم مذهبی عید خیمه های یهودیان است که مردم به ترتیب و به ردیف به محوطه معبد وارد می شدند در حالی که شاخه های نخل بدست داشته آنها را تکان می دادند و مزموه ۱۱۸ را با آواز ترمم می کردند. در آیه ۲۵ همین مزموه، این نیایش وجود دارد: ما را اکنون نجات بده (هوشیعیانا)! و شاید محتوای آیه مکا ۷:۱۰ پاسخی به این نیایش است.

ii- [تحت اللفظی: ای خداوند من!]

j- منظور از این مصیبت عظیم وقایع پایان روزگار است (ر.ک دان ۱:۱۲؛ مت ۲۴:۲۱؛ مر ۱۳:۱۹؛ مکا ۳:۱۰) و آزار و شکنجه هایی که بر مسیحیان فرامی رسد نمودی از آن است.

k- در مدت جشن خیمه ها (ر.ک ۷:۹ توضیح i) قوم یهود در زیر چادرها به سر می بردند. از این پس برگزیدگان به زیر خیمه خدا وارد خواهند شد.

تا با نیایشهای همه مقدسین  
بر قربانگاه زرین که در مقابل تخت  
است تقدیم شود<sup>۱</sup>.  
و دود بخور<sup>۴</sup>  
با نیایشهای مقدسین،  
از دست فرشته به حضور خدا بلند شد.  
و فرشته مجمر را گرفته<sup>۵</sup>  
آن را از آتش قربانگاه پر کرد و بر روی  
زمین افکند و تندرهای و صداها و  
آذرخشها و زلزله ها روی داد.

لاو ۱۶:۱۲؛  
حزق ۱۰:۲

### شش شیپور اول

و هفت فرشته ای که هفت شیپور داشتند  
آماده شیپور زدن شدند<sup>m</sup>.  
و اولین [فرشته] شیپور زد و تگرگ و  
آتش آمیخته به خون رسید که بر روی  
زمین ریخته شد  
و یک سوم زمین سوخته شد  
و یک سوم درختان سوخته شد  
و هر گیاه سبزی سوخته شد.  
و دومین فرشته شیپور زد<sup>۸</sup>  
و چیزی شبیه کوهی بزرگ که آتش  
گرفته باشد به دریا افکنده شد  
و یک سوم دریا خون شد.  
و یک سوم آفریدگانی که در دریا بودند و

خروج ۹:۲۳-۲۶؛  
یول ۳:۳

ار ۲۵:۵۱

خروج ۷:۲۰-۲۱

جان داشتند مردند  
و یک سوم کشتی ها تباہ شدند.  
و فرشته سوم شیپور زد<sup>۱۰</sup>  
و از آسمان ستاره ای بزرگ که همچون اش ۱۴:۱۲  
مشعلی می سوخت فرو افتاد  
و بر روی یک سوم رودخانه ها و  
چشمه های آب افتاد.  
و نام ستاره افسنتین<sup>n</sup> گفته می شود،  
ار ۹:۱۴  
و یک سوم آنها افسنتین شد  
و بسیاری از مردمان از این آبها مردند  
زیرا تلخ<sup>mm</sup> شده بودند.  
و فرشته چهارم شیپور زد<sup>۱۲</sup>  
و یک سوم خورشید و یک سوم ماه و یک  
سوم ستارگان صدمه دیدند به طوری که  
یک سوم آنها تاریک شد و روز و همچنین  
شب بیشتر از یک سوم ندرخشیدند،  
و دیدم و شنیدم عقابی که در اوج آسمان<sup>۱۳</sup>  
پرواز می کرد با صدای بلند می گفت: ۱۴:۶  
وای، وای، وای بر آنان که بر روی زمین ۹:۱۲-۱۱:۱۴  
سکونت دارند، به سبب دیگر صداهای  
شیپور سه فرشته که بایستی شیپور بزنند!

و فرشته پنجم شیپور زد<sup>۱</sup>  
و ستاره ای دیدم که از آسمان بر اش ۱۴:۱۲؛  
مکا ۸:۱۰  
روی زمین افتاد<sup>o</sup>

۹

1- در آئین پرستش یهود مقرر بود که قربانگاهی برای تقدیم مواد معطر (بخور، کندر) در معبد وجود داشته باشد. مراسم تقدیم مربوطه به زودی جنبه روحانی گرفت و بخور و کندر را نماد و نشانه نیایش به شمار می آوردند (ر.ک ۲:۱۴۱). در آئین نیایش آسمانی، نیایشهای مقدسین (نیایشهای ایمانداران در مکا:۵۸ و نیایشهای شهیدان در مکا:۶۰) به صورت مواد معطر تقدیم می شود.

m- پلاهایی که با نواختن شیپورها ایجاد می شوند همان بلاهایی است که در مصر بوجود آمد ولی در اینجا شدیدتر است: تگرگ (آیه ۷)، تبدیل آب به خون (آیه ۸)، آبهای تلخ و زهرآلود (آیه ۱۱)، ظلمات (آیه ۱۲)، ملخها (۳:۹). ر.ک مکا:۱۶:۱  
توضیح a.

n- افسنتین یا افسنتین گیاهی معطر است [که به فارسی خاراگوش می نامند] و از آن ماده ای تلخ و سسی می گیرند.  
mm- [این کلمه را می توان ترش یا گس ترجمه کرد.]

o- این تصویر بارها در نوشته های مکاشفه ای یهود برای نشان دادن سقوط فرشتگان به کار رفته است (ر.ک مثلاً ۱-خنوخ:۸۶؛ همچنین ر.ک مکا:۱۲:۴).

- <sup>۱</sup> و موهائی به مانند زنان داشتند  
و دندانهایشان به مانند [دندانهای] یول ۶:۱  
شیران بود،  
<sup>۹</sup> و سینه‌ای همچون جوشن آهنین داشتند  
و صدای بالهایشان همچون صدای یول ۵:۲  
ارابه‌هایی با اسبان بسیار که به جنگ  
بتازند.  
<sup>۱۰</sup> و دُم‌هایی به مانند کژدم‌ها و نیش‌هایی  
دارند  
و در دُم‌هایشان توانائی دارند که پنج ماه  
به آدمیان صدمه بزنند.  
<sup>۱۱</sup> بر خود پادشاهی دارند که فرشته‌هاویه  
است؛ نام او به عبری آبدون و به یونانی  
اپلیون است.<sup>F</sup>  
<sup>۱۲</sup> اولین وای II گذشته است: اینک دو وای  
دیگر پس از این می‌آید.<sup>S</sup>  
<sup>۱۳</sup> و فرشته ششم شیپور زد  
و صدائی شنیدم که از چهار  
شاخ قربانگاه زرین که در حضور  
خداست می‌آید،  
<sup>۱۴</sup> و به فرشته ششم که شیپور داشت  
می‌گفت:  
چهار فرشته‌ای را که روی رودخانه ۱۲:۱۶  
بزرگ فرات بسته شده اند رها کن.  
<sup>۱۵</sup> و چهار فرشته‌ای که برای ساعت و روز و
- و کلید چاه‌هاویه P به او داده شد،  
<sup>۲</sup> و او چاه‌هاویه را گشود  
و از چاه دودی به مانند کوره‌ای عظیم  
برآمد  
و خورشید و هوا به وسیلهٔ دود چاه  
تاریک شد.  
<sup>۳</sup> و از دود ملخ‌هایی بر روی زمین خارج شدند  
و به آنان اقتداری نظیر اقتدار کژدمان  
زمین داده شد.  
<sup>۴</sup> و به ایشان گفته شد که به گیاه زمین، نه  
به هیچ سبزی، نه به هیچ درخت آسیب  
نرسانند مگر به مردمانی که مَهر خدا بر  
پیشانی ندارند.  
<sup>۵</sup> و به ایشان [دستور] داده شد آنان را  
نکشند بلکه پنج ماه شکنجه دهند؛  
و شکنجه ایشان به مانند شکنجهٔ کژدم  
است وقتی که آدمی را بگذرد.<sup>Q</sup>  
<sup>۶</sup> در آن روزها آدمیان در جستجوی مرگ  
خواهند بود ولی آن را نخواهند یافت  
و آرزوی مُردن خواهند کرد ولی مرگ از  
ایشان فرار می‌کند.  
<sup>۷</sup> و شباهت ملخ‌ها به مانند اسبانی است که  
برای جنگ آماده شده باشند  
و بر سرهایشان همچون تاجهائی زرین  
و صورت‌هایشان به مانند صورت آدمیان،
- بید ۲۸:۱۹  
خروج ۱۸:۱۹  
یول ۲-۱  
خروج ۱۰:۱۲، ۱۵:۱  
حک ۹:۱۶  
ایوب ۲۱:۳  
یول ۴:۲

p- جائی که قدرت‌های شیطانی موقتاً زندانی هستند (ر.ک مکا ۷:۱۱۷؛ ۸:۱۷؛ ۱:۲۰؛ ۳: لو: ۸:۳۱).

q- ترجمهٔ دیگر: و شکنجه‌ای که ایجاد می‌شود همچون شکنجه کسی است که او را کژدمی بگذرد.

r- این ملخ‌ها (ر.ک مکا ۶:۸؛ توضیح m) فقط یک پدیده طبیعی ساده نیستند و با اینکه خیلی ویرانگر و مضرند با این همه به صراحت قید شده که نیروهای جهنمی هستند. رئیس آنان نامی عبری دارد: آبدون که به معنی ویرانی و تباهی است. در آیین یهودی مؤخر بر کتاب مقدس (ر.ک ایوب ۶:۲۶) این کلمه گاهی مرادف با هاویه، جایگاه مردگان است. کلمه یونانی اپلیون به معنی ویرانگر است بنابراین در ترجمه از عبری به یونانی کاملاً تطبیق نمی‌کند (زیرا در زبان عبری اسم عام است و در ترجمه یونانی یک صفت فاعلی آمده است). ولی شاید مخصوصاً ترجمه تقریبی شده است زیرا کلمهٔ اپلیون، رب التَّوَع بزرگ یونانی اپولون را به یاد می‌آورد.

ff- [وای که در این آیه آمده کلمه‌ای یونانی و به معنی افسوس است. گاهی بدبختی یا بلا ترجمه می‌شود].

s- اینها سه بدبختی و بلائی هستند که در ۱۳:۸ اعلام شده است.

## فرشته و کتابچه

۱ و فرشته نیرومند دیگری دیدم که  
 ۱۰ از آسمان پائین می آمد،

پوشیده از ابر،

و رنگین کمان بر روی سرش<sup>t</sup>

و صورتش همچون خورشید

و پاهایش همچون ستونهای آتشین بود.

۲ و در دستش کتابچه ای گشوده داشت<sup>u</sup>

و پای راست خود را بر روی دریا و پای

چپ خود را بر روی زمین گذاشت،

۳ و با صدای بلند فریاد برآورد همچون  
 شیری که می غرد. هو ۱۱:۱۰؛  
 عا ۲:۱۲؛ ۳:۸

و چون فریاد کشید هفت تندر صدای مز ۲۹:۳

خود را برآوردند<sup>v</sup>.

۴ و چون هفت تندر صدا برآوردند در شرف

نوشتن بودم؛

و صدائی از آسمان شنیدم که می گفت:

آنچه را هفت تندر گفته اند مهر کن<sup>w</sup> و دان ۸:۲۶؛  
 ۹، ۴:۱۲

آنها را نویس.

۵ و فرشته ای را که دیده بودم بر روی دریا و

زمین ایستاده بود،

دست راست خود را به سوی آسمان بلند تث ۳۲:۴۰؛  
 دان ۷:۱۲

کرد<sup>x</sup>

۶ و سوگند خورد به آن که به روزگاران و

روزگاران زنده است،

آنکه آسمان و آنچه را در آن است ۷:۱۴

و زمین و آنچه را در آن است

ماه و سال آماده شده بودند تا یک سوم  
 آدمیان را بکشند رها شدند.

۱۶ و تعداد جنگاوران سواره دو هزار هزار بود  
 که شماره ایشان را شنیدم.

۱۷ و در رؤیا اسبان و کسانی را که بر آنها  
 سوار بودند دیدم:

جوشن های آتشین و یاقوت فام و  
 گوگردی داشتند

و سرهای اسبان به مانند سرهای شیران و از  
 دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می آید.

۱۸ از این سه بلا، یک سوم آدمیان به وسیله  
 آتش، دود و گوگردی که از دهان آنها

بیرون می آمد کشته شدند.

۱۹ زیرا توانایی اسبان در دهانشان و در  
 دُمشان است،

زیرا دُمشان به مانند مار است

که سر دارند و به وسیله آنها آسیب

می رسانند.

۲۰ و بقیه آدمیان که در این بلاها کشته  
 نشدند

از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا  
 دیگر به دیوها و بتهای زرین و سیمین و

مفرغی و سنگی و چوبی که نه می بینند، نه  
 می شنوند و نه راه می روند سجده نمایند.

۲۱ و از جنایتهای خود، نه از جادوگریهای  
 خود، نه از زناکاری خود و نه از دزدیهای

خود توبه نکردند.

اش ۱۷:۸

دان ۵:۲۳، ۴:۲۳  
 مز ۱۱۵:۴  
 ۱۷-۱۵:۱۳۵

t- ر. ک مکا ۳:۴ توضیح ۱.

u- این تصویر به مانند تصویر «کتاب مهر شده» (مکا ۵:۱-۲) از رؤیای حزق ۲:۸-۳:۳ می آید با این تفاوت که در اینجا کتابی کوچک است (کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده دو نشانه تصغیر دارد) و بنابراین کتابی محدود است؛ ضمناً کتابچه گشوده شده و نشان می دهد فرارسیدن مکاشفه آن نزدیک است.

v- در عهد عتیق همین تصاویر بارها در مورد خدا بکار برده شده است (غرش شیر در عا ۱:۲؛ ۲:۸؛ ۳:۲۹-۳:۹). پیام هفت تندر که از منشأ برتر و والا است موقتاً به آدمیان ابلاغ نمی شود.

w- ترجمه دیگر: پنهان نگهدار. مدرکی که مهر شده برای آن است که شایع نشود. ضمناً موضوع پنهان نگهداشتن نزدیک به دان ۴:۱۲ است.

x- در تشریح این صحنه از دان ۷:۱۲ الهام گرفته شده است.

و دریا و آنچه را در آن است آفریده

که دیگر مهلتی نخواهد بود،

بلکه در روزهای صدای فرشته هفتم،

هنگامی که شیپور زدن آغاز کند، آنگاه

راز خدا انجام می شود به همان گونه که

به پیامبران، بندگان خود نوید داده است.

<sup>۸</sup> و صدائی که از آسمان شنیده بودم از نو با

من به سخن درآمد:

برو، کتاب گشوده در دست فرشته ای که

بر روی دریا و زمین ایستاده است را بگیر.

<sup>۹</sup> و من به سوی فرشته رفتم و به او گفتم

کتابچه را به من بدهد.

و او به من گفت: بگیر و آن را بخور

و شکم تو را تلخ<sup>xx</sup> خواهد کرد

ولی در دهانت همچون انگبین شیرین

خواهد بود<sup>۱۰</sup>.

<sup>۱۰</sup> و من کتابچه را از دست فرشته گرفتم و

آن را خوردم

و در دهانم همچون انگبین شیرین بود

ولی وقتی آن را خوردم شکمم پر از تلخی

شد.

روم ۱۶:۲۵؛  
۱-قرن ۲:۷؛  
افس ۱:۹؛  
۳:۳، ۹، ادامه؛  
۱۹:۶؛  
کول ۱:۲۶-۲۷؛  
۲:۲؛  
۳:۴؛  
۷:۳؛  
دان ۹:۶-۱۰؛  
زک ۱:۶؛  
مکا ۱۱:۱۸

<sup>۱۱</sup> و به من گفته شد:

تو باید دوباره درباره اقوام و ملت ها و ار ۱۰:۱

زبانها و پادشاهان بسیار، نبوت کنی.

### دو شاهد

<sup>۱</sup> به من یک نی شبیه چوبدستی

داده و گفته شد:

برخیز و قدس خدا، قربانگاه و کسانی را

که در آنجا سجده می کنند اندازه بگیر<sup>z</sup>.

<sup>۲</sup> و صحن خارج قدس را کنار بگذار و آن

را اندازه بگیر زیرا به ملتها داده شده

است و شهر مقدس را چهل و دو ماه<sup>a</sup>

لگدمال خواهند کرد.

<sup>۳</sup> و من به دو شاهد<sup>b</sup> خود که پلاس

می پوشند خواهم داد که هزار و دویست و

شصت روز پیامبری کنند.

<sup>۴</sup> اینان دو درخت زیتون و دو شمعدان هستند زک ۴:۳، ۱۴

که در مقابل خداوند زمین ایستاده اند.

<sup>۵</sup> و اگر کسی بخواهد به ایشان آسیب

برساند، آتشی از دهانشان بیرون می آید

و دشمنانشان را فرو می گیرد

دان ۷:۲۵، ۱۲:۷؛  
مکا ۱۱:۳؛  
۱۲:۱۴، ۱۳:۵؛  
لو ۲۴:۲۱

xx- [ر.ک ۸:۱۱ توضیح nn.]

y- ر.ک حزق ۳:۳. در اینجا دو جنبه سخن خدا نشان داده شده است. ولی به چه سبب سخن خدا شیرین و از چه جهت تلخ است؟ فرضیه های مختلفی پیشنهاد شده که در پذیرفتن هر یک می توان تردید کرد. مثلاً: دریافت کردن سخن خدا شیرین است و وظیفه مأموریت بردن این کلام، دشوار و تلخ است؛ شیرینی اعلام نجات و تلخی اعلام داوری؛ شیرینی اعلام برگزیده شدن و تلخی اعلام آزار و شکنجه ای که در پی دارد.

z- در اینجا دو جنبه اورشلیم ارائه می شود: از یک طرف «شهر مقدس» و نوعی کلیسا است و قسمتی از شهر است که مختص به معبد می باشد و از سوی دیگر اورشلیم زمینی است که پیامبران را کشته و مسیح را مصلوب کرده است. اورشلیم زمینی، تصویر دنیایی است که خدا را نمی پذیرد.

a- مدت ۴۲ ماه همان دوران نمادین و نوعی است که از دان ۷:۲۵ و ۷:۱۲ گرفته شده. در کتاب دانیال مدت سه سال و نیم دورانی است که آنتیوخوس اپیفان، یهودیان را آزار و شکنجه می نمود. در آیات بعدی مدت سه سال و نیم، چهل و دو ماه یا ۱۲۶۰ روز به عنوان دوران آزمون پایان روزگار و دوران کلیسا بر روی زمین تعیین می شود (ر.ک مکا ۱۱:۳؛ ۱۲:۶، ۱۴؛ ۱۳:۵).

b- توصیفی که در آیات ۳-۴ از این دو شاهد شده از زک ۴:۲-۱۴ الهام گرفته است. یهودیان متن کتاب زکریا را به شخصیت های مهم دوران مسیحائی مربوط می دانستند. در اینجا ظاهراً منظور کلیسا است و شهادت الیاس و موسی (آیه ۶) و شهادت مسیح که در اورشلیم مصلوب شده و از میان مردگان برخاست خلاصه شده است (آیات ۷-۱۲).

و اگر کسی می‌خواست به ایشان آسیب برساند بدین‌گونه باید کشته می‌شد. آنان اقتدار دارند آسمان را ببندند تا در روزهای پیامبری ایشان باران نیارد و بر آنها اقتدار دارند که آنها را به خون تبدیل کنند

۱- پاد ۱:۱۷  
یع ۱۷:۵  
خروج ۱۷:۷

و بر روی زمین هرگونه بلایی و هر چند بار که بخواهند وارد سازند. و هنگامی که شهادت خود را به پایان رسانند

۱- سمو ۸:۴

آن حیوان که از هاویه بالا می‌آید با آنان جنگ خواهد کرد و بر آنان غلبه یافته آنان را خواهد کشت.

دان ۳:۷، ۲۹  
مکا ۱:۱۳  
۸:۱۷

و جسد ایشان در میدان شهر بزرگ باشد که با اشاره معنوی، سدوم و مصر نامیده می‌شود، در همان جایی که خداوند ایشان مصلوب شده است.<sup>d</sup>

و از اقوام و قبایل و زبانها و ملتها سه روز و نیم جسد ایشان را نگاه می‌کنند و نمی‌گذارند جسدهای ایشان در قبری گذاشته شود.

و آنان که بر روی زمین سکونت دارند به سبب ایشان شادمانند و خوشحالی می‌کنند و برای یکدیگر هدیه‌ها می‌فرستند زیرا این دو پیامبر ساکنان روی زمین را شکنجه کرده‌اند.

پس از سه روز و نیم، روح زندگی که از خدا می‌آید در ایشان وارد شد و بر پا

حزق ۵:۳۷، ۱۰

ایستادند و بر آنان که ایشان را تماشا می‌کردند ترسی عظیم فرا رسید. و صدای بلندی که از آسمان می‌آمد شنیدند که به ایشان می‌گفت: به اینجا بالا بیایید.

و ایشان در میان ابرها به آسمان بالا رفتند و دشمنانشان ایشان را تماشا می‌کردند.

و در آن ساعت زلزله‌ای عظیم روی داد و یک دهم شهر فرو ریخت و در زلزله هفت هزار آدم کشته شد و دیگران را ترس فرا گرفت و خدای آسمان را ستایش کردند. و «وای» دوم رفت و اینک «وای» سوم به زودی فرا می‌رسد.<sup>e</sup>

حزق ۱۹:۳۸-۲۰

**شیپور هفتم**

و فرشته هفتم شیپور زد:

صداهای بلندی در آسمان روی داد که می‌گفتند:

ملکوت جهان به خداوند ما و مسیح او انتقال یافته<sup>f</sup> و به روزگاران و روزگاران سلطنت خواهد کرد.

مز ۲:۲۸، ۱۰:۱۶  
۲۹:۲۲  
دان ۴:۴۲  
۴:۷، ۲۷  
مکا ۱۰:۱۲  
۶:۱۹

بیست و چهار پیر که در مقابل خدا بر روی تخت خود نشستند به روی خود در افتاده در برابر خدا سجده کرده

۱۶- بیست و چهار پیر که در مقابل خدا بر روی تخت خود نشستند به روی خود در افتاده در برابر خدا سجده کرده

c- در نوشته‌های عهد عتیق چندین بار سدوم به عنوان شهر هرزه و بی بند و بار ذکر شده (ر.ک تث ۲۹:۲۳؛ ۳۲:۳۲؛ اش ۱:۹-۱۰؛ ار ۲۳:۱۴؛ حزق ۱۶:۴۶)؛ مصر مظهر قدرتهای بت پرست و دشمن قوم خدا است (ر.ک خروج ۱۳:۱۴؛ اش ۱۹:۱-۳؛ حک ۱۱:۱۵-۱۶؛ ۱۲:۲۳-۲۷؛ ۱۵:۱۴-۱۹).

d- اورشلیم که پیامبران و مسیح را به قتل رسانیده به عنوان مرکز بی‌ایمانی و بی‌وفایی توصیف شده است. e- ر.ک مکا ۸:۱۳.

f- تحت اللفظی: ملکوت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شده است.

می گفتند:

<sup>۱۷</sup> تو را سپاسگزاریم ای خداوند، خدای  
قادر بر همه،

۸:۴:۱  
۲۵:۱۶:۴

آنکه هست و آنکه بود<sup>g</sup>  
زیرا قدرت عظیم خود را گرفته  
و سلطنت می کنی.

<sup>۱۸</sup>

و ملتها به خشم درآمدند  
و خشم تو و زمان داوری مردگان فرا  
رسید

۵:۱۲:۲  
۱:۹:۹:۷:۴۶

تا مزد به بندگان خودت، پیامبران،  
مقدسین و آنان که از نام تو می ترسند،  
چه کوچکان و چه بزرگان عطا کنی  
و مفسدان زمین را فاسد گردانی.

۷:۳:۳  
دان ۱۰:۹:۹  
زک ۶:۱  
مکا ۷:۱۰

<sup>۱۹</sup> و قدس خدا، آنکه در آسمان است  
گشوده گشت

مز ۱۳:۱۱۵

و صندوقچه پیمان او در قدس او دیده  
شد<sup>h</sup>  
و آذرخشها و صداها و تندرها و زلزله و  
تگرگ شدید روی داد.

خروج ۹:۲۵  
۲. مکا ۸:۲  
مکا ۵:۱۵  
خروج ۲۴:۹  
۱۶:۱۴  
مکا ۵:۴  
۱۸:۱۶

زن و اژدها<sup>۱</sup> و نشانه بزرگی در آسمان

پذیرایی شد:

**۱۲** زنی پوشیده از آفتاب، ماه به

زیرپاهایش و تاجی از دوازده ستاره بر  
روی سرش.

<sup>۲</sup> او باردار بود و فریاد می کشید، و از درد  
زایمان رنج می برد<sup>۱</sup>.

<sup>۳</sup> و نشانه دیگری در آسمان پدیدار شد:

اژدهای بزرگ سرخ آتشین،  
با هفت سر و ده شاخ و بر روی سرها  
هفت دیهیم،

<sup>۴</sup> و دمش یک سوم ستارگان آسمان را دان ۱۰:۸  
می کشید و آنها را بر روی زمین انداخت.

و اژدها در مقابل زن که نزدیک به  
زایمان بود ایستاد تا وقتی فرزند را بزاید  
او را بدرد.

<sup>۵</sup> و آن زن فرزندی نرینه زائید  
که همه ملت ها را با عصائی آهنین

خواهد چرانید<sup>k</sup>

<sup>g</sup> - برابر سوگند فرشته در مکا ۷:۱۰ آهنگ هفتمین شیپور نشانه تحقق یافتن راز خدا است. بدون شک به همین سبب خدا به عنوان آنکه می آید تعیین نشده است (ر.ک مکا ۵:۱۶).

<sup>h</sup> - تصویری که در اینجا ارائه شده با توجه به بعضی باورهای یهودیان و کاهنان یهود درک می شود. توضیح آنکه بر طبق باب ۲۵ سفر خروج صندوقچه پیمان از روی نمونه صندوقچه آسمانی ساخته شده است و در رؤیایی که در اینجا ذکر می شود منظور نمونه آسمانی صندوقچه پیمان است. از سوی دیگر بر طبق روایات معتقد بودند که در پایان روزگار صندوقچه پیمان مجدداً متجلی خواهد شد (ر.ک ۲-۸:۲). اجتماع این دو عقیده در اینجا اظهار تحقق کامل عهد است.

<sup>i</sup> - این زن که با زیورهای آسمانی آراسته شده بسری به دنیا می آورد که یقیناً منظور مسیح موعود است زیرا پیشگویی مسیحایی را که در مز ۹:۲ ذکر شده انجام می دهد.

از سوی دیگر ملاحظه می شود که تمام این صحنه مستقیماً با آنچه در پید ۱۵:۳ ذکر شده تطبیق می نماید. در آنجا وعده داده شده که نسل زن بر مار (شیطان) پیروز خواهد شد (به هر صورت در ترجمه یونانی عهد عتیق این مورد به عنوان اعلام آمدن مسیح موعود پذیرفته شده است). باری در باب ۱۲ مکاشفه نیز اژدها به نامهای مار قدیمی، ابلیس و شیطان نامیده می شود (آیه ۹). همچنین اگر به بقیه مطلب توجه شود (ر.ک مخصوصاً آیه ۱۷) روشن است که منظور از این زن، صهیون (ر.ک، اش ۵۴: ۶۰؛ هو ۲۱-۲۵) یعنی قوم خدا است که مسیح موعود و ایمانداران را به دنیا خواهد آورد. ضمناً زنی که در باب ۱۲ ذکر شده و مادر مسیح موعود است آیا ممکن است همان مریم عذرا باشد چنانکه بسیاری از پدران کلیسا چنین پنداشته اند و در روایات مربوط به آیین نیایش ذکر شده و در تصاویر مقدسین نشان داده شده است؟ بسیاری از مفسران معاصر در قبول این نظریه، حتی به صورت یک راه حل فرعی، تردید دارند. مفسران دیگری فکر می کنند که منظور نویسنده مریم به عنوان تصویر و تجسم کلیسا می باشد.

<sup>j</sup> - به اژدها (شیطان) خصایصی نسبت داده شده که نشانه قدرت او است. هرگاه بخواهیم سقوط ستارگان را که در دان ۱۰:۸ ذکر شده تفسیر کنیم بایستی نظریه یهودیان را در این مورد (ر.ک مکا ۱:۹ توضیح O) مورد توجه قرار دهیم (پید باب ۶).

<sup>k</sup> - اشاره به مز ۹:۲. ر.ک مکا ۲۷:۲ و ۲:۱۲ توضیح I.

- و فرزند آن زن به نزد خدا و به نزد تخت او رבוده شد<sup>۱</sup>.
- ۶ و زن به صحرا گریخت، جایی که خدا برایش آماده کرده بود تا در آنجا هزار و دویست و شصت روز او را غذا دهند<sup>m</sup>.
- ۷ و در آسمان جنگی روی داد: میکائیل<sup>n</sup> و فرشتگانش با اژدها می جنگیدند و اژدها و فرشتگانش نیز می جنگیدند، و ایشان چیره نشدند.
- ۸ و دیگر جای ایشان را در آسمان نیافتند.
- ۹ و اژدهای بزرگ، مار قدیمی<sup>o</sup> که ابلیس و شیطان می نامند، آنکه همه دنیا را گمراه می کند<sup>p</sup>، به روی زمین انداخته شد و فرشتگانش نیز با او انداخته شدند.
- ۱۰ و صدایی بلند در آسمان شنیدم که می گفت: اکنون رستگاری
- و قدرت و ملکوت خدای ما و اقتدار مسیح او فرا رسیده است زیرا تهمت زنده برادران ما<sup>q</sup>، آنکه روز و شب ایشان را در مقابل خدای ما متهم می کرد انداخته شده است.
- ۱۱ و ایشان به سبب خون بره و به سبب ۱- یو ۲:۲۴ کلام شهادت خود بر او پیروز شدند و تا سرحد مرگ از جان خود گذشته اند<sup>r</sup>.
- ۱۲ بدین سبب، ای آسمانها و شما که در آن سکونت دارید شادی کنید! اش ۲۳:۴۴ و متون متوازی ۱۳:۴۹
- وای بر زمین و بر دریا زیرا ابلیس با غضبی بزرگ نزد شما فرود آمده است زیرا می دانست فرصت کمی دارد. ۳:۲۰
- ۱۳ و وقتی اژدها دید که به روی زمین انداخته شده، زنی را که [فرزند] نرینه پید ۱۵:۳ زائیده بود تعقیب کرد.
- ۱۴ و به آن زن دو بال عقاب بزرگ<sup>s</sup> داده شد اش ۳۱:۴۰

۳-۲:۲۰  
پید ۵-۱:۳

1- مبارزه ای که در پید ۱۵:۳ اعلام شده اکنون به مرحله قطعی می رسد: یعنی رستاخیز مسیح (که به نزد خدا برده شد) آغاز شکست شیطان را اعلام می کند.

m- زنی که تجسم قوم خدا است به مانند اسرائیل که در گذشته از اسارت و حملات مصریان بوسیله خدای خود نجات یافته بود، زنی که مظهر قوم خدا است از تسلط قدرتهای بدی فرار کرده در صحرا فقط از آنچه خداوندش فراهم می آورد زندگی می کند (ر. ک همچنین آیه ۱۴).

در نوشته های کتاب مقدس پس از ذکر وقایع خروج اسرائیل از مصر، صحرا مظهر حمایت قدرت الهی بشمار می رود (ر. ک مثلا ۱- پاد ۱۷:۱۹؛ ۱۹:۱-۸). معذالک گاهی نیز مظهر آزمایشی است که خدا بوسیله آن، کسان خود را به محک آزمایش درمی آورد. در مورد ۱۲۶۰ روز ر. ک مکا ۱۱:۲ توضیح a.

n- نام میکائیل در زبان عبری یعنی «آنکه به مانند خدا است». بنا به نوشته دانیال (۱۳:۱۰، ۲۱؛ ۱۲:۱) و در نوشته های بعدی، میکائیل فرشته مقرب مهمی است که وضعیت مخصوصی دارد. وی برای اسرائیل یا برای همه مقدسین شفاعت می کند. بنابراین یکی از دشمنان اصلی شیطان یعنی متهم کننده می باشد (ر. ک آیه ۱۰).

o- مار اولی ترجمه بهتری است و بدون شک اختلاف جزئی متن یونانی را بهتر نشان می دهد ولی ترجمه مار اولی یا مار اصلی ممکن است به مفهوم وجود ثنویت اساسی درک شود که البته در کتاب مقدس چنین نظریه ای مطرح نیست.

p- ر. ک مکا ۱۲:۲ توضیح i.

q- شیطان = متهم کننده، ر. ک ایوب ۱:۹-۱۱؛ ۲:۴-۵؛ زک ۱:۳-۲.

r- ترجمه تحت الفظی: روح (جان) خود را دوست نداشته اند تا به مرگ. شهادت مسیحیان همچون شهادتی است که مسیح رنج دیده و در حال مرگ بر روی صلیب بدان نائل شد. لذا گواهی دادن نزدیک به شهید شدن است. ر. ک مکا ۱:۲ توضیح c.

s- اشاره ای دیگر به خروج اسرائیلیان از مصر. این تصویر از خروج ۴:۱۹ و تث ۳۲:۱۱ گرفته شده است.

- سرهایش نامهای کفر آمیز<sup>x</sup>.  
<sup>۲</sup> و حیوانی که دیدم شبیه پلنگ بود،  
 و پاهایش به مانند [پاهای] خرس،  
 و پوزه اش همچون پوزه شیر،  
 و ازدها قدرت خود و تخت خود و  
 اقتداری عظیم به او داد.  
<sup>۳</sup> و یکی از سرهایش به حد مرگ بریده  
 شده<sup>۷</sup>،  
 زخم مهلک آن درمان یافته بود  
 و تمامی زمین حیرت زده به دنبال حیوان  
 وحشی رفتند،  
<sup>۴</sup> و در مقابل ازدها سجده کرده می گفتند:  
 چه کسی مانند حیوان وحشی است و که  
 می تواند با او بجنگد؟  
<sup>۵</sup> و به او دهانی داده شد که سخنان درشت  
 دان ۸:۷، ۱۱،  
 و کفرها می گفت و به او اقتداری داده  
 دان ۲۵:۷،  
 شد تا در مدت چهل و دو ماه عمل کند<sup>z</sup>.  
 مکا ۳-۲:۱۱-۱۲،  
<sup>۶</sup> و او دهان خود را با کفرها علیه خدا باز  
 ۱۴، ۹:۱۲  
 کرد،  
 برای کفر گفتن نام او و مسکن او<sup>a</sup> و
- تا به جای خود در صحرا پرواز کند،  
 جائی که یک زمان، زمانها و نصف  
 زمان<sup>۱</sup> به دور از نظر مار تغذیه می شود.  
<sup>۱۵</sup> و آن مار از دهان خود آبی به مانند  
 رودخانه به دنبال زن انداخت تا آن زن  
 بوسیله رودخانه برده شود.  
<sup>۱۶</sup> و زمین به یاری آن زن آمد  
 اعد ۳۴-۳۰:۱۶  
 و زمین دهان خود را باز کرد<sup>۱۱</sup> و  
 رودخانه ای را که ازدها از دهان خود  
 انداخته بود بلعید.  
<sup>۱۷</sup> و ازدها علیه زن خشمگین شد و رفت تا  
 با بقیه نسل او بجنگد،  
 آنان که فرمانهای خدا را رعایت می کنند  
 و شهادت عیسی را دادند<sup>۷</sup>.  
<sup>۱۸</sup> و سپس بر روی شن دریا توقف کرد<sup>w</sup>.

## دو حیوان وحشی

و دیدم از دریا حیوانی وحشی بالا  
 آمد که ده شاخ و هفت سر داشت،  
 و بر روی شاخهایش ده دیهیم و بر روی  
 دان ۸، ۳:۷،  
 مکا ۷:۱۱،  
 ۸، ۳:۱۷

t- ر. ک مکا ۱۱:۲ توضیح a.

u- ترجمه دیگر: زمین باز شد.

v- این نکته انجام یافتن پیشگویی پید ۵:۳ است. نسل این زن اول مسیح موعود، نخست زاده است؛ و ایمانداران نسبت به او بقیه نسل می باشند، بدین گونه پولس مسیح را نخست زاده از انبوه برادران می خواند (روم ۸:۲۹).

w- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: سپس بر روی شن دریا قرار گرفتم.

x- ترجمه دیگر: و بر روی سرهایش یک نام کفر آمیز. در اینجا حیوان وحشی طوری معرفی شده که می توان استنباط کرد با ازدهایی که در مکا ۱۲ ذکر شده (شیطان) نسبت دارد. ضمناً مجموعه مختصات چهار حیوانی را دارد که در دان ۷:۲-۸ توصیف شده اند. در رؤیای دانیال منظور از حیوانها امپراطوری ها بودند و در اینجا حیوان مظهر قدرت امپراطوری رم است. قدرت جبار و ستمگری که عناوین و قدرتهای الهی را به خود نسبت می دهد و بدین سبب نام های کفر آمیز دارد. بایستی با توصیفی که از حیوان در مکا ۱۷:۳، ۷-۱۲ آمده مقایسه شود. در آنجا موضوع هفت سر و ده شاخ توضیح داده می شود.

y- ترجمه دیگر: مجروح شده.

انتخاب کلمه و ادامه این عبارت نشان می دهد که نویسنده می خواهد آن را در مقابل و به موازات بره ذبح شده و دوباره زنده شده مکا ۵:۶ بیاورد. مسیح های دروغی نظیر پیامبران دروغی کارهای شگفتی انجام می دهند که ممکن است در مردم افکار واهی ایجاد نماید (ر. ک مت ۲۴:۲۴؛ ۲-۲۳:۹-۱۰).

z- ر. ک مکا ۱۱:۲ توضیح a.

a- ترجمه دیگر: نام او و خیمه او. اشاره به چادری است که ابتدا چادر اجتماع یا خیمه ملاقات نامیده می شد زیرا در طی خروج اسرائیلیان از مصر، خداوند در آنجا به موسی وعده ملاقات داده بود (ر. ک خروج ۳۳:۱۱) و بر طبق روایات کتاب مقدس به عنوان حرم قدس اسرائیلیان در صحرا بشمار می آمد. این چادر یا خیمه اجتماع نظیر معبد اورشلیم یادآور حضور خدا در میان قوم خود و اراده عهد و پیمان اوست.

زمین و ساکنانش اولین حیوان را که زخم مهلکش درمان یافته پیرستند.

<sup>۱۳</sup> و نشانه‌های بزرگی انجام می‌دهد، تا آنجا که در مقابل آدمیان آتش از آسمان به زمین فرود آید.

<sup>۱۴</sup> و ساکنان زمین را گمراه کرده به سبب نشانه‌هایی که به او داده شده در مقابل حیوان انجام دهد<sup>g</sup>،

به ساکنان زمین می‌گوید تصویری از حیوان بسازند، آنکه زخم شمشیر دارد و دوباره زنده شده است.

<sup>۱۵</sup> و به او داده شد که روحی به تصویر بدهد<sup>h</sup> تا تصویر حیوان سخن گفته طوری رفتار کند که تمام آنانی که در مقابل

تصویر حیوان سجده نکنند کشته شوند. دان ۷:۵-۳، ۷:۱۵

<sup>۱۶</sup> و طوری می‌کند که همگی، کوچکان و بزرگان و ثروتمندان و فقیران و آزاد مردان و بردگان، بر روی دست راست یا

پیشانی ایشان علامتی بگذارند<sup>i</sup>. ۹:۱۴، ۱۱:۲، ۱۶

<sup>۱۷</sup> تا هیچکس نتواند بخرد یا بفروشد مگر

آنان که در آسمان سکونت دارند.

<sup>۷</sup> و به او داده شد که با مقدسین<sup>b</sup> جنگ کرده بر آنان پیروز شود

و به او اقتدار بر هر قبیله، قوم، زبان و ملتی داده شد.

<sup>۸</sup> و همه ساکنان زمین او را خواهند پرستید،

آنان که نامشان از بنیان جهان<sup>c</sup> در کتاب

زندگی بره ذبح شده نوشته نشده است. دان ۱:۱۲

<sup>۹</sup> هر که گوش شنوا دارد بشنود: مکا ۳:۵، ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۲، ۱۵؛ ۲۱:۲۷

<sup>۱۰</sup> اگر کسی برای اسارت است به اسارت

می‌رود؛ ار ۲:۱۵

اگر کسی باید به شمشیر کشته شود، به

شمشیر کشته می‌شود<sup>d</sup>،

اینجا پایداری و ایمان مقدسین است<sup>e</sup>. ۱۲:۱۴

<sup>۱۱</sup> و دیدم حیوان وحشی دیگری از زمین بالا آمد

و به مانند بره دو شاخ داشت و مثل

اژدها سخن می‌گفت<sup>f</sup>.

<sup>۱۲</sup> و همه اقتدار حیوان اولی را در مقابل او

انجام می‌دهد و طوری رفتار می‌کند که

b- منظور مسیحیان است. ر. ک روم ۷: توضیح m.

c- همچنین می‌توان درک کرد: بره ذبح شده از بنیان جهان. هرگاه چنین خوانده شود نزدیک به مطالب ۱- پطرس ۱:۱۹-۲۰ خواهد بود ولی ترجمه متن بالا بیشتر معمول است (وانگهی با مطالب مکا ۱۷:۸ تطبیق می‌نماید) و در ردیف مت ۲۵:۳۴ و افس ۱:۴-۵ قرار می‌گیرد.

d- مفاد این آیه مبهم و درک آن دشوار است به طوری که اگر عیناً و تحت اللفظی نقل شود خوانندگان را دچار تردید می‌کند. برابر ترجمه بالا که پذیرفته شده و نزدیک به متن ار ۲:۱۵ است مفهوم این عبارت چنین است: مسیحیان در دورانی از تعقیب و شکنجه اجتناب ناپذیر زندگی می‌کنند و در این اوضاع و احوال بایستی پایداری و ایمان نشان داده شود. برطبق نسخه‌های دیگری در مورد کیفر شکنجه دهندگان یادآوری و تأکید می‌شود که مفهوم آن چنین است: اگر کسی به اسارت می‌برد، خودش نیز به اسارت خواهد رفت؛ اگر کسی با شمشیر می‌کشد خودش نیز بوسیله شمشیر کشته خواهد شد.

e- ترجمه دیگر: اکنون ساعت پایداری و ایمان مقدسین است.

f- حیوان دومی که در خدمت حیوان اولی است به عنوان پیامبری دروغی معرفی می‌شود (ر. ک مکا ۱۶:۱۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۰). این پیامبر دروغی یادآور پیامبران دروغی و مسیح‌های دروغی است که آمدن آنها در مت ۲۴:۱۱، ۲۴ اعلام شده و پیشرو و نشانه‌های قبلی بازگشت مسیح واقعی هستند. ضمناً شاید منظور نویسنده اشاره به وقایع نزدیک تری است و تبلیغاتی را در نظر دارد که برای تحمیل پرستش امپراطور انجام می‌شده است.

g- ر. ک مت ۲۴:۲۴؛ مر ۱۳:۲۲؛ ۲- تسلا ۲:۹.

h- ترجمه دیگر: به او داده شد به تصویر حیوان جان بدهد.

i- آنانکه نمی‌پذیرفتند امپراتور را پیرستند به همین سبب مطرود جامعه بودند.

سنتور نوازانی بود که بر سنتورهای خود  
سنتورنوازی کنند.

۳ و در مقابل تخت و در مقابل چهار جاندار  
و پیران سرودی نو<sup>n</sup> می خوانند،  
و هیچ کس نمی توانست این سرود را یاد  
بگیرد،

مگر آن صد و چهل و چهار هزار نفر که  
در زمین خریداری شده اند.

۴ اینان کسانی هستند که خود را با زنان  
آلوده نکرده اند؛ زیرا پاکدامن<sup>nn</sup>  
می باشند،

اینان بره را هر جا برود پیروی می کنند<sup>o</sup>.  
اینان از بین مردمان، برای خدا و برای  
بره، به عنوان نوبر خریداری شده اند. ار ۳:۲

۵ و در دهانشان دروغ<sup>p</sup> یافته نشده؛ غیرقابل  
سرزنش هستند.

مز ۹:۵  
مز ۳۳:۲-۳

مز ۳۲:۲؛  
اش ۹:۵۳؛  
صف ۱۳:۳

آنکه علامت نام حیوان یا عدد نام او را  
دارد.

۹:۱۷<sup>۱۸</sup> در اینجا حکمت است! تا آنکه عقل  
دارد عدد حیوان را حساب کند<sup>k</sup> زیرا  
عدد آدمی است و عدد آن شش صد و  
شصت و شش است!<sup>۱</sup>

### بره و باز خرید شدگان

۵:۵<sup>۱</sup> و دیدم اینک بره بر روی کوه  
صهیون ایستاده،  
با صد و چهل و چهار هزار نفر<sup>m</sup> که نام  
او و نام پدرش را بر پیشانی خود داشتند.  
۲ و شنیدم صدایی از آسمان می آید،  
به مانند صدای آبهای بسیار،  
به مانند صدای تندری بزرگ.  
و صدایی که شنیدم به مانند [صدای]

۱۴

مز ۶:۲  
یول ۵:۳  
عز ۱۷  
حزق ۴:۹  
مکا ۳:۱۲؛ ۷:۴

ج- ترجمه دیگر: اکنون وقت تشخیص و بصیرت است.

k- ترجمه دیگر: عدد حیوان را تفسیر کند. منظور روش محاسبه ای است که برای هریک از حروف الفبا عددی تعیین کنند [ نظیر  
اعداد حروف ابجد در فارسی ] و سپس اعداد مربوط به هر یک از حروف یک نام را جمع نمایند. بدین طریق می توان برای هر  
اسم عدد آن را محاسبه کرده یا بالعکس در مقابل عدد معینی نام مربوط به آن را تشخیص دهند.

l- در تعدادی از نسخه های خطی به جای ۶۶۶ نوشته شده است: ۶۱۶؛ محاسبه این ارقام به طریقی که در یادداشت قبلی توضیح  
داده شد در طی دورانیهای متمادی موجب تعبیر و تفسیرهای مختلف و متعدد گردیده است. در بیشتر این محاسبه ها سعی شده  
نام شخصیت های تاریخی تشخیص داده شود و در بین مهمترین تفسیرها لازم به یادآوری است که رقم ۶۶۶ با حروف عبری نام  
قیصر نرون تطبیق می کند و رقم ۶۱۶ با حروف یونانی نام قیصر خدا تطبیق می نماید.  
از سوی دیگر بعضی از مفسران فکر می کنند به همان گونه که رقم ۷ مظهر تمامیت و کمال است رقم ۶۶۶ اصولاً مظهر عدم  
کمال می باشد و چون عدد مربوط به این حیوان عددی غیرکامل است بنا براین بشری است و جنبه الوهیت ندارد.

m- ر. ک مکا: ۷:۴ توضیح g.

n- ر. ک مکا: ۱۷:۲ توضیح o.

nn- [ تحت اللفظی: بکر. که البته در اینجا بایستی به مفهوم معنوی و روحانی کلمه درک شود و منظور مردان و زنان مسیحی  
هستند که در برابر بی نظمی های اخلاقی بت پرستان پاک و بی آرایش مانده اند. ]

o- این تصدیق که در همبستگی و هماهنگی کامل با مسیح است شاید موضوع پاکدامنی و بکر بودن را روشن می کند و نشان  
می دهد که بایستی این کلمه را به مفهوم وسیع و استعاری کلمه درک نمود که شرط اساسی و مطلوب ملت مسیحی است: اصالت  
و وفاداری کلیسا که خود را از هر گونه آلودگی با بت پرستی جهان دور نگاه می دارد. ضمناً ممکن است در اینجا هشدار بر  
ضد فحشهای معابد مشرکان باشد زیرا گفته شده است: خود را با زنان آلوده نکرده اند. [در مورد فحشهای معابد مشرکان، لازم  
به یادآوری است که در بعضی از معابد بت پرستان، دخترانی خود را به معبد تقدیم می کردند و زائران که به معبد می آمدند  
می توانستند با این دختران نزدیکی کنند، این عمل را نه فقط مذموم و ناپسند نمی دانستند بلکه آن را وظیفه ای مذهبی  
محسوب می کردند].

p- از همان آغاز در نوشته های عهد عتیق، دروغ به عنوان آیین پیامبران دروغین معرفی می شود.

## اعلام داوری

۶ و دیدم فرشته‌ی دیگری در اوج آسمان می‌پرید.

وی نویدی جاودان داشت تا به آنان که بر روی زمین نشسته‌اند و به هر ملت و قبیله و زبان و قوم نوید دهد.  
 ۷ با صدای بلند می‌گفت:

از خدا بترسید و او را بستائید زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است، و در مقابل آنکه آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفریده سجده کنید.

۸ و فرشته‌ای دیگر، [فرشته] دوم، در ادامه گفت:

سقوط کرده، سقوط کرده، بابل عظیم<sup>۹</sup>، که از شراب فحشای خشم‌آلود خود همه ملت‌ها را مشروب نموده است!<sup>۱۰</sup>

۹ و فرشته‌ای دیگر، [فرشته] سوم، در پی آنها آمد که با صدای بلند می‌گفت: اگر کسی حیوان و تصویر را بپرستد و

خروج ۱۱:۲۰  
 نوح ۶:۹  
 مر ۱۴:۴  
 اع ۲۴:۴  
 اش ۱۵:۱۳  
 یوحنا ۱۷:۲۴  
 مکا ۱۰:۶

اش ۹:۲۱  
 دان ۲۷:۴

ار ۱۵:۲۵  
 اش ۷-۸:۵۱  
 حزق ۲۳:۳۲-۳۴

علامت آن را بر روی پیشانی خود و بر ۱۳:۱۶؛ روی دستش بپذیرد،

۱۰ از شراب خشم خدا که ناب در جام اش ۱۷:۵۱؛ مکا ۷:۱۵؛ ۱۹:۱۶

غضب او مخلوط شده خواهد آشامید و در آتش و گوگرد در برابر فرشتگان مقدس و در مقابل بره شکنجه خواهد شد.<sup>۱۱</sup>

۱۱ و دود شکنجه ایشان به روزگاران و اش ۱۰:۳۴؛ روزگاران بلند می‌شود،

و آنان که حیوان و تصویر او را می‌پرستند و هر که علامت نام او را می‌پذیرد روز و شب آسایش ندارند.

۱۲ اینجا صبر مقدسین است<sup>۱۲</sup>، آنان که ۱۰:۱۳

فرمانهای خدا و ایمان عیسی را حفظ ۱۷:۱۲ می‌کنند.

۱۳ و صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت بنویس:

از هم اکنون خوشا به حال مردگانی که در خداوند می‌میرند!<sup>۱۳</sup>

q- پس از دوران اسارت و تبعید یهودیان، بابل مظهر و نماد امپراتوری‌هایی شد که بر ضد خدا و قوم او هستند و مستحق نفرین و لعنت می‌باشند (ر.ک اش ۱-۳:۴۷-۱:۱۵؛ ار ۲۹-۳۲:۵۱-۴۴:۵۸؛ زک ۵:۵-۱۱).

r- فسادی که در جامعه بابل وجود داشته بوسیله هرزگی و عیاشی افسار گسیخته مجسم شده است. نویسنده که به طرز برگزاری مجالس عیاشی و میگساری اشاره می‌کند بیشتر بی‌نظمی روحی و اخلاقی دنیای بت پرستی را یادآوری می‌نماید. همچنین می‌توان درک کرد که منظور شراب خشم خدا است (آیه ۱۰)؛ بت پرستی که با کنایه و اشاره بوسیله عیاشی نشان داده شده آدمیان را سیراب کرده است.

s- تجسم کیفر کافران در ادبیات سنتی به همین نحو است (ر.ک مکا ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۲۰؛ ۸:۲۱)، این تصویرگاهی با تصویر «جهنم» آتش آمیخته و شاید از آن گرفته شده است (ر.ک مت ۸-۹). کلمه جهنم از کلمه عبری گهینوم گرفته شده که به معنی دره هینوم است. دره هینوم که در حومه اورشلیم و در جنوب غربی آن قرار دارد از همان ابتدا شهرت بدی داشته زیرا در آنجا آئین پرستش رب النوع کنعانیان و فنیقیان بنام مولک انجام می‌شد و قربانی انسان و مخصوصاً کودکان معمول بوده است؛ پیامبران این محل را نجس و آلوده می‌شمردند (ر.ک ۲-۲۳:۱۰؛ ۷:۳۱؛ ۱۹:۵-۶؛ ۳۲:۳۵). پس از دوران تبعید، یهودیان در این محل لاشه‌های نجس و بقایای فضولات و اجساد آلوده را می‌سوزاندند. شکی نیست که بعدها این روش در طرز تجسم کیفر پایان روزگار مؤثر بوده است (ر.ک اش ۲۴:۶۶). در برخی از نوشته‌های کاهنان و کتابهای یهودیان که جزو نوشته‌های الهامی نیستند جهنم را محل شکنجه کافران دانسته‌اند و چنین می‌نمایند که از این موضوع و تصاویری که به همراه آن است در بعضی از نوشته‌ها و متون عهد جدید پیروی کرده‌اند (ر.ک خنوخ ۲۲:۲۷؛ ۴-۷. عز ۵:۲۲، ۲۹؛ ۲۸:۱۰؛ ۹:۱۸؛ مر ۹:۴۳؛ لو ۱۲:۵؛ یع ۳:۶).

t- ترجمه دیگر: اکنون ساعت استقامت مقدسین است (ر.ک ۱۰:۱۳).

u- تحت اللفظی: خوشا، مردگانی که در خداوند می‌میرند، از هم اکنون. ضمناً ممکن است عبارت «از هم اکنون» به جمله بعدی متصل شود: آری، روح القدس می‌گوید از هم اکنون...

و تا کستان زمین را چید و در چرخشت اش ۶۳-۱:۶-۱۵:۱۹ مگا  
بزرگ غضب خدا انداخت.  
۲۰ و در بیرون شهر چرخشت لگدمال شد و  
از چرخشت تا به دهنه اسپان به مسافت  
هزار و شش صد استاد خون بیرون آمد.

## هفت فرشته و آخرین بلاها

۱ و در آسمان نشانه دیگری، بزرگ  
۱۵ و شگفت انگیز دیدم:

هفت فرشته که هفت بلای آخرین را  
داشتند،  
زیرا بوسیله آنها خشم خدا انجام یافته  
است.

۲ و دیدم به مانند دریائی شیشه ای آمیخته به ۶:۴  
آتش،

و پیروزمندان بر حیوان و تصویر او و رقم ۱۳-۱۵:۱۸-  
نام او،

بر روی دریای شیشه ای ایستاده،  
که سنتورهای خدا را داشتند.

۳ و سرود موسی<sup>X</sup>، بنده خدا و سرود خروج ۲:۱۵-۱۹  
بره را می خواندند:

کارهای تو عظیم و شگفت انگیزند، مز ۲:۱۱۱-۴  
خداوندا، ای خدای قادر متعال!

راههای تو عادلانه و حقیقی هستند ت ۴:۳۲  
مز ۱۷:۱۴۵  
ار ۷:۱۰

ای پادشاه ملت ها!

۴ خداوندا، چه کسی از تو نترسد

و نام ترا شکوهمند نخواهد کرد؟

زیرا تنها تو مقدسی؛

عبر ۴:۱۰ آری، روح القدس می گوید از زحمت های  
خود بیسایند زیرا اعمالشان به همراه  
ایشان است.

## درو و انگور چینی زمین

۱۴ و دیدم آنگاه ابری سفید و کسی بمانند  
پسر انسان<sup>V</sup> برابر نشسته،  
دان ۷:۱۳-۱۳:۱ مگا

بر روی سرش تاجی زرین و در دستش  
داسی تیز.

۱۵ و فرشته دیگری از قدس بیرون آمده به  
آنکه برابر نشسته بود با صدای بلند  
فریاد برآورد:

داس خود را بفرست و درو کن<sup>W</sup>،  
یول ۴:۱۳

موسم درو کردن فرا رسیده زیرا محصول  
زمین خشک شده است.

۱۶ و آن که برابر نشسته بود داس خود را به  
روی زمین انداخت و زمین درو شد.

۱۷ و فرشته دیگری از قدس که در آسمان  
است بیرون آمد،  
۵، ۳:۸

او هم داس تیزی داشت.

۱۸ و فرشته دیگری از قربانگاه [بیرون  
آمد]، آنکه بر آتش اقتدار دارد و با  
صدای بلند به آنکه داس تیز داشت  
فریاد برآورد:

داس تیز خود را بفرست و خوشه های  
تا کستان زمین را بچین،

زیرا انگورهایش رسیده اند.

۱۹ و فرشته داس خود را بر زمین انداخت

۷- ر.ک مگا ۱۳:۱ توضیح X.

W- تصاویر درو کردن و انگورچینی (ر.ک آیات ۱۸-۲۰) برای نشان دادن داوری نهایی در پایان روزگار خیلی متداول است.  
مثلاً ر.ک اش ۶۳:۳؛ یول ۴:۱۳؛ مت ۱۳:۳۹.

X- ر.ک خروج ۱۵. به همان گونه که موسی پس از عبور از دریای سرخ به خاطر رهایی قوم از دست مصریان آواز سپاسگزاری  
خوانده بود، پیروزمندان بر حیوان نیز بر روی دریای شیشه ای ایستاده سرود سپاسگزاری می خوانند. سرود بره هم به همین گونه  
است زیرا پیروزی ایشان شرکت در پیروزی بره است.



- ۱۰ و پنجمی پیاله خود را به روی تخت حیوان ریخت، و ملک او ظلمات شد. خروج ۲۱:۱۰؛ اش ۲۱-۲۲
- ۱۱ و به سبب دردها و زخم‌هایشان به خدای آسمان کفر گفتند، و از کارهای خود توبه نکردند.
- ۱۲ و ششمی پیاله خود را به روی رودخانه عظیم فرات ریخت ۱۴:۹ و آب آن خشک شد تا راه پادشاهان مطلع خورشید<sup>bb</sup> آماده شود.
- ۱۳ و دیدم از دهان اژدها و از دهان حیوان و از دهان پیامبر دروغی سه روح ناپاک به مانند وزغ‌ها [بیرون آمد].
- ۱۴ زیرا ایشان ارواح دیوها هستند که نشانه‌هایی می‌کنند و به سوی پادشاهان همه ربع مسکون می‌روند تا ایشان را برای جنگ روز بزرگ خدای قادر متعال به دور هم جمع کنند.
- ۱۵ اینک من به مانند دزد می‌آیم! خوشا بر آنکه بیدار ماند و لباسهایش را نگه می‌دارد، ۱۸:۳ مبادا برهنه راه برود و شرم او را
- ببینند.<sup>c</sup>
- ۱۶ و ایشان را در جایی که به عبری هارماگدون<sup>e</sup> خوانده می‌شود گردهم آوردند.<sup>d</sup>
- ۱۷ و هفتمی پیاله اش را به روی هوا ریخت و صدای بلندی از قدس در نزدیکی تخت برآمد که می‌گفت: تمام شد!
- ۱۸ و آذرخش‌ها و صداها و تندرها به وجود آمد و زلزله عظیمی روی داد چنانکه از زمان ایجاد آدمی بر روی زمین چنین زلزله عظیمی روی نداده است. خروج ۲۴:۹؛ اش ۱۶:۱۹؛ مکا ۵:۴؛ ۱۹:۱۱
- ۱۹ و شهر بزرگ به سه قسمت تقسیم شد و شهرهای ملت‌ها فرو ریختند، و از بابل عظیم در مقابل خدا به یاد آوردند
- ۲۰ تا جام شراب خشم خود را به او بدهد. خروج ۱۷:۵۱؛ مکا ۱۰:۱۴؛ ۷:۱۵؛ ۱۴:۶
- ۲۱ و تگرگی شدید [هردانه] به وزن یک تالان<sup>g</sup> از آسمان به روی آدمیان می‌افتد؛ و آدمیان به سبب این بلای تگرگ به خدا کُفر گفتند زیرا این بلا سخت عظیم است.

bb- [منظور از پادشاهان مطلع خورشید، پادشاهان مشرق زمین است.]

c- چنین به نظر می‌رسد که این آیه در جای مناسبی قرار ندارد زیرا بیان ششمین بلا را قطع می‌کند؛ فاعداً آیات ۱۴ و ۱۶ باید به دنبال هم خوانده شوند.

d- ترجمه دیگر: گرد هم آوردند.

e- یا حارمجدون: این کلمه در زبان عبری به معنی «کوه مگبدو» است. مگبدو نام شهری در دشت اسدرلون و در پای کوه کرمل است که در آنجا جنگ‌های خونینی رخ داده است (ر. ک داوود ۱۲-۱۶:۲-۲۳:۲۹). در کتاب زکریا این محل به عنوان مظهر و نشانه شکست نهائی ارتشهای دشمن ذکر شده است (ر. ک زک ۱۱:۱۲).

f- ر. ک مز ۳:۴۶؛ ارا ۲۴:۴؛ حزق ۱۸:۲۶ و ۲۰:۳۸؛ نح ۵:۱؛ مکا ۱۴:۶.

g- کلمه تالان در صورتی که به مفهوم مقیاس وزن به کار برده شود در حدود ۴۰ کیلوگرم است.

داوری فاحشه<sup>h</sup> بزرگ

۱۷<sup>۱</sup> و یکی از هفت فرشته که هفت پیاله را داشتند آمد و با من حرف زده گفت:

ار ۱۳:۵۱ بیا تا داوری شدن فاحشه<sup>h</sup> بزرگ را که بر روی آبهای فراوان نشسته است به تو نشان دهم.

اش ۱۷:۲۳ آن که پادشاهان زمین با او فحشا کردند و ساکنان زمین از شراب فحشای او مست شدند.<sup>۱</sup>

اش ۲-۱:۲۱ و مرا در روح به صحرا برد.

۱:۱۳ و دیدم زنی بر حیوانی قرمز رنگ، پُر از نامهای کفرآمیز<sup>۲</sup> که هفت سر و ده شاخ داشت نشسته است.

<sup>۴</sup> و زن لباسی ارغوانی و قرمز پوشیده به طلا<sup>۳</sup> و سنگهای قیمتی و مرواریدها می درخشید

ار ۷:۵۱ و در دستش جامی زرین، پُر از خبثات ها و ناپاکی های فحشای او،

۲-۷:۲ و بر پیشانی نامی نوشته که رازی بود: بابل عظیم، مادر فاحشه ها و خبثات های زمین.

<sup>۶</sup> و زن را دیدم که از خون مقدسین و خون

شاهدان مسیح سرمست بود و با دیدن او از شگفتی عظیمی شگفت زده بودم.

<sup>۷</sup> و فرشته به من گفت: چرا در شگفتی؟ من راز زن و حیوانی را که بر آن سوار است، آنکه هفت سر و ده شاخ دارد به تو خواهم گفت.

<sup>۸</sup> حیوانی که تو دیدی، بود و دیگر نیست ۴-۱:۱۳ و می بایست از هابویه بالا بیاید و به هلاکت می رسید<sup>k</sup>

و آنان که بر زمین سکونت دارند،

که نامشان از بنیان جهان در کتاب ۱۲:۲۰ زندگی نوشته نشده است دچار شگفتی خواهند شد

چون حیوان را ببینند

زیرا بود و دیگر نیست اما [دوباره] ظاهر خواهد شد.

<sup>۹</sup> در اینجا هوشی هست که حکمت دارد. ۱۸:۱۳

هفت سر، هفت کوه هستند که بر روی آنها آن زن نشسته است<sup>۱</sup>،

همچنین هفت پادشاه هستند.

<sup>۱۰</sup> پنج تا افتاده اند، یکی هست، دیگری هنوز نیامده<sup>m</sup>

<sup>h</sup> - در نوشته های عهد عتیق تصویر فاحشه اکثراً به عنوان مظهر قوم یا شهر بت پرست ارائه می شود. ر.ک اش ۱:۲۱؛ ۲۳:۱۶-۱۸؛ حزق ۱۶:۱۵-۶۳؛ هو ۲:۵؛ ۳:۵؛ نج ۳:۴. در اینجا ظاهراً منظور پایتخت امپراتوری روم، مرکز شرک و بت پرستی و قدرت ظالمانه است (آیه ۶) و به طوری که توصیف شده در کنار آبها قرار دارد (آیه ۱) و بر روی حیوانی هفت سر سوار شده که طبق آیه ۹ هفت تپه ای هستند که شهر رم بر روی آنها بنا شده است.

<sup>i</sup> - اشاره به پادشاهان و اقوامی است که در پرستش امپراتور بت پرست شرکت نموده اند. ر.ک مکاشفه ۱:۱۳ توضیح X.

<sup>jj</sup> - [ترجمه تحت اللفظی: مطلا شده از طلا.]

<sup>k</sup> - در صورتی که خدا به صورت: آنکه بود، آنکه هست و آنکه می آید ارائه می شود (ر.ک مکاشفه ۴:۱؛ ۸:۴؛ ۸:۴) حیوان (که مظهر قدرتهای دشمنانه است) بوده و هست و علی رغم وجود کنونی، یوحنا در رؤیای خود هم اکنون او را مشاهده می کند که بر اثر داوری خدا نابود شده و به هلاکت می رسد.

<sup>l</sup> - ر.ک ۱:۱۷ توضیح h.

<sup>m</sup> - ترجمه دیگر: پنج تا از آنها افتاده اند، ششمی سلطنت می کند، هفتمی هنوز نیامده.

اجرا کنند و فقط یک نیت انجام دهند  
که پادشاهی خود را به حیوان بدهند تا  
سخنان خدا تحقق یابد.  
<sup>۱۸</sup> و زنی را که دیده‌ای، شهر عظیمی است  
که بر پادشاهان زمین سلطنت دارد.

### سقوط بابل

**۱۸** پس از آن دیدم فرشته‌ای از  
آسمان فرود آمد  
که قدرتی عظیم داشت و زمین از شکوه  
او روشن شد.

<sup>۲</sup> و با صدائی بلند فریاد برآورد:

سقوط کرده، سقوط کرده، بابل عظیم  
که مسکن دیوها و دخمه تمام روحهای  
خبیث و مأوای هر پرنده ناپاک و منفور  
شده است،  
اش ۲۱:۹  
مکا ۸:۱۴  
اش ۱۳:۲۱  
ار ۳۹:۵۰

<sup>۳</sup> زیرا همه ملت‌ها از شراب خشم فحشای او  
آشامیده‌اند و پادشاهان زمین با او فحشا  
کرده‌اند،

و سوداگران زمین از قدرت تجمل او  
ثروتمند شده‌اند.

<sup>۴</sup> و صدای دیگری از آسمان شنیدم که  
می‌گفت:

ای قوم من، از خانه او بیرون شوید تا در  
گناهان او شریک نباشید و از بلاهای او  
دریافت نکنید.  
اش ۴۸:۲۰  
۱۱:۲۵  
ار ۸:۵۰  
۴۵:۵۱

<sup>۵</sup> زیرا گناهان او تا به آسمان انباشته شده  
پید ۲۰:۱۸

و وقتی بیاید، باید اندکی بماند.<sup>n</sup>  
<sup>۱۱</sup> و حیوانی که بود و دیگر نیست، خودش  
هشتمین [پادشاه] است  
و یکی از هفت تن است و به هلاکت  
می‌رسد.<sup>o</sup>

دان ۲۴:۷  
<sup>۱۲</sup> و ده شاخی که تو دیده‌ای، ده پادشاه  
هستند که هنوز پادشاهی دریافت  
نکرده‌اند،

ولی با حیوان یک ساعت قدرت به عنوان  
پادشاه می‌یابند.<sup>p</sup>

<sup>۱۳</sup> اینان فقط یک منظور دارند تا قدرت و  
اقتدار خود را به حیوان می‌دهند.

<sup>۱۴</sup> اینان با بره جنگ خواهند کرد و بره بر  
ایشان پیروز خواهد شد،  
۲۱:۱۹

زیرا خداوند خداوندان و پادشاه  
پادشاهان است

و همچنین آنان که با او خوانده شده‌اند  
و برگزیدگان و ایمانداران.<sup>q</sup>

<sup>۱۵</sup> و به من می‌گوید: آبهایی را که دیده‌ای  
فاحشه بر آنها نشسته

اقوام و توده‌ها و ملت‌ها و زبانها هستند.

<sup>۱۶</sup> و ده شاخ و حیوانی را که دیده‌ای از  
فاحشه نفرت خواهند داشت

و او را لخت کرده گوشت‌های او را  
خواهند خورد و خودش را در آتش  
خواهند سوزاند.

<sup>۱۷</sup> زیرا خدا به دل ایشان نهاده تا نیت او را

۱۶:۱۹  
ث ۱۷:۱۰  
دان ۴۷:۲  
۱- تیمو ۱۵:۶

حزق ۱۶:۳۹-۴۱  
اش ۴۷:۸-۹

n- شکی نیست که اشاره نویسنده به هفت نفر، کسانی هستند که به توالی امپراتور روم بوده‌اند. به هر صورت تشخیص هویت هر یک از آنان دشوار و مشکوک است (هرگاه امپراتوران مهم روم را به حساب آورده و از اگوست آغاز کنیم، پنجمی آنان نرون بوده و امپراتور هشتمی دومیتیان خواهد بود).

o- شاید منظور امپراتور دومیتیان است که به سبب تعقیب و شکنجه مسیحیان، نرون جدید محسوب می‌شد. می‌دانیم که در آن دوران افسانه‌هایی وجود داشت که می‌گفتند نرون پس از مرگش دوباره برمی‌گردد.

p- این پادشاهان احتمالاً فرمانروایان ملت‌های تابع روم هستند و تعیین هویت هر یک از آنان هر چه باشد، یک نکته مسلم است: سلطه‌ها و قدرتهایی که منشأ آنها شیطان باشد ناپایدار و موقتی هستند.

q- ترجمه دیگر: و با او آنان که خوانده شده‌اند، برگزیدگان و ایمانداران پیروز خواهند شد.

و خدا بی عدالتی های او را به یاد آورده است.

۶ به او پس بدهید همان را که او داده است<sup>I</sup> و به او چندان که کرده است پس بدهید، در جامی که او آمیخته است<sup>II</sup>، برایش دو چندان بیامیزید،

۷ به همان اندازه که شکوه و تجمل گسترده، به همان اندازه به او شکنجه و ماتم بدهید. زیرا در دل خود می گوید:

من چون ملکه ای نشسته ام و بیوه زن نیستم و ماتمی نخواهم دید. اش ۸:۴۷

۸ بدین سبب در یک روز بلاهای او خواهند آمد:

طاعون و ماتم و قحطی و به وسیله آتش خواهد سوخت، خداوند، خدائی که او را داوری می کند توانا است.

۹ و پادشاهان زمین که با او فحشا کرده و تجمل خود را گسترده اند به خاطر او خواهند گریست و [به سینه] خواهند زد، وقتی که دود آتش او را ببینند.

۱۰ از ترس شکنجه او، از دور ایستاده خواهند گفت:

۱۷:۲۶ وای! وای! شهر عظیم بابل، شهر قدرتمند،

زیرا داوری تو در یک ساعت آمده است!

۱۱ و سودگران زمین می گریند و به خاطر او ماتم دارند

I- تحت اللفظی: به او رد کنید چنانکه او رد کرده است.

II- [در آن دوران هنگامی که شراب در جام می ریختند، آن را با ادویه و گیاهان معطر و آب می آمیختند].

S- ترجمه این دو کلمه فرضی و احتمالی است. تحت اللفظی: جسم ها و روح های آدمیان. در ترجمه یونانی عهد عتیق گاهی جسم ها به معنی بردگان آمده است (پید ۳۴:۲۹) و می توان معنی نزدیک به آن برای روح های آدمیان تصور کرد چنانکه در ترجمه یونانی حزق ۱۳:۲۷ به این مفهوم است.

t- ترجمه دیگر: کارگران دریا.

زیرا دیگر هیچ کس بار ایشان را نمی خرد،  
۱۲ بار طلا و نقره و سنگ قیمتی و مروارید، حزق ۱۲:۲۷-۲۴

کتان ظریف و ارغوانی و ابریشمی و قرمز و هر چوب معطر و هر ظرف عاج و هر ظرف چوبی بسیار گرانبها و برنز و آهن و مرمَر،

۱۳ و دارچین و هل و عطرها و مَر و کندر و شراب و روغن و آرد سفید و گندم و دام ها

و گوسفندان و اسبان و ارا به ها

و بردگان و آدمیان<sup>S</sup>، حزق ۱۳:۲۷  
۱۴ و میوه هایی که روح تو آرزو داشت از تو دور شد

و لذت ها و درخشانی ها از تو دور و گم شده است

و دیگر هرگز آنها را نخواهی یافت.

۱۵ سودگران اینها که بوسیله آن زن ثروتمند شده اند به سبب ترس از شکنجه، دور از

او گریان و با ماتم خواهند ایستاد.

۱۶ خواهند گفت:  
وای! وای!

شهر عظیم که کتان ظریف و ارغوانی ۴:۱۷ پوشیده بود و از طلا و سنگ قیمتی و مروارید می درخشید؛

۱۷ زیرا در یک ساعت این همه ثروت ویران شده است

و هر ناخدا، هر قایقران ساحلی و ملاحان

و همه آنان که از دریا بهره می گیرند<sup>t</sup> به حزق ۲۷:۲۷-۲۹

زیرا سوداگران تو بزرگان زمین اش ۲۳:۸  
بودند،  
زیرا به وسیلهٔ جادوگری تو همه  
ملت ها گمراه شده اند.  
۲۴ و در آن<sup>۷</sup> خون پیامبران و مقدسین و  
همه آنان که بر روی زمین سر بریده  
شده اند یافت شده است.  
مت ۲۳:۳۵-۳۷  
مکا ۶:۱۶

## سرود پیروزی و جشنهای عروسی

پره

۱۹ پس از آن صدائی بلند، به مانند  
صدای گروهی فراوان در آسمان  
شنیدم که می گفت:

هللویا!

نجات و شکوه و قدرت از آن خدای  
ما است.

ار ۶:۶-۷  
مکا ۲۰:۱۸

۲ زیرا داوری های او حقیقی و عادلانه  
است:

او فاحشهٔ بزرگ که زمین را در فحشای  
خود فاسد می کرد داوری نموده

اش ۱۰:۶  
مکا ۲۴:۱۸، ۱۸:۱۱

و انتقام خون بندگان خود را گرفته و  
از او باز خواسته است<sup>۷۷</sup>.

۳ و بار دوم گفتند:

هللویا!

و دود آن به روزگاران و روزگاران  
بالا می رود.

اش ۱۰:۳۴  
مکا ۱۱:۱۴

۴ و بیست و چهار پیر و چهار جاندار  
به خاک افتاده

در مقابل خدا که بر روی تخت نشسته  
است سجده کرده گفتند:

آمین! هللویا!

دور ایستاده اند؛  
۱۸ و با دیدن دود آتش او فریاد برآوردند:  
چه کسی بمانند شهر عظیم بود؟  
۱۹ و بر سرهای خود خاک می ریختند،  
فریاد زنان، گریان و با ماتم می گفتند:  
وای! وای!  
شهر عظیم که در آن همهٔ آنان که  
کشتی ها به روی دریا داشتند از  
نعمت او ثروتمند شدند

و در یک ساعت ویران شده است!

۲۰ ای آسمان، دربارهٔ او شادی کن!<sup>۱۱</sup>  
و شما، ای مقدسین و رسولان و  
پیامبران، زیرا با داوری کردن او، دربارهٔ  
شما عدالت شده است.

۱۲:۱۲

۲۱ و فرشته ای قدرتمند، سنگی به مانند

سنگ بزرگ آسیا برگرفت

ار ۶۳:۵۱-۶۴

و به دریا انداخته گفت:

بدین سان، بابل شهر عظیم بشدت  
افکنده خواهد شد و دیگر هرگز آن  
را نخواهند یافت.

۲۲ و صدای سنتور نوازان و موسیقی دانان  
و نی نوازان و شیپورزنان

اش ۸:۲۴  
حزق ۱۳:۲۶

دیگر هرگز نزد تو شنیده نمی شود  
و هیچ صنعتکار هیچ فنی دیگر نزد تو  
پیدا نمی شود

و دیگر صدای آسیا هرگز در تو  
شنیده نمی شود.

۲۳ و دیگر روشنی چراغ در تو نمی درخشد  
و دیگر صدای داماد و عروس در تو  
شنیده نمی شود

ار ۷:۳۴  
۱۰:۲۵

۱۱- ترجمهٔ دیگر: از ویرانی او شادی کن.

۷- ترجمهٔ دیگر: و در تو.

۷۷- تحت اللفظی: انتقام خون بندگان خود را از دست او گرفته است.

۵ و صدایی از تخت بیرون آمد که می گفت:  
 ۱۳:۱۱۵ ای همه بندگان او، ای کسانی که از  
 او می ترسید، ای کوچکان و  
 ۱:۱۳۵ بزرگان، خدای ما را ستایش کنید!  
 ۶ و صدائی به مانند صدای گروهی فراوان  
 و به مانند صدای آبهای بسیار  
 و به مانند صدای تندرهای قوی شنیدم  
 که می گفت:  
 هلولویا!  
 زیرا خداوند، خدای قادر متعال  
 جلوس کرده است.<sup>w</sup> ۱۷:۱۱  
 ۷ شادی کنیم و به وجد در آئیم و او را  
 شکوه دهیم  
 زیرا عروسی بره فرا رسیده<sup>x</sup>  
 و عروستش خود را آراسته است؛  
 ۹، ۲:۲۱ و به او داده شده که لباسی از کتان  
 اش ۱۰:۶۱<sup>۸</sup> ظریف، درخشان و پاک بپوشد؛  
 زیرا کتان اعمال عدالت مقدسین است.  
 ۹ و به من می گوید<sup>y</sup>:  
 مت ۱۴-۱:۲۲ بنویس: خوشا به آنان که به شام عروسی

بره خوانده شده اند!

و به من می گوید: اینها سخنان حقیقی  
 خدا هستند.<sup>z</sup>

۱۰ و من به پاهایش افتادم تا در مقابل او  
 سجده کنم.

اما به من می گوید: زنهار! چنین مکن.

من بنده ای به مانند تو و برادرانت هستم  
 که شهادت عیسی را دارند؛

خدا را سجده کن زیرا شهادت عیسی  
 روح پیامبری است.<sup>a</sup>

### پیروزی مسیح

۱۱ و دیدم آسمان باز شده است

و اسبی سفید و آنکه بر آن سوار است

وفادار و حقیقی نام دارد

۱۴، ۷:۳؛ ۵:۱

و با عدالت داوری می کند و می جنگد.<sup>b</sup>

۱۲ چشمانش شعله آتش

دان ۶:۱۰؛

مکا ۱:۱۴؛

۱۸:۲

و بر سرش دیهیم های بسیار،

نامی نوشته دارد که کسی جز او نمی داند<sup>c</sup>، ۱۷:۲

۱۳ ردائی آغشته به خون پوشیده<sup>d</sup>

w- تحت اللفظی: خدای متعال سلطنت کرده است.

x- در نوشته های عهدعتیق گاهی خدا، شوهر اسرائیل خوانده شده است (اش ۵۴:۱-۸؛ هوز ۲:۱۶-۱۸)، مسیحیت این تصویر مجازی را اخذ کرده و اندکی تغییر داده است: ۱) مسیح داماد کلیسا است (ر. ک افس ۵:۲۳، ۲۵، ۳۲). (۲) انتظار برای جشن های عروسی در ایام آخر که تحقق کامل عهد است (ر. ک مت ۲۲:۲؛ ۲۵:۱-۱۳).

y- ترجمه دیگر: و فرشته ای به من می گوید. آیه ۱۰ و آیه ۸:۲۲ که به موازات آن است به خوبی نشان می دهد که منظور فرشته ای است. z- همچنین می توان چنین استنباط کرد: این سخنان خدا حقیقی هستند.

a- روح القدس که الهام گر پیامبران است پیشاپیش به عیسی شهادت می داد. اکنون بر اثر همان الهام، این گواهی اعلام تحقق پیام پیامبران است.

b- توصیفی که از این سوار آسمانی شده از اظهارات پیامبران متعددی الهام می گیرد که می توان هویت او را تعیین نموده عمل او را بهتر درک نمود: ۱) طبق اش ۳:۱۱-۴ (ر. ک آیات ۱۱، ۱۵) و مز ۹:۲ (ر. ک آیه ۱۵) این سوار مسیح موعود پسر داود است. ۲) همچنین سخن خدا است که در توصیف شب عید گذر برابر حک ۱۸:۱۴-۱۵ (ر. ک آیه ۱۳) جای فرشته مرگ را می گیرد (ر. ک آیه ۱۳).

c- در توصیف سوار آسمانی چندین بار اشاره به نامهای او می شود (آیات ۱۲، ۱۳، ۱۶). این نام ها جنبه های مختلف شخصیت و عمل او را مشخص می نمایند: مثلاً نام اسرارآمیز آیه ۱۲ رفعت مقام و الوهیت او را نشان می دهند؛ در آیه ۱۳ عنوان سخن خدا مقام او را به عنوان داور پایان روزگار تعیین می نماید (ر. ک حک ۱۵:۱۸-۱۶؛ اش ۱۱:۱۴ و مکا ۱۱:۹ b)؛ بالاخره در آیه ۱۶ خداوندی او صریحاً اعلام شده است.

d- اشاره به اش ۱:۶۳-۳ (همچنین ر. ک مکا ۱۹:۱۵) که روایات یهودیان (ترگوم ها) آن را پیشگویی درباره داوری در پایان روزگار می دانستند که بوسیله مسیح موعود اجرا خواهد شد.

- یو ۱:۱ و خود را به نام «سخن خدا» می خواند.
- ۱۴ و ارتشهایی که در آسمان هستند، سوار بر اسبان سفید، کتان سفید پاک پوشیده به دنبالش می آیند.
- ۱۵ و از دهانش شمشیری نیز بیرون می آید تا به وسیله آن ملت ها را بزند، و اوست که آنان را با عصایی آهنین خواهد چرانید؛
- یو ۱۸:۳۶ و هم اوست که خُم شراب شدت خشم خدای قادر متعال را لگدمال می کند.
- ۱۶ و بر لبایش و بر رانش نامی نوشته شده است:
- ۱۹:۱۴ پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان.
- ۱۷ و دیدم فرشته ای که در خورشید ایستاده به صدای بلند فریاد برآورد و به تمام پرنده گانی که در اوج آسمان پرواز می کنند گفت:
- ۱۸ تا گوشت های پادشاهان و گوشت های سرداران و گوشت های اسبان و سواران آنها و گوشت های همه مردمان آزاد و همچنین بردگان و کوچکان و بزرگان را بخورید.<sup>e</sup>
- ۱۹ و دیدم که حیوان و پادشاهان زمین و ارتشهای ایشان جمع شده اند تا با آنکه بر اسب سوار است<sup>f</sup> و ارتش او بجنگند.
- ۲۰ و حیوان دستگیر شد و با او پیامبری دروغین<sup>g</sup> که در مقابل او نشانه هائی می کرد و بوسیله آنها کسانی را که نشانه حیوان را داشتند و کسانی را که در مقابل تصویر او سجده می کردند گمراه نمود. هر دو را زنده زنده در استخر آتش دان ۷:۱۱ افروخته از گوگرد<sup>h</sup> انداختند.
- ۲۱ و دیگران به شمشیر آنکه بر اسب سوار بود کشته شدند، شمشیری که از دهانش بیرون آمده بود، و همه پرنده گان از گوشت های آنان سیر شدند.

## هزار سال

- ۱ و فرشته ای دیدم که از آسمان فرود آمد
- ۲ و کلید هاویه<sup>a</sup> و زنجیری بزرگ به دست داشت.
- ۳ و اژدها را گرفت، آن مار قدیمی که ابلیس ۹:۱۲ و شیطان است و او را برای هزار سال<sup>b</sup> در

e- در این توصیف مستقیماً از رؤیای حزقیال (۱۷:۲۹-۲۰) الهام گرفته شده است.

f- گاهی به جای آنکه بر اسب سوار است و در آیه ۲۱ نیز به همین گونه آمده، ترجمه می کنند: سوار.

g- به نمایندگان نیروی بدی به ترتیبی کبفر فرا می رسد که برعکس ترتیب ظهور آنها در مکاشفه است (ظهور شیطان در باب ۱۲؛ حیوان و پیامبر دروغی در باب ۱۳؛ ارتشهای شیطانی در باب ۱۷)، کبفر شیطان در باب ۲۰ توصیف خواهد شد.

h- ر.ک مکا ۱۰:۱۴ توضیح s.

i- ر.ک مکا ۹:۱ توضیح p.

j- ذکر مدت هزار سال که در آیات ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ نیز آمده تفسیرهای مختلفی دارد و به طور کلی می توان به دو نوع تفسیر اشاره کرد که امروزه هر دو طرفدارانی دارند:

۱) یکی آن که تفسیر هزاره خوانده می شود و به مفهوم صحیح تر باید آن را تفسیر آینده نگری نامید. برطبق این تفسیر، سلطنت زمینی هزار ساله که در مکاشفه اعلام شده غیر از سلطنت خدا است ولی این تفسیر موجب نتیجه گیری های بی قاعده ای شده به طوری که موجب گردید مفسران با احتیاط از آن طرفداری کنند: و چنین تشخیص می دهند که در اینجا تحقق پذیرفتن تاریخ پیشگویی و اعلام می شود. خدا می خواهد که در مرحله اول پایان روزگار، دنیا محل تجلی و شکوه مکاشفه باشد.

۲) بر طبق تفسیر دیگری که تفسیر مجازی یا روحانی نامیده می شود دوران مورد نظر دورانی نیست که در آینده باید منتظر بود بلکه دورانی است که آمدن مسیح را از پایان روزگار جدا می کند و اگر افعال به زمان مستقبل آمده، این نکته را باید فقط

بند کرد.

سال به پایان رسد.

۳ و او را در هاویه افکند و [در را] بسته آن

این رستاخیز اول است.

۱۲-۹:۲-۹:۲ را مهر کرد تا دیگر ملت ها را گمراه نکند

۶ خوشبخت و مقدس است آنکه<sup>n</sup> از

تا وقتی که هزار سال به پایان برسد،

رستاخیز اول نصیب دارد؛

بعد از آن باید برای اندک زمانی رها

مرگ دوم<sup>o</sup> بر اینان اقتداری نداردشود<sup>k</sup>.

۱۰:۵ بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود

۴ و تخت هایی دیدم و بر آنها نشستند و به

و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

ایشان داده شد که داوری کنند<sup>l</sup>.دان ۹:۷، ۲۲، ۲۷؛  
مت ۲۸:۱۹؛  
۱- قرن ۲:۶

و همچنین [دیدم] ارواح کسانی را که

پیروز نهایی و داوری

به سبب گواهی بر عیسی و به سبب سخن

۷ و هنگامی که هزار سال به پایان برسد،

خدا سرشان با تبر زده شده و آنان که در

شیطان از زندان خود رها خواهد شد.<sup>h</sup> و

برابر حیوان و تصویر او سجده نکرده

بیرون خواهد آمد تا ملت هایی را که در

بودند و به روی پیشانی و دست خود

چهار گوشه زمین هستند یعنی جوج و

نشانی دریافت نکرده بودند.

مأجوج<sup>p</sup> را گمراه کند،

ایشان جان گرفتند و با مسیح هزار سال

:۱۰:۵  
روم ۱۷:۵سلطنت کردند<sup>m</sup>.:۱۶، ۱۴:۱۶ که  
۲۱-۱۹:۱۹  
آنان را برای جنگ گرد هم آورد،

تعدادشان همچون شن دریا است.

۵ بقیه مردگان جان نگرفتند تا اینکه هزار

۹ و ایشان بر وسعت زمین برآمدند و لو ۲۴:۲۱

به عنوان طرز بیان معمولی پیامبرانه به شمار آورد. زیرا به محض اینکه عیسی ظاهر می شود شیطان در بند شده است (مت ۱۲:۲۵-۲۹). بنابراین ذکر مدت هزار سال را می توان این گونه توضیح داد: این رقم یا از طرحی گرفته شده که بر مبنای آن دنیا در یک هفته کیهانی یعنی ۷۰۰۰ سال بنا شده یا اینکه احتمالاً اشاره به نظریاتی درباره اقامت آدم نخستین در بهشت است: توضیح آنکه خدا به آدم گفت در روزی که میوه ممنوع را بخورد خواهد مرد (پید ۲:۱۷)؛ باری آدم در سن ۹۳۰ سالگی مرد (پید ۵:۵) ولی بر طبق مز ۴:۹۰ هزار سال برای خدا، یک روز است و بنابراین هزار سال به معنی آن است که با آمدن مسیح، هم اکنون فرد ایماندار به زندگی بهشتی واقعاً دسترسی دارد (ر.ک مکا ۷:۲).

k- این عبارت به هرگونه تفسیر شود بایستی آن را در مقایسه با آنچه در همین مورد در مکا ۱۲:۱۲ آمده درک نمود، بدین معنی که عمل شیطان همواره محدود و محکوم به شکست نهائی است. همچنین این نکته را با سه سال و نیم که قبلاً ذکر شده (ر.ک مکا ۲:۱۱ توضیح a) مقایسه نمائید.

l- ترجمه دیگر: آنان که آمدند در آنجا جلوس کردند، داده شد که داوری کنند.

m- طبق آنچه در آیه ۵ می آید منظور رستاخیز اول است. در اینجا مجدداً دو نوع تفسیر را که درباره هزار سال ذکر شده است باز می یابیم: (۱) در تفسیر اول منظور رستاخیز (جسمانی) برای دوران ماقبل آخر تاریخ نجات است. (۲) در تفسیر دوم این رستاخیز را باید به مفهوم روحانی درک نمود، یعنی زندگی جدیدی که مسیح می دهد (ر.ک کول ۲:۱۲؛ ۳:۱).

n- ترجمه دیگر: خوشبخت و مقدس آنان که...

o- ر.ک مکا ۲:۱۱ توضیح i.

p- بنا به نوشته های عهد عتیق شخصی به نام جوج در بین افراد نسل رؤبین وجود دارد (۱-توا:۵؛ ۴) و یکی از پسران یافت مأجوج نام داشته است (پید ۱۰:۲). حزقیال در بابهای ۳۸-۳۹ از حمله نهائی جوج پادشاه مأجوج علیه اسرائیل سخن می گوید هنگامی که اسرائیل مجدداً سروسامان یافته بود. به طور کلی نامهای جوج و مأجوج در روایات یهود جایگاه مهمی دارند و نام اقوامی هستند که قبل از دوران مسیحائی، در دوران مسیحائی و بلافاصله پس از آن به اسرائیل (و مخصوصاً به اورشلیم) هجوم خواهند برد ولی دخالت معجزه آسای خدا (که گاهی بوسیله مسیح موعود انجام می شود) اتحاد این دو قوم را نابود خواهد کرد که نشانه و نماد آخرین جنبش خصمانه دنیای مشرکان است، خصومتی که تا پایان روزگار به طور مطلق و قطعی ادامه دارد.



اش ۱۰:۱۶ ۱۸:۶۵ غلا ۴:۲۶ مکا ۳:۱۲ اش ۵۲:۱ هو ۲:۱۶ مکا ۱۹:۷	۲ و شهر مقدس، اورشلیم نو <sup>Z</sup> را دیدم، که از آسمان، از نزد خدا پایین می آمد، آماده شده همچون عروسی که برای شوهرش آرایش شده باشد <sup>a</sup> .	امین و حقیقی هستند. و به من گفت: تمام شد! من آلفا و امگا <sup>e</sup> ، آغاز <sup>f</sup> و انجام هستم. به کسی که تشنه است، از چشمه آب زندگی به رایگان خواهم داد.	دان ۸:۲۶ مکا ۹:۱۹ ۶:۲۲ اش ۱:۵۵ یو ۴:۱۰، ۱۴ ۳۷:۷ مکا ۷:۱۴ ۱۷:۲۲
حزق ۳۷:۲۷ زک ۱۴:۲	۳ و صدایی بلند شنیدم از تخت می آمد که می گفت: اینک مسکن <sup>b</sup> خدا با آدمیان، و با ایشان سکونت خواهد کرد، و ایشان قوم های او خواهند بود، و خدا، خودش با ایشان خواهد بود <sup>c</sup> .	۷ پیروزمند وارث این خواهد شد و من برایش خدا خواهم بود و او برای من فرزند <sup>ff</sup> خواهد بود.	حزق ۳۷:۲۷ مت ۱:۲۳
اش ۲۵:۸ ۱۰:۳۵ ۱۹:۶۵ مکا ۷:۱۷	۴ و او هر اشکی را از چشمهایشان پاک خواهد کرد؛ و مرگ دیگر وجود نخواهد داشت؛ نه ماتم، نه فریاد، نه رنج دیگر نخواهد بود؛ زیرا نخستین چیزها از بین رفته اند <sup>d</sup> .	۸ اما ترسویان و بی ایمانان و پلیدان و جنایتکاران و فحشاکنندگان و جادوگران و بت پرستان و تمام دروغگویان، نصیب ایشان، استخر آتش سوزان و گوگرد است که مرگ دوم می باشد.	اش ۲۵:۸ ۱۰:۳۵ ۱۹:۶۵ مکا ۷:۱۷
اش ۴۳:۱۹ قرن ۲:۱۷:۵	۵ و آنکه بر تخت نشسته است گفت: اینک همه چیز را نو می کنم. و می گوید: بنویس، زیرا این سخنان	اورشلیم نو از هفت بلای آخر را داشتند آمد و با من	اش ۴۳:۱۹ قرن ۲:۱۷:۵

Z - ر.ک مکا ۳:۱۲ توضیح f. ذکر اورشلیم جدیدی که از آسمان فرود می آید ترکیبی از دو موضوع است که در نوشته های عهد عتیق آمده است: از یک سو اورشلیم پایان روزگار به صورت کمال مطلوب ارائه می شود (ر.ک اش بابهای ۶۰ و ۶۲؛ ۱۸:۶۵-۲۵): از سوی دیگر نمونه ای آسمانی از نشانه های حضور خدا در میان قوم خود می باشد (ر.ک خروج ۲۵:۱۱-۹:۱۱). ذکر این دو موضوع برای آن است که نشان داده شود خدا چه طرح و نقشه ای دارد. در اینجا منظور از شهر مقدس، کلیسا است ولی کلیسایی که به هنگام باز آمدن مسیح حقیقتاً شکوهمند و به صورت کمال مطلوب خواهد بود. کلیسا را می توان اورشلیم نامید زیرا محل اجتماع قوم متبارک است و از آسمان می آید زیرا به دست بشر تحقق نیافته بلکه جمعیتی است که خدا بنیان نهاده و تشکیل داده است (ر.ک همچنین غلا ۲۶).

a - ر.ک مکا ۷:۱۹ توضیح X.

b - تحت اللفظی: چادر یا صندوقچه پیمان که تحقق لاو ۲۶:۱۱-۱۳ است.

به طوری که در مکا ۷:۱۵-۱۷ نیز آمده در اینجا موضوع حضور خدا در میان آدمیان به صورت نوشته های کتاب خروج بیان شده است. همین نکته در یو ۱۴:۱۰ ذکر گردیده ولی در مورد راز تن گیری مسیح و افتتاح دوران حضور در پایان روزگار است.

c - این عبارت مفهوم دقیق همان کلمه عمانوئیل (= خدا با ما) است: ر.ک اش ۷:۱۴؛ ۸:۸؛ ۱۰ (طبق بعضی از نسخه های خطی می توان ترجمه کرد: و او - خدا با ایشان - خدای ایشان خواهد بود).

d - تحت اللفظی: اولین چیزها گذشته اند.

e - ر.ک مکا ۱۸:۱ توضیح a.

f - همین کلمه یونانی در مکا ۳:۱۴ نیز آمده است و برای مطابقت با آن بایستی «اساس» ترجمه شود ولی در آنجا منظور اساس آفرینش است در صورتی که در اینجا بدون مضاف الیه کلمه اساس مبهم خواهد بود و لذا آغاز ترجمه شده است.

ff - [تحت اللفظی: پسر].

- به سخن در آمده، گفت:
- ۲:۲۱:۷:۱۹ بیبا تا عروس، همسر بره را به تو نشان دهم.
- حزق ۲:۴۰<sup>۱۰</sup> و مرا در روح بر کوهی عظیم و بلند برد، و به من شهر مقدس اورشلیم را نشان داد که از آسمان، از نزد خدا فرود می‌آمد،<sup>۱۱</sup> شکوه خدا را داشت.<sup>g</sup>
- اش ۲-۱:۶۰ درخشش آن به مانند سنگی بسیار گرانبها، همچون سنگ یشم بلورین.
- حزق ۳۵-۳۱:۴۸<sup>۱۲</sup> باروئی بلند و عظیم دارد. دوازده دروازه دارد و بر روی دروازه‌ها دوازده فرشته، و نام‌هایی نوشته شده که از آن دوازده قبیله اسرائیل است.<sup>h</sup>
- ۱۳ در شرق، سه دروازه؛ و در شمال، سه دروازه؛ و در جنوب، سه دروازه؛ و در مغرب سه دروازه.
- افس ۲۰:۲<sup>۱۴</sup> و باروی شهر دوازده پی دارد، و بر روی آنها دوازده نام دوازده رسول بره است.
- حزق ۳:۴۰<sup>۱۵</sup> و آنکه با من سخن می‌گفت یک نی زرین داشت، مکا ۱:۱۱
- تا شهر و دروازه‌هایش و باروی آن را
- اندازه بگیرد.
- ۱۶ و شهر چهارگوش است، و طول آن برابر عرض آن است و شهر را با نی اندازه گرفت که دوازده هزار استاد بود.<sup>۱</sup>
- طول و عرض و ارتفاع آن برابر است.
- ۱۷ و باروی آن را اندازه گرفت، صد و چهل و چهار ذراع، اندازه بشری که همان اندازه فرشته است.<sup>۱</sup>
- ۱۸ و مصالح باروی آن از یشم است، و شهر از طلای خالص، به مانند شیشه خالص.
- ۱۹ پی‌های باروی شهر با انواع سنگ‌های اش ۱۱:۵۴، ۱۲ گرانبها تزئین شده‌اند؛ پی اولی با یشم، دومی با یاقوت کبود، سومی با عقیق سفید، چهارم با زمرد، پنجمی با عقیق خرمائی، ششمی عقیق زعفرانی، هفتمی با زبرجد، هشتمی با یاقوت صورتی، نهمی با یاقوت زرد، دهمی با عقیق سبز، یازدهمی با بهرمان، دوازدهمی با یاقوت بنفش.
- ۲۱ و دوازده دروازه، دوازده مروارید؛

g- درخشش نورانی شکوه نشانه حضور مقام رفیع و والائی است چنانکه در افتتاح و تقدیس خیمه و صندوقچه پیمان ذکر شده است (ر. ک مکا ۱:۱۵:۸ توضیح Z).

توصیفی که بعداً ذکر می‌شود (اقدامات یکنواخت، وسایل و مصالح گرانبها و غیره) مخصوصاً برای آن است که کمال و برتری اورشلیم نو یادآوری شود. نحوه تصویری که در اینجا بکار برده شده از نوع تصاویر ظهور الهی و رؤیای اورشلیم بازسازی شده است که در حزق ۴۰-۴۱ آمده است. ضمناً در مورد بیان حقیقت جمعیت مسیحیان نیز بکار می‌رود.

h- کلیسا تحقق و انجام قوم عهد است (نیز ر. ک مکا ۷:۴-۸).

i- تحت اللفظی: شهر را با نی اندازه گرفت بر روی دوازده هزار استاد. [هر استاد = ۱۸۵ متر].

j- تحت اللفظی: اندازه انسان که همان فرشته است. یا: اندازه انسان یعنی آن فرشته. توضیحی که داده شده مبهم است و شاید فقط برای آن است که یادآوری کند آدمیان همچون فرشتگان «خدمتگزاران خدا» هستند (ر. ک مکا ۱۹:۱۰:۱۰:۲۲). مگر اینکه نویسنده خواسته باشد یادآوری نماید که این اندازه، ارزش معنوی و روحانی دارد (ر. ک مکا ۱۸:۱۳) و در اینجا کمال و برتری شهر مقدس را نشان می‌دهد (ر. ک مکا ۷:۴:۱۴:۱).

- هر دروازه یک مروارید بود،  
و میدان شهر از طلای خالص همچون  
شیشه شفاف است.  
۲۲ و در آن معبدی ندیدم؛  
زیرا خدا، خداوند قادر متعال و همچنین  
بره معبد آن است.<sup>k</sup>  
۲۳ و شهر نیازی به خورشید یا ماه ندارد تا  
آن را روشن کنند؛  
زیرا شکوه خدا آن را روشن کرده است و  
شمعدان آن بره است.  
۲۴ و ملت‌ها در روشنائی آن قدم برخواهند  
داشت  
و پادشاهان زمین شکوه خود را به آنجا  
می‌آورند!<sup>l</sup>  
۲۵ و دروازه‌های آن هرگز در روز بسته  
نخواهد شد،  
زیرا در آنجا شب نخواهد بود.<sup>m</sup>  
۲۶ و شکوه و افتخار ملت‌ها را در آن  
خواهند آورد.  
۲۷ و هرگز چیزی پلید
- و آنکه خیانت و دروغ انجام دهد، در آن  
وارد نخواهد شد  
بلکه آنان که در کتاب زندگی بره نوشته  
شده اند.<sup>n</sup>  
۲۲<sup>۱</sup> و به من رودخانه‌ای از آب زندگی،  
درخشان همچون بلور نشان داد  
که از تخت خدا و بره بیرون می‌آمد.<sup>o</sup>  
۲ در وسط میدان [شهر] و در دو طرف  
رودخانه<sup>p</sup>،  
درخت زندگی<sup>q</sup> که دوازده بار میوه می‌دهد  
و هر ماه میوه خود را می‌دهد  
و برگ‌های درخت برای شفا دادن ملت‌ها  
است.  
۳ و دیگر لعنتی نخواهد بود.<sup>r</sup>  
و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و  
بندگان او را پرستش خواهند کرد.  
۴ و چهره او را خواهند دید و نامش بر روی  
پیشانی ایشان خواهد بود.  
۵ و دیگر شبی نخواهد بود  
و نیازی به روشنایی چراغ و روشنایی
- یو: ۲:۱۹-۲۱؛ مکا: ۳:۲۱؛ اش: ۱:۶۰، ۱۹؛ اش: ۲:۲-۴؛ مکا: ۶:۲۵-۸
- اش: ۱۱:۶۰
- ک- در اورشلیم آسمانی دیگر جایی مختص حضور قدوسیت وجود ندارد: زیرا ارتباط با خداوند بدون واسطه و فوری است و همین نکته تحقق کامل «حضور خدا در میان آدمیان» است (ر.ک مکا: ۳:۲۱). برابر یو: ۲:۲۱ جسم مسیح، معبد نو دوران پایان روزگار است.
- l- منظور راه پیمایی بزرگ در پایان روزگار برای زیارت اورشلیم است که محل اجتماع روحانی همه اقوام شده است (ر.ک اش: ۳:۶۰، ۱۱).
- m- ظلمات هم به مانند دریا باقیمانده وضعیت هرج و مرج ابتدائی قبل از آفرینش است و در آفرینش جدید وجود نخواهد داشت (ر.ک مکا: ۱:۲۱).
- n- ر.ک مکا: ۳:۵ توضیح y.
- o- برابر حزق: ۱:۴۷-۱۲ رودخانه از معبد فوران می‌کرد: در اورشلیم نو معبد همان خداوند، خدا و بره خواهد بود (ر.ک مکا: ۲:۲۱). تصویری که در اینجا بکار برده شده تأکید می‌کند که زندگی مستقیماً از خدا و بره می‌آید (نیز ر.ک یو: ۳:۷).
- p- تحت اللفظی: در وسط میدان و رودخانه از یک سو و سوی دیگر. این عبارت مبهم و دو پهلو تصویری از باغ عدن است و می‌توان آن را به طرق مختلف تفسیر نمود: یا اینکه درختان زندگی بر روی سواحل رودخانه قرار دارند؛ یا یک درخت زندگی در وسط رودخانه‌ای است که برطبق یو: ۲:۱۰ به شاخه‌های متعددی منشعب می‌شود.
- q- ر.ک مکا: ۲:۷ توضیح e. عبارت درخت زندگی که در اینجا و در آیه ۲۹ آمده در ترجمه تحت اللفظی چوب زندگی است.
- r- همچنین می‌توان ترجمه کرد: دیگر نفرینی نخواهد بود. منظور الغای حکمی است که ورود به بهشت را ممنوع می‌کرد (ر.ک یو: ۳:۲۲-۲۴).

- خورشید ندارند  
زیرا خداوند، خدا بر روی ایشان خواهد  
تایید  
و به روزگاران و روزگاران سلطنت  
خواهند کرد. دان ۷:۱۸، ۲۷  
مکا ۵:۱۰
- گفتار پایانی**
- <sup>۶</sup> و به من گفت: اینها سخنان امین و حقیقی  
هستند و خداوند، خدای ارواح  
پیامبران، فرشتگان خود را فرستاد  
تا آنچه را باید به زودی فرا رسد به  
بندگان نشان دهد،  
و اینک به زودی می آیم.  
خوشا بر آنکه سخنان پیامبری این کتاب  
را نگه می دارد.  
<sup>۸</sup> و من، یوحنا که این را می شنیدم و  
می دیدم،  
پس از اینکه شنیدم و دیدم به زمین  
افتادم تا به پاهای فرشته ای که این را به  
من نشان می داد سجده کنم.  
<sup>۹</sup> و به من می گوید: زنهار!  
من خدمتگزاری چون تو و برادرانت  
پیامبران  
و آنان که سخنان این کتاب را نگه  
می دارند هستم؛  
در برابر خدا سجده کن.  
<sup>۱۰</sup> و به من می گوید: سخنان پیامبری این  
کتاب را مهر نکن<sup>s</sup>،  
زیرا زمان نزدیک است!  
دان ۸:۲۶  
مکا ۱۹:۱، ۲۱  
۵:۲۱  
دان ۲:۲۸  
مکا ۱:۱۹، ۱۶:۲۲  
۱۱:۳، ۳:۱  
۲۰، ۱۲، ۱۰:۲۲  
مکا ۱۹:۱۰  
۴:۱۰  
۱۲، ۷:۲۲، ۳:۱
- <sup>۱۱</sup> تا ظالم همچنان ظلم بکند و پلیید  
همچنان خود را آلوده سازد،  
و عادل همچنان عدالت کند و مقدس  
همچنان خود را مقدس سازد.  
<sup>۱۲</sup> اینک به زودی می آیم  
و مزد من با من است تا به هر کس برابر  
عمل او بپردازم.  
<sup>۱۳</sup> من آلفا و امگا هستم،  
نخستین و آخرین،  
آغاز و فرجام.  
<sup>۱۴</sup> خوشا بر آنان که لباسهای خود را  
می شویند  
تا بر درخت زندگی اقتدار داشته از  
دروازه ها به شهر درآیند.  
<sup>۱۵</sup> بیرون شوید! ای سگان و جادوگران و  
فحشاکنندگان و جنایتکاران و بت پرستان  
و هر آن که دروغ را دوست داشته انجام  
می دهد.  
<sup>۱۶</sup> من، عیسی، فرشته ام را فرستاده ام تا  
درباره کلیسا بر این گواهی دهد.<sup>t</sup>  
من از ریشه و نژاد داود<sup>u</sup>، ستاره درخشان  
بامدادم<sup>v</sup>.  
<sup>۱۷</sup> و روح القدس و عروس می گویند: بیا!  
و آنکه می شنود بگوید: بیا!  
و آنکه تشنه است بیاید،  
آنکه می خواهد از آب زندگی  
به رایگان برگیرد.  
<sup>۱۸</sup> من به هر که سخنان پیامبری این کتاب  
را می شنود گواهی می دهم:
- اش ۴۰:۱۰  
مز ۲۸:۴  
۱۳:۶۲  
مت ۲۷:۱۶  
اش ۴۱:۴  
۶:۴۴  
مکا ۱:۸، ۱۷  
۶:۲۱، ۸:۲  
بید ۲:۹  
۳:۲۲  
مکا ۲:۷  
۱۹:۲۲  
۸:۲۱، ۸:۲۷  
۱۹:۲۲  
۱:۱، ۱:۱۱  
۶:۲۲  
اش ۵۵:۱  
یو ۷:۳۷  
مکا ۲۱:۶

S- ترجمه دیگر: پنهان مکن. ر. ک مکا ۱۰:۴ توضیح W.

t- همچنین می توان ترجمه کرد: تا برای شما این گواهی را در میان کلیساها بیاورد.

u- ر. ک مکا ۵:۵ توضیح t.

v- ر. ک مکا ۲:۲۸ توضیح u.

تث ۴:۲ اگر کسی بر آن بیفزاید خدا بلاهایی را  
 که در این کتاب نوشته شده است خواهد  
 افزود.  
 ۱۹ و اگر کسی از سخنان این کتاب پیامبری  
 حذف کند  
 خدا نصیب او را از درخت زندگی و از  
 ۲۰ آنکه شهادت می دهد چنین می گوید:  
 آری من به زودی می آیم  
 آمین! بیا. ای خداوند عیسی<sup>W</sup>!  
 ۲۱ لطف خداوند عیسی با همه باد!

۳:۱  
 ۱۱:۳  
 ۱۲، ۱۰، ۷:۲۲  
 ۱-قرن ۱۶:۲۲

W- همان عبارت آرامی «مارانانا» که بیان اُمید بازگشت مسیح در پایان روزگار است و در آئین پرستش بکار می رود (ر.ک. ۱-قرن ۱۶:۲۲).

## مخفف اسامی کتاب مقدس

Genese	Genesis	پیدایش	=	پید
Exode	Exodus	خروج	=	خروج
Levitique	Leviticus	لاویان	=	لاو
Nombres	Numbers	اعداد	=	اعد
Deuteronomie	Deuteronomy	تثنیه	=	تث
Josue	Joshua	یوشع	=	یوشع
Juges	Judges	داوران	=	داور
Ruth	Ruth	روت	=	روت
1 Samuel	1 Samuel	۱- سموئیل	=	۱- سمو
2 Samuel	2 Samuel	۲- سموئیل	=	۲- سمو
1 Rois	1 Kings	۱- پادشاهان	=	۱- پاد
2 Rois	2 Kings	۲- پادشاهان	=	۲- پاد
1 Chroniques	1 Chronicles	۱- تواریخ	=	۱- توا
2 Chroniques	2 Chronicles	۲- تواریخ	=	۲- توا
Esdras	Ezra	عزرا	=	عز
Nehemie	Nehemiah	نحمیا	=	نح
Tobie	Tobit	طوبیاس	=	طو
Judith	Judith	یهودیه بنت مراری	=	یهودیه
Esther	Esther	استر	=	استر
1 Maccabees	1 Maccabees	۱- مکابیان	=	۱- مک
2 Maccabees	2 Maccabees	۲- مکابیان	=	۲- مک
Job	Job	ایوب	=	ایوب
Psaumes	Psalms	مزامیر	=	مز
Proverbs	Proverbs	امثال	=	امت
Ecclesiaste	Ecclesiastes	جامعه	=	جا
Cantique des Cantiques	Song of Songs	غزل غزلها	=	غزل
Sagesse	Wisdom	حکمت	=	حک
Ecclesiastique	Ecclesiasticus	بن سیراخ	=	بنسی
Isaie	Isaiah	اشعیا	=	اش
Jeremie	Jeremiah	ارمیا	=	ار
Lamentations	Lamentations	مراثی	=	مرا
Baruch	Baruch	باروخ	=	بار
Ezechiel	Ezekiel	حزقیال	=	حزق
Daniel	Daniel	دانیال	=	دان
Osee	Hosea	هوشع	=	هو
Joel	Joel	یوئیل	=	یول
Amos	Amos	عاموس	=	عا

Abdias	Obadiah	عوبديا	=	عو
Jonas	Jonah	يونس	=	يون
Michee	Mikah	ميكاه	=	ميك
Nahum	Nahum	ناحوم	=	نا
Habacuc	Habakkuk	حقوق	=	حب
Sophonie	Zephaniah	صفنيا	=	صف
Aggee	Haggai	حجي	=	حجي
Zacharie	Zechariah	زكريا	=	زك
Malachie	Malachi	ملاكي	=	ملا
Matthieu	Matthew	متي	=	مت
Marc	Mark	مرقس	=	مر
luc	Luke	لوقا	=	لو
Jean	John	يوحنا	=	يو
Actes	Acts	اعمال رسولان	=	اع
Romains	Romans	روميان	=	روم
1 Corinthiens	1 Corinthians	١-قرنثيان	=	١-قرن
2 Corinthiens	2 Corinthians	٢-قرنثيان	=	٢-قرن
Galates	Galatians	غلاطيان	=	غلا
Ephesiens	Ephesians	افسيان	=	افس
Philippiens	Philippians	فيلبيين	=	في
Colossiens	Colossians	كولسيان	=	كول
1 Thessaloniens	1 Thessalonians	١-تسالونيكيان	=	١-تسا
2 Thessaloniens	2 Thessalonians	٢-تسالونيكيان	=	٢-تسا
1 Timothee	1 Timothy	١-تيموثاوس	=	١-تيمو
2 Timothee	2 Timothy	٢-تيموثاوس	=	٢-تيمو
Tite	Titus	تيطس	=	تيط
Philemon	Philemon	فيلمون	=	فيل
Hebreux	Hebrews	عبرانيين	=	عبر
Jacques	James	يعقوب	=	يع
1 Pierre	1 Peter	١-پطرس	=	١-پطر
2 pierre	2 peter	٢-پطرس	=	٢-پطر
1 Jean	1 John	١-يوحنا	=	١-يو
2 Jean	2 John	٢-يوحنا	=	٢-يو
3 Jean	3 John	٣-يوحنا	=	٣-يو
Jude	Jude	يهودا	=	يهو
Apocalypse	Revelation	مكاشفه	=	مكا